

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

الْمُسْتَوِلُّ، وَ نِعْمَ الْمُعْطَى، أَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ، وَ لَا تَرُدُّ

سؤال کرده شده و نیکی بخشنده تویی آن که ناامید نمی سازی سؤال کننده خود را و بر نمی گردانی

رَاجِيكَ، وَ لَا تَطْرُدُ الْمُلِحَّ عَنْ بَابِكَ، وَ لَا تَرُدُّ دُعَاءَ سَائِلِكَ، وَ لَا تَمُلُّ

تو امیدوار خود را و منع نمی کنی سائل را از درگاه خود و بر نمی گردانی دعای طلب کننده از تو را و غمگین نمی شوی

دُعَاءَ مَنْ أَمَلَكَ، وَ لَا تَتَبَرَّمُ بِكَثْرَةِ حَوَائِجِهِمْ إِلَيْكَ، وَ لَا بِقَضَائِهَا

دعای کسی که امید داشته باشد از تو و دلگیر نمی گردی به سبب زیادتی حاجتهای ایشان به سویت و نه به

لَهُمْ، فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِيعِ خَلْقِكَ إِلَيْكَ فِي أَسْرَعِ لَحْظِ

سبب برآوردن حاجتها برای ایشان به درستی که برآوردن حاجتهای همه آفریدگان تو در نزد تو زودتر است از نگاه

الطَّرْفِ، وَ أَخْفُ عَلَيْكَ، وَ أَهْوَنُ عِنْدَكَ مِنْ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ، وَ

به گوشه چشم و سبک تر است بر تو و آسان تر است نزد تو از پر پشه ای و

حَاجَتِي إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مُعْتَمِدِي وَ رَجَائِي، أَنْ تُصَلِّيَ

حاجت من به سویت ای آقای من و مولای من و محل اعتماد من و امید من آن است که رحمت فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، فَقَدْ جِئْتُكَ ثَقِيلَ

بر محمد و بر آل محمد و آن که بیامیزی برای من گناه مرا چون من آمدم تو را در حالی که سنگین است

الظَّهِرِ بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي، وَ رَكِبَنِي مِنْ مَظَالِمِ

بشت من به بزرگی آنچه ظاهر ساختم به تو آنرا از گناهان خودم و آنچه سوار شده ام مرا از مظالم های

عِبَادِكَ مَا لَا يَفْكُنِي، وَ لَا يُخَلِّصُنِي مِنْهُ غَيْرُكَ، وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ، وَ لَا

بندگان تو آن قدر که نگاه می دارید مرا و رهائی نمی کند مرا از او غیر تو و قدرت ندارد بر او و مالک نیست

يَمْلِكُهُ سِوَاكَ، فَامْحُ يَا سَيِّدِي كَثْرَةَ سَيِّئَاتِي بِسَبِيرِ عِبْرَاتِي،

آنرا سواي پس را بپوش کن ای مولای من بسیاری گناهان مرا به کمی اشک چشم من

بَلْ بِقَسَاوَةِ قَلْبِي، وَ جُمُودِ عَيْنِي، لَا بَلْ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ

بلکه به سختی دل من و خشکی چشم من نه به سبب آن که گفتم بلکه به سبب رحمت تو که فرا گرفته است

كُلَّ شَيْءٍ، وَ أَنَا شَيْءٌ فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتُكَ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا

هر چیزی را و حال آن که من چیزم پس باید که فراگیرد مرا رحمت تو ای بخشنده ای مهربان ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ لَا تَمْتَحِنِي بِشَيْءٍ مِنَ الْمَحَنِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا،

رحم کننده ترین رحم کنندگان و آزمایش مکن مرا به چیزی از بلاها در این دنیا

وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي، وَ لَا تَهْلِكُنِي بِذُنُوبِي، وَ عَجَلْ

و مستولی مگردان بر من کسی را که رحم نکند بر من و هلاک مکن مرا به سبب گناهان من و شتاب ندای

خَلَاصِي مِنْ كُلِّ مَكْرُوهِ، وَ ادْفَعْ عَنِّي كُلَّ ظُلْمٍ، وَ لَا تَهْتِكْ سِتْرِي، وَ

در نجات من از هر ناخوشی و دور کن از من هر ستمی را و پاره مکن پرده مرا و

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

لَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ جَمْعِكَ الْخَلَائِقَ لِلْحِسَابِ، يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ وَ

رسوا مکن مرا در روز جمع کردن تو مخلوقات را برای حساب ای کسی که بزرگ است بخشش و

الثَّوَابِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُحْيِيَنِي

ثواب تو سوال می کنم تو را آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آن که زنده داری مرا

حَيَوَةَ السُّعْدَاءِ، وَ تُمِيتَنِي مِيتَةَ الشُّهَدَاءِ، وَ تَقْبَلَنِي قَبُولَ الْأَوْدَاءِ،

زندگی نیکبختان و بمیرانی مرا مردن شهیدان و قبول کنی مرا قبول کردن دستان

وَ تَحْفَظَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ مِنْ شَرِّ سَلَاطِينِهَا، وَ فُجَّارِهَا وَ

و آن که نگاهداری مرا در این دنیا دنیای پست از شر پادشاهان ظالم و از فاسقان آن و

شِرَارِهَا وَ مُحِبِّيْهَا، وَ الْعَامِلِينَ لَهَا وَ فِيهَا، وَ قَبِي شَرِّ طُغْيَاتِهَا وَ

از بداندان آن و از دوستداران دنیا و از کارکنندگان از برای دنیا و نگاه دار مرا از بدی یاغیان در دنیا و

حُسَّادِهَا، وَ بَاغِيَ الشِّرْكِ فِيهَا، حَتَّى تَكْفِيَنِي مَكْرَ الْمَكْرَةِ، وَ تَفْتَأَ

شک برندگان در آن و اختیار کنندگان شرک در دنیا تا آن که نگاهداری مرا از حيلة مکاران و آن که کور کنی

عَنِّي أَعْيُنَ الْكَفَرَةِ، وَ تُفْحِمَ عَنِّي أَلْسُنَ الْفَجْرَةِ، وَ تَقْبِضَ لِي عَلَى

از دیدن من چشمهای کافران را و ساکت و گنگ گردانی از من زبانههای فاسقان را و ببندی برای من بر

أَيْدِي الظَّالِمَةِ، وَ تُوهِنَ عَنِّي كَيْدَهُمْ، وَ تُمِيتَهُمْ بِغِيْظِهِمْ، وَ تَشْغَلَهُمْ

دستهای ستمکاران و خوار کنی از من دشمنی ایشان را و آن که بمیرانی ایشان را به خشم خودشان و مشغول گردانی ایشان را

بِأَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ وَ أَفْئِدَتِهِمْ، وَ تَجْعَلَنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فِي

به گوشههای ایشان و به چشمهای ایشان و به دلهای ایشان و آن که بگردانی مرا از اینها همه در

أَمْنِكَ وَ أَمَانِكَ وَ حُجَّتِكَ وَ سُلْطَانِكَ وَ كَنْفِكَ وَ حِجَابِكَ وَ عِيَانِكَ وَ

سلامتی از جانب خود و امان خود و در دلیل خود و در پادشاهی خود و در نگاهداشتی خود و

جَوَارِكَ، وَ مِنْ جَارِ السَّوْءِ، وَ جَلِيسِ السَّوْءِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

در پرده خود و در پناه خود و در همسایگی خود و از شر همسایه بد و از هم نشین بد به درستی که تو بر هر چیز

قَدِيرٌ، إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ،

توانایی به درستی که دوست من خدانی است که فرو فرستاده است قرآن را و او دوست می دارد صالحان را

اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ، وَ بِكَ أَلُوذُ، وَ لَكَ أَعْبُدُ، وَ إِلَيْكَ أَرْجُو، وَ بِكَ

خداوندای به تو پناه می برم و به تو التجا می برم و از برای تو عبادت و بندگی می کنم و از تو امیدوارم و از تو

أَسْتَعِينُ، وَ بِكَ أَسْتَكْفِي، وَ بِكَ أَسْتَغِيثُ، وَ مِنْكَ أَسْأَلُ فَصَلِّ عَلَى

طلب یاری می نمایم و به تو طلب کارگذاری می کنم و از تو طلب فریادری می نمایم و از تو سوال می کنم پس رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ، وَ سَعْيٍ مَشْكُورٍ، وَ

محمد و بر آل محمد و بر مگردان مرا به سوی آخرت مگر به گناه آمرزیده و سعی در عمل مقبول و

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

تِجَارَةٌ لَّنْ تَبُورَ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا

بوداگری که زیان نکند و آن که به جا آوری با من آنچه که تو سزاوار آنی و نکنی به من آنچه را که من

أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَ أَهْلُ الْفَضْلِ وَ الرَّحْمَةِ،

لایق به آنم به درستی که تو سزاواری به آن که پرهیزکاری نمایند برای مردمان و سزای بی به آمرزش و سزاواری به احسان و بخشش

إِلَهِي وَ قَدْ أَطَلْتُ دُعَائِي، وَ أَكْثَرْتُ خِطَابِي، وَ ضَبِيقُ صَدْرِي

ای خدای من دراز کرده‌ام دعای خود را و بسیار کرده‌ام مناجات و کلام خود را و تنگی سینۀ من

حَدَانِي عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ حَمَلَنِي عَلَيْهِ عِلْمًا مِّنِّي بِأَنَّهُ يُجْزِيكَ

خوانده‌است مرا بر این درازی و باز داشته‌است مرا بر آن جهت دانستن من به آن که کافی است مرا

مِنْهُ قَدْرُ الْمِلْحِ فِي الْعَجِينِ، بَلْ يَكْفِيكَ عَزْمُ إِزَادَةٍ، وَ أَنْ يَقُولَ

از دعای من قدر نمک در خمیر بلکه کافی است تو را قصد اراده و اینکه بگوید بنده

الْعَبْدُ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ، وَ لِسَانٍ صَادِقٍ يَا رَبِّ، فَتَكُونُ عِنْدَ ظَنِّ

به نیت درست و زبانی راست که، ای پروردگار من پس هستی حاضر و دانان نزد گمان

عَبْدِكَ بِكَ، وَ قَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْأَرَادَةِ قَلْبِي، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

بنده خود به تو که راز گفته‌است تو را به قصد اراده خود دل من پس سؤال می‌کنم تو را آن که رحمت فرستی تو

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَقْرُنَ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ مِنْكَ، وَ

بر محمد و بر آل محمد و آن که متصل سازی حاجت مرا به برآوردن از جانب تو و

تُبَلِّغَنِي مَا أَمَلْتُهِ فِيكَ، مِنْهُ مِنْكَ وَ طَوْلًا وَ قُوَّةً وَ حَوْلًا، وَ لَا

برسانی به من آنچه را که امید دارم از زود تو از روی منت از جانب تو و احسان و توانایی و قدرت تو و آن که بر نخیزانی

تُقِيمُنِي مِنْ مَقَامِي هَذَا إِلَّا بِقَضَاءِ جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ، فَإِنَّهُ عَلَيْكَ

مرا از مقام این مقام مگر به برآوردن همه آنچه سؤال نموده‌ام تو را به درستی که این بر تو

يَسِيرٌ، وَ خَطَرُهُ عِنْدِي جَلِيلٌ كَبِيرٌ، وَ أَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ، يَا سَمِيعُ يَا

آسان است و شأن آن نزد من بسیار و بزرگ است و تو بر آن توانایی، ای شنوا، ای

بَصِيرٌ. إِلَهِي وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ، وَ الْهَارِبِ مِنْكَ إِلَيْكَ

بینا، ای خدای من و این مقام محل ایستادن پناه برنده به توست از آتش و گریزنده از توست به سوی

مِنْ ذُنُوبٍ قَدْ تَهَجَّمَتْهُ، وَ عُيُوبٍ فَضَحَتْهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

از گناهانی است که هجوم آورده شدند او را و از عیبهائی است که رسوا کرده‌اند او را پس رحمت فرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ، وَ انْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ، أَفُوزُ بِهَا إِلَى جَنَّتِكَ، وَ اعْطِفْ

محمد و نگاه کن به سوی من نگاهی از روی مهربانی که برسم به سبب آن به سوی بهشت تو و مهربانی کن

عَلَيَّ عَطْفَةً أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِكَ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ لَكَ وَ بِيَدِكَ، وَ

بر من مهربانی را که خلاص شوم به سبب آن از عقوبت تو به درستی که بهشت و دوزخ برای توست و به دست توست و

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

مَفَاتِيحُهَا وَمَغَالِيقُهَا إِلَيْكَ، وَأَنْتَ عَلَى ذَلِكَ قَادِرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ

کلیدهای آنها و قفلهای آنها به سویست و تو بر این توانائی و آن بر تو

هَيِّنْ يَسِيرٌ، فَاَفْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ يَا قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

سهل و آسان است پس بکن به من آنچه را که سؤال کردم از تو ای توانا و نیست حرکتی و نه توانائی مگر

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، وَ صَلَّى اللَّهُ

به خدای بلند مرتبه بزرگ و کافی است ما را خدا و نیکی و کفایت است و رحمت فرستد خدا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

بر محمد و بر خاندانش که پاکانند.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: علی بن حماد گفت که من این دعا را از ابی الحسن علی علوی عریضی فرا گرفتم و او بر من شرط نمود آن که این دعا را به شخص سنی مذهب ندهم و آن را عطا نکنم مگر به کسی که مذهب او را بدانم و او را بشناسم که از دوستان اهل بیت علیهم السلام است و در نزد من جماعتی از برادران مؤمن بودند که به ایشان دعا را می دادم. تا آن که بر من در بصره یکی از قاضیهای شهر اهواز وارد شد که سنی بود و حق نعمت بسیار بر من داشت و مرا احتیاج به آن بود و هرگاه من به شهر آن شخص وارد می شدم در خانه او فرود می آمدم. او را پادشاه گرفت و حبس نمود و از او سند مبلغ بیست هزار درهم ضمانت گرفت و مرا بر او رحم آمد و جهت خلاصی او، این دعا را به او دادم.

هنوز یک هفته تمام نشده بود که او را پادشاه رها نمود بدون واسطه ای و از وجه سند چیزی از او نگرفته، سند او را به او باز داد و او را در نهایت اعزاز و احترام به شهر خودش روانه نمود و من او را تا به شهر ابله مشایعت نمودم و از آنجا به شهر بصره معاودت نمودم و بعد از چند روز هر چند این دعا را طلب نمودم، آن را نیافتم. در میان کتابهای خود تفتیش بسیار کردم، اثری از این دعا پیدا نشد.

سپس آن را از ابوالمختار حسینی طلبیدم که از روی نسخه او این دعا را نوشته بودم. او نیز هر چند سعی نمود آن نسخه را در میان کتابهای خود نیافت و تا بیست سال هر چند طلب نمودم این دعا را نیافتم. سپس دانستم که این عقوبتی است از جانب خدا از جهت آن که من این دعا را به آن شخص قاضی سنی مذهب دادم و بعد از بیست سال آن را در میان کتابهای خود یافتم، با وجود آن که مکرر تفتیش کتابها را کرده بودم. از این به بعد قسم خوردم و با خود شرط و عهد نمودم آن که دیگر این دعا را ندهم، مگر به کسی که به دین او و مذهب او کاملاً اطلاع و اعتماد داشته باشم که از شیعیان و محبّان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است یا نه، و بعد از آن که آن نیز عهد و شرط نماید که این دعا را ندهد مگر به کسی که از محبّان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و از

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

مؤمنان است. و به خدای تعالی استعانت می جویم و بر او اعتماد می نمایم. سید بن طاووس رحمه الله گوید: ما در کتاب «اغاثة الداعي و اعانة الساعي» دعاهای بسیار از برای مولای ما حضرت امام زمان محمد مهدی علیه السلام ذکر کرده ایم و از جمله آنها «دعای علوی مصری» است به روایتی دیگر که مخالف است به این روایت که در این کتاب نقل شده است. اگر کسی بخواهد به آن کتاب رجوع نماید. و همچنین دعائی را چند از برای آن حضرت در تعقیب ظهر از کتاب «مهمات و تقمات» ذکر کرده ایم.

نماز حضرت امام زمان علیه السلام

سید بن طاووس رحمه الله گوید: در کتاب «کنوز النجاح» ابو علی فضل بن حسن طبرسی رحمه الله دیدم که از مولای ما حضرت صاحب الامر علیه السلام به این عبارت نقل نموده است: روایت نموده احمد بن دربی از خزامة ابی عبدالله حسین بن محمد بزوفری که گفت: از ناحیه مقدسه نوشته ای از حضرت امام زمان محمد مهدی علیه السلام بیرون آمد به این مضمون: هر کس حاجتی به خدای عز و جل داشته باشد، در شب جمعه بعد از نصف شب غسل کند و بر جای نماز خود آید و دو رکعت نماز گذارد، در رکعت اول حمدا بخواند، چون به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» برسد، این آیه را صد مرتبه مکرر گوید و سوره حمدا در مرتبه آخر تمام کند و بعد از آن سوره توحید را یک بار بخواند. آنگاه رکوع و سجود کند و هفت مرتبه ذکر رکوع و سجود را مکرر گوید. آنگاه به همین نحو که مذکور شد رکعت دوم را به جای آورد، چون از نماز فارغ شود این دعا را بخواند. به درستی که حاجت او برآورده می شود البته هر حاجت که باشد، مگر آن که قطع صله رحمی باشد:

اَللّٰهُمَّ اِنْ اَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ، وَ اِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ

خداوند! اگر فرمانبرداری کنم تو را پس ستایش برای توست و اگر نافرمانی کنم تو را پس غلبه برای توست. از جانب توست

الرَّوْحُ وَ مِنْكَ الْفَرَجُ، سُبْحَانَ مَنْ اَنْعَمَ وَ شَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَ

راحت و از جانب توست گشایش. منزه است کسی که نعمت داده است و ثواب داده است منزه است کسی که تواناست و

غَفَرَ. اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَاِنِّیْ قَدْ اَطَعْتُكَ فِیْ اَحَبِّ الْاَشْیَاءِ

امر زنده است. خداوند! اگر چه نافرمانی کرده ام تو را در امرهای به درستی که فرمانبرداری کرده ام در دوستدارترین چیزها

إِلَيْكَ وَ هُوَ الْاَيْمَانُ بِكَ، لَمْ اَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا، وَ لَمْ اُذَعْ لَكَ شَرِيكًا، مَنَّا

به سویت و آن چیز ایمان آوردن به توست فرا نگرفته ام برای فرزندی را و نخواهم برای شریکی را در حالی که منت گذارده ای

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيْكَ، وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى

از جانب خود به آن بر من نه آن که منی از جانب من به آن بر تو که نافرمانبرداری کرده‌ام تو را ای خدای من نه از

غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ وَلَا الْجُحُودِ

جهت انکار کردن تو را و نه از جهت بیرون رفتن از بندگی و نه از روی انکار

لِرَبُّوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ الْحُجَّةُ

بروردگاری تو را و لیکن از جهت پیروی نمودن خواهش نفس خود را و آن که از راه بیرون برداشتن مرا شیطان پس برای توست غلبه و مؤاخذه

عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَ

بر من و تمام کردن برهان بر من پس اگر عذوبت کنی مرا به سبب گناهان من نیستی ستم کننده و اگر بیامری مرا و

تَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ.

رحم کنی بر من به درستی که تو بخشنده صاحب کرمی ای بخشنده، ای بخشنده.

(و بگو یا کریم تا آن که نفس منقطع شود). سپس این را بگو:

يَا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ خَائِفٌ حَذِرٌ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ

ای آن که نمی ترسی از هر چیزی و همه چیز از تو ترسند و بیمناک است سؤال می کنم تو را به حق ترسیدن تو از

كُلِّ شَيْءٍ وَ خَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

هر چیز و به حق ترسیدن هر چیزی از تو آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وَلَدِي، وَ سَائِرِ مَا

محمد و آن که ببخشی به من امنیتی را برای نفس من و اهل من و فرزندان من و همه آنچه

أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا وَ لَا أَخْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا، إِنَّكَ

انعام کرده‌ای آن را بر من تا آن که نترسم احدی را غیر تو و حذر نکنم از چیزی هرگز به درستی که تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، يَا كَافِي

بر هر چیز توانائی و کافی است مرا خدا و نیکیو معتمدی است او ای نگاهدارنده

إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ، وَ يَا كَافِي مُوسَى فِرْعَوْنَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

ابراهیم از شر نمرود و ای نگاهدارنده موسی از شر فرعون سؤال می کنم تو را آن که رحمت فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ.

بر محمد و بر آل محمد و آن که نگاهداری مرا از شر فلان پسر فلان.

آنگاه نام آن شخص را ببر که از شر او می ترسی و از خدای تعالی نگاهداشتن از شر او را

طلب نمای. به درستی که خدای تعالی تو را از شر آن محافظت می کند. آنگاه سجده

کن و حاجت خود را سؤال کن و به خدای تعالی زاری نمای. به درستی که هیچ بنده

مؤمنی و نه زن مؤمنه‌ای نیست که این نماز را بخواند و این دعا را که مذکور شد هر روز

از روی اخلاص بخواند، مگر آن که درهای آسمان برای او گشوده شود و دعای او در

دعاهای حضرت صاحب الزمان (عج)

همان وقت و در همان شب و در هر وقت که باشد مستجاب گردد و این از جمله تفضل خدا بر بندگان خود است.

❁ دعای مستجاب ❁

سید بن طاووس (ع) گوید: در مجموعه دعاهای مستجاب مروی از پیغمبر و ائمه صلوات الله علیهم یافتیم که قطع آن بزرگتر از ثمن ورق و نزدیک به یک ششم بود که در اول آن نوشته بود، این دعای مستجاب بود: «اللَّهُمَّ اقْذِفْ فِي قَلْبِي رَجَاكَ». و در آخر آن، این دعای حضرت امام عالم و قائم آل محمد حضرت حجة (ع) بود.

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ، وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، تَفَضَّلْ
 خداوند! به حق کسی که با تو مناجات کرده و به حق کسی که خوانده است تو را در بیابان و در دریا احسان کن
 عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَ الثَّرْوَةِ، وَ عَلَى
 بر درویشان مردان مؤمن و زنان مؤمنه به توانگری و مالداری و بر
 مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصِّحَّةِ، وَ عَلَى أَحْيَاءِ
 بیماران مردان مؤمن و زنان مؤمنه به شفادادن و تندرستی و بر زنده‌های
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكَرَمِ، وَ عَلَى أَمْوَاتِ
 مردان مؤمن و زنان مؤمنه به مهربانی و بخشش و بر مرده‌های
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ عَلَى غُرَبَاءِ
 مردان مؤمن و زنان مؤمنه به آمرزش و رحمت و بر غریبه‌های
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ،
 مردان مؤمن و زنان مؤمنه به برگرداندن ایشان به سوی شهرهای خود در حالی که باشند به سلامت و نفع برنده
 بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.

به حق محمد و آل او همگی.

سید بن طاووس (ع) گوید: در سرّ مَنْ رَأَى بودم که وقت سحر دعای حضرت صاحب الامر (ع) را شنیدم به یادم ماند از دعائی که خواندند: الْأَحْيَاءُ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ. و بعد گفتند: وَ أَبْقِهِمْ يَا آن که: وَ أَحْيِهِمْ فِي عِزِّنا وَ مُلْكِنَا وَ سُلْطَانِنَا وَ دَوْلَتِنَا. و این حکایت در شب چهارشنبه بیست و سوم شهر ذی قعدة سنة (۶۳۷) هجری بود.

حجابهای پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام

که به برکت این حجابها، احتجاب نموده‌اند

از کسانی که اراده داشته‌اند

به ایشان بدی رسانند.

حجابهای پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام

حجاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ، وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا، وَإِذَا

داده شدیم بر دلهای ایشان پوششها از جهت آن که مبادا بفهمند قرآن را و گردانیدیم در گوشهای ایشان گراتی را و هرگاه

ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَخَذَهُ، وَلَوْ أَعْلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا. اللَّهُمَّ

یاد کنی پروردگار خود را در قرآن که یگانه است او باز گرداند کافران بر پشتهای خود در حالی که گریزنده اند، خداوند!

بِمَا وَارَتْ الْحُجُبُ مِنْ جَلَالِكَ وَ جَمَالِكَ، وَ بِمَا أَطَافَ بِهِ الْعَرْشُ

به حق آنچه پوشیده ماند پرده ها از بزرگیت و صفات تو به آنچه فرا گرفته است اورا عرش

مِنْ بَهَاءِ كَمَالِكَ، وَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَ بِمَا تُحِيطُ بِهِ

از صفتها کمال تو و به محللهائی که بسته شده است عزت تو از عرش تو و به آنچه فرو گرفته است اورا

قُدْرَتُكَ مِنْ مَلَكُوتِ سُلْطَانِكَ، يَا مَنْ لَا رَادَّ لِأَمْرِهِ، وَ لَا مُعَقِّبَ

توانائی تو از مملکتهاى پادشاهیت ای کسی که نیست برگرداندنهای برای امر تو و نه پس افکندهای

لِحُكْمِهِ، إِضْرِبْ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَعْدَائِي بِسِتْرِكَ الَّذِي لَا تُفَرِّقُهُ

برای فرمان تو، بزن و قرار ده میان من و میان دشمنان من پرده حجاب خود را که پاره نمی کند آنرا

الْعَوَاصِفُ مِنَ الرِّيحِ، وَ لَا تَقْطَعُهُ الْبَوَاقِرُ مِنَ الصَّفَاحِ، وَ لَا تَنْفَذُهُ

بادهای بسایار کنند از بادها و نسیمی برد اورا بزرگنده های از شمشیرها و فرو نسیمی رود

عَوَامِلُ الرِّمَاحِ، حُلْ يَا شَدِيدَ الْبَطْشِ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ يَرْمِينِي

به او سنانهای نیزه ها حایل و مانع شو ای آن که سخت است قهر و غضب تو میان من و میان کسی که می اندازد

بِخَوَافِقِهِ، وَ مَنْ تَسْرِي إِلَيَّ طَوَارِقَهُ، وَ فَرِّجْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ

به جانب من شمشیرهای خود را و میان کسی که وارد شود به سوی من بلیته های نازله در شب از جانب او و زایل گردان از من هر اندوه و

غَمٍّ، يَا فَارِجَ هَمِّ يَعْقُوبَ فَرِّجْ هَمِّي، يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ اكْشِفْ

غمی را ای زایل کننده اندوه یعقوب زایل گردان اندوه مرا ای برطرف کننده آزار ایوب برطرف کن

ضُرِّي، وَ اغْلِبْ لِي مَنْ غَلَبَنِي يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ، وَ رَدَّ اللَّهُ

آزار مرا و مغلوب گردان برای من کسی را که غلبه کرده است بر من ای غلبه کننده ای که نیستی مغلوب و برگردانیده است خدا

الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا. وَ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ

آن جماعتی را که کفر ورزیده اند ایشان به خشم خودشان نرسیده اند ایشان به نیکونی و نگاه داشته است خدا، مؤمنان را

الْقِتَالَ، وَ كَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا. فَأَيُّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ

در جنگ و هست خدا توانا و با عزت پس قوی گردانیدیم آن جماعتی را که ایمان آورده اند بر دشمنان ایشان

حجابهای پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام

فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ.

پس گردیدند مؤمنان غلبه کنندگان.



حجاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می کنم ب نام خدای بخشنده مهربان

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ

بگو ای محمد خداوندای صاحب پادشاهی می دهی پادشاهی را به کسی که می خواهی و می ستانی پادشاهی را از کسی که

تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

می خواهی و عزیز می کنی کسی را که می خواهی و خوار می گردانی کسی را که می خواهی بدست توست نیکنوی، بدرستی که تو بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ. تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَ

جیز بسیار توانائی. داخل می کنی شب را در روز و داخل می کنی روز را در شب و

تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ، وَتُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ

بیرون می آوری زنده را از مرده و بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی می دهی کسی را

تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ. اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، خَضَعَتْ

که خواهی به غیر از اندازه، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، فروتنی کرده اند

الْبَرِيَّةُ لِعَظَمَةِ جَلَالِهِ أَجْمَعُونَ، وَذَلَّ لِعَظَمَةِ عِزِّهِ كُلُّ مُتَعَاظِمٍ

خلایق برای بزرگی صفت های او همگی و خوارند برای بزرگی عزت او هر متکبری از خلایق و نمی یابد احدی از ایشان

مِنْهُمْ، وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ مِنْهُمْ إِلَى مَخْلَصٍ، بَلْ يَجْعَلُهُمُ اللَّهُ شَارِبِينَ

به سوی من راه خلاصی را بلکه می گرداند ایشان را خدا گریزنده و یاراکنده شده در

مُتَمَرِّقِينَ فِي عِزِّ طُغْيَانِهِمْ هَالِكِينَ، بِقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، مِنْ شَرِّ

شهرها و آن که باشند در غرور و غفلت سرکشی شان هلاک شوندگان و به حق این آیه که بگو ای محمد که پناه می برم به پروردگار صبح از شر

مَا خَلَقَ، وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ، وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ، وَ

آنچه آفریده است و از شر شب تاریک هرگاه داخل شود و از شر نفس های بساد دهنده در گره ها و

مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ. بِقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ

از شر حسود هرگاه رشک برد به حق این آیه که بگو ای محمد که پناه می برم به پروردگار آدمیان که پادشاه خلایق است و خدای

النَّاسِ، مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ

مردمان است از شر وسوسه کننده پنهان از نظرها آن که وسوسه می کند در سینه های

النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ. إِنَّغْلَقَ عَنِّي بَابُ الْمُتَأَخِّرِينَ مِنْكُمْ، وَ

مردمان از جنیان و آدمیان بسته شده است از من در جماعت تاخیر کنندگان از شماها و

حجابهای پیامبر اکرم و انقه هدی ﷺ

بُهِتُمْ ضَالِّينَ مَطْرُودِينَ بِالصَّافَاتِ، بِالذَّارِيَّاتِ، بِالْمُرْسَلَاتِ،

مستحیرید و گمراه و منع شده بوسیله فرشتگان صف زنده به حق پراکنده کنندگان به حق فرستاده شدگان

بِالنَّازِعَاتِ، أَزْجُرْكُمْ عَنِ الْحَرَكَاتِ، كُونُوا رَمَاداً تَبْسُطُوا إِلَيَّ يَدَا.

به حق فرشتگان کشندگان روح منع می کنم شما را از حرکت های بد باشید شما خاکستر دراز نکنید به سوی من دست خود را

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ، وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا

امروز می بندیم بر دهانهای کافران و سخن می گوید با ما دستهای ایشان و گواهی می دهد پایهای ایشان به آنچه بودند

كَانُوا يَكْسِبُونَ. هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ وَ لَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ،

در دنیا که به عمل آورده اند این روز، قیامت روزی است که نتوانند سخن گفت کافران و دستوری داده نمی شوند ایشان تا آن که عذرخواهی کنند

جَمَدَتِ الْأَعْيُنُ، وَ خَرَسَتِ الْأَلْسُنُ، وَ خَضَعَتِ الرَّقَابُ لِلْمَلِكِ

خشک می شود چشمها در آن روز و گنگ می شود زبانها و فروتنی می کنند گردنهای آنها از برای پادشاه

الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ بِالْمِيمِ وَ الْعَيْنِ وَ الْفَاءِ وَ الْحَائِثِينَ، وَ بِنُورِ

آفریدگان خداوند به حق میم (محمد) و عین (علی) و فاء (فاطمه) و دو حاء (حسن و حسین) و به حق روشنی

الْأَشْبَاحِ، وَ بِتَلَوِّ لِضِيَاءِ الْأَصْبَاحِ، وَ بِتَقْدِيرِكَ لِي يَا قَدِيرُ فِي

شبهها و به درخشندگی نور صبح و به حق تدبیر کردن تو چیزها را برای من ای توانادر

الْغَدُوِّ وَ الرَّوَّاحِ، إِكْفِنِي شَرَّ مَنْ دَبَّ وَ مَشَى، وَ تَجِيرَ وَ عَتَا، اللَّهُ

هر صبح و شام نگاهدار مرا از شر هر کسی که حرکت کند و راه رود و تکبیر کند و سرپیچی نماید، خدا

اللَّهُ الْغَالِبُ لَا مَنَجَا مِنْهُ لِهَارِبٍ، نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ. إِذَا

خدا غلبه کننده است نیست پناهی از جانب خدا برای گریزنده از او این نصرت و یاری است از جانب خدا و فتوحی است نزدیک هرگاه

جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ. إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ. كَتَبَ اللَّهُ

باید ای کردن خدا و فتح (مکه) اگر یاری کند شما را خدا پس نیست غلبه کننده ای برای شما بعد از این نوشته است خدا

لَا غَلِبَنَّا أَنَا وَ رَسُولِي، إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. أَمِنْ مَنْ اسْتَجَارَ بِاللَّهِ، لَا

در لوح محفوظ که هر آینه غالب می شوم و فرستادگان به درستی که خدا توانا و غلبه کننده است ایمن است کسی که پناه برد به خدا نیست

حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

حرکتی و نه توانائی مگر به خدا.



حجاب حضرت امام حسن علیهما السلام



اللَّهُمَّ يَا مَنْ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزاً وَ بَرْزَخاً وَ حِجْراً

خداوند ای کسی که گردانیده است میان دو دریا حائلی و مسافتی و مانع را

مَحْجُوراً، يَا ذَا الْقُوَّةِ وَ السُّلْطَانِ، يَا عَلِيَّ الْمَكَانِ، كَيْفَ أَخَافُ وَ

منع کرده شده، ای صاحب توانائی و پادشاهی، ای آن که بلند است منزلت و مرتبه او، چگونه بترسم و

حجابهای پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام

أَنْتَ أَمَلِي، وَ كَيْفَ أَضَامُ وَ عَلَيْكَ مُتَكَلِّبِي، فَغَطِّبِي مِنْ أَعْدَائِكَ

حال آن که تونی امید من و چگونه ستم دیده شوم و حال آن که بر توست اعتماد من پس بیوشان مرا از دشمنان خود

بِسِتْرِكَ، وَ أَفْرِغْ عَلَيَّ مِنْ صَبْرِكَ، وَ أَظْهِرْنِي عَلَى أَعْدَائِي بِأَمْرِكَ،

به پرده خودت و بریزان بر من از صبر از جانب خود و غالب گردان مرا بر دشمنان من به حکم خودت

وَ أَيْدِنِي بِنَصْرِكَ. إِلَيْكَ اللَّجَأُ وَ نَحْوُكَ الْمُلتَجَأُ، فَاجْعَلْ لِي مِنْ

تسوت بده مرا به یاریت، به سویت التجا و جانب توست پناه برده شده به آن پس بگردان برای من از

أَمْرِي فَرجاً وَ مَخْرَجاً، يَا كَافِي أَهْلِ الْحَرَمِ مِنْ أَصْحَابِ الْفِيلِ،

امر من گشادگی را و بیرون رفتنی را ای نگاه دارنده اهل حریم از شر صاحبان فیل

وَ الْمُرْسِلَ عَلَيْهِمْ طَيْراً أَبَابِيلَ، تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ، إِرْمِ

و فرستنده بر ایشان مرغ پرستو که را که بپندازد به جانب ایشان سنگی را از سنگ گل بپندازد

مَنْ عَادَانِي بِالتَّنْكِيلِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ

کسی را که دشمنی کرده است با من به عقوبت رسوا و قبیح خداوند به درستی که می طلبم از تو شفا یافتن از هر دردی و

النَّصْرَ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَ التَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى، يَا إِلَهَ مَنْ فِي

یاری کردن بر دشمنان را و مهیا نمودن اسباب را برای آنچه دوست می داری آن را و خشنودیت از آن، ای خدای کسی که در

السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى، بِكَ اسْتَشْفِي وَ بِكَ

آسمان و زمین است و آنچه میان آن هر دو است و آنچه در زیر خاک است از تو طلب شفا می کنم و

أَسْتَعْفِي، وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

از تو طلب سلامتی می نمایم و بر تو اعتماد می کنم پس زود باشد که نگاه دارد تو را خدا از شر دشمنان و خدا شنوای دعاها و دانای به قصدهاست.



حجاب حضرت امام حسین علیهم السلام



يَا مَنْ شَأْنُهُ الْكِفَايَةُ وَ سُرَادِقُهُ الرِّعَايَةُ، يَا مَنْ هُوَ الْغَايَةُ وَ

ای کسی که کار اوست نگاه داشتن بندگان و سرایرده اوست محافظت کردن مردمان ای کسی که اوست نهایت مطلبها و

النَّهْيَةُ، يَا ضَارِفَ السُّوءِ وَ السَّوَايَةِ وَ الضَّرِّ، إِصْرِفْ عَنِّي أَذِيَّةَ

منتهاهای مقصدها ای برگرداننده بدیها و ناخوشیها و آزارها بر گردان از من بدی و آزار

الْعَالَمِينَ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَجْمَعِينَ بِالْأَشْبَاحِ النُّورَانِيَّةِ وَ

عالمیان را از جنیان و آدمیان مملی به حق صورتهای صاحبان نور و روشنی و

بِالْأَسْمَاءِ السُّرِّيَّانِيَّةِ وَ بِالْأَقْلَامِ الْيُونَانِيَّةِ وَ بِالْكَلِمَاتِ

به حق نامهای به لغت علمای نحاری و به نوشته های حکما و علمای یونانیان و لهجه های

الْعِبْرَانِيَّةِ وَ بِمَا نَزَلَ فِي لَأَلْوَا حِ مِنْ يَقِينِ الْإِنْصَاحِ، اجْعَلْنِي

یهودان و به حق آنچه فرود آمده است در لوحهای موسی از امور حق و درست واضح بگردان مرا

حجابهای پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام

اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَ فِي حِرْزِكَ وَ فِي عِيَاذِكَ وَ فِي سِتْرِكَ وَ فِي

خداوند در حفظ خود و در گروه خود و در پناه خود و در پرده خود و در محافظت خود از هر شیطان سرکش و دشمن نشسته در

كَنْفِكَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ وَ عَدُوٍّ رَاصِدٍ وَ لَبِيمٍ مُغَانِدٍ وَ ضِدِّ

کمینگاه و از هر دشمنی و خصمی و عناد کننده ای و از هر مخالف کافری و از هر

كَنُودٍ وَ مِنْ كُلِّ خَاسِدٍ، بِبِسْمِ اللَّهِ اسْتَشْفَيْتُ وَ بِبِسْمِ اللَّهِ

رشک برنده ای به حق نام خدا طلب شفا یافتن کرده ام و به حق نام خدا

اِكْتَفَيْتُ، وَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ وَ بِهِ اسْتَعْنَيْتُ وَ عَلَيْهِ اسْتَعْدَيْتُ

طلب محافظت نموده ام و بر خدا اعتماد کرده ام و از او طلب یاری کرده ام و بنا بر اعتماد بر او طلب غلبه و تفوق نموده ام

عَلَى كُلِّ ظَالِمٍ ظَلَمَ وَ غَاشِمٍ غَشِمَ وَ طَارِقٍ طَرَقَ وَ زَاجِرٍ زَجَرَ،

بر هر ستم کننده ای که ستم نماید و بر هر ظالمی که ظلم کند و بر شیخون آورنده ای که شیخون آورد و بر هر منع کننده ای که منع کند

فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

پس خدا بهترین نگاهدارنده ای است و او رحم کننده ترین رحم کنندگان است.



حجاب حضرت امام زین العابدین علیهم السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اسْتَعْنَيْتُ، وَ بِبِسْمِ اللَّهِ اسْتَجَرْتُ، وَ

به بسم خدای بخشنده مهربان یاری می جویم و به بسم خدا پناه می برم و

بِهِ اعْتَصَمْتُ، وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ. اللَّهُمَّ نَجِّنِي

به او چنگ می زنم، و نیست توفیق مگر به خدا، بر او اعتماد کرده ام خداوند خلاصی ده مرا

مِنْ طَارِقٍ يَطْرُقُ فِي لَيْلٍ غَاسِقٍ أَوْ صُبْحٍ بَارِقٍ، وَ مِنْ كَيْدِ كُلِّ

از طاری وارد شونده ای که وارد شود در شب تاریک یا در صبح روشن و از مکر و حیله هر

مَكِيدٍ، أَوْ ضِدِّ أَوْ خَاسِدٍ حَسَدَ، زَجَرْتُهُمْ بِقُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ

مکاری یا مخالفت حق یا رشک برنده ای که رشک برد، منع می کنم شما را ای دشمنان به برکت آیه بگو تو ای که خدا یگانه است خدا

الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَ بِالْإِسْمِ

بی نامی که همیشه است نرزانیده و زانیده نشده و نیست برای او همسر و مانند کسی و به حق آن نام

الْمَكْنُونِ الْمُتَفَرِّجِ بَيْنَ الْكَافِ وَ النَّوْنِ، وَ بِالْإِسْمِ الْغَامِضِ

پنهان گشوده شده از مابین کاف و نون (یعنی کلمه کن) و به آن نام پوشیده و پنهان

الْمَكْنُونِ الَّذِي تَكُونُ مِنْهُ الْكُونُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ، أَتَدْرَعُ بِهِ مِنْ كُلِّ مَا

که می باشد از آن هستی چیزها پیش از آن که موجود شوند می پوشانم خود را به آن نام از هر آنچه

نَظَرَتِ الْعُيُونُ، وَ خَفَقَتِ الظُّنُونُ، وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ

نگاه کنند چشمها و گمان سست و ضعیف برند گمانهای بد و گردانیدیم از پیش روی ایشان حجاب و مانع را و

حجابهای پیامبر اکرم و انمه هدی ﷺ

مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا، فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ، وَ كَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا،

از عقب سر ایشان مانی پس پوشانیدیم چه چهای ایشان را پس ایشان نمی بینند و کافی است خدای برای متولی بودن کارها

وَ كَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا.

و کافی است خدا برای یاری کردن.



حجاب حضرت امام محمد باقر ﷺ



اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَمِيعًا، خَضَعَ لِنُورِهِ كُلُّ جَبَّارٍ، وَ

خدا روشن کننده آسمانها و زمین است همگی فروتنی کرده است برای روشنی خدا هر صاحب جبروتی و

خَمَدَ لِهَيْبَتِهِ أَهْلُ الْأَقْطَارِ، وَ هَمَدَ وَ كَنَدَ جَمِيعُ الْأَشْرَارِ، خَاضِعِينَ

فرو نشسته است برای ترس او اهل اطراف عالم و خاموش شدند و مقطوع گشتند همه شریران در حالی که فروتنی کنندگان

خَاسِبِينَ لِأَسْمَاءِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، حَجَبْتُ عَنِّي شُرُورَ جَبَّارِي

و خسوار و ذلیلند برای نامهای پروردگار عالمان دور می گردانم از خود بدیهای مستکبران

الْهَوَى، وَ مُسْتَرْقِي السَّمْعِ مِنَ السَّمَاءِ، وَ حُلَّالِ الْمَنَازِلِ وَ الدِّيَارِ،

در هوارا و بالاروندگان جهت شنیدن سخنان از آسمان و فرود آیینده های منزلها و خانه ها

وَ الْمُتَغَيِّبِينَ بِالْأَسْحَارِ، وَ الْبَارِزِينَ فِي أَظْهَارِ النَّهَارِ، حَجَبْتُكُمْ وَ

و پنهان شونده های در سحرها و ظاهرها شونده ها در وقت نصفهای روز دور می کنم شماها را و

زَجَرْتُكُمْ مَعَاشِرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ،

منع می کنم شما را ای گروه جانیان و آدمیان به نامهای خدای پادشاه صاحب جبروت

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ بِمِقْدَارٍ، لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ،

آفریدگار هر چیزی به اندازه مناسب نمی یابد خدایا چشمها و او ادراک می کند چشمها را

لَا مَنَجَا لَكُمْ جَمِيعًا مِنْ صَوَاعِقِ الْقُرْآنِ الْمُبِينِ، وَ عَظِيمِ أَسْمَاءِ

نیست محل پناهی برای شما هیچ یک از عذابهای هلاک کننده مذکور در قرآن بیان کننده حق و باطل و از بزرگی نامهای

رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا مَلْجَأَ لِرِوَادِكُمْ، وَ لَا مَنَقَذَ لِمَارِدِكُمْ، وَ لَا مَنَقَذَ

پروردگار عالمان نیست محل التجانی برای و لرد شونده های شما و نیست محل خلاصی برای سرکشی کننده های شما و نیست محل

لِهَا رَبِّكُمْ، مِنْ رَكْسَةِ التَّثْبِيطِ، وَ نِزَاعِ الْمَهْطِ، وَ رَوَاجِسِ

گریزی برای گریزنده شما از سرنگون افتادن در کاهلی و ضعف و از جدال در وقت اجتماع جهت اصلاح و از اضطرابها و وسوسه های

التَّخْبِيطِ، فَرَايَغُكُمْ مَحْبُوسٌ، وَ نَجْمٌ طَالِعُكُمْ مَنَحُوسٌ مَطْمُوسٌ،

دیوانگی پس حیل کننده های شما محبوس و ستاره طالع شما محبوس گردیده

وَ شَامِخٌ عَلِمُكُمْ مَنَكُوسٌ، فَاسْتَبْكُوا أَخْبَاتًا، وَ تَمَزَّقُوا أَشْتَاتًا، وَ

و بی نور است و بلند می غلم شما سرنگون است پس گریه کنید در حال تضرع و زاری کننده در حال پراکندگی

حجابهای پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام

تَوَاقَعُوا بِأَسْمَاءِ اللَّهِ أَمْوَاتًا، اللَّهُ أَغْلَبُ وَهُوَ غَالِبٌ وَإِلَيْهِ يَرْجِعُ

و بیفتید در بلاها به برکت نامهای خدا در حال مرگ، خدا غلبه کننده توست و خدا غلبه کننده است و به سوی او برمی گردد

كُلُّ شَيْءٍ، وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ.

هر چیزی، و او حکم کننده بسیار دانا است.

حجاب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

يَا مَنْ إِذَا اسْتَعَذْتُ بِهِ أَغَاذَنِي، وَإِذَا اسْتَجَزْتُ بِهِ عِنْدَ الشَّدَائِدِ

ای کسی که هرگاه پناه بردم به او پناه داده است مرا و هرگاه التماس کردم به او نزد سختیها

أَجَارَنِي، وَإِذَا اسْتَفْتْتُ بِهِ عِنْدَ النَّوَائِبِ أَغَاثَنِي، وَإِذَا

پناه داده است مرا و هرگاه طلب فریادری نمودم از او نزد وارد شدن بلاها به فریاد رسیده است مرا و هرگاه

اسْتَنْصَرْتُ بِهِ عَلَى عَدُوِّي نَصَرَنِي وَ أَغَاثَنِي، إِلَيْكَ الْمَفْرَعُ وَ

طلب یاری نمودم از او بر دشمن خود یاری کرده است مرا و امداد نموده است مرا به سویست ملجاء من و

أَنْتَ الثِّقَّةُ، فَاقْمَعْ عَنِّي مَنْ أَرَادَنِي، وَ أَغْلِبْ لِي مَنْ كَادَنِي، يَا مَنْ

توئی اعتماد من پس بر طرف کن از من شر کسی را که قصد کرده است مرا و غالب گردان مرا بر کسی که دشمنی کرده است با من ای کسی که

قَالَ: إِنْ يَنْصُرُكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ، يَا مَنْ نَجَّى نُوحًا مِنَ الْقَوْمِ

گفته است که اگر یاری کند شما را خدا پس نیست غلبه کننده ای بر شما ای کسی که نجات داده است نوح را از گروه

الظَّالِمِينَ، يَا مَنْ نَجَّى لُوطًا مِنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ، يَا مَنْ نَجَّى هُودًا

ستمکاران ای کسی که خلاص کرده است لوط را از جماعت ظالمان ای کسی که رهائی داده است هود را

مِنَ الْقَوْمِ الْغَادِرِينَ، يَا مَنْ نَجَّى مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ

از طایفه حیلّه کنندگان ای کسی که نجات داده است محمدا که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش از

الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، نَجِّنِي مِنْ أَعْدَائِي وَ أَغْدَائِكَ بِأَسْمَائِكَ يَا

گروه کافران خلاص کن مرا از شر دشمنان من و دشمنان توبه حق نامهای خود ای بخشنده، ای

رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، لَا سَبِيلَ لَهُمْ عَلَى مَنْ تَعَوَّذَ بِالْقُرْآنِ، وَ اسْتَجَارَ

مهربان نیست راهی برای برای دشمنان بر کسی که پناه گیرد به قرآن و پناه برد به

بِالرَّحِيمِ الرَّحْمَنِ، أَلَرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ

خدای مهربان بخشنده، خدا بر عرش مستولی و قادر است به درستی که قهر و غضب پروردگار تو

لَشَدِيدٌ، إِنَّهُ هُوَ يُبْدِيءُ وَ يُعِيدُ، وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ، ذُو الْعَرْشِ

هر آینه بسیار سخت است خدا خلق می کند در اول و زنده می کند در مرتبه دوم و خدا آمرزنده دوستدار است و صاحب عرش

الْمَجِيدِ، فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ،

بزرگ است کننده است هر آنچه را که خواهد پس اگر اعراض کنند کافران از ایمان به تو پس بگو که کافی است مرا خدا نیست خدائی مگر او

حجابهای پیامبر اکرم و انمه هدی ﷺ

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

بر او اعتماد کرده‌ام و اوست پروردگار عرش بزرگ.



حجاب حضرت امام موسی کاظم ﷺ



تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَ تَحَصَّنْتُ بِذِي الْعِزَّةِ وَ

اعتماد کرده‌ام بر زنده‌ای که نمی‌میرد و پناه گرفته‌ام به صاحب عزت و

الْجَبَرُوتِ، وَ اسْتَعَنْتُ بِذِي الْكِبَرِيَاءِ وَ الْمَلَكُوتِ، مَوْلَايَ

جبروت و یاری جسته‌ام به صاحب بزرگی و پادشاهی، ای مولای من

اسْتَسْلَمْتُ إِلَيْكَ فَلَا تُسَلِّمْنِي، وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَلَا تَخْذُلْنِي، وَ

اطاعت نموده‌ام به سوییت پس و امگذار مرا در هلاکت و اعتماد نموده‌ام بر تو پس ترک مکن یاری مرا و

لَجَأْتُ إِلَى ظِلِّكَ الْبَسِيطِ فَلَا تَطْرَحْنِي، أَنْتَ الْمَطْلَبُ وَ إِلَيْكَ

پناه برده‌ام به سوی سایه بلند و گسترده تو پس میانداز مرا در میان راه تو منی مطلب حاجتمندان و به سوییت

الْمَهْرَبُ، تَعْلَمُ مَا أُخْفِيَ وَ مَا أُعْلِنُ، وَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا

گریزگاه گناه کاران می‌دانی آنچه را که پنهان می‌کنم و آنچه را که آشکار می‌نمایم و می‌دانی اشاره به گوشه چشمها را و آنچه را

تُخْفِي الصُّدُورُ، فَأَمْسِكْ عَنِّي اللَّهُمَّ أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ مِنَ الْجِنِّ

که پنهان کنند آنرا بسینه‌ها پس نگاهدار از من خداوند دستهای ستمکاران را از جنیان

وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، وَ اشْفِنِي وَ عَافِنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و آدمیان همگی و شفاده مرا از آزارها و به سلامت دار مرا ای رحیم کننده‌ترین رحیم کنندگان.



حجاب حضرت امام رضا ﷺ



اسْتَسْلَمْتُ مَوْلَايَ لَكَ، وَ اسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَ تَوَكَّلْتُ فِي كُلِّ

فرمانبرداری کرده‌ام ای مولای من برایت و باز گذارده‌ام نفس خود را به سوییت و اعتماد کرده‌ام در همه

أُمُورِي عَلَيْكَ، وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ بَنُ عَبْدِكَ، أَخْبَأْنِي اللَّهُمَّ فِي

امرهای خود بر تو و من بنده توام و پسر دو بنده توام پنهان کن مرا خداوند از

سِتْرِكَ عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَ اعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ أَذًى وَ سُوءٍ بِمَنْكَ،

برده خود از شریرهای آفریدگان خود و نگاه دار مرا از هر آزاری و مکر و مری به بدخشن خود

وَ اكْفِنِي شَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ بِقُدْرَتِكَ. اللَّهُمَّ مَنْ كَادَنِي أَوْ أَرَادَنِي

و محافظت کن مرا از شر هر صاحب شری به توانائی خود خداوند کسی که دشمنی نماید با من و قصد نماید مرا

فَأِنِّي أَذْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ، وَ اسْتَعِيزُ مِنْهُ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، وَ سُدَّ

به درستی که منع می‌کنم و می‌زنم به سبب تو در گودی گردن او و پناه می‌برم از آن به قدرت تو و توانائیت و

حجابهای پیامبر اکرم و انقه هدی ﷺ

عَبَّيْ أَيْدِي الظَّالِمِينَ إِذْ كُنْتَ نَاصِرِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا أَرْحَمَ

محکم بپند از من دستهای ستمکاران را از جهت آن که هستی یاری کننده من نیست خدائی مگر تو ای رحیم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ وَ إِلَهَ الْعَالَمِينَ. أَسْأَلُكَ كِفَايَةَ الْأَذَى وَالْعَافِيَةَ وَ

رحیم کنندگان و خدای عالمان سؤال می کنم از تو نگاهداشتن از آزارها و سلامتی را و

الشِّفَاءَ، وَ النَّصْرَ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَ التَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَ

شفارای و ظفر یافتن بر دشمنان را و تهیة اسبابها برای آنچه دوست می داری آنرا ای پروردگار ما و

تَرْضَى، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، يَا جَبَّارَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ، يَا رَبَّ

آنچه خوشنودیت از آن ای خدای عالمان ای صاحب جبروت در آسمانها و زمینها ای پروردگار

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ، صَلِّوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

محمد و آل او که پاکیزگاتند رحمتهايت باد بر ایشان همه.

حجاب حضرت امام محمد تقی ﷺ

الْخَالِقُ أَعْظَمُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، وَ الرَّازِقُ أَبْسَطُ يَدًا مِنَ

آفریدگار بزرگتر است از آفریده شدگان و روزی دهننده گشاد دست تر است از

الْمَرْزُوقِينَ، وَ نَارُ اللَّهِ الْمُؤَصَّدَةُ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ تَكِيدُ أَفِيدَهُ

روزی داده شدگان و آتش خدا که بسته شده است در ستونهای کشیده شده دشمنی می نماید

الْمَرْدَةَ، وَ تَرُدُّ كَيْدَ الْحَسَدَةِ بِالْأَقْسَامِ بِاللُّوحِ

با دلهای باغیان و بر می گرداند مکر حسودان را به همه قسمها و به جمیع حکمها و به لوح

الْمَحْفُوظِ، وَ الْحِجَابِ الْمَضْرُوبِ، بِعَرْشِ رَبِّنَا الْعَظِيمِ. اِخْتَجَبْتُ

نگاهداشته شده ام از تغییر و بر پرده زده شده و به عرش پروردگار ما که بزرگتر است پوشیده شدم

وَ اسْتَتَرْتُ وَ اسْتَجَرْتُ وَ اغْتَصَمْتُ وَ تَحَصَّنْتُ، بِآلَمِ، وَ

و پنهان گشتم و پناهنه پردم و چنگ در زدم و به قلعه گر یختم به الم و

بِكَهْيَعَصٍ، وَ بَطْهٍ وَ بَطْسَمٍ، وَ بَطْسٍ، وَ بَحْمٍ، وَ بِحَمَقَسَقٍ، وَ بِقِ

به کهیعمص و به طه و به طسم و به طس و به حم و به حمسق و به ق و به

وَ الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ، وَ إِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ، وَ اللَّهُ وَلِيٌّ وَ

قرآن بزرگ مرتبه و به درستی که این قسم اگر بدانند مردمان بزرگ است و خدا دوست من است و

نِعْمَ الْوَكِيلُ.

نیکو معتمدی است او.

حجابهای پیامبر اکرم و انمه هدی ﷺ

حجاب حضرت امام علی نقی ﷺ

وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

و هرگاه می خوانی قرآن را می گردانیم ما میان تو و میان آن جماعتی که ایمان نمی آورند به آخرت

حِجَاباً مَسْتُوراً، وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ، وَ فِي

پردهای پوشیده شده و گردانیدیم بر دلهای ایشان پوششها تا آن که مبادا بفهمند قرآن را و گردانیدیم در

آذَانِهِمْ وَقَرَأَ، وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ

گوشهای ایشان گرانسی را و هرگاه اراده نمائی که بخوانی قرآن را پس پناه ببر به خدا از شر شیطان

الرَّجِيمِ، إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ

رانده شده از رحمت به درستی که نیست برای شیطان سلطنتی و قدرتی بر آن جماعتی که ایمان آورده اند بر پروردگار خود

يَتَوَكَّلُونَ. عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ تَوَكَّلِي، وَ أَنْتَ حَسْبِي وَ أَمَلِي، وَ مَنْ

اعتماد می کنند. بر تو است ای صاحب من اعتماد من و تو کافی ای مرا و تونی امید من و کسی که

يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ. تَبَارَكَ إِلَهُ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ

اعتماد کنند بر خدا پس او کافی است آن کس را بلند است خدای ابراهیم و اسمعیل و

إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ، رَبُّ الْأَرْبَابِ، وَ مَالِكُ الْمُلُوكِ، وَ جَبَّارُ

اسحق و یعقوب پروردگار همه پرورنده هاست و صاحب همه پادشاهان است و جبر کننده

الْجَبَابِرَةِ، وَ مَلِكُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. رَبِّ أَرْسِلْ إِلَيَّ مِنْكَ رَحْمَةً يَا

همه صاحبان جبروت است و پادشاه دنیا و آخرت است ای پروردگار من بفرست به سوی من از جانب خود

رَحِيمٌ، أَلْبِسْنِي مِنْكَ عَافِيَةً، وَ ازْرَعْ فِي قَلْبِي مِنْ نُورِكَ، وَ اخْبَأْنِي

رحمتی را ای رحم کننده بپوشان به من از جلا به خود سلامتی را و زراعت کن در دل من از روشنی از جانب خود و پنهان دار مرا

مِنْ عَدُوِّكَ، وَ احْفَظْنِي فِي لَيْلِي وَ نَهَارِي بِعَيْنِكَ، يَا أَنْسَ كُلِّ

از دشمن خود و نگاهدار مرا در شب من و روز من به چشم ملاحظه خود ای مونس هر

مُسْتَوْحِشٍ، وَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ. قُلْ مَنْ يَكْلُوكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ مِنْ

صاحب وحشت و ترسناکی و ای خدای عالمان بگو کیست که نگاهدار شما را در شب و روز از

الرَّحْمَنِ، بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ، حَسْبِيَ اللَّهُ كَافِيًا

عذاب خدا بلکه ایشان از یاد آوردن پروردگار خود روی گردانند کافی است

وَ مُعِينًا وَ مُغَافِيًا، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ

خدا برای نگاه داشتن و یاری نمودن و به سلامت داشتن، پس اگر روی گردانند کافران، بگو ای محمّد، پس است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او

تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

اعتماد کرده ام و خدا پروردگار عرش بزرگ است.

حجابهای پیامبر اکرم و انمه هدی ﷺ

حجاب حضرت امام حسن عسکری ﷺ

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ بِحَقِیْقَةِ اِیْمَانِیْ، وَ عَقْدِ عَزَمَاتِ یَقِیْنِیْ، وَ خَالِصِ
 خداوند! گواهی می‌دهم به راستی ایمان من و به بستن اراده‌های جزم و به بی‌غش بودن ظاهر
 صَرِیحِ تَوْحِیدِیْ، وَ خَفِیِّ سَطَوَاتِ سِرِّیْ، وَ شَعْرِیْ وَ بَشَرِیْ وَ
 اقرار من به یگانه‌گی و پنهان از قلمدهای پوشیده در خاطر من و گواهی می‌دهم موی من و پوست من و
 لَحْمِیْ وَ دَمِیْ، وَ صَمِیمِ قَلْبِیْ وَ جَوَارِحِیْ وَ لُبِّیْ، بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا
 گوشت من و خون من و وسط دل من و اعضای من و عقل من به آن که تویی خدا نیست
 اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، مَا لِكَ الْمُلُوكِ، وَ جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ، وَ مَلِكُ الدُّنْیَا وَ
 خدائی مگر تو صاحب همه پادشاهانی و جبر کننده همه صاحبان جبروتی و پادشاه دنیا و
 الْآخِرَةِ. تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِیَدِكَ الْخَیْرُ، اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ
 آخرتی. عزیز گردانی هر که را بخواهی. و خوار گردانی هر که را بخواهی. به دست توست نیکنی. به درستی که تو بر
 شَیْءٍ قَدِیْرٌ. فَاَعِزَّنِیْ بِعِزِّكَ، وَ اقْهَرْ لِیْ مَنْ اَرَادَنِیْ بِسَطَوَاتِكَ، وَ
 همه چیز توانائی پس غالب گردان مرا به غلبه خود و خشم کن برای من بر کسی که قصد کند مرا به قهر و
 اَخْبَانِیْ مِنْ اَعْدَائِیْ فِی سِتْرِكَ، صُمْ بِكُمْ عُمِّیْ فَهُمْ لَا یَرْجِعُونَ، وَ
 خشم خودت و پنهان کن مرا از نظر دشمنان من در پرده خود. گراتند کافران گنگانند ایشان کوراتند پس ایشان بر نمی‌گردند از کفر و
 جَعَلْنَا مِنْ بَیْنِ اَیْدِیْهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا، فَاَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ
 گردانیدیم از پیش روی ایشان حاجبی و مانع را و از عقب سر ایشان حاجبی و پردهای پس پوشانیدیم چشمهای ایشان راپس ایشان
 لَا یُبْصِرُونَ. بِعِزَّةِ اللّٰهِ اسْتَجَرْنَا، وَ بِاَسْمَاءِ اللّٰهِ اِیَّاكُمْ طَرَدْنَا، وَ
 نمی‌بینند چیزی را به عزت خدا پناه بردیم و به نامهای خدا شماها دشمنان را منع کردیم و
 عَلَیْهِ تَوَكَّلْنَا، وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِیْلُ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا
 بر او اعتماد نمودیم و خدا پس است مارا و نیکیو معتمدی است و نیست حرکتی و نه توانائی مگر به
 بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی
 خدای بلند مرتبه بزرگ و همه ستایش برای خداست که پروردگار عالمان است و رحم خدا باد بر
 سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ، وَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ
 بهتر ما که محمد پیغمبر خداست و بر خاندانش که پاکان و پاکیزگانند و کافی است مارا خدا و
 نِعْمَ الْوَكِیْلُ، وَ هُوَ نِعْمَ النَّصِیْرُ، وَ مَا لَنَا اِلَّا نَتَوَكَّلَ عَلٰی اللّٰهِ، وَ قَدْ
 نیکیو معتمدی است او و خدا نیکیو یاری کننده‌ای است و چیست مارا آن که اعتماد نکنیم بر خدا و حال آن که نموده‌است
 هَدٰیْنَا سُبُلَنَا، وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلٰی مَا اَذِیْتُمُوْنَا، وَ عَلٰی اللّٰهِ فَلِیَتَوَكَّلِ
 به ماراهای مارا و هر آینه صبر می‌کنیم ما بر آنچه آزار کنید شماها مارا و بر خدا و پس باید که

حجابهای پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام

الْمُتَوَكِّلُونَ، وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ،

اعتماد کنند اعتماد کنندگان و کسی که اعتماد نماید بر خدا پس خدا کافی است او را به درستی که خدا رساننده است فرمان خود را

قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا.

همانا قرار داده خدا برای هر چیزی اندازه ای.



حجاب حضرت امام زمان علیهم السلام



اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عُيُونِ أَعْدَائِي، وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي، وَ

خداوند ایستاد بیو نشان مرا از چشمهای دشمنان من و جمع کن میان من و میان دوستان من و

أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَ احْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي إِلَى أَنْ تَأْذَنَ لِي فِي

برآور برای من آنچه را که وعده داده ای مرا و نگاهدار مرا از بلاها در زمان پنهانی من از نظرها تا آن که رخصت دهی مرا در

ظُهُورِي، وَ أَخِي بِی مَا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَ سُنَّتِكَ، وَ عَجِّلْ

ظاهر شدن من بر مردمان و زنده و تازه گردان به سبب من آنچه را که برطرف و کهنه شده است از واجب های و ستنهای و شتاب نمای

فَرَجِي، وَ سَهِّلْ مَخْرَجِي، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ

در خلاصی من و آسان گردان بیرون آمدن را و بگردان برای من از نزد خود پادشاهی یاری دهند مرا و

افْتَحْ لِي فَتْحًا مُبِينًا، وَ اهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا، وَ قَبِّ جَمِيعَ مَا

بگشای برای من فتحی ظاهر را و بنمای به من راه راست را و نگاه دار مرا از همه آنچه می ترسم

أَحَازِرُهُ مِنَ الظَّالِمِينَ، وَ احْجُبْنِي عَنْ أَعْيُنِ الْبَاغِضِينَ النَّاصِبِينَ

از آن از گروه ستمکاران و پنهان دار مرا از چشمهای دشمنانی که ثابت کرده اند و قرار داده اند

الْعَدَاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، فَلَا يَصِلُ إِلَيَّ مِنْهُمْ أَحَدٌ بِسُوءٍ، فَإِذَا

دشمنی. دشمنی با اهل بیت پیغمبر تو تا آن که نرسد به سوی من کسی از ایشان به بدی پس هرگاه

أَذِنْتَ فِي ظُهُورِي فَأَيِّدْنِي بِجُنُودِكَ، وَ اجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُنِي لِنُصْرَةٍ

که اذن دهی در ظاهر شدن من پس قوی گردان مرا به سبب سپاه خود و بگردان کسانی را که پیروی نمایند مرا برای یاری کردن مرا

بِدِينِكَ مُرِيدِينَ، وَ فِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ، وَ عَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَ

دین تو را اراده کنندگان و در راه تو جهاد کنندگان و بر کسی که قصد کند مرا و

أَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِينَ، وَ وَفَّقْنِي لِاقَامَةِ حُدُودِكَ، وَ انْصُرْنِي

قصد نماید ایشان را به بدی ظفر یافتگان و توفیق ده مرا برای به پای داشتن حدهایت و یاری کن مرا

عَلَى مَنْ تَعَدَّى مَحْدُودَكَ، وَ انْصُرِ الْحَقَّ، وَ أَزْهِقِ الْبَاطِلَ، إِنَّ

بر ظفر یافتن بر کسی که تجاوز نموده باشد امرها و نهی های تو را و یاری ده حقا و برطرف گردان

الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا. وَ أُوْرِدْ عَلَيَّ مِنْ شَبِيعَتِي وَ أَنْصَارِي مَنْ

باطل را به درستی که باطل هست برطرف شوند و وارد ساز بر من از پیروان من و یاری کنندگان من کسی را

حجابهای پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام

تَقَرُّ بِهِمُ الْعَيْنُ، وَ يُشَدُّ بِهِمُ الْأَزْرُ، وَ اجْعَلْهُمْ فِي حِرْزِكَ وَ أَمْنِكَ،

که روشن شود به سبب ایشان چشم و محکم و سخت گردد به سبب ایشان پشت و بگردان ایشان را در پناه خود و در امنیت خود.

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به شفقت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: این حجابها از جمله دعاهائی است که من ملهم شدم و به خاطر رسید آنها را بخوانم در روزی که سیلاب تمام شهر را فرو گرفته بود و نزدیک بود که همه مردم غرق شوند به سبب طغیان آب، و به خاطر زیادی آب بیرون رفتن مردم از شهر دشوار بود، تا حدی که هر عمارتی و بنائی که به آن سیلاب می رسید، خراب می شد. این حجابها را خواندم و دعای ما مستجاب گردید و مردم به جاهای امن قرار گرفتند و آن بلیه برطرف شد و ما از آن به سلامتی نجات یافتیم.

دعاهائی که به خاطر رسید

سید بن طاووس رحمه الله گوید: دعاهائی که به خاطر خودم رسیده نقل می کنم:

اَللّٰهُمَّ اِذَا اَن اَسْتَدْعَاوُكَ لِرُوحِيْ اَنْ تَقْدُمَ عَلَيَّكَ، فَاِنِّيْ مِنْ الْاَن قَدْ

خداوند! هرگاه برسد وقت خواستن تو روح مرا آن که وارد شود بر تو، من از حالا

جَعَلْتُهَا مُسْتَجِيرَةً بِكَ، وَ ضَيْفًا لَّكَ، وَ هَارِبَةً مِنْكَ اِلَيْكَ، وَ قَدْ

بی گردانم او را پناه آورنده به تو و میهمان برایت و گریزنده از عذاب تو به سوی تو.

اَمَرْتُ بِاَمَانِ الْمُسْتَجِيرِ، وَ اِكْرَامِ الضَّيْفِ الْفَقِيرِ، وَ التَّعَطُّفِ عَلَى

فرموده ای به امان دادن پناه آورنده و به بخشش به میهمان درویش و به مهربانی کردن بر

الْهَارِبِ الْاَسِيرِ، فَاجْعَلْ رُوحِيْ فِيْ جُمْلَةِ الْاَمِنِينَ الْمُسْتَجِيرِينَ،

شخص گریخته گرفتار، پس بگردان روح مرا در جمله جماعت امان داده شدگان. پناه آورندگان

وَ الضُّيُوفِ الْمُكْرَمِينَ، وَ الْاَسْرَاءِ الْمَرْحُومِينَ.

و از جمله مهمانهای بخشش کرده شدگان و گرفتاران رحم کرده شدگان.

دعائی دیگر که به خاطر رسید

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَرَفْتَنِيْ بِكَ، وَ دَلَلْتَنِيْ عَلَيَّكَ، فَمدَدْتُ يَدِيْ بِكَ اِلَيْكَ،

خداوند! به درستی که تو شناسایندم مرا به خود و راهنمایی کردی مرا بسوی خود پس دراز کرده ام دست خود را به توفیق تو به سوی تو

حجابهای پیامبر اکرم و ائمه هدی

مُنْذُ خَمْسِينَ سَنَةً بَدَلُ سُؤَالِهَا. فَإِنْ كَانَ ظَفِرَتْ مِنْكَ بِأَمَالِهَا

مِنْتُ پنجاه سال که متلبسم به خولری سؤال آن پس اگر موفق شدماز جالب تو به امیدهای خودش

فَأَكْرَمُهَا فِيهَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهَا، لِظَفَرِهَا بِمَا لَكَ إِقْبَالُهَا. وَإِنْ كَانَتْ

پس بخشش نمای آنرا در آنچه باقی مانده است از عمر آن از جهت رسیدن آن به چیزی که از برای توست روی آوردن آن دست و اگر بوده است

قَدْ خَابَتْ فِي سُؤَالِهَا، فَارْحَمْ مَنْ قَدْ بَلَغَتْ بِسُوءِ أَعْمَالِهَا، إِلَى أَنْ

آن دست آن که ناامید بوده در طلب کردن خود پس رحم کن کسی را که رسیده باشد به سبب بدی کردار دست خود به این مرتبه

تَسْأَلُ خَمْسِينَ سَنَةً فِي السِّرِّ وَالْأَعْلَانِ، مِمَّنْ لَا يَنْقُصُهُ الْإِحْسَانُ،

که سؤال کنند او پنجاه سال در پنهان و آشکار از کسی که کم نمی کند او را نیکنی

وَلَا يَزِيدُهُ الْحِرْمَانُ، وَ عَادَتْ مِنْ بَابِهِ بِالْخَيْبَةِ وَالْحِرْمَانِ.

و زیاده نمی کند او را ناامید کردن و برگردد او از درگاه رحمت او به ناامیدی و محروم بودن.

دعای دیگر که به خاطر رسیده

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ مَا رَحِمْتَ رُوْحِيْ حِيْنَ عَرَضْتُهَا لِاَعْرَاضِكَ عَنْهَا، وَ

خداوند! من رحم نکردم بر نفس خود در هنگامی که در آوردم او را در معرض روی گردانیدن تو از او و حال آنکه

عَدُوُّكَ وَ عَدُوِّي الشَّيْطَانُ مَا رَحِمَهَا، وَ شِمِتَ بِمَا وَقَعَ مِنْهَا، وَ مَا

دشمن تو و دشمن من شیطان است رحم نمی کند بر نفس من و سرزنش می کنند همه کس او را و آنچه

بَقِيَ مَعَهَا اِلَّا اَنْتَ، فَلَا تَرْضَ لِجِلْمِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ كَرَمِكَ، اَنْ تَكُوْنَ

مادر شده است از او به آنچه باقی مانده است با او مگر تو پس راضی مباش تو از جهت حلمت و شفقت تو بخشش تو آن که باشی تو

كَوَاحِدٍ مِنَّا فِي تَرْكِ الرَّحْمَةِ لَهَا، وَ الْعِنَايَةِ بِهَا.

مثل یکی از ماها در باز داشتن رحمت خود را برای نفس من و بخشش خود را به آن نفس من.

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

که از کتابهای مختلف انتخاب شده است

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

ادعیه متفرقه

دعای حضرت آدم علیهِ السلام

کلماتی که از جانب پروردگار به حضرت آدم علیهِ السلام رسید و به برکت آنها توبه‌اش قبول شد. ما به سندهای خود روایت می‌کنیم تا به سعدبن عبدالله و او در کتاب «فضل الدّعا» نقل نموده‌است به سندهای خود تا محمدبن مسلم از حضرت امام محمد باقر علیهِ السلام که فرمودند: کلماتی که از جانب پروردگار به حضرت آدم علیهِ السلام رسید، این است:

اَللّٰهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، إِنِّي عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ

خداوند! نیست خدائی مگر تو تسبیح می‌کنم تو را و منتهی به ستایش کردن تو کرده من کار بد را و ستم نموده‌ام

نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي عَمِلْتُ

بر نفس خود پس بیامرز مرا به درستی که نمی‌آمرزد کسی گناهان را مگر تو. خداوند! به درستی که کرده‌ام کار

سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ.

بد را و ستم نموده‌ام بر نفس خود پس بیامرز مرا به درستی که تو بهترین آمرزندگان.

دعائی که خدای عز و جل به حضرت آدم علیهِ السلام جهت دفع وسواس شیطانی و خیالات نفسانی تعلیم نمود.

سیدبن طاووس رحمه الله گوید: ما به سندهای خود تا به سعدبن عبدالله روایت می‌کنیم و او در کتاب «فضل الدّعا» نقل نموده به سندهای خود تا هشام بن سالم از حضرت ابو عبدالله امام جعفر صادق علیهِ السلام که فرمودند: حضرت آدم علیهِ السلام به جناب اقدس الهی از خیالات باطله نفس شکوه نمود. جبرئیل علیهِ السلام نازل شد و به حضرت آدم علیهِ السلام گفت که این دعا را بگو تا از وسواس شیطانی و خیالات نفسانی در امان باشی:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

نیست حرکتی و نه توانائی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ.

چون حضرت آدم علیهِ السلام این کلمات را گفت، خدای تعالی آن خیالات را از او برطرف نمود. ای عزیز این است شأن نزول کلمه «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». از جمله دعای حضرت آدم علیهِ السلام به روایتی دیگر است در هنگامی که به او از جانب پروردگار کلماتی چند رسید. سیدبن طاووس رحمه الله گوید: ممکن است که مراد به کلمات،

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

این دعا و دعاء سابق هر دو باشد و دعا این است:

يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ، لَا يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ، وَلَا يُنْجِي مِنْ

ای پروردگار! ای پروردگار! ای پروردگار! بر نمی گرداند خشم تو را مگر بردباریت و خلاصی نمی دهد از

عُقُوبَتِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ، حَاجَتِي إِلَيْكَ إِنِّي أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ

عذاب تو مگر زاری نمودن به سویت مطلب من آن چنان مطلبی است که اگر عطا کنی آن را به من پس

يَضُرُّنِي مَا حَرَمْتَنِي، وَإِنْ حَرَمْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي.

ضرر نمی رسانی به من آنچه نداده ای و محروم کرده ای مرا از آن و اگر محروم کنی مرا از آن پس نفع نمی دهد مرا آنچه داده ای آن را به من.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ النَّارِ، يَا ذَا

خداوند! من سؤال می کنم از تو رسیدن به بهشت را و پناه می برم به تو از آتش جهنم ای صاحب

الْعَرْشِ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ،

عرش بلند و شریف ای صاحب بزرگی و گرامیداری و بخشش بلند و بزرگ

يَا ذَا الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، يَا اِلٰهَ الْعَالَمِيْنَ، يَا صَرِيخَ

ای صاحب پادشاهی با منبهاات و منقبت دانمی ای خدای عالمان ای فریادرس

الْمُسْتَضْرِخِيْنَ، وَ يَا مَنْزُولًا بِهِ كُلُّ حَاجَةٍ، اِنْ كُنْتُ رَضِيْتُ عَنْكَ

فریادرس طلبان ای فرود آمده به او هر حاجتی اگر هستی خشنود از من

فَارْزُدْ عَنِّي رِضًا، وَ قَرِّبْنِي مِنْكَ زُلْفَى، وَ اِلَّا تَكُنْ رَضِيْتُ عَنْكَ،

پس زیاده گردان تو خشنودی از من را و نزدیک گردان مرا به نزد خود کمال نزدیکی و اگر نیستی خشنود از من

فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ بِفَضْلِكَ عَلَيْهِمْ لَمَّا رَضِيْتُ عَنْكَ، اِنَّكَ اَنْتَ

به حق محمد و آل او و به حق زبادت احوال تو بر ایشان که خشنود شوی از من به درستی که تو

التَّوَابُ الرَّحِيمُ.

درگذرنده از گناهان و رحم کننده ای.

آنگاه حضرت ابو عبدالله (علیه السلام) فرمودند: این است آن دعائی که به او حضرت آدم (علیه السلام) از جانب پروردگار خود رسید. خدای تعالی به برکت این دعا توبه حضرت آدم (علیه السلام) را قبول نمود و به او وحی فرستادند: ای آدم مرا به حق محمد و آلش سؤال کردی و حال آن که او را ندیده ای. حضرت آدم عرض کرد که اسم او را دیدم که با اسمت بر عرش نوشته بود. زیرا که بر عرش «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» نوشته شده بود. راوی حدیث گوید: قسم به خدا که این دعا را نه در پنهانی و نه در آشکارا و نه در سختی و نه در رفاهیت نخواندم مگر آن که خدای تعالی حاجت مرا به برکت این دعا برآورده ساخته است.

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

❁ دعای حضرت نوح علیہ السلام ❁

سید بن طاووس رحمته الله گوید: در جزو چهارم از کتاب «دفع هموم و احزان» یافتیم که تألیف احمد بن داود نعمانی است آن که چون حضرت نوح علیه السلام به هول آب دریا و موجها آن نظر نمود، در دل او ترسی عظیم داخل شد. خدای عز و جل به او وحی فرستاد که هزار مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگو تا آن که تورا نجات دهم. چون باد داخل پرده بادبان کشتی شد، حضرت نوح علیه السلام هزار مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفت. او را خدای تعالی به برکت این کلمه، نجات داد.

❁ دعای حضرت ادریس علیہ السلام ❁

سید بن طاووس رحمته الله گوید: منقول از حسن بصری یافتیم آن که چون خدای تعالی حضرت ادریس علیه السلام را به قوم او فرستاد ابن نامهارا به او تعلیم و وحی کرد که این نامها آهسته و در نفس خود بگوید و آنها را برای قوم خود ظاهر نکند و خدا را به این نامها بخواند و به برکت این دعا بود که خدای تعالی او را به آسمان به مکانی بلند برد. بعد از آن این دعا را به موسی علیه السلام تعلیم نمود و بعد از آن به حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و آن حضرت این دعا را در جنگ احزاب خواندند. حسن بصری گوید: من از ترس حجاج پنهان بودم و این دعا را خواندم خدای تعالی شرّ او را از من نگاهداشت و هر آینه بر من کسان او شش مرتبه داخل شدند و من این دعا را خواندم مرا ندیدند و خدای تعالی چشمهای ایشان را از دیدن من پوشانید. راوی گوید: این دعا را جهت طلب آمرزش همه گناهان بخوان. سپس حاجت دنیا و آخرت خود را سؤال کن، انشاء الله حاجت برآورده می شود. این دعا دارای چهل اسم است:

(۱) سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ وَاِرْثَةُ (۲) يَا إِلَهَ

منزهی نیست خدائی مگر تو ای پروردگار هر چیز و ارث برنده از هر چیز، ای خدای

الْإِلَهَةِ الرَّفِيعِ جَلَالُهُ. (۳) يَا إِلَهَ الْمُحْمُودِ فِي كُلِّ فِعَالِهِ. (۴) يَا

همه پرستیده شدگان که بلند است بزرگی او، ای خدای ستایش کرده شده در همه کارهای او، ای

رَحْمَنَ كُلِّ شَيْءٍ وَ رَاحِمَهُ. (۵) يَا حَيُّ حَيِّنَ لَا حَيَّ فِي دَيْمُومَةٍ مُلْكِهِ

بخشنده هر چیز و رحیم کننده بر او، ای زنده در هنگامی که نیست زنده ای در همیشه بودن پادشاهی او

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیہ السلام

و بَقَائِهِ. (۶) يَا قَيُّوْمُ فَلَا شَيْءَ يَفُوتُ عِلْمُهُ وَ لَا يُوَدُّهُ. (۷) يَا وَاحِدُ

و در باقی بودن او، ای به خود بر پای نیست چیزی که بر طرف شود از آن علم خدا و به تعبیر نمی اندازد او را علم او، ای یگانه

الباقی أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ آخِرَهُ. (۸) يَا دَائِمُ بِلَا فَنَاءٍ وَ لَا زَوَالٍ لِمُلْكِهِ.

باقی که اول هر چیز و آخر آن است، ای همیشه که بر طرف نمی شود و نیست زوالی برای پادشاهی او.

(۹) يَا صَمَدٌ مِنْ غَيْرِ شَبِيهِهِ وَ لَا شَيْءَ كَمِثْلِهِ. (۱۰) يَا بَارِيَّ فُلَا

ای بسی نیاز از غیر آن که باشد مانند برای او و نیست چیزی مثل او، ای خلق کننده پس نیست

شَيْءٌ كُفُوُهُ وَ لَا مَكَانٌ لَوْصِفِهِ. (۱۱) يَا كَبِيرُ أَنْتَ الَّذِي لَا تَهْتَبِي

چیزی همسر او و نیست مکانی برای تعریف او، ای بزرگ تونی آن کسی که راه نمی یابند

الْقُلُوبُ لَوْصِفِ عَظَمَتِهِ. (۱۲) يَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بِلَا مِثَالٍ خَلَا مِنْ

دلها برای تعریف کردن بزرگی او، ای خلق کننده نفسها بدون نمونه ای که منتزع شود از

غَيْرِهِ. (۱۳) يَا زَاكِي الطَّاهِرُ مِنْ كُلِّ مَذْنَسَةٍ بِقُدْسِهِ. (۱۴) يَا كَافِي

غیر او، ای پاکیزه و پاک از هر چرک و کثافت به سبب مزه بودن او، ای کار گذار

الْوَاسِعُ لِمَا خَلَقَ مِنْ عَطَايَا فَضْلِهِ. (۱۵) يَا نَقِيٌّ مِنْ كُلِّ جَوْرِ لَمْ

احاطه کننده هر آنچه آفریده است از بخششهای زیادتی احسان خود، ای پاک از هر ظلمی که نیست

يَرْضَاهُ وَ لَمْ يُخَالِطْهُ فَعَالُهُ. (۱۶) يَا حَنَّانُ أَنْتَ الَّذِي وَسِعْتَ كُلَّ

خشنود از آن و داخل نشده است به آن ظلم کارهای او، ای مهربان تونی آن کسی که فرا گرفته ای هر

شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا. (۱۷) يَا مَنَّانُ ذَا الْإِحْسَانِ قَدْ عَمَّ الْخَلَائِقَ مِنْهُ.

چیز را از روی رحمت و دانایی، ای بخشنده صاحب نیکوئی شامل است همه آفریدگان را بخش او،

(۱۸) يَا دَيَّانَ الْعِبَادِ كُلُّ يَقُومُ خَاضِعاً لِرَهْبَتِهِ. (۱۹) يَا خَالِقَ مَنْ

ای جزا دهنده بندگان همه ایشان به پای می ایستند در حالی که زاری کننده اند از جهت ترس از او، ای آفریدگار هر کس که هست

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ كُلُّ إِلَيْهِ مَعَادُهُ. (۲۰) يَا رَحِيمَ كُلِّ

در آسمانها و زمین و همه ایشان به سوی اوست بازگشت آنها، ای رحیم کننده هر

صَرِيخٍ وَ مَكْرُوبٍ وَ غِيَاثُهُ وَ مَعَاذُهُ. (۲۱) يَا تَامُّ فَلَا تَصِفُ

فریادرس طلب کننده و اندوهناکی و فریادرس او و پناه او، ای آن که تمام است در همه صفتها پس تعریف نمی تواند نمودن

الْأَلْسُنُ كُلَّ جَلَالِهِ وَ مُلْكِهِ وَ عِزِّهِ. (۲۲) يَا مُبْدِيَّ الْبَدَائِعِ لَمْ يَبْغِ

زبانها هیچ چیز از بزرگی او و پادشاهی او و عزت او را، ای تازه پدید آورنده تازه ها نمی طلبد

فِي إِنْشَائِهَا عَوْنًا مِنْ خَلْقِهِ. (۲۳) يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ فَلَا يُوَدُّهُ شَيْءٌ

در آفریدن آنها مددکاری را از آفریدگان خود، ای بسیار دانای امرهای پنهان پس سنگینی نمی کنند او را چیزی

مِنْ حِفْظِهِ. (۲۴) يَا حَلِيمٌ ذَا الْأَنَاءَةِ فَلَا يَغْدِلُهُ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِهِ. (۲۵)

از نگاه داشتن او آن چیز را، ای بردبار صاحب مدارا پس همتانی و همسری نمی کند او را چیزی از آفریدگان او.

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیہ السلام

يَا مُعِيدَ مَا أَفْنَاهُ إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ لِدَعْوَتِهِ مِنْ مَخَافَتِهِ. (۲۶) يَا

ای برگرداننده آنچه را که برطرف کرده است آنرا در وقتی که ظاهر شوند آفریدگان برای خواندن او در قیامت از جهت ترس از عقوبت او. ای آنکه

حَمِيدَ الْفِعَالِ ذَا الْمَنْ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ. (۲۷) يَا عَزِيزُ

بسمندیدماست کارهای او که صاحب بخشش است بر همه آفریدگان خود به شفاعت خود. ای صاحب عزت

الْمَنْبِيعُ الْغَالِبُ عَلَى أَمْرِهِ فَلَا شَيْءَ يُغَادِلُهُ. (۲۸) يَا قَاهِرُ ذَا

و قوت که غلبه کننده است بر فرمان خود پس نیست چیزی که برابری کند و همتانی نماید او را. ای قهر کننده صاحب

الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، أَنْتَ الَّذِي لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ. (۲۹) يَا قَرِيبُ

خشم بسیار سخت تویی آن کسی که طاقت و قدرت ندارند مردمان عقوبت او را. ای نزدیک

الْمُتَعَالَى فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ اِرْتِفَاعُهُ. (۳۰) يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ بِقَهْرِ

بلند مرتبه ای که بالاتر از همه چیزهاست بلندی او. ای خوار و ذلیل کننده هر متکبری به سبب قهر

عَزِيزِ سُلْطَانِهِ. (۳۱) يَا نُورَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُذَاهُ، أَنْتَ الَّذِي فَلَقَ

غلبه پادشاهی خود. ای روشنی ده هر چیزی و راهنمای آن تویی آن کسی که شکافته است

الظُّلُمَاتِ نُورُهُ. (۳۲) يَا قُدُّوسَ الطَّاهِرِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ فَلَا شَيْءَ

سار نکهارا روشنی آن. ای پاکیزه و پاک از هر بدی پس نیست چیزی

يُعَازُهُ مِنْ خَلْقِهِ. (۳۳) يَا قَرِيبَ الْمُجِيبِ الْمُتَذَانِي دُونَ كُلِّ شَيْءٍ

که علیه نماید او را از آفریدگان او. ای نزدیک برآورنده حاجتها که نزدیک است نزد هر چیزی

قُرْبُهُ. (۳۴) يَا عَالِي الشَّامِخِ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عُلُوُّ اِرْتِفَاعِهِ. (۳۵) يَا

نزدیکی او. ای بسیار بلند که بالاتر از هر چیزی است بلندی رفعت او. ای

مُبْدِيَّ الْبَدَايَا وَمُعِيدَهَا بَعْدَ فَنَائِهَا بِقُدْرَتِهِ. (۳۶) يَا جَلِيلَ الْمُتَكَبِّرِ

سازه پدید آورنده تازهاها و برگرداننده آنها پس از برطرف شدن آنها به توانایی خود. ای بزرگ صاحب بزرگی

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَالْعَدْلُ أَمْرُهُ، وَ الصِّدْقُ وَعْدُهُ. (۳۷) يَا مَجِيدُ فَلَا

بر هر چیزی پس عدالت فرمان اوست و راستی وعده اوست. ای صاحب شرف پس

تَسْتَطِيعُ الْأَوْهَامَ كُلَّ شَأْنِهِ وَ مَجْدِهِ. (۳۸) يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ ذَا الْعَدْلِ

قدرت ندارند و همها یافتن همه صفتها و بزرگی و شرف او را. ای بخشنده در گذشتن از گناهان را. ای صاحب عدالت

أَنْتَ الَّذِي مَلَأَ كُلَّ شَيْءٍ عَدْلُهُ. (۳۹) يَا عَظِيمَ ذَا الثَّنَاءِ الْفَاخِرِ وَ

تویی آن کسی که پر کرده است هر چیزی را عدالت او. ای بزرگ صاحب ستایش بلند و

الْعِزِّ وَ الْمَجْدِ وَ الْكِبَرِيَاءِ فَلَا يَذِلُّ عِزُّهُ. (۴۰) يَا عَجِيبَ الصَّنَائِعِ

صاحب غلبه و شرف و بزرگواری پس خوار نمی شود غلبه او. ای آن که به تعجب می آورد کارهای او

فَلَا تَنْطِقُ الْأَلْسِنَةُ بِكُلِّ آيَةٍ وَ ثَنَائِهِ، يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُلِّ كُرْبَةٍ، وَ يَا

پس گویا نمی تواند شد زبانها به همه نعمتهای او و ستایش او. ای فریادرس من نزد هر اندوهی و ای

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

مُجِيبِي عِنْدَ كُلِّ دَعْوَةٍ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ الصَّلَاةِ عَلَى نَبِيِّكَ
 برآورنده حاجت من نزد هر خواندنی سؤال می‌کنم تو را خداوند! ای پروردگار من آن که رحمت فرستی بر پیغمبر خود که
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ أَمَانًا مِنْ عُقُوبَاتِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ،
 محمّد است رحمت فرستد خدا بر او و آن که امان دهی مرا از عذابهای دنیا و آخرت
وَ أَنْ تَحْبِسَ عَنِّي أَبْصَارَ الظَّالِمَةِ الْمُرِيدِينَ بِيَ السُّوءِ، وَ أَنْ
 و آن که به من چشمهای ستمکاران قاصد کنندگان مرا به بدی و آنکه
تَصْرِفَ قُلُوبَهُمْ عَنْ شَرِّ مَا يُضْمِرُونَ إِلَى خَيْرٍ مَا لَا يَمْلِكُهُ
 برگردانی دل ایشان را از شر آنچه در خاطر دارند ایشان به سوی بهتری آنچه مالک نیست آنرا
غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ هَذَا الدُّعَاءُ وَ مِنْكَ الْجَابَةُ، وَ هَذَا الْجُحْدُ وَ عَلَيْكَ
 غیر تو کسی خداوند! این است حاجت من و از توست برآوردن آن و این است نهایت سعی من و بر توست
التَّكْلَانُ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.
 اعتماد و نسبت حرکتی و نه توانائی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ.

دعای حضرت ابراهیم علیہ السلام

سید بن طاووس رحمته الله گوید: سابقاً نیز روایتی دیگر در دعای حضرت ابراهیم علیه السلام مذکور شد هنگامی که در آتش انداخته شد، خدای تعالی او را به برکت این دعا نجات داد. و در روایتی ذکر شده که این دعا از جمله اسرار بزرگ است و از برای آن قدری و منزلتی بسیار نزد خدای سبحانه و تعالی است. در آن روایت این دعا ذکر شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ
 خداوند من سؤال می‌کنم تو را ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، تو
الْمَرْهُوبُ يَرْهَبُ مِنْكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
 ترسیده شده از او که می‌ترسند از تو همه آفریدگان تو ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا،
يَا اللَّهُ، أَنْتَ الرَّفِيعُ فِي عَرْشِكَ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَوَاتِكَ، وَأَنْتَ
 ای خدا، تو بلند مرتبه در عرش تو که بالا ترست از بالای هفت آسمان تو و تو
الْمُطِلُّ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ لَا يَطُلُ شَيْءٌ عَلَيْكَ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا
 منظر و مطلع بر هر چیزی و مشرف نیست چیزی بر تو ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا،

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فَلَا يَصِفُ أَحَدٌ عَظَمَتَكَ، يَا

خدا، ای خدا تویی بزرگتر از هر چیز پس تعریف نمی تواند کرد کسی بزرگی تو را ای

اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا نُورَ النُّورِ، قَدْ اسْتَضَاءَ

خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، روشنایی ده روشنی که

بِنُورِكَ أَهْلُ سَمَوَاتِكَ وَ أَرْضِكَ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا

روشنی گرفته اند به سبب روشنی اهل آسمانها و زمین تو ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای

اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَعَالَيْتَ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَرِيكٌ، وَ تَكَبَّرْتَ أَنْ

خدا، نیست خدائی مگر تو، منزهی از آن که باشد برای شریکی و بزرگیت از آنکه

يَكُونَ لَكَ ضِدٌّ، يَا نُورَ النُّورِ، يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ، لَا خَامِدَ لِنُورِكَ، يَا

باشد برای کسی که برابری نماید تو را ای روشنی ده روشنی ای روشن کننده هر روشنی، نیست فرو نشاننده ای برای نورت ای صاحب و

مَلِيكَ كُلِّ مَلِيكِ، وَ كُلُّ مَلِيكِ يَفْنَى غَيْرُكَ، يَا نُورَ النُّورِ، يَا مَنْ مَلَأَ

مالک هر صاحب ملکی و هر صاحب مملکتی بر طرف می شود به غیر از تو ای روشنی ای کسی که پر کرده است

أَرْكَانَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِعَظَمَتِهِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا

اطراف آسمانها و زمین را به بزرگی خود ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای

اللَّهُ، يَا هُوَ يَا هُوَ، يَا مَنْ لَيْسَ كَهُوَ، يَا مَنْ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ، أَغْنِنِي

خدا ای آن که اوست و پس ای آن که اوست و پس ای کسی که نیست مثل او کسی ای کسی که نیست مانند او مگر خودش، فریادرس مرا

أَغْنِنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ، يَا مَنْ أَمْرُهُ كَلَمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا

فریادرس مرا در این وقت در این ساعت ای کسی که فرمان او مثل نگاه به گوشه چشم است یا زودتر ای

أَهِيًا شَرَاهِيًا، أَدُوْبِي أَصْبَاوْثَ آلِ شَدَايَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا

دانی ای همیشه ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای

اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ، يَا غَايَةَ مُنْتَهَاهُ وَ رَغْبَتَاهُ.

خدا ای پروردگار من ای پروردگار من ای نهایت و منتهای هر مطلب و حاجت من.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: چون حضرت ابراهیم علیه السلام این دعا را خواندند، همه فرشتگان

از آواز حضرت ابراهیم علیه السلام تعجب کردند و در این هنگام ندائی از جانب بالای آسمانها

در رسید که: «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ». یعنی: «ای آتش سرد باش و

سلامت بر ابراهیم». آنگاه آتش زودتر از چشم بر هم زدنی خاموش شد.



دعای حضرت یوسف علیه السلام



سید بن طاووس رحمه الله گوید: ما به سندهای خود روایت می کنیم تا به سعید بن هبة الله

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

راوندی و او در کتاب خود «قصص الانبیاء» به سندهای خود ذکر نموده که در آن کتاب تا به حضرت ابا عبدالله امام جعفر صادق علیه السلام ذکر نموده است آن که فرمودند: چون برادران یوسف او را در چاه انداختند، جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت: ای پسر، چه کسی تورا به این چاه انداخت؟ یوسف گفت: برادران من، از جهت آن که قرب و منزلت مرا در پیش پدر دیدند و حسد بردند. جبرئیل علیه السلام گفت: آیا می خواهی که از این چاه بیرون روی؟ یوسف گفت: اختیار این با خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب علیهم السلام است. جبرئیل گفت به درستی که خدای تعالی می فرماید: این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَقُّ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، بِدِیْعِ السَّمٰوٰتِ

خداوند! به درستی که سؤال می کنم تورا به آن که برای توست ستایش نیست خدائی مگر تو تونی آفریننده آسمانها

وَالْاَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اَلِ مُحَمَّدٍ،

و زمین بدون مادی ای صاحب بزرگی و بخشش آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد

وَ اَنْ تَجْعَلَ لِّیْ مِنْ اَمْرِیْ فَرْجًا وَّ مَخْرَجًا، وَ تَرْزُقَنِیْ مِنْ حَیْثُ

و آن که بگردانی برای من از کار من گشادگی و بیرون رفتن از بلاها را و آن که روزی دهی به من از جایی که

اُحْتَسِبُ وَّ مِنْ حَیْثُ لَا اُحْتَسِبُ.

گمان دارم و از جایی که گمان ندارم.

سیدبن طاووس علیه السلام گوید: در مجلد پنجم از کتاب «حلیة الاولیاء» تصنیف ابو نعیم در حدیث خراسانی دیدم آن که حضرت داود علیه السلام گفت: ای پروردگار من به چه جهت بنی اسرائیل هرگاه به ایشان اندوهی یا شدتی و بلائی وارد می شد، می گفتند: ای خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب علیهم السلام. جناب اقدس الهی به داود علیه السلام وحی فرستاد که به جهت آن که من حضرت ابراهیم را میان تحصیل رضای خود و امور دنیوی مخیر نکردم، مگر آن که حضرت ابراهیم تحصیل رضای مرا بر آن اختیار نمود و حضرت اسحاق برای من جان خود را بخشید و حضرت یعقوب را هرگاه به بلائی مبتلا ساختم، به من بدگمان نشد و صبر نمود تا آن که آن بلایا برطرف کردم.

دعای دوم حضرت یوسف علیهم السلام

دعای دوم حضرت یوسف علیه السلام در هنگامی که در چاه انداخته شده بود که آن را به روایتی دیگر یافتیم و ظاهر آن است که این هر دو دعا را خواندند:

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

يَا صَرِيحَ الْمُسْتَضْرَجِينَ، وَيَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَيَا مُفْرَجَ

ای فریادرس، فریادرس طغیان و ای غیثات مستغیثان و ای برطرف کننده

كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، قَدْ تَرَى مَكَانِي، وَتَعْرِفُ حَالِي، وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ

اندوه و اندوهناکان که می بینی جا و مرتبه مرا و می شناسی مرا و پنهان نیست بر تو

شئیءٌ مِنْ أَمْرِي.

چیزی از کارهای من.

دعای حضرت یوسف علیہ السلام هنگام ابتلا

دعاء حضرت یوسف علیہ السلام است که هنگام مبتلا شدن به بلائی آن را می خواند:

يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ، وَيَا رَازِقَ الْمُتَوَكِّلِينَ، وَيَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَيَا

ای رحیم کننده درویشان و ای روزی دهنده اعتماد کنندگان و ای پروردگار عالمان و ای

مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ، وَيَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

صاحب روز جزا و ای فریادرس اندوهناکان و ای برآورنده مطلب

الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا

بیچارگان و ای حکم کننده ترین حکم کنندگان و ای زود حساب کننده تر از حساب کنندگان و ای

خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ، وَيَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا كَبِيرَ كُلِّ كَبِيرٍ، يَا مَنْ

بهترین سوال کرده شدگان و ای صاحب بزرگی و بزرگی ای بزرگ هر بزرگی ای کسی که

لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا مَنْ هُوَ

نیست شریکی برای او و نیست وزیری برای او ای کسی که او بر همه چیز تواناست ای کسی که او

عَلِيمٌ خَبِيرٌ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ، يَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ

دانای بسیار داناست ای کسی که او به همه چیز بیناست ای آفریدگار آفتاب و ماه

الْمُنِيرِ، يَا جَابِرَ الْعَظَمِ الْكَسِيرِ، يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، يَا

روشن ای درست کننده استخوان شکسته و ای بسی نیاز کننده محتاج درویش و ای

مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ، يَا مُدَبِّرَ الْأَمْرِ ثُمَّ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ، يَا مَنْ لَا

رها کننده زندگیر کرده شده گرفتار ای تدبیر کننده در کارها به سوی اوست بازگشت همه آنها ای کسی که

يُجَارُ عَلَيْهِ وَهُوَ يُجِيرُ، يَا مَنْ يُخَيِّ الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَيْهِ يَسِيرُ،

پناه داده نمی شود گریخته از او و او پناه می دهد گریخته به سوی خود را، زنده می کند مرد مرا و ای زنده کردن بر او آسان است

يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مُغْنِيَ الْفَقِيرِ الضَّرِيرِ، يَا حَافِظَ

ای نگاهدارنده ترسان پناه برنده به سوی او ای توانگر کننده درویش بسیار بدحال ای محافظت کننده

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ
 طفل کوچک ای رحیم کننده مرد پیر بزرگ ای کسی که پوشیده نیست بر او
خَافِيَةٌ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا غَافِرَ الذُّنُوبِ، يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ،
 پنهان در آسمانها و زمین ای آمرزنده گناهان ای بسیار دانا ای همه امرهای پنهان
يَا سَاتِرَ الْغُيُوبِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ
 ای پوشاننده همه عیبها سؤال می کنم تو را آن که رحمت فرستی بر محمد و خاندان محمد و آنکه
تَغْفِرَ لِي وَ لِوَالِدَيَّ، وَ تَجَاوَزَ عَنَّا فِيمَا تَعْلَمُ، فَإِنَّكَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.
 بیمارزیت مرا و پدر و مادر مرا و آن که درگذری از مادر آنچه می دانی به درستی که تو عزیزتر و بخشنده تری از همه مردمان
سَيِّدِنِ طَاوُوسٍ گوید: ظاهر است که فقره «أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» تا به آخر، از زیادتای راوی باشد.

❁ دعای حضرت یوسف علیهم السلام هنگام تهمت زلیخا ❁

حضرت یوسف علیهم السلام هنگام تهمت زدن عزیز مصر به او، دو رکعت نماز گذارد، سپس سر خود را به جانب آسمان بلند کرد و این دعا را خواند:

اَللّٰهُمَّ اَرْحَمْ صِغَرَ سِنِّيْ، وَ ضَعْفَ رُكْنِيْ، وَ قِلَّةَ حِيلَتِيْ، فَإِنَّكَ
 خداوند! رحیم کن کمی سال مرا و سستی قوت مرا و کمی چاره مرا به درستی که تو
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. فَادْكُرْنِيْ بِصَلَاحِ يَعْقُوبَ، وَ صَبْرِ إِسْحَاقَ، وَ
 بر همه چیز توانایی پس یادآوری کن مرا به حق صلاح یعقوب و صبر اسحاق و
يَقِيْنِ إِسْمَاعِيلَ، وَ شَيْبَةِ إِبْرَاهِيمَ.

اعتقاد درست اسماعیل و پیری ابراهیم.

آنگاه فرشتگان آسمانها به سبب گریه کردن حضرت یوسف علیهم السلام گریستند!

❁ دعای حضرت یعقوب علیهم السلام ❁

دعای حضرت یعقوب علیهم السلام آنگاه که خدای مهربان حضرت یوسف علیهم السلام را به او بازگردانید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

آغاز می کنم بنام خدای بخشنده مهربان

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

يَا مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِغَيْرِ مِثَالٍ، وَيَا مَنْ بَسَطَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ

ای کسی که آفرید هست همه آفریدگان را بدون نمونه‌ای و ای کسی که پهن کرد هست زمین را بدون

أَعْوَانٍ، وَيَا مَنْ دَبَّرَ الْأُمُورَ بِغَيْرِ وَزِيرٍ، وَيَا مَنْ يَرْزُقُ الْخَلْقَ

پسری کنندگان و ای کسی که تدبیر کرد هست امور را بدون وزیری و ای کسی که روزی می دهد خلایق را

بِغَيْرِ مُشِيرٍ، وَيَا مَنْ يُخَرِّبُ الدُّنْيَا بِغَيْرِ اسْتِيفَارٍ.

بدون کسی که مشورت نماید با او ای کسی که خراب می کند دنیا را بدون مصلحت کردن با احدی.

هرگاه تو این دعا را بخوانی، حاجت خود را آنچه خواهی، از خدای مهربان طلب نمای
که انشاء الله بر آورده می شود.



دعای حضرت ایوب علیه السلام



اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ الْیَوْمَ فَاَعِزَّنِیْ، وَ اَسْتَجِیْرُ بِكَ الْیَوْمَ مِنْ جُهْدِ

خداوند! من پناه می برم به تو در این روز پس پناه ده مرا و پناه می آورم به سویت در این روز از تعب و مشقت

الْبَلَاءِ فَاجِرْنِیْ، وَ اَسْتَغِیْثُ بِكَ الْیَوْمَ فَاَغِثْنِیْ، وَ اَسْتَضَرِّحُكَ

بلاء پس پناه ده مرا و طلب فریادرس می کنم از تو در این روز به فریاد من برس و طلب غور رسی می نمایم تو را در این

الْیَوْمَ عَلٰی عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّیْ فَاَصْرِحْجَنِّیْ، وَ اَسْتَنْصِرُكَ الْیَوْمَ

روز بر دشمنان تو و دشمن من پس غور رسی کن و پسری طلبم از تو در این روز

فَاَنْصُرْنِیْ، وَ اَسْتَعِیْنُ بِكَ الْیَوْمَ عَلٰی اَمْرِیْ فَاَعِیْنِیْ، وَ اَتَوَكَّلُ

پس پسری ده مرا و مدد می طلبم از تو در این روز بر کار خودم پس امداد کن مرا و اعتماد می کنم

عَلَيْكَ فَاكْفِنِیْ، وَ اَعْتَصِمُ بِكَ فَاَعْصِمْنِیْ، وَ اَمِّنْ بِكَ فَاَمِّیْنِیْ، وَ

بر تو پس کارگذاری کن مرا و چنگ در می زنم به تو پس نگاهدار مرا و امان می خواهم از تو پس امان ده مرا و

اَسْئَلُكَ فَاَعْطِنِیْ، وَ اَسْتَزِرُّكَ فَارْزُقْنِیْ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ فَاغْفِرْ لِّیْ،

سؤال می کنم تو را پس ببخشای به من و طلب روزی می کنم از تو پس روزی ده مرا و طلب آمرزش می نمایم از تو پس بیامرزش مرا

وَ اَدْعُوْكَ فَادْكُرْنِیْ، وَ اَسْتَزَحِّمُكَ فَارْحَمْنِیْ.

و می خوانم تو را پس، یادآوری کن مرا و طلب رحمت می کنم از تو پس رحم کن مرا.



دعای حضرت موسی علیه السلام



اَللّٰهُمَّ بَدِيعَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضَیْنِ، الَّذِیْ نَوَاصِی الْعِبَادِ بِیَدِیْكَ،

خداوند! ای ترازه پدید آورنده آسمانها و زمینها آن که موی پیش سرهای بندگان به دست توست

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

فَإِنَّ فِرْعَوْنَ وَ جَمِيعَ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا

به درستی که فرعون و همه اهل آسمانها و اهل زمین و آنچه در میان این هر دو است

عَبِيدُكَ، وَ نَوَاصِبِهِمْ بِيَدِكَ، تَصْرِفُ الْقُلُوبَ حَيْثُ شِئْتَ. اَللّهُمَّ

بندگان تو اند و پیش سرهای ایشان به دست توست و تو بر می گردانی دلها را هر کجا که می خواهی. خداوند!

إِنِّي أَعُوذُ بِخَيْرِكَ مِنْ شَرِّهِ، وَ أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ مِنْ خَيْرِهِ، عَزَّ

من پناه می برم به نیکی تو از بدی او و سوال می کنم تو را به سبب نیکی تو از نیکی او عزیز است

جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، كُنْ لَنَا جَاراً مِنْ فِرْعَوْنَ وَ

که باشد در پناه تو و بزرگ است ستایش تو و نیست خدائی به غیر از تو باش تو برای ما پناه دهنده از شر فرعون و

جُنُودِهِ.

سیاه او.

بعد از آن که حضرت موسی علیهِ السلام این دعا را خواند و بر فرعون داخل شد، خدای تعالی به

او پوشانید سپری را که نگاهداشت او را از آن که ضرر و قهر و شدت سطوت پادشاهی

فرعون به عون الله تعالی به او برسد.



دعای دیگر حضرت موسی علیهِ السلام



لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَ

نیست خدائی مگر خدای بردبار بخشنده منزه است خدا پروردگار آسمانهای هفت طبقه و

رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

پروردگار زمینهای هفت طبقه و پروردگار عرش بزرگ و همه ستایش برای خداست که پروردگار

الْعَالَمِينَ. اَللّهُمَّ إِنِّي أَدْرُءُ بِكَ فِي نَحْرِهِ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، وَ

عالمیان است. خداوند! من دفع می کنم و طعن می زنم به قوت تو در گودی گردن فرعون و پناه می برم به تو از شر او.

أَسْتَغِيثُكَ عَلَيْهِ، فَكَفِّنِيهِ بِمَا شِئْتَ.

طلب یاری می کنم از تو بر دفع او پس نگاهدار مرا از شر او به آنچه خواهی تو.



دعای حضرت یوشع علیهِ السلام



و از آن جمله دعاء حضرت یوشع بن نون وصی موسی علیهما السلام است.

سید بن طاووس رحمته الله گوید: من به سندهای خود تا به سعد بن عبدالله روایت کرده شدم و

او در کتاب «فضل الدعا» به سندهای خود نقل نموده تا به حضرت امام رضا علیه السلام که

فرمودند: آن که شخصی صحیفه ای را یافت. آن را به خدمت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

آورد و آن حضرت امر فرمودند که منادی مردم را به نماز جماعت ندا کند. تخلف نورزید احدی از مردان و زنان و همگی به مسجد آمده و به نماز حاضر شدند و بعد از فراغ نماز آن حضرت به منبر بالا رفتند و آن صحیفه را خواندند و فرمودند: این نوشته حضرت یوشع بن نون وصی موسی علیهما السلام است و در این صحیفه نوشته است به درستی که: پروردگار شما مهربان و رحم کننده است. آگاه باشید که بهترین بندگان کسی است که پرهیزگار و گوشه گیر باشد و بدترین خلق خدا شخصی است که مشهور و انگشت نما باشد. هر کس دوست دارد تا اعمالش به تمام و کمال اجر داده شود: باید حقوق خدا را به جای آورد، چون به او نعمت داده است. سپس هر روز این دعا بخواند:

سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ

سبح می کنم خدا را همچنان که سزاوار است برای خدا و ستایش می کنم خدا را همچنان که سزاوار است برای خدا و نیست خدائی

إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ

مگر خدا همچنان که سزاوار است برای خدا و نیست قدرتی و نه توانائی مگر به خدا و رحمت فرستد خدا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ

بر محمد و بر اهل بیت خاندان او که پیغمبر امی است و بر همه فرستادگان

وَ النَّبِيِّينَ، حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ.

و پیغمبران تا آن که راضی شود خدا.

آنگاه آن حضرت از منبر فرود آمدند. مردم در خواستن این دعا الحاج بسیار نمودند. آن حضرت ساعتی بسیار صبر نموده باز به بالای منبر رفتند و فرمودند: هر کس دوست دارد که ستایش او بلندتر باشد از ستایش جهاد کنندگان در راه خدا، باید این دعا را در هر شبانه روز بخواند و اگر او را حاجتی باشد، آن حاجت به برکت این دعا برآورده می شود و اگر دشمنی داشته باشد آن دشمن هلاک می گردد و اگر او قرضی یا اندوهی باشد آن قرض ادا و آن اندوه برطرف می گردد و این دعا از همه آسمانها می گذرد، تا آن که در لوح محفوظ نوشته شود.



دعای حضرت خضر و حضرت الیاس علیهما السلام



سید بن طاووس رحمته الله گوید: مروی است که حضرت خضر و الیاس علیهما السلام در هر موسم حج همدیگر را می بینند و چون خواهند که از یکدیگر جدا شوند، این دعا را می خوانند:

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

بِسْمِ اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، كُلُّ نِعْمَةٍ مِنْ

آغاز به نام خدا آنچه خواست خدا آنرا چنان شد، نیست توانائی مگر به خدا آنچه خواست خدا آنرا چنان شد هر نعمتی از جانب

اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، الْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا

خداست آنچه خواست خدا آنرا موجود شد، نیکنی همه آن به دست خداست که عزیز و بزرگ است آنچه خواست خدا آن چنان شد

يُضْرَفُ السُّوءُ إِلَّا بِاللَّهِ.

بر نمی گرداند ناخوشی را مگر خدا.

راوی گوید: هرکس این کلمات را در هر صبح سه مرتبه بخواند، در آن روز از غرق شدن و سوختن و از مرض خناق ایمن خواهد بود.

دعای حضرت خضر علیه السلام

يَا شَامِخاً فِي عُلُوِّهِ، يَا قَرِيباً فِي دُنُوِّهِ، يَا مُدَانِياً فِي بُعْدِهِ، يَا

ای آن که بسیار بلند است در بلندی خود، ای آن که بسیار نزدیک است در نزدیکی خود، ای آن که نزدیک است در دوری خود، ای بسیار

رَوْوفاً فِي رَحْمَتِهِ، يَا مُخْرِجَ النَّبَاتِ، يَا دَائِمَ الثَّبَاتِ، يَا مُحْيِيَ

مهربان در رحمت خود، ای بیرون آورنده گیاه از زمین، ای همیشه ثابت، ای زنده کننده

الْأَمْوَاتِ، يَا ظَهَرَ الْأَجِينَ، يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، يَا أَسْمَعَ

مردگان، ای آشکارا آورنده اندگان، ای پناه برندگان به تو، ای شنوایترین

السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ الْغَاطِرِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَضْرَجِينَ، يَا

شنوندگان، ای بیندگان، ای فریادرس فریادرس طلبان، ای تکیه گاه کسی که نباشد تکیه برای او، ای

عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ، يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ،

مستعد کسی که نباشد مستعدی برای او، ای ذخیره کسی که نباشد ذخیره ای برای او

يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، يَا كَنْزَ الضُّعَفَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا مُنْقِذَ

وای پناه و حصار کسی که نباشد پناهی برای او، ای گنج درویشان، ای آن که بزرگ است امید به او، ای نجات دهنده

الْفَرَقِ، يَا مُنْجِيَ الْهَلَكِ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتِ، يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ،

غرق شده، ای خلاص سازنده هلاک شوندگان، ای زنده کننده مردگان، ای امان دهنده ترسناکان

يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يَا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ، يَا

ای خدای عالمیان، ای آفریدگار هر آفریده شده ای، ای درست کننده هر شکسته ای، ای

صَاحِبَ كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُوَسِّسَ كُلِّ وَجِيدٍ، يَا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ، يَا

مهم صاحب هر غریبی، ای مبنای هر وجیدی، ای نزدیک غیر دور، ای

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

شَاهِدًا غَيْرَ غَائِبٍ، يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يَا حَيُّ جِنِّ لَا حَيٍّ، يَا

حاضر غیر پنهان، ای غلبه کننده ای که مغلوب نمی شود، ای آن که زنده است در هنگامی که نیست زنده ای، ای

حَيُّ مُخَيِّ الْمَوْتَى، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

زنده ای که زنده می کند مردگان را، ای زنده ای که نیست خدائی مگر خدا.

راوی گوید: هر کس این دعا را بخواند یا در وقت خواندن دیگری به آن گوش دهد، از وسوسه شیطان تا چهل سال ایمن خواهد بود. سید بن طاووس رحمه الله گوید: دعا های حضرت خضر علیه السلام بسیار است، من اقتصار کردم در این کتاب به آنچه مذکور شد.

دعای حضرت یونس علیهم السلام

يَا رَبِّ مِنَ الْجِبَالِ أَنْزَلْتَنِي، وَ مِنَ الْمَسْكَنِ أَخْرَجْتَنِي، وَ فِي

ای پروردگار من از کوه فرود آوردی مرا و از مسکن خودم بیرون آوردی مرا و در

الْبَحَارِ صَيَّرْتَنِي، وَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ حَبَسْتَنِي، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

دریاها گردانیدی مرا و در شکم ماهی حبس کردی مرا پس نیست خدائی مگر تو

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

تنزیه می کنم تو را من از جمله ستمکارانم.

حضرت یونس علیه السلام چون این دعا را خواند خدای تعالی او را از غم و اندوه نجات داد.

دعای دیگر حضرت یونس علیهم السلام

يَا رَبِّ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى، وَ آلائِكَ الْعُلْيَا، وَ

ای پروردگار من خداوند به درستی که . . . خدای می کنم از تو به حق نامهایت که نیکویند و به حق نعمتهایت که بلندند و

أَسْأَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ، يَا كَبِيرُ يَا جَلِيلُ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا فَرْدُ

سؤال می کنم تو را ای خدا ای بزرگ ای عظیم ای مهربان ای بخشنده ای بی همتا

يَا دَائِمُ، يَا وَثَرُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا اَللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْأَلُكَ بِلَا

ای همیشه، ای یگانه، ای بی نیاز ای خدا نیست خدائی مگر تو سؤال می کنم تو را به

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي،

حق آن که نیست خدائی مگر تو آن که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آن که بیامری برای من گناهان مرا

وَ أَنْ تُحَرِّمَ جَسَدِي عَلَى النَّارِ. اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ

و آن که حرام گردانی بدن مرا بر آتش. خداوند به درستی که تو گفته ای در کتاب خود که فرستاده ای آنرا

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

عَلَى مُوسَى: أَلَا تَرُدُّوا السَّائِلِينَ عَنْ أَبْوَابِكُمْ، وَ نَحْنُ عَلَى بَابِكِ

بر موسی آن که بر مگردانید و منع مکنید سؤال کنندگان را از درهای خود و ما بندگان ایستاده ایم بر در

فَلَا تَرُدُّنَا. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ مُوسَى:

خانه تو پس منع مکن ما را خداوند! به درستی که تو گفته ای در کتاب خود که فرستاده ای آنرا بر پیغمبر خود موسی

اَنْ اغْفِرُوا لِلظَّالِمِينَ، وَ نَحْنُ الظَّالِمُونَ عَلَى بَابِكِ، فَاغْفِرْ لَنَا.

آن که بیامرزید شما بندگان مر ستمکاران را و ماها ستمکاران ایستادگان بر درگاه تو ایسم پس بیامرز ما را.

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ: اَنْ

خداوند! به درستی که تو گفته ای در کتاب خود که فرستاده شده است آن بر موسی پسر عمران آنکه

اَعْتَقُوا الْأَرْقَابَ، وَ نَحْنُ عَبِيدُكَ فَأَعْتِقْنَا مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ يَا

آزاد کنید گردنهای بندگان را و ماها بندگان تو ایسم پس آزاد گردان ما را از آتش به رحمت خود ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

رحم کننده ترین رحم کنندگان.

دعای حضرت داوود علیہ السلام

روایت است که حضرت داوود علیہ السلام چون این تحمید را خواندند، خدای عز و جل به او وحی فرستاد: ای داود به تعب انداختی فرشتگانی را که موکل بر نوشتن نامه اعمال تو هستند. زیرا که ثواب این دعا بسیار است و باید همه آن را بنویسند:

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا مَعَ دَوَامِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ بَاقِيًا مَعَ بَقَائِكَ، وَ

خداوند! برای تو ستایش سنایش در حالی که همیشه باشد با همیشگی تو و

لَكَ الْحَمْدُ خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ

برای تو ستایش در حالی که باقی باشد با بقایت و برای تو ستایش در حالی که پیوسته است با دوام تو و برای تو ستایش همچنان

وَجْهِكَ، وَ عِزِّ جَلَالِكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاَكْرَامِ.

که سزاوار است برای بخشش ذات تو و عزت بزرگیت ای صاحب بزرگی و بخشش.

دعای حضرت آصف بن برخیا علیہ السلام

در روایت است: این دعائی است که به برکت آن، آصف بن برخیا تخت بلقیس را آورد. و همچنین به برکت این دعا، حضرت عیسی علیہ السلام مردگان را زنده می کرد:

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، اَلْحَیُّ الْقَیُّوْمُ

خداوند! به درستی که سوال می‌کنم تو را به آن که تویی خدا نیست خدائی مگر تو که زنده بخود هر یای

الطَّاهِرُ الْمُطَهَّرُ، نُورُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَیْنِ.

پاک و پاکیزه‌ای روشنی آسمانها و زمینها.

در روایتی دیگر چنین است:

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَیْنِ، عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِیْرُ

توئی پروردگار آسمانها و زمینها و دانای پنهان و حاضر توئی بزرگ

الْمُتَعَالِ الْمَنّٰنُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْاَكْرَامِ، اَنْ تُصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ

بلند مرتبه پر مانت، دارای صاحب بزرگی و بختش، اینکه درود فرستی بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَفْعَلَ بِیْ كَذَا وَ كَذَا.

محمد، و اینکه بکنی در حق من چنین و چنان.

هر کس این دعا را جهت حاجتی، با اخلاص بخواند، انشاء الله تعالی مستجاب می‌شود.

دعای حضرت عیسیٰ علیہ السلام

سید بن طاووس رحمه الله گوید: من سند این دعا را به سندهای خود تا به سعد بن هبة الله راوندی رحمه الله روایت کردم و او در کتاب «قصص الانبیاء علیهم السلام» به سندهای خود تا به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ذکر نموده که آن حضرت از پدران خود از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که آن حضرت نقل فرموده‌اند: چون جماعت یهودی اجتماع کردند تا حضرت عیسی علیه السلام را به قتل رسانند، جبرئیل علیه السلام آمد و آن حضرت را به بال خود پوشانید. چون حضرت عیسی علیه السلام به طرف بالا نگاه کرد، دید که در زیر بال او این دعا نوشته است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوكَ بِاسْمِكَ الْوَاحِدِ الْاَعَزِّ، وَ اَدْعُوكَ اللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ

خداوند! من می‌خوانم تو را به حق نام تو که یکنای عزیزتر از همه چیز است و می‌خوانم تو را خداوند! به نام تو

الصَّمَدِ، وَ اَدْعُوكَ اللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ الْعَظِیْمِ الْوَتَرِ، وَ اَدْعُوكَ اللّٰهُمَّ

که دانمی است و می‌خوانم تو را خداوند! به نام تو که بزرگ بی‌همتاست و می‌خوانم تو را خداوند!

بِاسْمِكَ الْكَبِیْرِ الْمُتَعَالِ الَّذِیْ ثَبَّتَ بِهٖ اَرْكَانُكَ كُلُّهَا، اَنْ تَكْشِفَ

به نام تو که بزرگ بلند مرتبه است، نامی که ثابت است به آن همه ارکانات، آن که برطرف کنی

عَنْیَ مَا اَصْبَحْتُ وَ اَمْسَيْتُ فِیْهِ.

از من آنچه را که صبح می‌کنم و به شب می‌رسانم در آن.

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

چون حضرت عیسیٰ علیه السلام این دعا را خواند. خدای عز و جلّ به جبرئیل وحی فرستاد که او را به نزد من بلند گردان.

آنگاه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای اولاد عبدالمطلب پروردگار خود را به این کلمات سؤال کنید. قسم به کسی که نفس من به دست قدرت اوست، هر بنده‌ای این دعا را به اخلاص در دین خود، بخواند عرش خدا می‌لرزد و خدای تبارک و تعالی به فرشتگان می‌فرماید: شاهد باشید که حاجت این بنده را به برکت این دعا برمی‌آورم و سؤال او را عطا می‌کنم.

آنگاه آن حضرت به اصحاب خود فرمودند: خدای تعالی را به برکت این دعا سؤال کنید و اجابت آن را امیدوار باشید.

دعای حضرت عیسیٰ علیه السلام به سند دیگر

از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مروی است که حضرت عیسیٰ علیه السلام در زیر بال جبرئیل این دعا را دیدند. آن را به حضرت علی علیه السلام و به عباس علیه السلام تعلیم کردند و فرمودند: ای علی! ای بهترین اولاد هاشم و ای پسران عبدالمطلب، پروردگار خود را به این کلمات سؤال کنید. قسم به کسی که جان من به دست قدرت اوست که مؤمنی از روی اخلاص خدا را به این دعا نمی‌خواند، مگر آن که از جهت این کلمات عرش و هفت طبقه آسمانها و هفت طبقه زمینها به جنبش آید و خدای تبارک و تعالی به فرشتگان می‌گوید که شاهد باشید به آن که من حاجت کسی را برآوردم که این کلمات را در دنیا و آخرت بخواند و این دعا آن دعائی است که عیسی بن مریم علیه السلام آن را خواند خدای تعالی او را به سوی خود بلند کرد:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِاسْمِكَ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ، وَ اَعُوْذُ بِاسْمِكَ الْاَحَدِ

خداوند! من پناه می‌برم به نام تو که یگانه یگانه است و پناه می‌برم به نام تو که یگانه

الصَّمَدِ، وَ اَعُوْذُ بِاسْمِكَ اللّٰهُمَّ الْعَظِيْمِ الْوَتَرِ، وَ اَعُوْذُ بِاسْمِكَ

مقصود در حاجتهاست و پناه می‌برم به نام تو خداوند که بزرگ و بی همتاست و پناه می‌برم خداوند! به حق نام تو

الْكَبِيْرِ الْمُتَعَالِ، الَّذِي مَلَأَ الْاَرْكَانَ كُلَّهَا، اَنْ تَكْشِفَ غَمَّ مَا اَصْبَحْتُ

که بزرگ بلند مرتبه است که پر کرده است ارکان عالم و جو را همگی. اینکه برطرف کنی از من اندوه آنچه را که صبح می‌کنم

فِيْهِ وَ اَمْسَيْتُ.

در آن و به شب می‌رسانم.

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

❁ دعای دیگر حضرت عیسیٰ علیہ السلام ❁

اَللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ، وَ مُخْرِجَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ، وَ
 خداوند ای آفریننده نفسی از نفس دیگر و بیرون آورنده نفسی از نفسی دیگر و
 مُخْلِصَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ، فَارِجَ عَنَّا وَ خَلِّصْنَا مِنْ شِدَّتِنَا.
 ای نجات دهنده نفس از نفس دیگر بگشای از ما اندوه ما را، و رهانی ده ما را از سختیهای ما.

❁ دعای حضرت سلمان فارسی علیہ السلام ❁

مروی است که سلمان فرسی از جمله اوصیاء حضرت عیسیٰ علیہ السلام بر چند واسطه بود که
 تا زمان پیغمبر ﷺ باقی مانده بود. و از بعضی از ائمه علیهم السلام مروی است: حضرت سلمان
 بسیاری از علم اول و آخر را ادراک نموده بود.
 سید بن طاووس رحمه الله گوید: در کتاب کهنه ای که تاریخ کتابت او شهر ربیع الآخر سنه
 سیصد و چهارده (۳۱۴) بود، یافتیم که: پیغمبر ﷺ به سلمان فرمودند: آیا می خواهی
 که تورا خبر دهم به آنچه بهتر از طلا و نقره است و بهتر از دنیا و آنچه در اوست از
 نیکیهایش. سلمان گفت: بلی یا رسول الله رحمت خدا باد بر او بر آل شما. سپس آن
 حضرت فرمودند: این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ الْاَمْرَ قَدْ خَلَصَ اِلَى نَفْسِي، وَ هِيَ اَعَزُّ اَلْاَنْفُسِ عَلَيَّ، وَ
 خداوند ای به درستی که فرمان تو وارد شده است به سوی ایجاد نفس من و این نفس من عزیزترین نفسهاست بر من و
 اَهْمُهَا اِلَيَّ، وَ قَدْ عَلِمْتُ رَبِّي وَ عِلْمُكَ اَفْضَلُ مِنْ عِلْمِي، تَعْلَمُ مِنِّي
 اهتمام داشته شده ترین آن هاست به سوی من و می دانی ای پروردگار من و حال آن که علمت زیاده تر است از علم من
 مَا لَا اَعْلَمُ مِنْ نَفْسِي، لَكَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي وَ دُنْيَايَ وَ اٰخِرَتِي،
 آن که تو می دانی از من آنچه را که نمی دانم از نفس خود برای دوست زندگانی من و مردن من و دنیای من و آخرت من
 اِلَيْكَ مَرْجَعِي وَ مُنْقَلَبِي، لَا اَمْلِكُ اِلَّا مَا اَعْطَيْتَنِي وَ لَا اَتَّقِي اِلَّا مَا
 به سویتست برگزیدن من و بازگشت من، مالک و صاحب نیستم مگر آنچه را که داده باشی آن را به من و پرهیزکاری نمی توانم نمود مگر
 وَ قَيِّمْتَنِي، وَ لَا اُنْفِقُ اِلَّا مَا رَزَقْتَنِي. بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ، وَ بِفَضْلِكَ
 از آنچه نگاهداشتی مرا از آن و خرج نمی کنم مگر آنچه را که روزی کردی مرا به روشنائی و رهنمائی، و به زیادتی احسان تو
 اسْتَغْنَيْتُ، وَ بِنِعْمَتِكَ اُصْبِحْتُ وَ اُمْسَيْتُ، مَلَكَتْنِي بِقُدْرَتِكَ، وَ
 توانگر و بی نیاز شدم و به سبب نعمت تو داخل در صبح و شام شدم مالک شده ای مرا به توانائی خودت و

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

قَدَرْتَ عَلَيَّ بِسُلْطَانِكَ، تَقْضِي فِيْهَا أَرْدَتَ، وَ لَا يَحُولُ أَحَدٌ دُونَ

قدرت داری بر من به سبب پادشاهی خودت حکم می کنی در آنچه اراده کرده باشی دور نمی گردد کسی نزد

قَضَائِكَ أَوْ قَرْتَنِي نِعْمًا، وَ أَوْفَرْتُ نَفْسِي ذُنُوبًا، كَثُرَتْ خَطَايَايَ

حکمت داده ای نعمتهای بسیار را و داده ام به نفس خود گناهان بسیار را، بسبب است گناهان من

وَ عَظُمَ جُرْمِي، وَ اكْتَنَفْتَنِي شَهَوَاتِي، فَقَدْ ضَاقَ بِهَا ذَرْعِي، وَ عَجَزَ

و بزرگی است تقصیر من و احاطه کردند مرا خواهشهایی که تنگ شده است به سبب آنها سینه من و عاجز گشته است

عَنْهَا عَمَلِي، وَ ضَعُفَ عَنْهَا شُكْرِي، وَ قَدْ كِدْتُ أَنْ أَقْنَطَ مِنْ رَحْمَتِكَ

از آنها کردار من و سست شده است به سبب آنها شکر گذاری من و نزدیک شده ام آن که ناامید شوم از رحمت تو

إِلَهِي، وَ أَنْ أُلْقِيَ إِلَى التَّهْلُكَةِ بِيَدِي الَّذِي أَيْئَسُ مِنْهُ عُذْرِي وَ ذِكْرِي

ای خداوند من و آن که افتاده شوم به سوی هلاکت به دست خود آنچنان ناامیدی که مایوسم از جهت آن از عذر خود و از

مِنْ ذُنُوبِي، وَ مَا أُسْرَفْتُ بِهِ عَلَى نَفْسِي، وَ لَكِنْ رَحْمَتُكَ رَبِّ الْبَرِّ

یادآوری من گناهان خود را و آنچه را که ستم نموده ام به سبب آن بر نفس خود و لیکن رحمت تو ای پروردگار من آن چیزی است

تَنْهَضُنِي وَ تَقْوِيَنِي، وَ لَوْ لَا هِيَ لَمْ أَرْفَعْ رَأْسِي، وَ لَمْ أَقِمَّ صَلْبِي

که بر پای داشته است مرا و قوت داده است مرا و اگر نبود آن رحمت تو بالا نمی کردم سر خود را و راست نمی کردم پشت خود را

مِنْ ثِقَلِ ذُنُوبِي، فَإِنِّي لَكَ أَرْجُو. إِلَهِي أَنْتَ أَرْجَا عِنْدِي مِنْ عَمَلِي

از سنگینی گناهان من به سوی امیدوارم ای خدای من تو امید داشته تری در نزد من از کردار من

الَّذِي أَتَخَوَّفُهُ، وَ أَشْفِقُ مِنْهُ عَلَى نَفْسِي. إِلَهِي وَ كَيْفَ لَا أَشْفِقُ مِنْ

که می ترسم از آن و بیمناکم از جهت آن بر نفس خود ای خداوند من و چگونه نترسم از

ذُنُوبِي، وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ تَكُونَ أَوْبَقْتَنِي، وَ قَدْ أَحَاطَتْ بِي وَ أَهْلَكْتَنِي،

گناهان خود و حال آن که می ترسم آن که باشند گناهان من که هلاک کنند مرا و فرا گرفته اند آنها مرا و هلاک کرده اند مرا

وَ أَنَا أَذْكَرُ مِنْ تَضْيِيعِ أَمَانَتِي، وَ مَا تَكَلَّفْتُ بِهِ عَلَى نَفْسِي مَا لَمْ

و من بیدارم از ضایع کردن من امانت در نزد خود را و از آنچه بار کرده ام آنرا (یعنی از گناهان) بر نفس خود آنچرا

تَحْمِلُهُ الْجِبَالُ قَبْلِي، وَ لَا السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ، وَ هِيَ أَقْوَى مِنِّي،

که متحمل نشده اند آنرا کوهها که در نزد منند و نه آسمانها و نه زمینها و حال آن که قوی ترند از من

وَ حَمَلْتُهَا بِعِلْمِكَ بِهَا وَ قِلَّةِ عَمَلِي، وَ لَوْ كَانَ لِي عَمَلٌ يَنْفَعُنِي لَمْ

و متحمل شده ام آنها را با وجود علمت به آنها و کمی کردار من و اگر می بود برای من کرداری که نفع می داد مرا

تَقَرَّرَ فِي الدُّنْيَا عَيْنِي، وَ لَصَارَتْ حَلَاوَتُهَا مَرَارَةً عِنْدِي، وَ لَفَرَزْتُ

بایستی که روشن نشود در دنیا چشم و هر آینه بایستی که گردیده باشد شیرینی دنیا به تلخی در نزد من و هر آینه بایستی که گریخته باشم

هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي، لَا بَيْتٌ يَأْوِيَنِي وَ لَا ظِلٌّ يُكْنِنُنِي، مَعَ الْوُحُوشِ

گریختنی از گناهان خود نه خانه ای است که جای دهد مرا و نه سایه ای است که بپوشاند مرا با حیوانات وحشی است

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

مَقْعَدِي وَ مَقِيلِي، وَ لَوْ فَعَلْتُ ذَلِكَ لَكَانَ يَحِقُّ لِي أَنْ أَتَخَوَّفَ عَلَى

مخمنی من و گفنگوی من و اگر می کردم این را هر آینه بود سزاوار برای من آن که بترسم بر

نَفْسِي. الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي حَثِيثًا دَائِبًا يَقْصُ أَثَرِي، مُوَكَّلٌ بِي كَأَنَّهُ

نفس خود، مرگ طلب می کند مرا شتابان در کمال جد و سعی در تندی می آید از پی سر من موکل است بر من گویا که

لَا يُرِيدُ أَحَدًا غَيْرِي، لَيْسَ بِنَاطِرِي سَاعَةً إِذَا جَاءَ أَجَلِي، كَأَنِّي

از سعی خواهد کسی را به غیر از من مهلت نمی دهد مرا یک ساعت هر گاه می آید اجل من گویا که به من

أَرَانِي صَرِيحًا بَيْنَ يَدَيْهِ، وَ كَأَنِّي بِالْمَوْتِ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمَوْتِ

نموده است مرا به خاک افتاده ای در پیش روی او و گویا که من متلبس و مشغول به مرگ، نیست کسی که از مردن

يَمْنَعُنِي، وَ لَا يَدْفَعُ كَرْبَهُ عَنِّي، وَ لَا أَسْتَطِيعُ امْتِنَاعًا يُؤَخِّرُنِي، وَ

منع کند مرا و نه دفعی که دور کند اندوه آن را از من و قدرت ندارم امتناعی را که مهلت دهد مرا و

بِكَأْسِ الْمَوْتِ يَسْقِينِي، وَ لَا مَنْعَةَ عِنْدِي أَقْلِبُ بِكَرْبِ الْمَوْتِ

گویا که به جام مرگ آب می دهد مرا اجل و نیست منع کننده ای نزد من می گردانم به سبب اندوه و شدت مرگ

طَرَفِي جَزَعًا، فَيَا لَكَ مِنْ مَضْرَعٍ مَا أَفْظَعُهُ عِنْدِي، مَغْلُوبَةٌ بِكَرْبِ

گوشه چشم خود را از روی زاری پس پناه به تو می برم از افتادن در مردنی که چه رسواست آن در نزد من غلبه کرده شد

الْمَوْتِ نَفْسِي، تَخْتَلِجُ لَهَا أَعْضَائِي وَ أَوْصَالِي، وَ كُلُّ عِرْقٍ سَاكِنٍ

بر اوست به سبب اندوه مرگ نفس من می لرزد برای نفس من عضوهای من و پیوندهای من و هر رگی ساکن

مِنِّي، فَكَأَنِّي بِمَلَكِ الْمَوْتِ يَسْتَلُّ رُوحِي مُسْتَسْلِمٌ لَهُ، بَلْ عَلَى

از من و گویا که من به سبب آمدن ملک الموت بیرون کشیده می شود روح من اطاعت کننده است او را نه چنان است بلکه می ستاند روح مرا بر

الْكَرَاهَةِ مِنِّي، كَذَا رُسُلُ رَبِّي يَقْبِضُونَ فِي الْحَرِّ رُوحِي، فَعِنْدَهَا

ناخوشی از من همچنین اند فرستادگان پروردگار من می ستاند در شدت و تعب جان مرا پس در آن وقت

يَنْقَطِعُ عَنِ الدُّنْيَا أَثَرِي، وَ أُغْلِقُ بَابَ تَوْبَتِي، وَ رَفِعتُ كُتُبِي، وَ

بریده می شود از دنیا اثر من و بسته می شود در توبه کردن من و بالا برده می شود نامه های اعمال من و

طَوَيْتُ صَحِيفَتِي وَ عَفَا ذِكْرِي وَ رَفَعَ عَمَلِي، وَ أُدْخِلْتُ فِي هَوْلِ

در هم پیچیده می شود صحیفه کردارهای من و برطرف می شود مذکور شدن و باق می شود کردار من، و داخل گردانیده می شوم در هول و ترس

آخِرَتِي، وَ صِرْتُ جَسَدًا بَيْنَ أَهْلِي، يَصْرُحُونَ وَيَبْكُونَ حَوْلِي وَ قَدْ

آخرت من و می گردم بدنی بیچاره افتاده میان اهل و عیال خود که فریاد می کنند ایشان و گریه می کنند در دور من و

اسْتَوْحَشُوا مِنِّي، وَ أَحَبُّوا فُرْقَتِي وَ عَجَّلُوا إِلَيَّ كَفَنِي، وَ حَمَلُونِي

وحشت می کنند ایشان از من و دوست می دارند جدائی مرا و شتاب می کنند به سوی من کفن مرا و می برند مرا

إِلَى حُفْرَتِي، فَأُلْقِيَتْ فِيهَا لِجَنَبِي، وَ سُوِيَتْ الْأَرْضُ عَلَيَّ مِنْ فَوْقِي،

به سوی گودال من پس انداخته می شوم در آن گودال به پهلو خود و هموار کرده می شود زمین بر من از بالای من

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

و سَلِّمُوا عَلَيَّ وَ دَعُّوْنِي، وَ أَقِمْتُ فِي مُنْتَهَى مَنْ كَانَ قَبْلِي مِنْ
و تحیت می گویند بر من و می سپارند مرا و بر می خیزم در آخر کسانی که باشد پیش از من از
چیزانِ لَا يُؤَانِسُونِي، وَ لَا أَزُورُهُمْ وَ لَا يَزُورُونِي، وَ فِي عَسْكَرِ
همایگانی که انس نمی گیرند با من و زیارت نمی کنم ایشان را و زیارت نمی کنند ایشان مرا و در میان لشکر
الْمَوْتِ خَلْفُونِي، فِيهِ مَخْبَجِي وَ مَنَامِي، وَ حَشٌّ قَفَرٌ مَكَانِي، قَدْ
مردی باقی می گذارند مرا در آن است قبر من و محل خواب من تنها و خالی از آبادانی نیست جای من
ذَهَبَ الْأَهْلُونَ عَنِّي، وَ أَيْقَنُوا بِالتَّفَرُّقَةِ مِنِّي، لَا يَرْجُونِي آخِرَ
که بر طرف می شوند جماعت اهل و عیال از من و یقین دارند به جدائی از من امید ندارند دیدن مرا تا به آخر
الدَّهْرِ، لَيْسَ أَحَدٌ مِنْهُمْ يُؤْنِسُنِي فِي وَحْشَتِي، وَ يَحْمِلُ ذَنْبًا مِنْ
زمانه نیست کسی از ایشان که مونس و همراه باشد مرا در تنهایی من و بر نمی دارد بار گناهی از
ذُنُوبِي، وَ كُلُّ قَدْ ذَهَلَ عَنِّي وَ تَرَكَوْنِي وَجِيداً فِي قَبْرِي، أَنَا
گناهان مرا و همه مردمان که غافلند از من و واگذارده اند مرا تنها در قبر من منم
صَاحِبُ نَفْسِي لَا يَرَانِي أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ مَا يُفْعَلُ بِي، فَإِنْ تَكُ
صاحب نفسی که نمی بیند مرا کسی از مردمان که چه کرده می شود با من پس اگر باشی ای
رَبِّي رَاضِياً عَنِّي فَطُوبَى ثُمَّ طُوبَى لِي، وَ إِنْ تَكُنِ الْآخِرَى فَيَا
پروردگار من خشنود از من پس خوشا حال من پس باز خوشا حال من و اگر باشی نحوی دیگر پس وای بر
حَسْرَتَاهُ، وَ يَا نَدَامَتَاهُ عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ رَبِّي، وَ كَيْفَ أَذْكُرُ
افسوس من و وای بر پشیمانی من بر آنچه تقصیر کرده ام در نزد پروردگار خود و چگونه بیاد آورم
هَذَا الْأَمْرَ ثُمَّ لَا تَدْمَعُ لَهُ عَيْنِي، وَ لَا يَفْزَعُ لِذِكْرِهِ قَلْبِي، وَ لَا تَرَعْدُ لَهُ
این مردن و تقصیر خود را پس اشک نریزد برای آن چشم و نترسد از جهت یاد آمدن آن دل من و نلرزد از برای آن
فَرَأَيْصِبِي، وَ لَا أَحْمِلُ عَلَى ثِقَلِهِ نَفْسِي، وَ لَا أَقْصِرُ عَلَى هَوَايَ وَ
رنگهای گردن و شانه من و باز نمی دارم بر سنگینی این امر نفس خود را و کوتاهی نمی کنم بر موسهای خود و
شَهَوَاتِي، مَغْرُورٌ فِي دَارِ غُرُورٍ قَدْ خِفْتُ أَنْ لَا يَكُونَ هَذَا الصِّدْقُ
خواهشهای خود منم فریب خورده شده در دار فریب دهنده که می ترسم آن که نباشد این اعتقاد درست
مِنِّي، فَأَشْكُو إِلَيْكَ يَا رَبِّ قَسْوَةَ قَلْبِي وَ تَقْصِيرِي، وَ إِبْطَائِي وَ
از من پس شکوه می کنم به سویت ای پروردگار من از سختی دل من و از کوتاهی کردن من و کاهلی من در فرمانبرداری و
قِلَّةَ شُكْرِ رَبِّي. رَبِّ جَعَلْتَ لِي جَوَارِحَ لِاسْتِثْمَامِ النِّعَمِ مِنْكَ،
از کمی شکرگذاری پروردگار خود ای پروردگار من گردانیده ای برای من عضوه را از برای تمام شدن نعمتهای از جانب تو
يَحِقُّ لِي لَكَ الشُّكْرُ عَلَى جَوَارِحِي وَ أَعْضَائِي وَ أَوْصَالِي، بِالَّذِي
که سزاوار است به من از برای شکرگذاری بر اعضای خود و بر عضوهای خود و پیوندهای خود به آن شکری که

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

يَحِقُّ لَكَ عَلَيْهَا مِنَ الْعِبَادَةِ بِخُشُوعِ نَفْسِي وَ بَصَرِي وَ جَمِيعِ

سزاوار است برای من این نعمتها از عبادت کردن با فروتنی نفس من و چشم و همه

أَرْكَانِي، فَبِهِنَّ عَصَيْتُكَ رَبِّي وَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ جَزَاؤُكَ وَ لَا شُكْرُكَ

عضوهای من به این عضوها نافرمانی کردم تو را ای پروردگار من و نبود این کار من جزای و نه شکرگذاری

مِنِّي، وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ أَكُونَ قَدْ أَوْبَقْتُ نَفْسِي وَ أَمْتَهَلَكْتُهَا بِجُرْمِي،

نعمت تو از جانب من و می ترسم آن که باشم خودم را به هلاکت انداخته باشم و هلاک کرده باشم آنرا به گناهم

فَاسْتَوْجَبْتُ الْعُقُوبَةَ مِنْكَ، لَيْسَ دُونَكَ أَحَدٌ يَا وَيْنِي، وَ لَا يُطِيقُ

پس لازم کرده باشم بر خود عقوبت از جانب تو را نیست غیر تو کسی که جای دهد مرا و نه آن که قدرت داشته باشد

مَلْجَأِي وَ لَا مِنْ عُقُوبَتِكَ يُنْجِينِي، وَ لَا يَغْفِرُ ذَنْبًا مِنْ ذُنُوبِي، وَ

که پناه دهد مرا و نه آن که از عقوبت تو نجات دهد مرا و نه آن که بیامزد گناهی از گناهان مرا و

كُلُّ قَدْ شَغَلَ بِنَفْسِهِ عَنِّي، بَارَزْتُكَ بِسَوْئِنِي، وَ بَاشَرْتُ الْخَطَايَا

همه مردمان که گرفتارند به نفس خود باز ایستادند از من ظاهر کردم به توبیدی کارهای خود را

وَ أَنْتَ تَرَانِي فِي سِرِّي مِنْهَا وَ عَلَانِيَتِي، وَ أَظْهَرْتُ لَكَ مَا أَخْفَيْتُ

و مرتکب شدم گناهان را و تو می بینی مرا در پنهانی من از گناهان و در آشکار من و ظاهر کرده ام برای آنچه را که پنهان نمودم آنرا

مِنَ النَّاسِ، فَاسْتَقَرْتُ مِنْ ذُنُوبِي وَ لَا يَرُونِي فَيَعْيُبُونِي،

از مردمان پس پنهان کردم گناهان خود را از ایشان و ندیدند مردمان مرا تا آن که غیب کنند مرا

إِسْتَحْيَاءَ مِنْهُمْ وَ لَمْ أَسْتَخِيكَ. إِلَهِي قَدْ أَنْسَتُ إِلَى نَفْسِي وَ

از جهت آن که حیا داشتم از ایشان و حیا نکردم از تو ای خدای من و همراهی کردم به سوی نفس خود و

قَذَفْتَنِي فِي الْمَهَالِكِ شَهَوَاتِي، وَ تَعَاطَيْتُ مَا تَعَاطَتْ، وَ طَاوَعْتُهَا

انداختم مرا در مهلکه ها خواهشهای نفسانی من و اخذ نمودم از من آنچه را که اخذ نمود و فرمانبرداری کردم

فِيمَا مَضَى مِنْ عَمْرِي، وَ لَا أَجِدُهَا تُطِيعُنِي، أَدْعُوهَا إِلَى رُشْدِهَا

من او را در مدت آنچه گذشته است از عمر من و نیافتم او را که اطاعت کند مرا خواندم او را به سوی صلاح او

فَتَأْتِي أَنْ تُطِيعَنِي، وَ أَشْكُو إِلَيْكَ رَبِّ مَا أَشْكُو، لِيَتَصَرَّحَنِي وَ

پس امتناع نمود از آن که فرمانبرداری کند، و شکوه آوردم ای پروردگار من آنچه را که شکایت کنم، تا آن که به فریادم رسی

تَسْتَنْقِذَنِي.

و نجات دهی مرا از عقوبت.



دعای شخص اسیر



روایت است که شخصی در زمین روم گرفتار شده بود. در آخر شب برخاست و دو

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء

رکعت نماز گذارد و این دعا را خرائد. خدای عز و جل برای او فرشته‌ای را فرستاد تا آن که او را به خانه خودش به نزد رفیقهای خودش برد. ایشان از حال او سؤال نمودند. به ایشان خبر داد که من این دعا را خواندم و خداوند مرا نجات داد:

أَيْنَ إِلَهَ الدَّاهِرِينَ، أَيْنَ إِلَهَ بَنِي إِسْرَائِيلَ، أَيْنَ مُغْرِقُ فِرْعَوْنَ وَ

کجاست برای من خدای اهل زمانهای گذشته کجاست خدای اولاد یعقوب کجاست غرق کننده فرعون و

جُنُودِهِ، أَيْنَ مُهْلِكُ الْجَبَابِرَةِ، أَيْنَ الَّذِي مَنِ ابْتِغَاهُ وَجَدَهُ، أَيْنَ

سپاه او، کجاست هلاک کننده پادشاهان با جبروت، کجاست آن شخص که هر کس طلب نموده او را یافته است او را، کجاست آن که

الَّذِي مَنِ دَعَاهُ أَجَابَهُ، أَيْنَ الَّذِي لَا يُسْلِمُ أَوْلِيَاءَهُ، أَيْنَ الَّذِي كَانَ وَ

هر کس خوانده است او را برآورده است حاجتش را، کجاست آن که رهایی کند دوستانش را، کجاست آن که همیشه بوده است و

لَمْ يَكُنْ شَيْءٌ قَبْلَهُ، أَيْنَ الَّذِي يَبْقَى وَ يَقْنِي كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِهِ، أَيْنَ

نبوده است چیزی پیش از آن، کجاست آن که باقی می ماند او و برطرف می شود هر چیزی به فرمان او، کجاست

الَّذِي أَرَسَى الْجِبَالَ بِقُدْرَتِهِ، أَيْنَ الَّذِي زَجَرَ الْبَحْرَ فَاَنْفَلَقَ فَكَانَ

آن که بلند کرده است کوهها را به قدرت خود، کجاست آن که جبر کرده است دریا را پس شکافته شد آن پس بود

كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ، أَيْنَ مُفْرِجُ الْغُمُومِ وَ الْهُمُومِ، أَيْنَ خَالِقُ

هر حقه از آن مانند کوه بزرگ، کجاست کجاست برطرف کننده غمها و اندوهها، کجاست آفریدگار

الْخَلَائِقِ، أَيْنَ عَظِيمُ الْعُظْمَاءِ. أَنْتَ هُوَ يَا رَبِّ، أَنْتَ هُوَ يَا رَبِّ، أَنْتَ

آفریدگان، کجاست بزرگترین بزرگان، تویی آن شخص ای پروردگار من، تویی آن شخص ای پروردگار من، تویی

هُوَ يَا رَبِّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِيلَةَ، وَ

آن شخص ای پروردگار من رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و عطا کن محمدا وسیله شدن به جهت شفاعت و

اسْتَجِبْ دُعَائِي بِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ، فَكُنِّي مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، وَ ارْحَمْنِي

مستجاب کن دعای مرا به حق این کلمه که نیست خدائی مگر تو رها کن مرا از هر بلائی و رحم کنای بر من

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. يَا كَهْيَعَصْ، آمِينَ آمِينَ. يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ،

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای که هیچ کس مستجاب گردان دعای مرا مستجاب کن دعای مرا ای پاکیزه ای منزله عیبها

يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ، يَا أَلَلَّهُ يَا أَلَلَّهُ يَا أَلَلَّهُ، يَا رَحْمَنُ يَا

ای اول همه پیشینیان ای آخر همه پسینیان ای خدا ای خدا ای بسیار بخشنده ای

رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ، يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ، إِفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.

بسیار بخشنده ای بسیار بخشنده ای مهربان ای مهربان بکن به من فلان کار و فلان کار.

دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام

❁ دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام ❁

❁ دعای اول ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتها در اسم اعظم، روایتی است که ما به سندهای خود تا محمد بن حسن صفار رسیده است که از کتاب «فضل الدعا» نقل شده است و او روایت نموده است به سندهای خود تا معاویه بن عمار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اسم خدای اکبر است. یا آن که فرمودند: اسم خدای اعظم است.

❁ دعای دوم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتها در اسم اعظم، روایتی است که به سندهای ما از کتاب مذکور وارد شده که نقل شده است از حسن بن علی بن ابی حمزه، از پدر خود، از ابی عبدالله امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند: اسم اعظم خدای تعالی حرفهای آن از یکدیگر جدا در قرآن وارد شده است.

❁ دعای سوم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتهائی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده است، روایتی است که به سندهای خود از کتاب «فضل الدعا» از عمر بن توبه، از حضرت ابو عبدالله امام جعفر صادق علیه السلام که به بعضی از اصحاب خود فرمودند: آیا می خواهی که به تو اسم اعظم خدا را تعلیم کنم؟ آن شخص گفت: بلی. آن حضرت فرمودند: سورة «حمد» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «آیة الكرسی» و سورة «قدر» بخوان، آنگاه رو به طرف قبله کن و دعا کن آنچه را که می خواهی.

❁ دعای چهارم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتهائی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد

دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام

شده است، روایتی است ما به سندهای خود تا محمد بن حسن صفار روایت می‌کنیم و از او تا به سلیمان بن جعفر حمیری و او از حضرت امام رضا علیه السلام نقل نموده است که فرمودند: هر کس بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

اَعْلَى بِه نام خدای بخشنده مهربان نیست قدرتی و توانائی مگر به خدای بلند مرتبه

الْعَظِيمِ.

بزرگ.

به اسم اعظم از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک تر خواهد بود، به درستی که در این کلمات اسم اعظم داخل است.

❁ دعای پنجم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتهائی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده است، روایتی است که ما به سندهای خود تا به عبدالحمید روایت می‌کنیم و او نقل کرده است از حضرت امام رضا علیه السلام که فرموده‌اند: اسم خدای اکبر: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ» است.

❁ دعای ششم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتهائی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده است از محمد بن حسن صفار مروی است و او نقل نموده است به سندهای خود از ابی هاشم جعفری که گفت از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: این کلمه نزدیکترین کلمات به اسم اعظم خدای تعالی از سیاهی چشم به سفیدی آن است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

❁ دعای هفتم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتهائی که در کیفیت اسم اعظم وارد شده است، روایتی چند است که آنها در کتاب «دعوات النبی» تصنیف حافظ ابی محمد حرمی

دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام

ذکر شده‌اند که از عبدالسلام بن محمد بن حسن بن علی خوارزمی اندرسفانی (اندرستانی) در چندین روایت نقل کرده‌است. از آن جمله روایتی است که از انس بن مالک نقل نموده که گفت: حضرت رسول صلی الله علیه و آله به ابی عیاش زید بن صامت برادر بنی زریق گذشتند که نشسته بود و این کلمات را می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا مَنْنُ يَا بَدِيعَ

خداوند! من سؤال می‌کنم تو را به حق آن که برای تو ستایش خدائی مگر تو ای بخشنده، ای تازه پدید آورنده

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

آسمانها و زمین، ای صاحب بزرگی و بختش.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که به جمعی از اصحاب خود که آیا می‌دانید این دعا چه کلمات است که آن را این شخص خواند؟ گفتند: خدا و رسول او داناتر هستند. آن حضرت فرمودند: هر آینه خدای عز و جل را به اسم اعظم خواند که هرگاه خدا را به این اسم بخوانند، حاجت خواننده را بر می‌آورد و هرگاه خدای تعالی را به این اسم سؤال کنند، عطا می‌کند.

دعای هشتم

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایت‌هایی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده‌است حدیثی است که به روایات اسماء دختر زید وارد شده‌است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: این اسم خدا اعظم است که هرگاه او به این اسم خوانده شود، خدا حاجت آن بنده را بر می‌آورد: «قُلِ اللَّهُمَّ مَا لَكَ الْمُلْكُ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ، وَتُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ».

دعای نهم

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایت‌هایی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده‌است، حدیثی دیگر به روایت ابن عباس مروی است که گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اسم خدای اعظم در شش آیه‌است که در آخر سوره حشر است: «يَا أَيُّهَا

دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام

الَّذِينَ آمَنُوا.....تَا.....هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ غَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ. هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ، لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».

❁ دعای دهم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتهائی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده است حدیثی است که به روایت ابی امامه وارد شده است که گفت: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه خدای تعالی به اسم اعظم خوانده شود، حاجت بنده خود را بر می آورد، که در سه سوره است: در سوره بقره و آل عمران و طه. ابو امامه گفته که و اما آن که در سوره بقره است «آیه الكرسي» است. اما آن که در سوره آل عمران است: «الْم. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ». و اما آن که در سوره طه است: «وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ».

❁ دعای یازدهم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: مروی است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از مردی شنیدند که این اسماء را بعد از نماز عشاء می خواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَلَا أَحَدُ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

نرانی و زانیده نشده است، و نیست برای او همسر کسی.

❁ دعای دوازدهم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: در روایت دیگر، بر این وجه است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَحَدُ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

خداوند! به درستی که سوال می کنم به حق آن که تویی خدای یگانه دانمی که نرانی و زانیده

دعاهای اسم اعظم از انقه علیه السلام

يُولَدُ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

نشده است و نیست برای او همسر کسی.

آنگاه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: قسم به کسی که جانم به دست قدرت اوست هر آینه این مرد خدای خود را به اسم اعظم سؤال کرد، آن چنان اسمی که هرگاه خدای تعالی را به آن سؤال کنند، عطا می کند و هرگاه خدا به آن اسم خوانده شود حاجت بنده خود را بر می آورد.

❁ دعای سیزدهم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایت هائی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده است حدیثی است که به روایت عایشه مروی است که به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفتم: یا رسول الله به من اسم اعظم خدای تعالی را تعلیم نمای. آن حضرت فرمودند: وضو ساز، او نیز وضو ساخت. سپس به او گفتند: این کلمات را بخوان تا آن که من اینهارا بشنوم. عایشه نیز آنها را خواند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الْحُسْنٰی كُلِّهَا مَا عَمِلْتُ مِنْهَا وَ مَا لَمْ

خداوند! به درستی که سؤال می کنم تو را به حق نامهایت که نیکویند همه آنها آنچه می دانم از آنها و آنچه

أَعْلَمُ، وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْكَبِيرِ الْأَكْبَرِ.

نمی دانم و سؤال می کنم تو را به نام تو که بزرگ و بزرگتر است و کبیر و اکبر است.

آن حضرت فرمودند: تو ای عایشه قسم به حق آن کسی که مرا بر راستی فرستاده است، اسم اعظم را یافتی.

❁ دعای چهاردهم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایت هائی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده از انس مروی است: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: یوشع بن نون این دعا خواند. به برکت این دعا، خدای تعالی آفتاب را از فرو رفتن نگاه داشت تا آن که او از نماز فارغ شد:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ

خداوند! من سؤال می کنم تو را به نام تو که پاکیزه و پاک گردانیده شده و منزّه و با

دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام

الْمُبَارَكِ الْمَكْنُونِ الْمَحْزُونِ، اَلْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْحَمْدِ، وَ

برکت و سرچشمه شده در خزانه و پنهان است و نوشته شده است بر سرایبرده حمد و

سُرَادِقِ الْمَجْدِ، وَ سُرَادِقِ الْقُدْرَةِ، وَ سُرَادِقِ السُّلْطَانِ، وَ سُرَادِقِ

سرایبرده بزرگی و سرایبرده قدرت و سرایبرده پادشاهی و سرایبرده

السَّرَائِرِ، اَدْعُوكَ يَا رَبِّ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ النُّورُ الْبَارُّ

پنهانی ها. می خوانم تورا ای پروردگار من به آن که برای توست ستایش نیست خدائی مگر تو که روشنی ده عالمیانی

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الصَّادِقُ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، بَدِيعُ

و نیکوکار و بخشنده مهربان و راست گوئی داتای پنهان و حاضری تازه بدید آورنده

السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، وَ نُورُهُنَّ وَ قِيَامُهُنَّ، ذُو الْجَلَالِ وَ الْاَكْرَامِ،

آسمانها و زمین و روشنی ده آنهائی و بیه پای دلورنده آنهائی صاحب بزرگی و بخشندگی

حَنَّانُ نُورٌ دَائِمٌ قُدُّوسٌ حَى لَا يَمُوتُ.

رحم کننده روشنی بخشی همیشگی و منزهی زندهای که نمی میرد.



دعای پانزدهم



سید بن طاووس رحمته الله علیه گوید: از جمله روایتهائی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد

شده است به روایت حمزه بن عبدالمطلب وارد است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِیْمِ، وَ بِرِضْوَانِكَ الْاَكْبَرِ.

خداوندا! من سؤال می کنم تورا به نام تو که بزرگ است و به خشنودیت که بزرگتر است.



دعای شانزدهم



سید بن طاووس رحمته الله علیه گوید: در روایت عایشه مذکور است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

فرمودند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الطَّاهِرِ الطَّیِّبِ الْمُبَارَكِ لَا اَحَبَّ اِلَیْكَ،

خداوندا! من سؤال می کنم تورا به نام تو که پاک و نیکوی و با برکت است و دوست ترین نامهاست به سوی

اَلَّذِیْ اِذَا دُعِیْتُ بِهِ اُجِبْتُ، وَ اِذَا سُئِلْتُ بِهِ اُعْطِیْتُ، وَ اِذَا

آنچنان نامی که هرگاه خوانده شوی به آن نام اجابت می کنی و هرگاه سؤال کرده شوی به آن نام عطا می کنی و هرگاه

دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام

اسْتَرْجِفْتُ بِهِ رَحِمَتَ، وَإِذَا اسْتَفْرَجْتُ بِهِ فَرَجْتُ.

رحم طلبیده شوی به آن نام رحم می کنی و هرگاه فرج طلبیده شوی به آن نام فرج می دهی تو.



دعای هفدهم



سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایت‌هایی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده است، به روایت ابن مسعود است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَ مِنْتَهٰی الرَّحْمَةِ مِنْ

خداوند! من سؤال می کنم تو را به معانی بستم شدن عزت از عرش تو و به منتهای رحمت از

کِتَابِكَ، وَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ، وَ جَدِّكَ الْاَعْلٰی.

قرآن تو و به اسمت که بزرگتر است و به بزرگیت که بلندتر است و به کلمه هایت که تعامد.



دعای هیجدهم



سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایت‌هایی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده است به روایت ابن عباس است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ». اسمی از اسمهای خدای تعالی است که بزرگترین نامهاست و نیست میان آن و میان اسم خدای اعظم مگر مانند سیاهی چشم و سفیدی آن از نزدیکی.



دعای نوزدهم



سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتی است که از مردی وارد شده است که گفته است: دائماً از خدای تبارک و تعالی طلب می نمودم که به من اسم اعظم خود را تعلیم کند. خوابیدم و در خواب دیدم که در آسمان به ستاره‌ها این اسم نوشته بود:

یَا بَدِیْعَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ، یَا ذَا الْجَلٰلِ وَ الْاِکْرَامِ.

ای تازده پدید آورنده آسمانها و زمین ای صاحب بزرگی و بخشش.



دعای بیستم



سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایت‌هایی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده است، حدیثی است که از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مروی است که فرمودند:

دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام

من از خدای تعالی در عقب هر نمازی یک سال سؤال کردم آن که مرا اسم اعظم خود تعلیم کند. قسم به خدا که بعد از نماز صبح نشسته بودم که چشمهای مرا خواب گرفت. مردی را دیدم که در پیش روی من نشسته است. گفت: حاجت تو برآورده شد پس تو این را بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ اللّٰهُ اللّٰهُ اللّٰهُ اللّٰهُ، لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ

خداوند! من سؤال می‌کنم تو را به نام تو که خداست خدا، خدا، خدا، خدا نیست خدائی مگر او که پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

عرش بزرگ است.

آن مرد گفت که آیا فهمیدی، یا آن که بر تو اعاده کنم؟ من گفتم: بر من اعاده کن. بر من اعاده کرد و آن حضرت فرمودند من این اسم را به چیزی نخواندم مگر آن که به آن رسیدم و امیدوارم آن که این اسم برای من نزد خدای تعالی ذخیره‌ای باشد.

❁ دعای بیست و یکم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتی که از صالح مری مروی است که گفت که شخصی در جواب به من گفت: آیا می‌خواهی که تو را به اسم خدای اعظم تعلیم نمایم که هرگاه خدای تعالی به آن اسم خوانده شود، اجابت کند؟ گفتم: بلی. گفت هر دعائی که می‌کنی این را بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْمُبَارَكِ الطَّاهِرِ

خداوند! من سؤال می‌کنم تو را به نام تو که سپرده شده در خزانه تو و پنهان است و با برکت پاکیزه

الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ.

پاک و منزّه است.

صالح گوید: من خدا را در هیچ بیابانی و نه در دریائی نخواندم مگر آن که دعای من مستجاب شد.

❁ دعای بیست و دوم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از ابی غالب قطان مروی است که گفت: از خدای تعالی بیست

دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام

سال مسنلت نمودم آن که مرا اسم اعظم را تعلیم کند که هرگاه خدای را به آن اسم بخوانم، اجابت کند و هرگاه به آن اسم سؤال کنند، عطا کند. من در یک شبی نماز می کردم، شنیدم که شخصی می گفت: ای غالب گوش بینداز به آنچه می شنوی. مرا خواب برد، ناگاه شنیدم که شخصی گفت که این کلمات را بگو:

يَا فَارِجَ الْغَمِّ، وَيَا كَاشِفَ الْهَمِّ، وَيَا مُوفِيَ الْعَهْدِ، وَيَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

ای گشایش دهنده از غم ای برطرف کننده اندوه ای وفا کننده به شرط خود ای زنده نیست خدائی جز تو

من از خدای تعالی بعد از این به این کلمات چیزی را سؤال نکردم، مگر آن که خدا آن را به من عطا نمود.

❁ دعای بیست و سوم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتهائی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده است از یحیی بن سلیم روایت شده است آن که به من رسیده بود آنکه: ملک الموت از جانب خدای تعالی مأذون شده به آن که بر یعقوب سلام نماید. چون به یعقوب وارد شد و بر او سلام کرد، یعقوب به او گفت تو را قسم می دهم به کسی که خلق نموده است آن که آیا قبض روح یوسف کرده ای؟ ملک الموت گفت: نه. آیا می خواهی که ترا کلماتی تعلیم کنم که تو از خدای تعالی چیزی را سؤال نکنی، مگر آن که خدا آن را به تو عطا کند. یعقوب گفت: بلی می خواهم. ملک الموت گفت: این کلمات را بگو:

يَا ذَا الْمَعْرِوْفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، وَلَا يُخْصِيهِ غَيْرُهُ.

ای صاحب احسان که بریده و برطرف نمی شود هرگز و شماره نمی کند آنرا غیر او کسی.

راوی گوید: هنوز صبح طلوع نکرده بود که برای یعقوب پیراهن یوسف را آوردند.

❁ دعای بیست و چهارم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از تزییل محمد بن نجار در ترجمه احمد بن محمد بن علی حربی به سندهای خود از اسماء دختر زید روایت شده است که گفت: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: اسم خدا اعظم در این دو آیه است:

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ...»

دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام

و «الْهَكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ...».

❁ دعای بیست و پنجم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتهائی که در اسم اعظم خدایتعالی وارد شده است، روایتی است که به سندهای ما تا محمد بن حسن صفار مروی است و او به سندها تا ابو الجارود از زید بن علی نقل نموده است که گفت: به درستی که ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله از اسم اعظم خدا پرسید. حضرت از او روی گردانیدند و ساکت شدند. تا آن که آن حضرت بر ام سلمه داخل شدند و حال آن که او در سجده بود و این کلمات را می خواند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الْحُسْنٰی مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَ مَا لَمْ

خداوند! من سؤال می کنم تو را به نامهایت که نیکویند به حق آنچه دانسته ام از آنها و به حق آنچه

أَعْلَمُ، وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِیْ اِذَا دُعِیْتُ بِهِ أَجَبْتُ، وَ اِذَا

ندانسته ام آن را و سؤال می کنم تو را به حق نام تو که بزرگترین نامهاست آن نامی که هرگاه خوانده شوی به آن نام اجابت می کنی و هرگاه

سُئِلْتُ بِهِ أُعْطِیْتُ، فَاِنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْمَنَّانُ، بِدِیْعِ

سؤال کرده شوی به آن نام می بخشی به درستی که برای توست ستایش نیست خدائی مگر تو که بخشنده و تازه پدید آورنده

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ.

آسمانها و زمینت ای صاحب بزرگی و بخشش.

پس آن حضرت فرمودند: ای ام سلمه، تو اسم اعظم خدای تعالی را یافته ای که آن را از من سؤال نموده بودی.

❁ دعای بیست و ششم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتها در اسم اعظم، روایتی است که ما آن در کتاب «اغاثة الداعی» ذکر نمودیم و ما آن را در این کتاب نیز ذکر می کنیم چون که ما بسیاری از روایات را ذکر نمودیم که در اسم اعظم وارد شده اند. گوئیم که در کتاب کهنه ای این عبارت را از علی بن عیسی علوی یافتیم که گفت: از احمد بن عیسی علوی شنیدم که می گفت: به من ابو عیسی بن زید از پدر خود زید از جد خود حضرت علی بن الحسین علیه السلام حدیث نمود که فرمودند: خدای تعالی را بیست سال سؤال کردم آن که به

دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام

من اسم اعظم را تعلیم کند. در شبی ایستاده بودم و نماز می کردم. چشمهای من به خواب رفت و دیدم که جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله از برابر من می آمد و چون نزدیک به من آمد ما بین دو چشم مرا بوسید و گفت از خدای تعالی چه چیز سؤال کرده ای؟ من گفتم: ای جد بزرگوار من، از خدای تعالی سؤال نموده ام آن که مرا اسم اعظم خود را تعلیم کند.

آن حضرت فرمودند: ای پسر من، این دعا را بنویس. من گفتم که و این را بر کجا بنویسم؟ فرمودند: به انگشت خود بر کف دست خود بنویس، دعا کن به آنچه خواهی و دعا این است:

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، وَحَدَّكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، أَنْتَ الْمَنَّانُ

ای خدا، ای خدا، ای خدا در حالی که یگانه ای یگانه ای نیست شریکی برای تونی بخشنده

بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَذُو الْأَسْمَاءِ

تازه پدید آورنده آسمانها و زمین، تونی صاحب بزرگی و بخشش و صاحب نامهای

الْعِظَامِ، وَذُو الْعِزِّ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

بزرگی و صاحب عزت که مغلوب نمی گردد و خدای شما یگانه است نیست خدائی مگر او

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

که بخشنده مهربان است. و رحمت خدا باد بر محمد و بر خاندانش همه.

آنگاه حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: قسم به آن که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به راستی به پیغمبری فرستاده است که این را تجربه نمودم چنان بود که آن حضرت فرمودند.

زید بن علی گفته که من نیز تجربه نمودم چنان بود که پدرم علی الحسین گفت. و عیسی بن زید گوید که من نیز تجربه نمودم چنین شد که آن را پدرم زید وصف نمود و احمد بن عیسی گفته که من نیز تجربه نمودم چنان شد که مذکور گردید.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: این حدیث ضعیف است و موافق اعتقاد امامیه نیست. بلکه موافق اعتقاد امامیه و آنچه من نیز اعتقاد دارم و روایت کرده ام آن را، این است که حضرت امام زین العابدین و جد او رسول خدا صلی الله علیه و آله و همه ائمه معصومین علیهم السلام همگی اسم اعظم را از ابتدا می دانسته اند و به یکدیگر تعلیم می نموده اند، نه آن که تا بیست سال ندانند و از خدا سؤال کنند و در آخر در خواب آن را بینند ولیکن من این روایت را ذکر کردم به نحوی که آن را یافته ام.

دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام



دعای بیست و هفتم



سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله روایتها در اسم اعظم، حدیثی است که ما به سندهای خود تا محمد بن حسن صفار رحمه الله روایت می‌کنیم و همچنین به سندهای خود تا ابن ابی قره و او در کتاب «المجتهد» ذکر نموده‌است که این است آن دعا که آن حضرت امام موسی بن جعفر رحمه الله در زیر ناودان طلا در کعبه معظمه می‌خواندند و همچنین محمد بن حسن صفار رحمه الله به سندهای خود از سکین بن عمار نقل نموده که گفت: من در مکه معظمه خوابیده بودم. به خواب دیدم که شخصی به نزدیک من آمد و گفت برخیز. به درستی که در زیر ناودان طلا شخصی ایستاده‌است و خدا را به اسم اعظم می‌خواند. ترسیدم و از خواب جستم و باز خوابیدم. مرا مرتبه دوم آواز کرد. باز ترسیدم و از خواب جستم و باز خوابیدم. در مرتبه سوم نیز آمد و گفت برخیز که عبد صالح (یعنی حضرت امام موسی بن جعفر رحمه الله) در زیر ناودان طلا ایستاده و خدای خود را به اسم اعظم می‌خواند. راوی گوید من برخاستم و غسل کردم و داخل حجر اسماعیل شدم مردی را دیدم که جامه خود را بر سر خود انداخته‌است و در سجده‌است. من در عقب سر او نشستم و گوش انداختم شنیدم که این دعا را می‌خواند:

يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا حَيُّ يَا

ای نور ای منزه ای نور ای منزه ای نور ای منزه ای زنده ای

قَيُّومُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ، يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ، يَا حَيُّ لَا

پایدار ای زنده ای پایدار ای زنده ای پایدار ای زنده ای نمی‌میرد ای زنده ای که

يَمُوتُ، يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ، يَا حَيُّ جِنِّ لَا حَيٍّ، يَا حَيُّ جِنِّ لَا حَيٍّ، يَا

نمی‌میرد ای زنده ای که نمی‌میرد ای زنده هنگامی که نیست زنده‌ای غیر او، ای زنده هنگامی که نیست زنده‌ای غیر او، ای

حَيُّ جِنِّ لَا حَيٍّ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَيُّ لَا

زنده هنگامی که نیست زنده‌ای غیر او، ای زنده که نیست خدائی مگر تو، ای زنده که نیست خدائی مگر تو، ای زنده که نیست

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

خدائی مگر تو.

و سه مرتبه گفتند: أَسْأَلُكَ بِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ.

و سه مرتبه گفتند: أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

دعاهای اسم اعظم از انقه علیه السلام

و سه مرتبه گفتند: **أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْعَزِيزِ الْمُبِينِ**.
سکین راوی گوید: مکرراً آن حضرت این کلمات را می خواندند تا آن که من آنها را حفظ کردم. سر برداشتند و ملاحظه اطراف آسمان نمودند. ظاهر شد که صبح طلوع کرده است. به عقب خانه کعبه نزدیک مستجار آمدند و نماز صبح به جای آوردند و از مسجد بیرون رفتند.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: احادیث در اسم اعظم بسیار است به طریقه های مختلف از جماعت شیعیان و غیر ایشان نقل شده ولیکن من به همین قدر اختصار نمودم که مذکور شد از جهت آن که اینها را به صواب نزدیکتر می دانستم.

❁ دعای بیست و هشتم ❁

والحال ذکر می کنم حدیثی دیگر را در اسم اعظم زیرا که من آنها را بسیار غریب یافتم. و آن این است که در روایت عطا مذکور است که او این را تجربه نموده که اسم اعظم این کلمات است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می کنم بنام خدای بخشنده مهربان

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبُّنَا يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا نُورُ يَا نُورُ

ای خدای خدای خدای بخشنده ای بخشنده ای روشن کننده عالم ای روشن کننده عالم

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای صاحب احسان ای صاحب بزرگی و بخشش

❁ دعای بیست و نهم ❁

دعای دیگر که در آن اسم اعظم است و از ربیع بن انس مروی است و این بیست و نه کلمه است که به آن حضرت امام موسی علیه السلام تکلم نموده است. بعد از آن که نمازگذاری هر وقت که خواهی.

دویست مرتبه می گوئی: «أَمَنْتُ بِاللَّهِ الْآخِذِ الصِّدِّ».

دویست مرتبه می گوئی: «أَعْبُدُ اللَّهَ لَا أَشْرِكُ بِهِ شَيْئاً».

دویست مرتبه می گوئی: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

دعاهای اسم اعظم از انقه ﷺ

سپس این دعا را می خوانی:

يَا مُهَيِّمُنْ يَا مُتَعَالِي، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا بَدِيْعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ،

ای حفظ کننده، ای بسیار بلند مرتبه، ای زنده، ای پایدار، ای تازه پدید آورنده آسمانها و زمین،

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ اسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْبَرِ

ای صاحب بزرگی و بخشش سوال می کنم تو را به حق نام تو که بزرگتر و شریفتر و عظیم تر است

الْأَعَزَّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الْعَدْلِ النُّورِ، وَهُوَ اسْمُكَ.

و عزیز تر و بخشنده تر و عدالت کننده و روشن کننده است و او نام توست.

پس دعا می کنی و این را می گوئی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَا أَعْظَمَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، إِهْدِنِي

نیست خدائی مگر خدا چه بزرگ است خدا، نیست خدائی مگر خدا، محمد فرستاده خداست راهنمایی کن مرا

فِي تَعْبِيرِ كَفَيْتَ حِصْ لَا بَرَحَ طُفُسٍ، أَلَمْ أَلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

در تعبیر این کلمه منم خدای دانایان او خداست نیست خدائی مگر او

الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

که زنده پایدار نیست خدائی مگر او که پروردگار عرش بزرگ است.

باز برای خود دعا می کنی و تو این بیست و نه نام را می خوانی و حال آن که باید که
راست ایستاده باشی و آن این است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاَنَّكَ حَیُّ قَیُّوْمٌ رَّحْمٰنٌ دَیَّانٌ عَظِیْمٌ وَّاحِدٌ،

خداوند! من سوال می کنم تو را به حق آن که تو زنده ای و به خود بریانی و بخشنده ای و جزا دهنده ای و بزرگ و یگانه ای

سُبْحَانَ رَبِّیْ وَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا یَصِفُوْنَ، وَ سَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِیْنَ،

تنزیه می کنم تنزیه کردنی پروردگار خود را، و پروردگار عزت و غلبه را از آنچه تعریف می کنند مشرکان و سلام و درود باد بر فرستاده شدگان

وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ. اَللّٰهُمَّ وَ اَنْتَ مَجِیْدٌ مُّؤْمِنٌ مُّهِیْمٌ مَلِکٌ

و همه ستایش برای خداست که پروردگار عالمان است. خداوند! و تویی صاحب بزرگی امان دهنده حفظ کننده پادشاه

مَالِکٌ مَلِیْکٌ مُّتَكَبِّرٌ صَدْرٌ صَمَدٌ مَوْلى مَلِیُّ مُعْطٍ مُّانِعٌ مُّعَزٌّ

و صاحب همه چیز و با مملکت و صاحب بزرگی، تویی مقدم بر همه چیز، همیشه، صاحب همه چیز، مالدار، بخشش کننده منع کننده عزیز کننده

مُتَعَزِّزٌ مُّتَعَالٍ مُّحْسِنٌ مُّجْمَلٌ مُّنْعَمٌ مُّتَفَضِّلٌ مُّسَبِّحٌ مُّاجِدٌ مُّجِیْدٌ

صاحب عزت بسیار بسیار بلند مرتبه بخشنده نیکنی کننده انعام کننده بسیار احسان کننده تسبیح کرده شده ای تویی شریف صاحب بزرگی

دعاهای اسم اعظم از انچه علیه السلام

مُتَحَنِّنٌ مُّحْيٍ مُّمِيتٌ مُّبْدِئٌ مُّعِيدٌ مُّقْتَدِرٌ مُّبِينٌ مُّتَقِينٌ، أَسْأَلُكَ

تونی مهربان زنده کننده میراننده خلق کننده در اول برگرداننده بسیار با قدرت ظاهر تونی آن که محکم است امر تو سؤال می کنم از تو

رِضْوَانِكَ وَ الْجَنَّةَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارِ. اَللّهُمَّ وَ أَنْتَ

خشنودی تورا و بهشت را و پناه می برم به تو از خشم و عقوبت تو و از آتش، خداوند! و تونی

حَيُّ حَمِيدٌ حَلِيمٌ حَكِيمٌ حَكَمٌ حَاقِمٌ حَقٌّ حَفِيظٌ خَافِظٌ حَسْبَبٌ

زنده ستایش کرده شده بر دبار دانای با تدبیر حکم کننده فرمان کننده ثابت بسیار نگاهدارنده نگهبان کفایت کننده

حَبِيبٌ، أَسْأَلُكَ رِضْوَانَكَ وَ الْجَنَّةَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ

دوست سؤال می کنم از تو خشنودی تورا و بهشت و پناه می برم به تو از عقوبت تو و

النَّارِ. اَللّهُمَّ وَ أَنْتَ دَيَّانٌ دَائِمٌ دَيْمُومٌ دَافِعٌ، فَادْفَعْ عَنِّي شَرَّ مَا

از آتش، خداوند! و تونی حیران کننده همیشه ازلی دفع کننده بلاها

أُحْذِرُ مِنْ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، أَسْأَلُكَ رِضْوَانَكَ وَ الْجَنَّةَ، وَ أَعُوذُ بِكَ

پس دفع کن از من شر آنچه را که می ترسم از امر دنیای من و آخرت من سؤال می کنم از تو خوشنودی را و بهشت را و پناه می برم به تو

مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارِ. اَللّهُمَّ وَ أَنْتَ رَحْمَنٌ رَحِيمٌ رَبُّ رَازِقٌ رَقِيبٌ

از غضب تو و از آتش، خداوند! و تونی بخشنده رحم کننده مهربان پروردگار روزی دهنده نگهبان

رَافِعٌ رَفِيعٌ، فَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أُحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أُحْتَسِبُ،

بلند کننده بلند مرتبه پس روزی ده مرا از جانی که گمان دارم و از مکانی که گمان ندارم

أَسْأَلُكَ رِضْوَانَكَ وَ الْجَنَّةَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارِ. اَللّهُمَّ

سؤال می کنم از تو خوشنودی تورا و بهشت را و پناه می برم به تو از خشم و عقوبت تو و از آتش خداوند!

وَ أَنْتَ سَمِيعٌ سَامِعٌ سَيِّدٌ سَنَدٌ، فَاسْمَعْ دُعَائِي وَ لَا تُعْرِضْ عَنِّي،

و تونی شنوا و داناستوده معتمد پس بشنو و اجابت کن دعای مرا و روی مگردان از من

وَ سَلِّمْ عَلَيَّ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ وَ أَسْأَلُكَ رِضْوَانَكَ وَ الْجَنَّةَ، وَ أَعُوذُ بِكَ

و به سلامت دار مرا از شر همه آن و سؤال می کنم از تو خوشنودی تورا و بهشت را و پناه می برم به تو

مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارِ. اَللّهُمَّ وَ أَنْتَ وَاسِعٌ وَ هَاطٌ وَ اِلٍ وَ لِي وَ فِي

از غضب تو و از آتش، خداوند! و تونی گشاده نعمت بخشنده صاحب اختیار دوست وفا کننده

وَ اِفٍ وَ كِيْلٌ وَ اِدٌّ وَ دُوْدٌ وَ اِرِثْ، اجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ،

به وعده نعمت دهنده معتمد دوست بسیار دوست لوث برنده از همه مردمان بگردان مرا از جمله لوث برندگان بهشت پر نعمت

أَسْأَلُكَ رِضْوَانَكَ وَ الْجَنَّةَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارِ. اَللّهُمَّ

سؤال می کنم از تو خوشنودی تورا و بهشت را و پناه می برم به تو از عذاب و عقوبت تو و از آتش، خداوند!

وَ أَنْتَ هَادٍ فَاهِدِنِي بِهَذَايَتِكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ، فَإِنَّهُ لَا

و تونی راهنما پس راهنمایی کن مرا به راهنمایی از جانب خود از تاریکیها به سوی روشنی به درستی که نیست

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

هَادِي الْأَنْتَ، أَسْئَلُكَ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ

راحمانی مگر تو سوال می‌کنم از تو خوشنودی تو را و بهشت را و پناه می‌برم به تو از عقوبت تو

و النَّارِ. اللَّهُمَّ وَأَنْتَ ذَاكِرُ ذُو الْعَرْشِ ذُو الطَّوْلِ ذُو الْأَلَاءِ

و از آتش خداوند! و تویی یادآورنده صاحب عرش و صاحب احسان و صاحب نعمتها

وَالْمَعَارِجِ وَالْمَنْ الْقَدِيمِ، ذُو الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ، ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ

و مرتبه‌های بلند و مینت قدیمی و صاحب بزرگی و اتعام و صاحب توانایی شدید

فَقَوْنِي لِعِبَادَتِكَ، أَسْئَلُكَ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ

بس قوت ده مرا برای بندگی به جای آوردن تو سوال می‌کنم از تو خوشنودی تو را و بهشت را و پناه می‌برم به تو از

سَخَطِكَ وَالنَّارِ. اللَّهُمَّ وَأَنْتَ نُورٌ نَاصِرٌ نَصِيرٌ فَتَّاحٌ بِالْخَيْرَاتِ،

غضب تو و از آتش، خداوند! و تویی روشنی ده همه چیز یاری دهنده با قوت گشاینده کارها را به نیکی و به

أَعِنِّي عَلَى نَفْسِي وَانصُرْنِي عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّي مِنَ الْجِنِّ

یاری کن مرا بر نفس من و یاری ده مرا بر دشمن تو و دشمن من از جنیان

وَالْأَنْسِ، وَانصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَ عَلَى الشَّيْطَانِ

و آدمیان و یاری کن مرا بر ظلم یافتن بر گروه ستم کاران و بر شیطان

الرَّجِيمِ، أَنْصُرْنِي نَصْرَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ، أَسْئَلُكَ رِضْوَانَكَ وَ

رانده شده از رحمت، خداوند! یاری کن مرا یاری کردن غلبه کننده بسیار با قوت سوال می‌کنم از تو خوشنودی تو را و بهشت را و

الْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَالنَّارِ. اللَّهُمَّ وَأَنْتَ عَالِمٌ عَالِمٌ

پناه می‌برم به تو از خشم و از آتش، خداوند! تویی دانای بسیار دانای

عَلَامُ الْغُيُوبِ، عَالٍ عَلَى عَظِيمٍ عَزِيزٌ عَفُوٌّ عَطَافٌ عَدْلٌ، فَاعْفُ

همه پنهانها بلند مرتبه بسیار بلند بزرگ غلبه کننده با عزت در گذرنده از گناهان بخشنده مهربان عادل پس در گذر

عَنْيَ مَا سَلَفَ مِنْ خَطَايَايَ وَذُنُوبِي، وَوَفَّقْنِي فِي مَا بَقِيَ مِنْ

از من از آنچه گذشتند از تقصیرهای من و گناهان من و توفیق ده مرا در آنچه باقی مانده است از

عَمْرِي لِطَاعَتِكَ، أَسْئَلُكَ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ

عمر من برای فرمان برداری سوال می‌کنم از تو خوشنودی تو را و بهشت را و پناه می‌برم به تو از

سَخَطِكَ وَالنَّارِ.

عقوبت تو و از آتش.



دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام



دعای فلج و سایر امراض



دعاهای عافیت از انمه علیه السلام

سید بن طاووس رحمه الله گوید: به سندهای خود تا به سعد بن عبدالله روایت می‌کنیم و او به سندهای خود نقل کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند: روزی در خدمت پدرم نشسته بودم و مردی نزد او بود که یک دست او به سبب فلج خشک گردیده بود و از پدرم استدعا می‌نمود که او را دعائی تعلیم نماید و می‌گفت که مرض سنگ مثانه نیز دارم و قادر نیستم بر آن که بول کنم مگر به مشقت و دشواری. پدرم به او این دعا را تعلیم نمود. آن مرد مفلوج به پدرم گفت که استدعا دارم که دو دست مبارک خود را بر بدن من بمالید. آن حضرت چنان کردند و فرمودند که این دعا را هنگامی که نماز شب را بجای آوردی در حالی سجده بخوان:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوکَ دُعَاءَ الْعَلِیْلِ الذَّلِیْلِ الْفَقِیْرِ، اَدْعُوکَ دُعَاءَ مَنْ قَدْ

خداوند! به درستی من می‌خوانم تو را خواندن شخصی بیمار خوار محتاج می‌خوانم تو را خواندن کسی که بسیار است

اَشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَ قَلَّتْ حِیْلَتُهُ، وَ ضَعُفَ عَمَلُهُ مِنَ الْخَطِیْئَةِ وَ

احتیاج و پیریانی او و کم است چاره او و سبب شده است کردار او از جهت گناه

الْبَلَاءِ، دُعَاءَ مَكْرُوْبٍ اِنْ لَمْ تَدَارِكْهُ هَلْکَ، وَ اِنْ لَمْ تَسْتَنْقِذْهُ فَلَا

و بلا. خواندن شخص اندوه رسیده اگر تلافی نکنی او را هلاک می‌شود و اگر خلاص ننمائی او را از بلاها پس نیست

حِیْلَةٌ لَهُ، فَلَا تُحِطْ بِیْ یَا سَیِّدِیْ وَ مَوْلَایْ وَ اِلٰهَیْ مَكْرَکَ، وَ لَا

چاره‌ای برای او پس شامل مگردان به من ای سید من و ای صاحب من و ای خدای من عقوبت خود را و ثابت مکن

تُثَبِّتْ عَلَیْ غَضَبِکَ، وَ لَا تَضْطَرِّبْنِیْ اِلَی الْیَاسِ مِنْ رَوْحِکَ، وَ

بر من خشم خود را و مضطرب مکن مرا به سوی مایوس شدن از راحت تو و

الْقَنُوْطِ مِنْ رَحْمَتِکَ، وَ طَوْلِ الصَّبْرِ عَلَی الْاَذٰی. اَللّٰهُمَّ لَا طَاقَةَ لِیْ

به سوی ناامیدی از رحمت تو و به سوی درازی صبر کردن بر آزار. خداوند! نیست صبری و توانایی برای من

عَلِیْ بَلَائِکَ، وَ لَا غِنَاءَ بِیْ عَنْ رَحْمَتِکَ، وَ هَذَا بِنْ نَّبِیِّکَ وَ حَبِیْبِکَ

بر بلایت و نیست بی‌نیازی مرا از رحمت تو و راحت تو و این است پس پیغمبر تو و دوست تو

صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ، بِهٖ اَتُوْجَّهٗ اِلَیْکَ، فَاِنَّکَ جَعَلْتَهُ مَفْرَعًا لِلْخَآئِفِ، وَ

که رحمت‌های باد بر او به وسیله او روی می‌آورم به سویت به درستی که گردانیده‌ای آن حضرت را پناه‌ای برای ترسناک و

اَسْتَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا کَانَ وَ مَا هُوَ کَآئِنٌ، فَاکْشِفْ ضُرِّیْ، وَ خَلِّصْنِیْ

سپردمای به او علم آنچه را که بوده است و آنچه را که بوده است و آنچه را که می‌باشد پس برطرف کن آزار مرا و نجات ده مرا

مِنْ هَذِهِ الْبَلِیَّةِ اِلَیْ مَا قَدْ عَوَّدْتَنِیْ مِنْ عَافِیَّتِکَ وَ رَحْمَتِکَ، اِنْ قَطَعَ

از این بلیه و برسان به سوی آنچه که بخشیده‌ای آنرا به من از سلامتی از جانب خود و رحمت خود که بریده است

دعاهای عافیت از انقہ اللہ

الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ.

امید من مگر از تو ای خدای من، ای خدای من، ای خدای من.

راوی گوید: آن مرد بیرون رفت. بعد از چند روز به خدمت آن حضرت رسید، بر او چیزی باقی نمانده بود از مرضهایی که بر او دیده بودیم. باز هم راوی گوید: حضرت ابو عبد الله امر کرد مارا تا آن که این حکایت را از مردم پنهان کنیم و فرمودند: من پدرم را خبر دادم به آن که آن مرد شفا یافت. پدرم فرمود: ای فرزند هر کسی که به بلائی مبتلا شود و آن را از مردم پنهان کند و به خدای تعالی شکوه نماید، بر خدای تعالی لازم خواهد بود که او را از این بلا عافیت دهد، هرگاه آن دعا را بخواند که مذکور شد.

دعای زیاد شدن نور چشم

سید بن طاووس رحمته اللہ علیہ گوید: عقبه بن اسماعیل خضرمی از هر دو چشم نابینا گردید. در خواب دید که شخصی به او گفت: این دعا را بخوان. چون خواند، نور چشم او برگشت:

يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، يَا لَطِيفاً لِّمَا يَشَاءُ، رُدِّ إِلَيَّ

ای نزدیک ای اجابت کننده ای که شنونده دعای آن کسی که دانا و قادر است به آنچه می خواهد برگردان به من.

نُورَ بَصَرِي.

نور چشمم را.

دعای دیگر جهت نور چشم

سید بن طاووس رحمته اللہ علیہ گوید: به خط رضی الدین آوی رحمته اللہ علیہ این عبارت را دیدم: این دعایی است که آن را پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم به شخصی اعمی تعلیم کرده است. خدای تعالی به سوی او نور چشمش را برگردانید. آن حضرت فرمودند: باید که دو رکعت نماز گذاری و این دعا را بخوانی. آن شخص به جای آورد آنچه را که به او فرمودند، هنوز از موضع خود برنخواسته بود که خدای تعالی نور چشم او را برگردانید:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ وَ اَدْعُوْكَ وَ اَرْغَبُ اِلَيْكَ، وَ اَتُوْجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ

خدایا! من سوال می کنم و می خواهم تو را و خواهش می کنم از تو و روی می آورم به سوییت به وسیله پیغمبرت

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

مُحَمَّدُ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ،
 معتمد، پیغمبر رحمت، ای معتمد من روی می آورم به وسیله توبه سوی خدا که پروردگار من و تست،
لِيُرِدَّ بِكَ عَلَيَّ نُورَ بَصَرِي.

تا بر گرداند به خاطر تو روشنی چشم مرا.

❁ دعای دیگر جهت نور چشم ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: در جلد اول از کتاب «تجمل» ترجمه محمد بن جعفر بن عبد الله بن یحیی بن خاقان، عبارتی را دیدم که معنی آن این است: نور چشم شخصی ضعیف شد. در خواب دید که به او گفتند که این کلمات را بخوان و دست های خود را بر چشم های خود بمال و بعد از آن «آیه الکرسی» را بخوان. راوی گوید: آن مرد چنان کرد، چشم های او خوب شد و مکرر دیگران نیز این عمل را تجربه نمودند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أُعِيدُ نُورَ بَصَرِي بِنُورِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ.
 بسم خداوند بخشنده مهربان. نور چشم مرا به پناه نور خدا می آورم که بر طرف نمی شود.

❁ دعای یساری ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله دعاها، دعاهائی است که من آن را به خط سید رضی الدین موسی رحمه الله یافتم و عبارت او را به عینه ذکر می کنم و در مراد و مقصود سید رحمه الله نظر می کنم و تأمل دارم. ترجمه عبارت سید این است:

بسم الله الرحمن الرحيم، در کتاب قاضی علی بن محمد فرورانی یافتم که خدای تعالی او را توفیق دهد، که ذکر نموده است که من این دعا را برای جعفر زاهد احمد بن عیسی علوی خواندم و او گفت که این دعا از برای بعضی از ائمه معصومین علیهم السلام بوده که این را در قنوت نماز می خوانده اند.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: من این را از روی خط سید رحمه الله در شهر نیشابور از نسخه ابوالحسن احمد بن محمد بن کسری یسار بن قیراط بلخی نوشتم و این دعا به دعای یساری مشهور است:

بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَوَجُّهُاً بِالْدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ، بِسْمِ
 آغاز به نام خدا آغاز به نام خدا آنچه خواست خدا آنرا چنان شد روی می آورم روی آوردنی به سبب دعا به سوی خدا آغاز به نام

دعاهای عافیت از انمه عز وجل

اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ تَقَرُّبًا بِالتَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ

خدا آنچه خواست خدا آنرا چنان شد نزدیکی می جویم نزدیکی به سبب زاری کردن به سوی خدا، آغاز به نام خدا آنچه خواست خدا چنان شد

تَوْسُلًا بِالتَّطَلُّبِ إِلَى اللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَبُّدًا لِلَّهِ، بِسْمِ

وسيله می جویم به وسیله سؤال کردن به سوی خدا، آغاز به نام خدا آنچه خواست خدا چنان شد، بندگی می کنم، آغاز به نام

اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ تَذَلُّلاً لِلَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَلَطُّفاً لِلَّهِ، بِسْمِ

خدا آنچه خواست خدا آنرا چنان شد در حال خواری برای خدا، آغاز به نام خدا آنچه خواست خدا چنان شد فروتنی می کنم برای خدا، آغاز به نام

اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ تَخَشُّعاً لِلَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِكَانَةً لِلَّهِ،

خدا آنچه خواست خدا آنرا چنان شد پستی و ضعیفی می نمایم برای خدا آغاز بنام خدا آنچه خواست خدا چنان شد زاری می کنم برای خدا

بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِعَانَةً بِاللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ

آغاز بنام خدا آنچه خواست خدا آنرا چنان شد طلب یاری و مدد می کنم از خدا آغاز بنام خدا آنچه خواست خدا

اسْتِغَاثَةً بِاللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، بِسْمِ

چنان شد طلب فریادرسی می کنم از خدا، بنام خدا، آنچه خواست خدا چنان شد نیست قدرتی و نه توانایی مگر به خدا آغاز به نام خدا

اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَاقُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَغْفِرُ

آنچه خواست خدا آنرا چنان شد آغاز به نام خدا آنچه خواست خدا آنرا چنان شد نیست توانایی مگر به خدا طلب آمرزش می نمایم

اللَّهُ الْمُسْتَغَانِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ

از خدائی که یاری طلبیده شده است از او و آغاز به نام خدا آنچه خواست خدا چنان شد نیست خدائی مگر خدای بردبار

الْكَرِيمُ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ

بخشنده آغاز به نام خدا آنچه خواست خدای بلند مرتبه بزرگ چنان شد آغاز به نام خدا آنچه خواست خدا چنان شد

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ

نیست خدائی مگر خدا که پروردگار آسمانهای هفت طبقه و پروردگار زمینهای هفت طبقه است و

مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ، وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ

پروردگار آنچه در آنها و آنچه میان آنها و آنچه در زیر آنهاست و او پروردگار عرش بزرگ است نیست خدائی

إِلَّا اللَّهُ، وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

مگر خدا اوست پروردگار عرش بزرگ آغاز به نام خدا آنچه خواست خدا آنرا چنان شد نیست خدائی مگر خدا

الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْآخِرُ بَعْدَ

که اول است پیش از هر چیز آغاز به نام خدا آنچه خواست خدا چنان شد نیست خدائی مگر خدا که آخرست بعد از

كُلِّ شَيْءٍ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّنا

هر چیز آغاز به نام خدا آنچه خواست خدا چنان شد نیست خدائی مگر خدا، منزله است خدای پروردگار ما

رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

که پروردگار عزت است از آنچه وصف می کنند او را مشرکان و درود باد بر فرستاده شدگان خدا و همه ستایش برای خداست که پروردگار

دعاهای عافیت از انقه علیه السلام

الْغَالَمِينَ، يَا اللَّهُ يَا لَطِيفُ، يَا اللَّهُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَ

عالمیان است ای خدا ای دانا ای به چیزهای خرد و باریک ای خدا که نیست مانند تو چیزی و

أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَيْمَةِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ

توئی شنوای گفتارها و بینای کردارها رحمت فرست بر محمد و بر پیشوایان از برای مؤمنان که از

آلِهِ كُلِّهِمْ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَ ضَاعِفْ أَنْوَاعَ الْعَذَابِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ،

آل آن حضرتند همه ایشان و شتاب کن در ظهور ایشان و زیاده گردان اقسام عذوبت را بر دشمنان ایشان

وَ ثَبِّتْ شَبِيعَتَهُمْ عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَتِهِمْ، وَ عَلَى دِينِكَ وَ

و ثابت قدم بدار پیروان ایشان را بر فرمانبرداریت و فرمانبرداری ایشان و بر دین تو و

مِنْهَاجِهِمْ، وَ لَا تَنْزِعْ مِنْهُمْ سَيِّدِي شَيْئاً مِنْ صَالِحِ مَا أُعْطِيَتْهُمْ،

بر طریقه های ایشان و بر طرف مکن از ایشان ای آقای من چیزی از خوبی آنچه را که داده ای آن را به ایشان به سبب

بِرَحْمَتِكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ لَا

رحمت خود ای خدا ای بخشنده، ای مهربان، ای بر گرداننده دلها از اراده بد و چشمها از نظر در چیز بد و میل مفرما

تُزِغْ قُلُوبَهُمْ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ، وَ هَبْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ

دلهای ایشان را از راه حق بعد از آن که راهنمایی کرده ای ایشان را که ببخش برای ایشان از نزد خود رحمتی را به درستی که توئی

الْوَهَّابُ، يَا اللَّهُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ الصَّلَوَاتِ كُلَّهَا

بسیار بخشنده، ای خدای زنده، ای پایدار سوال می کنم تو را آن که مخصوص گردانی رحمت های خود همه آنها را

عَلَى مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِمْ، وَ أَنْ تَجْعَلَ اللَّعَائِنَ كُلَّهَا عَلَى مَنْ لَعَنْتَهُمْ،

بر آن کسانی که رحمت فرستاده ای بر ایشان و آن که مخصوص گردانی بیزاریهای خود همه آنها را بر آن کسانی که لعن کرده ای آن هارا

وَ أَنْ تَبْدَأَ بِاللَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ رَسُولِكَ، وَ غَضَبَا حُقُوقَ آلِ بَيْتِ

و آن که شروع کنی اولاً به لعن آن دو شخصی که ستم کرده اند بر آل رسول تو و غضب کرده اند حقیقهای اهل خانه

نَبِيِّكَ، وَ شَرَعَا غَيْرَ دِينِكَ. اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمَا عَذَابَكَ وَ

پیغمبر تو را و قرار داده اند غیر دین تو را خداوند! پس زیاده گردان بر آن دو شخص عذوبت خود را و

غَضَبَكَ وَ لَعْنَاتِكَ وَ مَخَازِيكَ، بِعَدَدِ مَا فِي عِلْمِكَ بِحَسَبِ

خشم خود را و بیزاریهای خود را و رسوا گردنهایت ایشان را به شماره آنچه در علمت است به قدر و اندازه ای که

اسْتَحَقَّاهُمَا مِنْ عَذَابِكَ، وَ أَضْعَافِ أَضْعَافِهِ بِمَبْلَغِ

سزاوارند آن هر دو از عذالت تو و چندین مقابل چندین برابر چندین مقابل آن به قدری که

قُدْرَتِكَ، عَاجِلاً غَيْرَ آجِلٍ بِجَمِيعِ سُلْطَانِكَ، ثُمَّ بِسَائِرِ الظُّلْمَةِ مِنْ

برسد به آن قدرت تو در نهایت زودی بدون تاخیری به همه آنچه قدرت داری پس بعد از آن لعن کن به باقی ستمکاران از

خَلْقِكَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

آفریدگان خود که ستم کرده اند به اهل خانه پیغمبر تو به حق محمد و آل او که نیکویان و پاکان

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، بِحَسَبِ مَا أَخَاطَ بِهِ عِلْمُكَ فِي كُلِّ

و نورانی اند رحمتهاست باد بر ایشان همگی به قدر آنچه فرا گرفته است به آن علمت در هر

زَمَانٍ، وَ فِي كُلِّ أَوَانٍ، وَ لِكُلِّ شَأْنٍ، وَ لِكُلِّ لِسَانٍ، وَ عَلَى كُلِّ مَكَانٍ وَ

زمانی و در هر وقتی و برای هر کاری و به هر زبانی و بر هر جایی و

مَعَ كُلِّ بَيَانٍ، وَ كَذَا كُلِّ إِحْسَانٍ أَبَدًا دَائِمًا وَاصِلًا مَا دَامَتِ الدُّنْيَا وَ

با هر گفتاری و همچنین بر ایشان باد هر نیکنوی همیشه و دائم و پیوسته مادام که باقی باشد دنیا و

الْآخِرَةُ، يَا ذَا الْفَضْلِ وَ الثَّنَاءِ وَ الطَّوْلِ، لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

آخرت ای صاحب زیادتای احسان و ستایش و بخشش برای توست ستایش نیست خدائی مگر تو

سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُ وَ بِحَمْدِكَ، تَرَحَّمْتَ عَلَى خَلْقِكَ، فَهَدَيْتَهُمْ إِلَى

تسبیح می کنم تو را ای خدا و متلسم در این به ستایش تو رحمت نموده ای بر آفریدگان خود پس راهنمایی کرده ای ایشان را به سوی

دُعَائِكَ، فَقَوْلُكَ الْحَقُّ فِي كِتَابِكَ، وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي

دعایت پس گفتارت راست است در کتابت که هرگاه طلب کنند از تو ای محمد بندگان من به درستی که من

قَرِيبٌ، أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ: فَلَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ رَبَّنَا وَ

نزدیکم به ایشان و بر می آورم حاجت دعاکنند را هرگاه بخواند مرا. پس ایستاده ام به خدمت و فرمانبرداری ای پروردگار ما و اطاعت

سَعْدَيْكَ، وَ الْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ، وَ الْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ، عُبَيْدُكَ دَاعِيكَ

می کنم، و همه نیکنویها در دستهای توست و هدایت یافته کسی است که راهنمایی کرده ای او را، بنده حقیر تو خواننده توست

مُنْتَقِصٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ رِقٌّ وَ رَا حِيكَ مُنْتَهٍ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَ

و ایستاده در نزد توست و اسیر توست و امیدوار از رحمت توست و باز داشته شده از گناهان و نافرمانیهای توست و

سَأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ يُصَلِّيَ لَكَ، وَ خُذَكَ لِشَرِيكَ لَكَ، بِكَ وَ لَكَ

سؤال کننده توست از زیادتای احسان تو دعا می کند تو را در حالی که اقرار به یگانگی دارد و آن که نیست شریکی برای به تو و برایت و

مِنْكَ وَ إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَ لَا مُلْتَجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَ

از عقوبت تو و به سوی تو می گریزد نیست پناهی و نه گریزگاهی از تو مگر به سوی صاحب برکتی و

تَعَالَيْتَ، سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَ حَفَانِيكَ، سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ،

بلند مرتبه ای تنزیه می کنم تو را ای پروردگار ما و سؤال می کنم رحمت تو را بعد از رحمتی منزهی (از عیبها و نقصها) و بلند مرتبه ای تو

سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَ رَبِّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ، سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَ الرَّغْبَةُ

تسبیح می کنم تو را ای پروردگار ما و پروردگار خانه حرام تسبیح می کنم تو را ای پروردگار ما و خواهش من

إِلَيْكَ، سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَ رَبِّ الْوَرَى، تَرَى وَ لَا تُرَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ

به سویست تنزیه می کنم تو را ای پروردگار ما و پروردگار خلاق می بینی همه چیز را و تو دیده نمی شوی و تویی به جایگاه دیده بانی

الْأَعْلَى، وَ إِلَيْكَ الرَّجْعَى وَ إِلَيْكَ الْمَمَاتُ وَ الْمَحْيَى، وَ لَكَ الْآخِرَةُ وَ

بلندتر از همه جایها و به سویست بازگشت همه چیزها و به سویست مردن و زندگانی و از برای توست آخرت و

دعاهای عافیت از انقه علیه السلام

الْأُولَى، وَلَكَ الْقُدْرَةُ وَالْحُجَّةُ وَالْأَمْرُ وَالنَّهْيُ، وَأَنْتَ الْغَفَّارُ لِمَنْ

دنیا و از برای توست توانائی و غلبه و فرمودن و بازداشتن و توانی بسیار آمرزنده برای کسی که

تَابَ، وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى، فَأَمَّا بِكَ يَا سَيِّدِي وَ

توبه کند و ایمان آورده باشد و به جا آورده باشد کردار نیکو پس راه یافته باشد به حق پس ایمان آورده ایم به تو ای آقای من و

سَأَلْنَاكَ، وَ اهْتَدَيْنَا لَكَ بِمَنْ هَدَيْتَنَا بِهِمْ مِنْ بَرِيَّتِكَ الْمُخْتَارِينَ

سؤال کرده ایم تو را و راه یافته شدیم برای اطاعت تو به سبب کسانی که راهنمایی کردی ما را به برکت ایشان که از جمله آفریدگان تو

مِنَ الْمُتَّقِينَ، مُحَمَّدٌ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْخَيْرِينَ

و برگزیدگان از پرهیزکارانند که آنها محمد و اهل خانه اویند که نیکویان و پاکان و صاحب خیران

الْفَاضِلِينَ الزَّاهِدِينَ الْمَرْضِيِّينَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

و صاحبان فضیلت و مآلجان و پسندیده شدگانند رحمتهايت بساد بر ایشان همه

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِجَمِيعِ صَلَوَاتِكَ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ بِعِزِّ جَلَالِكَ

خداوند! رحمت فرست بر ایشان به همه رحمتهايت، و شتاب کن در ظهور ایشان به حق عزت و بزرگيت

وَ ادْخُلْنَا بِهِمْ فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَ عَافِنَا بِهِمْ فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَ تَوَلَّانَا

و داخل گردان ما را به برکت ایشان در هدایت کردگات، و سلامت دار ما را به برکت ایشان در سلامت داشتگان، و دوست دار ما را به برکت ایشان

بِهِمْ فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَ ارْزُقْنَا بِهِمْ فِيمَنْ رَزَقْتَ، وَ بَارِكْ لَنَا بِهِمْ

در دوست داشتنگات و روزی ده ما را به برکت ایشان در روزی دادگات و برکت ده برای ما به

فِيمَا أُعْطِيتَ، وَ قِنَا بِهِمْ جَمِيعَ شُرُورِ مَا قَدَّرْتَ وَ قَضَيْتَ، فَإِنَّكَ

برکت ایشان در آنچه عطا کرده ای و نگاهدار ما را به برکت ایشان از همه بدیها آنچه تقدیر کرده ای و حکم کرده ای، به درستی که

تَقْضِي وَ لَا يُقْضَى عَلَيْكَ، وَ تَذِلُّ وَ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، وَ تُجِيرُ وَ لَا

حکم کنی و حکم نمی کنند بر تو و خوار می گردانی و نیست خوار کسی که دوستداری او را و پناه می دهی و

يُجَارُ عَلَيْكَ، وَ الْمَصِيرُ وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ، آمَنَّا بِكَ سَيِّدِي وَ تَوَكَّلْنَا

پناه داده نمی شود گریخته از تو و بازگشت و برگشتن همه چیز به سویت است ایمان آورده ایم به تو ای آقای من و اعتماد نموده ایم ما

عَلَيْكَ وَ سَمِعْنَاكَ يَا سَيِّدِي، وَ قَوَّضْنَا إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَعُوذُ

بر تو و اطاعت کرده ایم برای تو ای مولای من و بازگذا، ده ایم کارهای خود را به سویت خداوند! به درستی که ما پناه می بریم به تو

بِكَ مِنْ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزَى، وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ، وَ مِنْ

از آن که خوار و ذلیل باشیم و از آن که رسوا گردیم و پناه می بریم به سویت از رسیدن بدبختی و از خوشحالی و سرزنش دشمنان و از

شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَ مِنْ جُهِدِ الْبَلَاءِ، وَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَ مِنْ تَتَابُعِ

مشقت و تبع بلا و از بدی تقدیر و حکمت و از پی در پی وارد شدن نیستی نعمتها

الْفَنَاءِ وَ الْبَلَاءِ، وَ مِنَ الْوَبَاءِ وَ مِنْ حِرْمَانِ الدُّعَاءِ، وَ مِنْ سُوءِ

ورسیدن بلاها و از وارد شدن طاعون و از محروم گشتن از قبول دعا و از بدی

دعاهای عافیت از انقه علیه السلام

الْمَنْظَرِ فِي أَنْفُسِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَ فِي

نگریستن در نفسهای اهل خانه پیغمبر تو که محمد است رحمتهايت بساد بر ایشان و در

أَدْيَانِهِمْ، وَ فِي جَمِيعِ مَا تَفَضَّلْتَ وَ تَتَفَضَّلُ بِهِ عَلَيْهِمْ مَا عَاشُوا وَ

دینهای ایشان و در همه آنچه بخشیده‌ای به ایشان و می‌بخشی آنرا به ایشان مادام که زندگانی نمایند و در وقت وفات ایشان و

عِنْدَ وَفَاتِهِمْ وَ بَعْدَ وَفَاتِهِمْ، وَ نَعُوذُ بِكَ يَا سَيِّدِي مِنَ الْخِزْيِ فِي

بعد از وفات ایشان و پس‌نانه می‌بریم به تو ای آقای من از رسوائی در

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مِنْ مَرَدِّ إِلَى النَّارِ، فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ،

زندگانی دنیا و از بازگشت به سوی آتش پس این محل ایستادن پناه آورنده به تو است از آتش.

أَعُوذُ بِكَ يَا سَيِّدِي مِنَ النَّارِ، هَذَا مَقَامُ الْهَارِبِ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ،

پناه می‌برم به تو ای مولای من از آتش. این است مقام کسی که پناه آورده به تو از آتش.

أَهْرَبُ إِلَيْكَ إِلَهِي مِنَ النَّارِ، هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ،

فرار می‌کنم به سوییت ای معبود من از آتش. این است مقام کسی که پناه آورده به تو از آتش.

أَسْتَجِيرُ بِكَ يَا سَيِّدِي وَ إِلَهِي مِنَ النَّارِ، هَذَا مَقَامُ التَّائِبِ الرَّاعِبِ

پناه می‌آورم به تو ای آقای من و خدای من از آتش. این است مقام توبه‌کننده و رغبت‌کننده

إِلَيْكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ. إِلَهِي فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، هَذَا

به درگاهت در خلاصی کردن خود از آتش. ای خدای من رها کن کردن مرا از آتش. این

مَقَامُ التَّائِبِ إِلَيْكَ، الضَّارِعِ إِلَيْكَ، الطَّالِبِ إِلَيْكَ فِي عِتْقِ رَقَبَتِهِ مِنَ

جایگاه توبه‌کننده به درگاهت، که زاری نماید به سوییت و طلب کند از تو آزادی کردن خود از

النَّارِ، هَذَا مَقَامُ مَنْ بَاءَ بِخَطِيئَتِهِ وَ تَابَ وَ أَنَابَ إِلَى رَبِّهِ، وَ تَوَجَّهَ

آتش. این جایگاه کسی است که برگشته از گناه خود و توبه کرده و رجوع نموده به سوی پروردگارش و روی آورده

بِوَجْهِهِ إِلَى الَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَ

باروی خود به سوی آن خدائی که خلق کرده آسمانها و زمینها و دانای پنهان و

الشَّهَادَةِ، عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ مِنْهَاجِهِ، وَ عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَ

حاضر است، در حالی که بر مِلّت ابراهیم و طریقه واضح اوست، و در حالی که بر دین محمد و

شَرِيعَتِهِ، وَ عَلَى وَلايَةِ عَلِيٍّ وَ إِمَامَتِهِ، وَ عَلَى نَهْجِ الْأَوْصِيَاءِ

بر راه قرار داده اوست و بر دوستداری علی بن ابی طالب (علیه السلام) و بر اقرار به امامت اوست و بر طریقه وصی‌های

الْأَوْلِيَاءِ الْمُخْتَارِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا الْمَخْصُوصِينَ بِالْإِمَامَةِ وَ

پیغمبر و دوستداران خداست که برگزیدگان از اولاد آن حضرتند و مخصصند به امامت و پیشوائی و

الطَّهَارَةِ وَ الْوَصَايَةِ وَ الْحِكْمَةِ وَ التَّسْمِيَةِ بِالسَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ

به پاک بودن از گناهان و عیبها و مخصصند به وصی بودن برای پیغمبر و به دانی و به نامیده شدن به دو قطعه پیغمبر که امام حسن و

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

الْحُسَيْنِ، سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، وَ بَعْلِي بْنِ الْحُسَيْنِ

امام حسین آمد و دو پیشوا و برگزیده جوانان اهل بهشت آمد همه و به نامیده شدن به علی پسر امام حسین

سَيِّدِ الْغَابِطِينَ، وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ، وَ بِجَعْفَرِ بْنِ

که سید و برگزیده عبادت کنندگان است و به محمد پسر علی که جامع علم پیشینیان است و به جعفر پسر

مُحَمَّدِ الصَّادِقِ عَنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْعَبْدِ

محمد که راست گفتار است از جانب پروردگار عالمان و به موسی پسر جعفر که بنده

الصَّالِحِ، وَ بَعْلِي بْنِ مُوسَى الرَّضَا مِنَ الْمَرْضِيِّينَ، وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ

صالح خداست و به علی پسر موسی که خوشنود است و از جمله پسندیده شدگان و به محمد پسر

عَلِيٍّ التَّقِيِّ مِنَ الْمُتَّقِينَ، وَ بَعْلِي بْنِ مُحَمَّدِ الطَّاهِرِ مِنَ الْمُطَهَّرِينَ،

علی که پرهیزگار و از جمله پرهیزکاران است و به علی پسر محمد که پاک و از جمله پاکیزگان است

وَ بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي مِنَ الْمُهْدِيِّينَ، وَ بِابْنِ الْحَسَنِ

و به حسن پسر علی که راهنما و از جمله راه یافته شدگان و به پسر امام حسن

الْمُبَارَكِ مِنَ الْمُبَارَكِينَ، وَ عَلَى سُنَّتِهِمْ وَ سُبُلِهِمْ وَ حُدُودِهِمْ وَ

که صاحب برکت و از جمله مبارکان است و در حالی که آن کس بر طریقهای ایشان و بر راهها و بر احکام ایشان و

نَحْوِهِمْ وَ أَمْرِهِمْ وَ تَقْوَاهُمْ وَ سُنَّتِهِمْ وَ سَبِيرَتِهِمْ وَ قَلِيلِهِمْ

بر طرز ایشان و بر طریقه ایشان و بر فرمان ایشان و در پرهیزکاری ایشان و بر رسته ایشان و بر روش ایشان و بر کم ایشان

وَ كَثِيرِهِمْ حَيًّا وَ مَيِّتًا، وَ شُكْرًا لِرَبِّنَا عَلَى ذَلِكَ دَائِمًا دَائِمًا، فَيَا

و بر بسیاری ایشان است در حالی زندگی و مردگی و در حالی شکرگزاری برای پروردگار ما بر این نعمتها شکر همیشه پیوسته پس

اللَّهُ يَا نَوْرَ كُلِّ نَوْرٍ، يَا صَادِقَ النُّورِ، يَا مَنْ صِفَتُهُ النُّورُ، يَا مُدْهَرَ

ای خدا ای روشن کننده هر روشنی ای آن که راست و درست است علم او ای کسی که صفت اوست روشنی، ای آفریننده

الدُّهُورِ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي

زمانها ای تدبیر کننده در امور و فرمانها ای روان سازنده آب دریاها ای برانگیزاننده کسانی که باشند در

الْقُبُورِ يَا مُجْرِيَ الْفُلْكِ لِنُوحٍ، يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ، يَا مُوْتِي

قبرها ای روان کننده کشتی نوح ای نرم کننده آهن برای داوود ای دهنده

سُلَيْمَانَ مُلْكًا عَظِيمًا، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ عَنْ أَيُّوبَ، يَا جَاعِلَ النَّارِ

به سلیمان پادشاهی بزرگوار ای برطرف کننده آزار و درد از ایوب ای گرداننده آتش را

بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ، يَا فَادِيَ ابْنِهِ بِالذَّبْحِ الْعَظِيمِ، يَا

سرد و سلامت بر ابراهیم ای عوس دهنده پسر ابراهیم را به گوسفند قربان بزرگ ای

مُفَرِّجَ هَمِّ يَعْقُوبَ، يَا مُنْقِصَ غَمِّ يُوسُفَ، يَا مُكَلِّمَ مُوسَى تَكْلِيمًا،

برطرف کننده اندوه یعقوب ای زایل کننده غم یوسف ای سخن گوینده با موسی سخنی واضح

دعاهای عافیت از انقه علیه السلام

يَا مُؤَيَّدَ عَيْسَى بِالرُّوحِ تَأْيِيداً، يَا فَاتِحَ لِمُحَمَّدٍ فَتْحاً مُبِيناً، وَيَا

و ظاهر ای قوت دهنده عیسی به روحی از جانب خود قوت دادنی بسیار ای فتح دهنده برای محمد فتح ظاهری و ای

نَاصِرُهُ نَصْراً عَزِيزاً، يَا جَاعِلَ لِلْخَلْقِ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيّاً، يَا

یاری کننده آن حضرت را یاری کردنی با غلبه بسیار ای گرداننده از برای خلائق زبان راست امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را ای

مُذْهِبٌ عَنِ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الرَّجَسِ وَ مُطَهِّرُهُمْ تَطْهِيراً، أَسْأَلُكَ

برطرف کننده از اهل خانه محمد پلیدی و کثافت گنهارا و ای پاک گرداننده ایشان پاک گردانیدنی کامل سوال می کنم ترا

أَنْ تَجْعَلَ فَوَاضِلَ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ زَاكِيَاتِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ

آن که بگردانی زیادتای احسانها و رحمتهای خود را و برکتها و خیرهای خود را و نعمتهای پاکیزه خود را و آمرزش خود را و

نَوَامِيكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ رَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ مَحَبَّتِكَ وَ تَحِيَّتِكَ وَ

نیکوئیهای زیاد شونده خود را و خشنودی خود را و شفقت خود را و مهربانیت را و دوستیت را و ستایش خود را و

صَلَوَاتِكَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمُ

رحمت خود را بر همه اهل عبادت و فرمانبرداریت از آفریدگان تو خصوصاً بر محمد و بر خاندانش

وَ عَلَى جَمِيعِ أَجْسَادِهِمْ وَ أَرْوَاحِهِمْ، وَ عَلَى كُلِّ مَنْ أَحْبَبْتَ

و بر همه بدنهای ایشان و روحهای ایشان و بر هر کسی که دوست داشته باشی تو

الصَّلَاةَ عَلَيْهِ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ بِعَدَدِ مَا فِي عِلْمِكَ، وَ آمَنْتُ يَا اللَّهُ

رحمت فرستادن بر او را از همه آفریدگان خود به شماره آنچه در علمت است و ایمان آوردمم ای خدا

بِكَ وَ بِهِمْ وَ بِجَمِيعِ مَنْ أَمَرْتَ بِالْإِيمَانِ بِهِ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَ

به تو و به ایشان و به همه کسانی که امر فرمودهای به ایمان آوردن به او از همه آفریدگان خود و

آمَنْتُ بِكَ يَا اللَّهُ وَ بِجَمِيعِ أَسْرَارِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ

ایمان آوردمم به تو ای خدا و به همه پنهانی ها آل محمد و آشکارهای ایشان و ظاهر ایشان و

ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ وَ مَعْرُوفِهِمْ حَيّاً وَ مَيِّتاً، وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمْ فِي عِلْمِ

امور مغفیه ایشان و نیکوئی های ایشان در حال زندگی و مردگی و گواهی می دهم به آن که آن امامان در علم

اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ، كَمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، بِعَدَدِ مَا

از جانب خدا و در فرمان برداری خدا مثل محمد که رحمتهای خدا باد بر آن حضرت و بر ایشان همگی به شماره آنچه

فِي عِلْمِ اللَّهِ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَ فِي كُلِّ جَيْنٍ وَ أَوَانٍ وَ فِي كُلِّ شَأْنٍ وَ

در علم خداست در هر وقتی و در هر زمانی و در هر ساعتی و در هر حالی و

بِكُلِّ لِسَانٍ وَ عَلَى مَكَانٍ أَبَدًا دَائِماً وَ أَصِلاً مَا دَامَتِ الدُّنْيَا وَ

به هر زبانی و بر هر جانی همیشه و دایم و پیوسته مادام که باقی باشد دنیا و

الْآخِرَةُ، بِكَ وَ بِجَمِيعِ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا اللَّهُ يَا

آخرت به رحمت تو و به همه رحمت تو ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان ای خدا ای

دعاهای عافیت از انچه بِئْسَ

مُتَعَالَى الْمَكَانِ، يَا رَفِيعَ الْبُنْيَانِ، يَا عَظِيمَ الشَّانِ، يَا عَظِيمَ

بسیار بلند مرتبه، ای بلند بنای (یعنی بلند است آسمان او) ای آن که بزرگ است قدر و منزلت او ای آن که بزرگ است

السُّلْطَانِ، يَا ذَا النُّورِ وَ الْبُرْهَانِ، يَا ذَا الْقُدْرَةِ وَ الْبُنْيَانِ، يَا هَادِيَ

قدرت و پادشاهی او، ای صاحب روشنی و حجت ای صاحب توانائی و علم ای راهنمای

الْإِيمَانِ، يَا مَخُوفَ الْأَحْكَامِ، يَا مَخْشَى الْأَنْتِقَامِ، يَا ذَا الْمُلْكِ وَ

ایمان ای آن که ترسیده شده از اوست حکمهای او ای آن که ترسیده شده از اوست عقوبت او ای صاحب پادشاهی و

الْمَعَارِجِ، يَا ذَا الْعَدْلِ وَ الرَّغَائِبِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ

مرتبه های بلند ای صاحب عدالت و بخششها سؤال می کنم تو را آن که رحمت فرستی بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الْمُتَّقِينَ الزَّاهِدِينَ بِجَمِيعِ

بر آل محمد بر آن حضرات و بر ایشان باد ستایش که پرهیزکاران و ترک کنندگان دنیا اند رحمت فرست به همه

صَلَوَاتِكَ، وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَهُمْ بِعِزِّ جَلَالِكَ، وَ أَنْ تُضَاعِفَ أَنْوَاعَ

رحمت های خود و آن که شتاب نمایی در بیرون آمدن ایشان از شدت به حق عزت و بزرگیت و آن که زیاد گردانی اقسام

الْعَذَابِ وَ اللَّعَائِنِ بِعَدَدِ مَا فِي عِلْمِكَ عَلَيَّ مُبْغِضِيهِمْ وَ مُعَادِيهِمْ

عقوبت و لعنت ها را به شماره آنچه در علمت است بر جماعت کینه داران ایشان

وَ غَاصِبِيهِمْ وَ مُنَاوِيهِمْ، وَ التَّارِكِينَ أَمْرَهُمْ وَ الرَّادِينَ عَلَيْهِمْ وَ

و بر دشمنان ایشان و بر غصب کنندگان حق ایشان و بر جماعتی که دشمنی کرده اند با ایشان و ترک نموده اند فرمان ایشان را و

الْجَاهِدِينَ وَ الصَّادِينَ عَنْهُمْ وَ الْبَاغِينَ سِوَاهُمْ وَ الْغَاصِبِينَ

بر آنهایی که رد کرده اند سخنان ایشان را و بر انکار کنندگان و منع کنندگان حق ایشان و بر طلب کنندگان غیر ایشان و بر غصب کنندگان

حُقُوقَهُمْ وَ الْجَاهِدِينَ فَضْلَهُمْ وَ النَّاكِثِينَ عَهْدَهُمْ وَ الْمُتَلَاشِينَ

حق های ایشان را و بر انکار کنندگان فضیلت ایشان و بر جماعتی که در شکستند عهد ایشان را و بر پست کنندگان

ذِكْرَهُمْ وَ الْمُسْتَأْكِلِينَ بِرِسْمِهِمْ وَ الْوَاطِينَ لِسَمْتِهِمْ وَ النَّاشِئِينَ

ذکر و ثناء ایشان و بر برطرف کنندگان نشان ایشان و بر پایمال کنندگان هر طریقه و رویه ایشان را و بر احداث کنندگان

خِلَافَهُمْ وَ النَّابِذِينَ وَلَايَتَهُمْ وَ النَّاصِبِينَ عَدَاوَتَهُمْ وَ الْمَانِعِينَ

مخالفت ایشان را و بر ترک کنندگان دوستی ایشان را و بر نصب کنندگان دشمنی ایشان را و بر منع کنندگان

لَهُمْ وَ النَّاكِثِينَ لِاتِّبَاعِهِمْ أَللَّهُمَّ فَأَبِحْ حَرِيمَهُمْ وَ أَلْقِ الرُّعْبَ فِي

مر حق ایشان را و بر شکنندگان هر پیروی ایشان خداوند! پس مباح گردان داشته شده های ایشان را و بپنداز ترس را در

قُلُوبِهِمْ وَ خَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَ أَنْزِلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَ عَذَابَكَ وَ

دل های ایشان و مخالفت انداز میان کلمات ایشان و فرود آور بر ایشان عقوبت خود را و عذاب خود را و

غَضَائِبِكَ وَ لَعَايِنِكَ وَ مَخَازِيكَ وَ دِمَارَكَ وَ سَفَالَكَ وَ

غصبه های خود را و لعنت های خود را و رسوایی های از جانب خود را و هلاکت از جانب خود را و هلاکت از جانب خود را و

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

نَكَالِكَ وَ سَخَطِكَ وَ سَطَوَاتِكَ وَ بَأْسِكَ وَ بَوَارِكَ وَ نَكَالَتِكَ وَ

عیبهای از جانب خود را و بدی عاقبت از جانب خود را و بلیه از جانب خود را و

بِالِكَ وَ بِلَائِكَ وَ هَلَاكَ وَ هَوَانِكَ وَ شَقَائِكَ وَ شِدَائِكَ وَ

هلاکت از جانب خود را و خواریهای از جانب خود را و بدبختی از جانب خود را و سختیهای از جانب خود را و مصیبتهای نازله از جانب خود را و

نَوَازِلِكَ وَ نَقَمَتِكَ وَ مَعَارَكَ وَ مَضَارِكَ وَ خِزْيِكَ وَ خِذْلَانِكَ وَ

عقوبت و سختیت را و ضرر و نقصان را و رسوایی را و خواریت را

مَكْرَكَ وَ مَتَالِفَكَ وَ مَقَامِعَكَ وَ أَوْزَاطَكَ وَ أَوْتَارَكَ وَ عِقَابَكَ،

و عذاب را و تلف کردن را و بر طرف کنندگی از ورطه ها و بلاهای را و مکروه های را و عذابت را

بِمَبْلَغِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ بَعْدَ أَضْعَافٍ أَضْعَافٍ أَضْعَافٍ

به قدر آنچه فرا گرفته است به او علمت و به شماره چندین برابر چندین برابر

اسْتِحْقَاقِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ، مِنْ كُلِّ زَمَانٍ وَ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَ

آنچه سزاوارند ایشان از عذاب تو در هر زمانی و در هر وقتی و به هر حالی و

بِكُلِّ مَكَانٍ وَ بِكُلِّ لِسَانٍ وَ مَعَ كُلِّ بَيَانٍ أَبَدًا دَائِمًا وَ أَصِلًا مَا دَامَتْ

به هر جای و به هر زبانی و با هر گفتاری دایما و همیشه و پیوسته مادام که باقی

الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ، بِكَ وَ بِجَمِيعِ قُدْرَتِكَ يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، يَا رَبَّ

باشد دنیا و آخرت به قدرت تو و به همه توانایی ای قدرت دارترین صاحب قدرتان ای پروردگار

الْأَرْبَابِ، يَا مُعْتِقَ الرِّقَابِ، يَا كَرِيمُ يَا وَهَّابُ، يَا رَحِيمُ يَا تَوَّابُ، أَنْتَ

همه پرورنده ها ای آزاد کننده گردنها ای بخشنده، ای بسیار بخشنده، ای مهربان، ای توبه قبول کننده تویی آنکه

تَدْعُونِي حَتَّى أَكَلِمَكَ، وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ قَدْ عَظُمَتْ ذُنُوبِي عِنْدَكَ وَ

می خوانی مرا تا آن که سخن گویم با تو و من بنده توام و بسیار بزرگ است گناهان من نزد تو و

خِفْتُ أَنْ لَا أُسْتَحِقَّ إِجَابَتَكَ وَ عَفْوَكَ، وَ رَحْمَتُكَ أَجَلٌ وَ أَعْظَمُ مِنْ

می ترسم آن که سزاوار نباشم اجابت نمودن تو را و در گذشتن تو از گناهان و رحمت تو عظیم تر و بزرگ تر است از

ذُنُوبِي حَتَّى لَا أَقْنَطَ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ لَا أَيْئَاسَ مِنْ حُسْنِ إِجَابَتِكَ

گناهان من تا آن که ناامید نیستم از رحمت تو و مایوس نمی شوم از نیکویی اجابت تو

فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتُكَ بِرَحْمَتِكَ، وَ لِيَنْلِنِي حُسْنُ إِجَابَتِكَ بِرَأْفَتِكَ،

پس باید که فراگیرد مرا رحمت توبه حق رحمت خودت و باید که برسد به من نیکویی اجابت توبه حق مهربانی

وَ لِتُكْرِمَنِي بِسَابِغِ عَطَائِكَ وَ سَعَةِ فَضْلِكَ وَ الرِّضَا بِأَقْدَارِكَ

و شغفت تو و باید که ببخشی به من کامل از بخشش خود را و فراخی زیادتی احسانت را و خوشنودی به چیزهایی که مقدر کرده ای

بِفَيْرٍ فَقْرٍ وَ فَاقَةٍ، وَ تُبَلِّغَنِي سُؤْلِي وَ نَجَاحَ طَلِبَتِي وَ عَنْ

توبه آنهارا بدون درویشی و بسیاری احتیاج و برسانی به من مطلب مرا و برآوردن حاجت مرا و از جهت

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

إِجَابَتِكَ الْخَاجِي، وَ عَنْ جُمْلَةِ اعْتِرَافِي وَ اسْتَغْفَارِي، أَسْتَغْفِرُكَ

نیکیوی اجابت توست ابرام در سؤال من و از جهت اقرار من به گناهان و طلب آمرزش من، طلب آمرزش می‌کنم از تو

إِلَهِي وَ سَيِّدِي بِجَمِيعِ مَا كَرِهْتَهُ مِنِّي بِأَفْضَلِ التَّوْبَاتِ لَدَيْكَ،

ای خدای من و مولای من به همه آنچه ناخوش داشتی آنرا از من به بهترین توبه‌های در نزد تو در حالی که

مُصَلِّياً عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الزَّاهِدِينَ بِجَمِيعِ

طلب رحمت کنندم بر محمد و اهل خانه او که پاکان و ترک کنندگان دنیاتند به همه

صَلَوَاتِكَ، وَ لَاعِنًا أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءَهُمْ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَعَ كُلِّ

رحمتی خود و در حالی که لعن کنندم دشمنان تو را و دشمنان ایشان را پیش از هر چیز و با هر چیز

شَيْءٍ وَ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ بَعْدَ كُلِّ

و نزد هر چیز و از برای هر چیز و در هر چیز و پس از هر چیز و بعد از هر

شَيْءٍ، عَلَى أَفْضَلِ مَحَبَّتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ حَيًّا وَ مَيِّتًا، حَتَّى تَرْضَى

چیز بر بهترین دوستیت و خوشنودیت در حال زندگی و مردگی تا آن که خوشنود گردی تو

وَ تَمْحُوَنِي مِنَ الْأَشْقِيَاءِ الْمَحْرُومِينَ إِجَابَتِكَ، وَ تَكْتُبَنِي مِنَ

و محو گردانی و بیرون آوری مرا از میان بدبختان که محروم و بی بهره‌اند از اجابت تو تا آن که بنویسی مرا از

السُّعْدَاءِ الْمُسْتَحَقِّينَ إِجَابَتِكَ، فَإِنَّكَ سَيِّدِي تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ

نیکبختان و که سزاوار و اهلیت دارند اجابت تو را به درستی که تو مولایی برای من بر طرف می‌کنی آنچه را که خواهی و

تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ

ثابت می‌کنی آنچه را که خواهی و نزد توست اصل کتاب ای پروردگار ما ایمان آورده‌ایم به آنچه نازل ساختی ای او را و پیروی کرده‌ایم پیغمبر تو را

فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَ الْيُنَا الْوَلِيَّ وَ

پس بنویس ما را با گواهی دهندگان و پیروی کرده‌ایم پیغمبر تو را و دوست می‌داریم والی او را و اقتدا نمودیم امامان را پس بنویس ما را با

تَأْمَمْنَا الْأَئِمَّةَ، فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، وَ أَدْخِلْنَا بِهِمْ فِي عِبَادِكَ

کواهی دهندگان به امامت و داخل گردان ما را به سبب ایشان در جملة بندگان خود

الصَّالِحِينَ، وَ انصُرْنَا بِهِمْ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، وَ بِجَمِيعِ

که صالحانند و یاری ده ما را بر گروه کافران و به سبب همه

رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

رحمت تو ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان.

سپس هفتاد بار بگو: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلْحَى الْقِيَوْمُ،

طلب آمرزش می‌کنم از خدا که نیست خدائی مگر او که زنده به خود بریاست.

بِجَمِيعِ ذُنُوبِي، وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْنَا بِرَحْمَتِهِ.

از برای همه گناهاتم سؤال می‌کنم خدا را آن که قبول کند توبه ما را به سبب رحمت خود.

دعاهای عافیت از انقه علیه السلام

پس زاری کن و با نماز گذاران باش و پروردگار خود را عبادت کن تا آن که مرگ آید. سید بن طاووس رحمه الله گوید: و این است دعای آخر و در این دعا الفاظی چند است که احتیاج به تأمل و تحقیق حال دارد.

❁ دعای فرج و دفع اندوه ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: این دعائی است که من آن را از مجموعه کهنه‌ای نقل کردم. مروی است که ولید بن عبد الملک، حاکم شام، نامه‌ای نوشت به والی خود در مدینه، صالح بن عبدالله مروی که حسن مثنی پسر حضرت امام حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام را که در نزد او محبوس بود، به مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله برد و پانصد تازیانه بر او بزنند. صالح او را از زندان بیرون آورده، به مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله برد و مردم جمع شدند و صالح بر منبر بالا رفت، تا نامه ولید را بر مردم بخواند. بعد از آن به زدن حسن مثنی امر نماید. در اثناء خواندن نامه بودند که حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام به مسجد آمدند و مردم را از یکدیگر دور نمودند تا آن که به نزد حسن مثنی رسیدند، فرمودند که ای پسر عم، دعای دفع کرب و اندوه را بخوان، تا آن که خدای تعالی تو را نجات دهد و این بلایا بر طرف کند. حسن مثنی گفت که یاعم! آن دعا کدام است؟ حضرت فرمودند: این کلمات فرج را بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ

نیست خدائی مگر خدای پروردگار بخشنده نیست خدایی مگر خدای بلند مرتبه بزرگ منزّه است

اللَّهُ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَ رَبِّ الْعَرْشِ

خدای که پروردگار آسمان‌های هفت طبقه است و پروردگار زمینهای هفت گانه است و پروردگار عرش

الْعَظِيمِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

بزرگ است و همه ستایش برای خداست که پروردگار عالمیان است.

راوی گوید: حضرت امام زین العابدین علیه السلام این کلمات را به حسن مثنی تعلیم نمودند و به خانه خود بازگشتند و حسن مثنی مکرر این کلمات را می‌خواند تا آن که چون صالح از خواندن نامه فارغ شد و از منبر پایین آمد و به نزد حسن مثنی رسید و گفت: آثار مظلومیت و بیچارگی را در او مشاهده می‌کنم، خوب است که فرمان ولید را در باره او تأخیر کنم و نامه‌ای به ولید بنویسم و التماس او را نمایم. آنگاه صالح نامه‌ای در این باب به ولید نوشت. جواب آمد که او را از حبس رها کن.

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

❁ دعای دفع غم و اندوه ❁

سیدبن طاووس رحمه الله گوید: در کتاب دعای تألیف شیخ محمدبن یعقوب کلینی رحمه الله دیدم که به سندهای خود روایت نموده آنکه: هرگاه در امری اندوهناک و محزون شوی در آخر سجده خود، این کلمات را بسیار بگویی: **يَا جَبْرَائِيلُ يَا مُحَمَّدُ، يَا جَبْرَائِيلُ يَا مُحَمَّدُ.**

و سپس بگو: **إِكْفِيَانِي مِمَّا أَنَا فِيهِ، فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ، وَ احْفَظَانِي بِإِذْنِ اللَّهِ، فَإِنَّكُمَا حَافِظَانِ.**
 کفایت کنید مرا در آنچه واقع شده‌ام، بزرگتی که شما می‌توانید کفایت کنید مرا، و حفظ کنید مرا به اذن خداوند. بزرگتی که شما بهترین حافظانید.

❁ دعا در زمان غیبت ❁

دعائی که باید در زمان غیبت حضرت صاحب الامر علیه السلام خوانده شود.
 سیدبن طاووس رحمه الله گوید: ما در تعقیب نماز عصر در روز جمعه، در فصل دعاهائی که در زمان غیبت مروی هستند، ذکر کردیم به سندهای خود تا محمدبن احمدبن ابراهیم جعفری، مشهور به صابونی، که حدیثی ذکر نموده‌است به سندها خود تا به حضرت صاحب الامر علیه السلام و در آن از غیبت آن حضرت صلوات الله علیه را نقل نموده‌است، آن که من گفتم که شیعیان شما بعد از غیبت شما چه کار کنند؟ حضرت فرمودند: بر شما است دعا کردن و انتظار ظهور و فرج کشیدن، به درستی که زود باشد که برای شما علمی ظاهر شود، هرگاه برای شما آن ظاهر شود، خدای تعالی ستایش کنید و چنگ زنید به آنچه برای شما ظاهر شود. راوی گوید: من گفتم چه چیز بخوانیم؟ فرمودند: این دعا را بخوانید:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ عَرَفْتَنِيْ نَفْسِكَ، وَ عَرَفْتَنِيْ رَسُوْلَكَ، وَ عَرَفْتَنِيْ خُدَاوَنَدَا تُو شَنَاسَدَمَای نَفَسِ خُودَرَا وَ شَنَاسَدَمَای رَسُوْلِ خُودَرَا وَ شَنَاسَدَمَای بَه مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَ عَرَفْتَنِيْ نَبِيِّكَ، وَ عَرَفْتَنِيْ وَّلَاةَ اَمْرِكَ. اَللّٰهُمَّ لَا آخِذُ اِلَّا فِرَشْتَكَانَتَرَا وَ تُو شَنَاسَدَمَای هِیْغَمِرِ خُودَرَا وَ تُو شَنَاسَدَمَای مَتَوَلِّیَانِ فِرْمَاتَرَا خُدَاوَنَدَا فِرَا نَمِیْ مِیْرَم مِکَر

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

مَا أُعْطِيتَ، وَ لَا أُوَاقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ. اَللّٰهُمَّ لَا تُغَيِّبْنِي عَنْ مَنَازِلِ

آنچه را که ببخشی به من و نگاه نمی توانم داشت مگر آنچه را که تو محافظت کنی آنرا. خداوند! پنهان مکن مرا از دانستن مرتبه های

أُولِيَّائِكَ، وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي. اَللّٰهُمَّ اهْدِنِي لَوْلَايَتِ مَنْ

دوستان خود و میل مفرمادل مرا از حق بعد از آن که راه نمودی مرا خداوند! راهنمایی کن مرا برای دوست داشتن کسی که

افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ.

واجب نمودمای فرمایش را.



دعای غریق در زمان غیبت



سید بن طاووس رحمه الله گوید: دعایی که آن را محمد بن بابویه رحمه الله به سندهای خود در کتاب «غیبت»، از عبداللّه بن سنان روایت کرده است که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: زود باشد که به شما اشتباهی و حیرتی عظیم برسد. و بدون راهنمایی و پیشوایی باقی مانید تا شمارا راه نماید، و از این حیرت نجات نخواهید یافت مگر که دعای غریق را بخوانید. من گفتم: دعای غریق کدام است؟ فرمودند: این کلمات را بگو:

يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَجِيْمُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلٰى دِيْنِكَ.

ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای تغییر دهنده و برگرداننده دلها ثابت بدار دل مرا بر دین خود.

عبداللّه بن سنان گوید: من گفتم که چنین بگویم: «يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَجِيْمُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ وَ الْاَبْصَارِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلٰى دِيْنِكَ».

آن حضرت فرمودند: خداوند متعال «مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ وَ الْاَبْصَارِ» است ولیکن تو در این دعا چنین مگو، بلکه به نحوی بگوی که به تو تعلیم می کنم، بگوی: «يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَجِيْمُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلٰى دِيْنِكَ».

سید بن طاووس رحمه الله گوید: وجه منع نمودن آن حضرت از گفتن کلمه «وَ الْاَبْصَارِ» در این دعا، آن است که برگردانیدن دلها و چشمها چنانچه در آیه شریفه است مخصوص بر روز قیامت است که از بسیاری هول و ترس در آن روز، دلها امری را نمی فهمند و چشمها چیزی را نمی بینند و در زمان غیبت ترسی نمی باشد مگر از نفهمیدن دلها و بدی اعتقادهای، نه آن که از ندیدن چشمها بترسند.



دعا در زمان غیبت



سید بن طاووس رحمه الله گوید: در خواب کسی را دیدم که به من دعائی را تعلیم نمود که

دعاهای عافیت از انمه ﷺ

صلاحیت دارد آن که در زمان غیبت خوانده شود:

يَا مَنْ فَضَّلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ إِسْرَآئِيلَ عَلَى الْغَالَمِينَ بِاخْتِيَارِهِ، وَ

ای کسی که زیاده‌تر و بلندتر گردانید مرتبه ابراهیم و آل یعقوب را بر عالمان به اختیار خود و

أَظْهَرَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ عِزَّةَ اقْتِدَارِهِ، وَ أَوْدَعَ مُحَمَّداً

آشکار نمود در عالم آسمانها و زمینها عزت و غلبه بسیاری قدرت خود را و سپرد ملت به حضرت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ غَرَايِبَ أَسْرَارِهِ، صَلِّ عَلَى

که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش و به اهل خانه او غایبهای پنهان در نزد خود را رحمت فرستد بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَغْوَانِ حُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَنْصَارِهِ.

محمد و بر خاندانش و بگردان مرا از جمله مددکاران دلیل خودت بر بندگان تو و از جمله یاری کنندگان او.

❁ دعای دفع شدت و سختی ❁

در کتاب «تعبیرالرؤیای» شیخ محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله این عبارت مذکور است:

روایت کرده احمد از و شاذ از حضرت امام رضا علیه السلام، که فرمودند: در خواب پدرم را دیدم

که فرمودند: ای پسرم هرگاه در شدت و سختی وارد شدی، این دو اسم خدای را بسیار

بگو: (يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ). سپس فرمودند: آن چهار ما در خواب ببینیم، چنان است

که در بیداری می بینیم.

❁ دعا در زمان غیبت ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: دوست ما ملک مسعود (که خدای تعالی عاقبت او را به

برآوردن وعده‌های خود ختم کند) به ما حدیث نمود که: در خواب شخصی را دیدم که

با او از پشت دیوار سخن گفت و روی او را ندید و این دعا را می خواند:

يَا صَاحِبَ الْقَدْرِ وَ الْأَقْدَارِ، وَ الْهَمِّ وَ الْمَهَامِّ، عَجِّلْ فَرَجَ عَبْدِكَ وَ

ای صاحب قدرت و حکمها و ای صاحب همتها و قسدها، شتاب کن در ظهور بنده خود و

وَلِيِّكَ، وَ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ فِي خَلْقِكَ، وَ اجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ

دوست خود، و حجت و دلیل به پای دلزده فرماتنرا در آفریدگانت، و بگردان برای ما در این ظهور

الْخَيْرَةَ.

خیر و خوبی را.

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

❁ دعای شیعیان بعد از هر نماز ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: در مجموعه‌ای به خط مصنف آن یافتم که بسیار کهنه بود و اسم او محمد بن محمد بن عبدالله بن فاطر بود و از مشایخ خود به این عبارت روایت نموده است: حدیث نموده به ما محمد بن علی بن رقاق قمی، از ابوالحسن علی حسن بن شاذان قمی، از ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، از پدر خود و او گفته که حدیث نمود به ما جعفر بن عبدالله حمیری، از محمد بن عیسی بن عبید و او گفته که خبر داد به ما عبدالله الرحمن بن ابی هاشم از ابی یحیی مدائنی از حضرت ابا عبدالله امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند: از جمله حق ما بر دوستداران و شیعیانمان، آن است که چون از نماز خود فارغ شدند، این دعا را بخوانند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِیْمِ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ

خداوند! من سؤال می‌کنم تو را به نام تو که بزرگ است آن که رحمت فرستی بر محمد و بر خاندانش

الطَّاهِرِیْنَ، صَلَاةً تَامَّةً دَائِمَةً، وَ اَنْ تُدْخِلَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ

که پاکانند رحمتی تمام و همیشه و آن که داخل کنی بر محمد و بر آل محمد

وَ مُحِبِّیْهِمْ وَ اَوْلِیَآئِهِمْ حَيْثُ كَانُوْا وَ اَیْنَ كَانُوْا فِی سَهْلٍ اَوْ جَبَلٍ

و بر دوستداران ایشان و بر یاری کنندگان ایشان هر جا که باشند و هر کجا که باشند در همواری یا کوهستان

اَوْ بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ، مِنْ بَرَکَةِ دُعَائِیْ مَا تَقَرُّ بِهِ عُیُوْنُهُمْ، اِحْفَظْ یَا مَوْلَایَ

یا در بیابان یا در دریا از برکت دعای من آنچه را که روشن شود به سبب آن چشمهای ایشان، محافظت کن ای مولای من

الْغَائِبِیْنَ مِنْهُمْ، وَ اَرُدُّهُمْ اِلٰی اَهْلِیْهِمْ سَالِمِیْنَ، وَ نَفِّسْ عَنْ

پنهانهای از اهل بیت را و برگردان ایشان را به سوی اهلای ایشان در حالی که به سلامت باشد و برطرف گردان غم را از

الْمُهْمُوْمِیْنَ، وَ فَرِّجْ عَنِ الْمَكْرُوْبِیْنَ، وَ اَكْسُ الْغَارِیْنَ، وَ اَشْبِعِ

غمگینان و زایل کن اندوه مرا از اندوهناکان و بپوشان برهنه‌ها را و سیر گردان

الْجَائِعِیْنَ، وَ اَرْوِ الظَّامِیْنَ، وَ اقْضِ دَیْنَ الْغَارِمِیْنَ، وَ زَوِّجِ

میرسنه‌ها را و سیراب گردان تشنه‌ها را و ادا کن قرض قرض داران را و کسب خدا کن

الْعَازِبِیْنَ، وَ اشْفِ الْمَرْضٰی، وَ ادْخِلْ عَلٰی الْاَمْوَآتِ مَا تَقَرُّ بِهِ

غریبان را و شفاده بیماران را و داخل و وارد گردان بر مردگان آنچه را که روشن شود به آن

عُیُوْنُهُمْ، وَ اَنْصُرِ الْمَظْلُوْمِیْنَ مِنْ اَوْلِیَآءِ اَلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ،

چشمهای ایشان و یاری کن ستم دیدگان از دوستداران آل محمد علیهم السلام را

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

و أَطْفِ نَائِرَةَ الْمُخَالِفِينَ. اللَّهُمَّ وَ ضَاعِفِ لَعْنَتِكَ وَ بِأَسْكَ وَ

و خاموش کن آتش عداوت اهل خلافت خداوند و زیاده گردان لعنت از جانب خود را و عذاب خود را و

نَكَالِكَ وَ عَذَابِكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا بِنِعْمَتِكَ، وَ خَوَّنَا رَسُولَكَ

عقوبت خود را و عذاب خود را بر آن دو شخصی که انکار نمودند حق نعمت تو را و خیانت کردند با رسول تو و

وَاتَّهَمَا نَبِيَّكَ وَ بَايِنَاهُ، وَ حَلَّ عَقْدَهُ فِي وَصِيَّهِ، وَ نَبَذَا عَهْدَهُ فِي

تهمت زدند بر پیغمبر تو و مخالفت ورزیدند قول او را و گمشودند عقد بسته شده امامت را در

خَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ، وَ ادَّعَا مَقَامَهُ وَ غَيْرَ أَحْكَامَهُ، وَ بَدَّلَا سُنَّتَهُ، وَ

وصی او و پس سر انداختند وصیت او را در باره خلیله و جانشین او بعد از او و ادعا نمودند جای او را و تغییر دادند حکمهای او را و

غَيَّرَا دِينَهُ، وَ صَغَّرَا قَدْرَ حُجَجِكَ، وَ بَدَّعَا بِظُلْمِهِمْ، وَ طَرَّقَا طَرِيقَ

تبدیل نمودند طریقه او را و تغییر دادند دین او را و کوچک نمودند منزلت حجتهای تو را و شروع کردند به ستم نمودن به ایشان و راه گرفتند راه

الْغَدْرِ عَلَيْهِمْ، وَ الْخِلَافِ عَنْ أَمْرِهِمْ، وَ الْقَتْلِ لَهُمْ، وَ از هاج الحروب

حیله کردن با ایشان را و راه مخالفت نمودن از فرمان ایشان را و راه کشتن ایشان را و راه برانگیختن جنگها را

عَلَيْهِمْ، وَ مَنَعَ خَلِيفَتِكَ مِنْ سَدِّ الثَّلَمِ، وَ تَقْوِيمِ الْعَوَجِ، وَ تَثْقِيفِ

بر ایشان و منع خلیفه تو را از محکم نمودن رخنه های در دین و از راست کردن کجی و از جاری ساختن

الْأَوْدِ، وَ أَمْضَاءِ الْأَحْكَامِ، وَ إِظْهَارِ دِينِ الْإِسْلَامِ، وَ إِقَامَةِ حُدُودِ

حکمها و از آشکار نمودن دین اسلام و از بزرگداشتن حُدُودها و احکام

الْقُرْآنِ، وَ الْعَنْتُهُمَا وَ ابْنَتَيْهِمَا، وَ كُلَّ مَنْ مَالَ مَيْلَهُمْ وَ حَذَا حَذْوَهُمْ،

قرآن و لعن کن آن هر دورا و دو دختران هر دورا و هر کسی را که میل کرده باشد از حق میل کردن آنها و پیروی کرده باشد

وَ سَلَكَ طَرِيقَتَهُمْ، وَ تَصَدَّرَ بِبِدْعَتِهِمْ لَعْنًا لَا يَخْطُرُ بِبَالٍ، وَ

مانند پیروی آنها و رفته باشد به راهی که رفته اند آنها و اخذ کرده باشد بدعت آنها را لعنتی را که نگذرد به خاطر کسی

يَسْتَعِيدُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ. اللَّهُمَّ الْعَنْ مَنْ دَانَ بِقَوْلِهِمْ، وَ اتَّبَعَ أَمْرَهُمْ،

و پناه بجویند از آن اهل آتش خداوند لعن کن کسی را که اطاعت کرده باشد به گفتار ایشان و پیروی کرده باشد فرمان آنها را

وَ دَعَا إِلَى وَ لَائِقَتِهِمْ، وَ شَكَّ فِي كُفْرِهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ.

و خوانده باشد مردمان را به سوی دوستی آنها و شک داشته باشد در کفر آنها از جماعت پیشینیان و پسینیان.

پس طلب نما آنچه را که خواهی.



دعای عهدنامه



سید بن طاووس رحمه الله گوید: دعای عهدنامه مروی از ابوجعفر محمد بن علی بن رقاق قمی

است که گفت: حدیث نمود به ما ابوالحسن محمد بن احمد بن علی بن حسن شاذان

دعاهای عافیت از انقه علیه السلام

قمی، از ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، از پدر خود، از عبداللّه بن جعفر، از عباس بن معروف، از عبدالسلام بن سالم و او گفته که خبر داد به ما محمد بن سنان بن یونس بن ظبیان از جابر بن یزید جعفی، از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمودند: هر کس این دعا را در مدت عمر خود یک بار بخواند، در پوستی نوشته می شود و بالا برده می شود در دیوان حضرت قائم علیه السلام. و هرگاه قائم ما اهل بیت ظهور کند، او را به اسم او و اسم پدر او ندای کنند و به او این نوشته داده می شود و گفته می شود که این نوشته عهدنامه را بگیر که تو با ما در دار دنیا عهد کرده ای و این است کلام خدای تعالی که فرموده اند: «إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا». «مگر کسی که اقرار به وحدانیت خدا و پیروی انیا و اولیا کرده باشد.» ای عزیز این دعا را باید با طهارت بخوانی:

اَللّٰهُمَّ يَا اِلٰهَ الْاَلٰهَةِ، يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ، يَا اٰخِرَ الْاٰخِرِيْنَ، يَا قَاهِرَ

خداوند! ای خدای همه پرستیده شدگان ای یکتا ای یکتا ای بعدتر از همه پسینیان ای غلبه کننده

القاهِرین، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيْمُ، اَنْتَ الْعَلِيُّ الْاَعْلٰی، عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ

بر همه خشمناکان ای بلند مرتبه، ای بزرگ تونی بلندتر از همه چیز بلند مرتبه تو بالاتر از هر

عُلُوٍّ، هَذَا يَا سَيِّدِيْ عَهْدِيْ وَ اَنْتَ مُنْجِزٌ وَعْدِيْ، فَصِلْ يَا مَوْلٰی

بلندی این است ای سید من، بیعتان و اعتقاد من و تونی برآورنده وعده مرا پس صله و جایز بده، ای مولای من

عَهْدِيْ، وَ اَنْجِزْ وَعْدِيْ، اَمَنْتُ بِكَ وَ اَسْأَلُكَ بِحِجَابِكَ الْعَرَبِيّ، وَ

بیعتان مرا و برآور وعده مرا ایمن آورده ام به تو و سؤال می کنم تو را به حق نام عربیت و

بِحِجَابِكَ الْعَجَمِيّ، وَ بِحِجَابِكَ الْعَبْرَانِيّ، وَ بِحِجَابِكَ السَّرْيَانِيّ، وَ

به حق نام فارسی و به حق نام تو در لهجه یهود و به حق نام تو در لغت نصاری و

بِحِجَابِكَ الرُّومِيّ، وَ بِحِجَابِكَ الْهِنْدِيّ، وَ اَثْبِتْ مَعْرِفَتَكَ بِالْعِنَايَةِ

به حق نام رومی و به حق نام هندی و ثابت گردان شناخت خود را به سبب بخشش و عطیه ای که کرده ای آن را در روز

الْاَوَّلٰی، فَاِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا تُرٰی، وَ اَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰی، وَ اَتَقَرَّبُ

اول خلقت به درستی که تونی آن خدا که دیده نمی شود و تونی به جایگاه دیده بانی بلندتر از همه جایها و نزدیکی می جویم

إِلَيْكَ بِرَسُوْلِكَ الْمُنْذِرِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهٖ، وَ بِعَلِيّ

به سویت به وسیله پیغمبر تو که می ترساند خلائق را از عقوبت تو رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش و به وسیله علی

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ الْهَادِيّ، وَ بِالْحَسَنِ السَّيِّدِ، وَ

بن ابیطالب که پیشوای مؤمنان است رحمتهای خدا بر او که راهنماست و به وسیله امام حسن ستوده و

بِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ سِبْطِيْ نَبِيِّكَ، وَ بِفَاطِمَةَ الْبِتُّوْلِ، وَ بِعَلِيِّ بْنِ

امام حسین شهید گردیده که دو قطعه و نواده پیغمبر تواند و به وسیله حضرت فاطمه که منقطع است از دنیا و از اهل آن و به وسیله علی پسر

دعاهای عافیت از انقه علیه السلام

الْحُسَيْنَ زَيْنَ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّقَنَاتِ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ

امام حسین که زینت همه عبادت کنندگان و صاحب پینه ها است مواضع سجود او و به وسیله امام محمد پسر علی که جمع کننده و شکافنده

عِلْمِكَ، وَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الَّذِي صَدَّقَ بِمِيثَاقِكَ وَ

است علم تو را و به وسیله امام جعفر پسر محمد که راستگوی است که تصدیق نموده است به پیمان تو و

بِمِيعَاذِكَ، وَ بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْحَصُورِ الْقَائِمِ بِعَهْدِكَ، وَ بِعَلِيٍّ

به روز وعده جزایت و به وسیله امام موسی پسر امام جعفر که بازدارنده نفس است از خواسته ها و به پای دارنده پیمان تو است و به وسیله امام علی

بْنِ مُوسَى الرَّضَا الرَّاضِي بِحُكْمِكَ، وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَبْرِ

پسر موسی خوشنود که راضی است به فرمان تو و به وسیله محمد تقی پسر علی که دانا

الْفَاضِلِ الْمُزْتَضَى فِي الْمُؤْمِنِينَ، وَ بِعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَمِينِ

و با فضیلت و پسندیده در میان مؤمنان است و به وسیله امام علی تقی پسر محمد که با کمال امانت و معتمد

الْمُؤْتَمَنِ هَادِي الْمُسْتَرْشِدِينَ، وَ بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الطَّاهِرِ

و راهنمای راه یافتگان است و به وسیله امام حسن عسکری پسر علی که پاک و پاکیزه

الزَّكِيِّ خَزَانَةِ الْوَصِيِّينَ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالإِمَامِ الْقَائِمِ الْعَدْلِ

و خزانه علوم و وصی هایی پیغمبران است و نزدیکی می جویم به سویت و به وسیله پیشوایی که به پای دارنده است امر خدا را و عادل است

الْمَهْدِي الْمُنْتَظَرِ، إِمَامِنَا وَبْنِ إِمَامِنَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

که هدایت یافته شده و انتظار کشیده شده است و پیشوای ما و پسر پیشوای ما است رحمت های خدا باد بر ایشان

أَجْمَعِينَ، يَا مَنْ جَلَّ فَعْظُكُمْ وَ أَهْلُ ذَلِكَ، فَعَفَى وَ رَحِمَ، يَا مَنْ قَدَرَ

همگی ای کسی که درای جلال و بزرگی است و سزاوار است این بزرگی را، پس درگذرد از گناهان و رحم کند، ای کسی که تواناست

فَلَطْفَ، أَشْكُو إِلَيْكَ ضَعْفِي وَ مَا قَصُرَ عَنْهُ أَمَلِي مِنْ تَوْجِيدِكَ وَ

پس مهربانی کند، شکوه می کنم به تو از ناتوانایی خود از آنچه کوتاهاست امید از رسیدن به چگونگی یگانگی و

كُنْهِ مَعْرِفَتِكَ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالتَّسْمِيَةِ الْبَيْضَاءِ، وَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ

از رسیدن به حقیقت شناخت تو و روی می آورم به سویت به نام بردن تو را به نامهای نورانی و به اقرار بیگانگی

الْكُبْرَى الَّتِي قَصُرَ عَنْهَا مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلَّى، وَ آمَنْتُ بِحِجَابِكَ

بزرگیتی که کوتاهاست از رسیدن به آن کسی که پشت کرده باشد و اعراض نموده باشد و ایمان آورده ام به حجاب و پرده تو

الْأَعْظَمِ، وَ بِكَلِمَاتِكَ الْقَامَاتِ الْعُلْيَا الَّتِي خَلَقْتَ مِنْهَا دَارَ الْبَلَى، وَ

که بزرگتر است از آن که به وصف آید و به نامهای که تمام و کمال و بلند اند که آفریدهای از آنها خانه ابتلا و

أَخْلَلْتَ مَنْ أَحْبَبْتَ جَنَّةَ الْمَأْوَى، آمَنْتُ بِالسَّابِقِينَ وَ الصِّدِّيقِينَ،

استحان را و فرود آورده ام به برکت آنها کسی را که دوست داری او را به بهشت که منزل و جایگاه مؤمنان است ایمان دارم به

وَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا، وَ آخِرَ

جماعت پیشی گیرندگان و راستگویان که یاران طرف راستند از مؤمنانی که مخلوط و مزوج کرده اند کردار نیکو را با عمل دیگر که بد است

دعاهای عافیت از انقه

سَيِّئاً إِلَّا تَوَلَّيْنِي غَيْرَهُمْ، وَ لَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ غَدَاً إِذَا قَدَّمْتُ

سؤال می‌کنم تو را آن که ولی نگر دانی به من غیر ایشان را و جدایی قرار ندهی میان من و میان ایشان فردای قیامت

الرِّضَا بِفَضْلِ الْقَضَاءِ، آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ، وَ خَوَاتِيمِ

هرگاه پیش بدارم راضی شدن به جدا ساختن حکمت حق را از باطل ایمان آوردم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و به عاقبت

أَعْمَالِهِمْ، فَإِنَّكَ تَخْتِمُ عَلَيْهَا إِذَا شِئْتَ، يَا مَنْ أَتَحَفَّنِي بِالْإِقْرَارِ

کارهای ایشان به درستی که ختم می‌کنی بر کارهای خوب هرگاه خواهی ای کسی که تحفه و هدیه داده‌ای اقرار کردن به

بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَ حَبَابِي بِمَعْرِفَةِ الرُّبُوبِيَّةِ، وَ خَلِّصْنِي مِنَ الشَّكِّ

یگانگی را و بخشیده‌ای شناخت پروردگاری خود را و رها کن مرا از شک

وَ الْعَمَى، رَضِيتُ بِكَ رَبّاً، وَ بِالْأَصْفِيَاءِ حُجْجاً، وَ بِالْمُخْجُوبِينَ

و کوری نادانی را راضی‌م به تو از جهت پروردگاری و به برگزیدگان تو از جهت دلیلها، و پنهان شدگان از

أَنْبِيَاءَ، وَ بِالرُّسُلِ أَدْلَاءَ، وَ بِالْمُتَّقِينَ أُمَرَاءَ، وَ سَامِعاً لَكَ مُطِيعاً.

پیغمبران، و به فرستادگان دلیلها، و پرهیزکاران پیشوایان، در حالی که شنوا و فرمان بردار فرمان توام.

دعای سید بن طاووس

سید بن طاووس گوید: از جمله الفاضلی که در خلوتها به خاطر گذشته این دعاست:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا الَّذِي يُخَاطِبُكَ مِنِّيْ هُوَ الْعَقْلُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ مُوَافِقاً

خداوند! به درستی که آن چیزی که مناجات می‌کند تو را از من آن عقل است که دائماً موافقت کرده‌است

لَكُمْ فِيْ اِقْبَالِكُمْ عَلَيَّ وَ اِعْرَاضِكُمْ عَنِّيْ، فَانْظُرْ اِلَيْهِ بِعَيْنٍ اَنَّهُ

شما را در روی آوردن شما بر من و در اجتناب کردن شما از من پس نظر کن به سوی عقل من به چشم آن که او

عَبْدُكُمْ الْمُطِيعُ لَكُمْ الْمُشْرِفُ بِكُمْ، فَأَجِيبُوا سُؤَالَهٗ وَ بَلِّغُوهُ

بند شما است و اطاعت کننده‌است برای شما و شرف یافته‌است به سبب شما پس برآورید

أَمَالَهٗ وَ لَا تُخَيِّبُوهُ وَ تَجِبْهُوهُ بِالرَّدِّ لِأَجْلِيْ.

حاجت او را و برسانید او را به امیدهای او و ناامید مگردانید او را و مزید به پیشانی او به سبب آن که رد کنید حاجت او را از جهت من.

دعای دیگر سید بن طاووس

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ مَا اَعْلَمُ مَصْلَحَتِيْ مِنْ مَّفْسَدَتِيْ، وَ لَا اَقْدَمُ عَلٰى شَرِّحِ

خداوند! من نمی‌دانم مصلحت خود را از آنچه ضرر دارد به من و پیشانی نمی‌گیرم بر اظهار

مَسْئَلَتِيْ، فَاَنَا اَتَوَسَّلُ بِأَقْرَبِ صِفَاتِكَ اِلَى الْعَفْوِ وَ الْغُفْرَانِ، اَنْ

مطلب خود، پس من متوسل می‌شوم به نزدیکترین صفتهایت به عفو از گناهاتم و آمرزیدن تو مرا

دعاهای عافیت از انمه ﷺ

تَطْلُبْ لِي مَا أَسْتَخَاجُ إِلَيْهِ، مِنْ أَقْرَبِ صِفَاتِكَ إِلَى الْكَرَمِ وَالْإِحْسَانِ.

آن که طلب نمایی برای من آنچه را که محتاجم به آن از نزدیکترین صفتهایت به سوی بخشش و نیکویی نمودن.

❁ دعای دیگر سید بن طاووس رَحِمَهُ اللهُ ❁

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَمَرْتَ الْمُوسِرَ اَلَّا يَبْخَلَ عَلَى الْمُغْسِرِ بِالْقُوَّةِ الَّذِي

خداوند! به درستی که تو فرموده‌ای به مالدار آن که بخل نکند بر پریشان به قوت او که ناچار است او را از

لَا بُدَّ لَهُ مِنْهُ، وَ اَنْتَ قُوَّتِي وَ قُوَّتِي الَّذِي لَا غِنَا لِي عَنْهُ، وَ اَنْتَ اَقْدَرُ

آن قوت و تو توانایی برای من و قوتی برای من که نیست بی نیازی برای من از آن و تو صاحب قدرت تری

الْمُوسِرِينَ وَ اَكْرَمُ مِنَ الْمَأْمُورِينَ، فَلَا تَمْنَعْ لِي مَا لَا غِنَا لِي عَنْهُ

از مالداران و بخشنده تری از آن جماعتی که امر کرده‌ایشان را به کرم پس منع مکن تو از من آنچه را که نیست بی نیازی برای من

مِنَ الْقُوَّةِ، وَ تَذَارِ كُنِّي قَبْلَ أَنْ أَمُوتَ وَ أَفُوتَ.

از آن از قوت و غذا و برسان آنرا به من پیش از آن که بمیرم و بر طرف شوم من

❁ دعای دیگر سید بن طاووس رَحِمَهُ اللهُ ❁

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ كَرِهْتَ لِلْمُضْيِفِ اَنْ يَمْنَعَ ضَيْفَهُ مِنَ الْقَرَىٰ مَعَ قُدْرَتِهِ

خداوند! به درستی که ناخوش داشتی برای میزبان آن که منع کند میهمان خود را از احسان و ضیافت با وجود قدرتش

عَلَى الضَّيَافَةِ، وَ اِنْ لَمْ يَهْلِكِ الضَّيْفُ بِمَنْعِهِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ

بر ضیافت کردن و هر چند هلاک نمی شود میهمان به سبب منع کردن میزبان او را از احسان و مهربانی و

الرَّأْفَةِ، وَ الْمُضْيِفُ مِمَّنْ يَنْقُصُهُ الْبَذْلُ، وَ اَنَا قَدْ جَعَلْتُ نَفْسِي

حال آن که مهماندار از کسانی است که کم می کند مال او را بخشش کردن، و من گردانیده‌ام نفس خود را

ضَيْفَكَ وَ مَا لَهَا غِنَى عَنْ قِرَاكَ، وَ مَتَى مَنَعْتُهَا مِنْ طَبَقِ

میهمانی تو و نیست برای او بی نیازی از ضیافت تو و هر آنگاه که منع کنی نفس مرا از طبق

ضَيْافَتِكَ، بَتُّ طَاوِيَا فِي حِمَاكَ، وَ وَصَلْتُ إِلَى الْهَلَاكِ، فَلَا

میهمانی خود شب را به صبح می آورم در حالی که گرسنه باقی مانم در حمایت و می رسم به سوی هلاکت پس

تَمْنَعُنِي ضَيْافَتَكَ يَا مَنْ لَا يَنْقُصُهُ الْإِحْسَانُ وَ لَا يَزِيدُهُ

منع مکن از من میهمانی ترا ای کسی که کم نمی کند او را نیکوئی کردن و زیاد نمی گرداند او را

الْحِرْمَانُ.

محروم ساختن.

دعاهای عافیت از انمه

دعای دیگر سید بن طاووس

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ وَجَدْتُ مِنْ لِسَانِ خَالِ مَرَاحِمِكَ وَ مَكَارِمِكَ، مَنْ

خداوند! من یافتم از زبان خال مهریهایت و بخششهایت کسی را

یُخْبِرُنِیْ عَنِّیْ بِأَنَّ یَدَ اِحْسَانِیْ صِفْرٌ مِنْ اِقْتِدَارِیْ عَلٰی وَجُودِیْ

که خبر داد مرا از حال من به آن که دست نیکنی من خالی است از توانایی و قدرت من بر هستی من

وَ حَیَاتِیْ وَ عَافِیَّتِیْ، وَ اُصُولِ سَعَادَتِیْ فِیْ دُنْیَایْ وَ اٰخِرَتِیْ، وَ

و زندگانی من و سلامتی من و از اصولهای نیکیهای من در دنیای من و آخرت من و

اِنَّكَ جَلَّ جَلَالُكَ اَوْجَدْتَنِیْ جُوداً وَ کَرَمًا، وَ اَحْیَیْتَنِیْ مُتَفَضِّلاً وَ

به آن که تو که بزرگ است عظمت تو ایجاد کردی مرا از روی بخشش و کرم و زنده گردانیدی مرا از روی زیادتیی احسان کردن و

مُنْعِماً، وَ عَافِیْتَنِیْ اِبْتِدَاءً فِی الْاَنْشَاءِ، وَ عَافِیْتَنِیْ مِمَّا اسْتَحَقُّهُ

نعمت دادن و سلامت داشتهای مرا در اول خلق کردن تو مرا و به سلامت نگاهداشتهای مرا از آنچه سزاوارم آنرا

مِنْ اَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، وَ الْاِبْتِلَاءِ بِتَقْصِیْرِیْ فِی شُكْرِ مَا وَهَبْتَنِیْ مِنْ

از اقسام بلاها و آزمائشها به سبب کوتاهی من در شکرگذاری آنچه بخشیدهای از

النِّعْمَاءِ، وَ اَنَا بِالنِّسْبَةِ اِلَیَّ مُوصُوفٌ بِالْفَنَاءِ، وَ بِالنِّسْبَةِ اِلَیْ

نعمتها پس من نسبت به خودم موصوفم به برطرف شدن و نسبت به سوی

جُودِكَ وَ نِعْمَتِكَ مَعْرُوفٌ بِالْبَقَاءِ، فَصُنْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَ یَا

بخشش تو و نعمت تو مشهورم به باقی بودن پس نگاهدار ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و ای

اَكْرَمَ الْاَكْرَمِیْنَ، مَغَارِسَ مَعْرُوفٍ مِنَ الذُّبُولِ، وَ كُنْ خَارِسَ

بخشنده ترین بخشندگان در غنایهای احسانت را از بی آبی و خشک شدن و باش تو پاسبان

نُجُومِ کَرَمِكَ مِنَ الْاُقُولِ، وَ نَزَّهَ کَمَالَ فَضْلِكَ اَنْ یَهْجُمَ عَلَیْهِ

برای ستاره های بخشش خود از غروب کردن و محافظت کن کمال احسانت را از آن که هجوم آورد بر آن قهر

سُلْطَانُ عَدْلِكَ، وَ اَحْفَظْ مَعَاهِدَ رَحْمَتِكَ وَ مَوَآئِدَ نِعْمَتِكَ، اَنْ

پادشاهی عدالت تو و نگاهداری جایهای وعده های رحمت خود را و غواتهای نعمت خود را از آنکه

تَشْوِشُهَا یَدُ عُقُوبَتِكَ، وَ اَرْحَمَ مَنْ جَهِلَ رِذَالَةَ قَدْرِ نَفْسِهِ، وَ جَلَالَةَ

برهم زند آنهارا دست عقوبت تو و رحم نمای کسی را که نداند پستی منزلت نفس خود را و بزرگی

قَدْرِكَ، وَ اَقْدَمَ مَعَ ضَعْفِهِ وَ ذِلَّةِ عَلٰی مُخَالَفَةِ اَمْرِكَ، فَهُوَ وَ اِنْ

مرتبه تو را و جرأت نموده باشد با وجود پستی خود و پستی خود بر اطاعت نکردن فرمان تو پس

عَصَاكَ بِالْمَقَالِ وَ الْفِعَالِ، فَبِیْدُ فَقْرِهِ وَ کَسْرِهِ مَمْدُودَةٌ اِلَیْكَ

آن شخص و امر چه نافرمانی کرده است تو را به گفتار و کردار پس دست درویشی او و شکستگی او دراز شده است به سوی

دعاهای عافیت از انقه

بِلِسَانِ الْحَالِ، تَسْتَزِجُ وَ تَسْتَغْفِرُ وَ تَسْتَوْهِبُ جَنَائِهَا، وَ

به زبان حال طلب رحم می کند مهربانی می نماید و طلب بخشیدن گناهانش را می کند و

تَسْأَلُ إِجْرَاءَهَا عَلَى جَمِيلِ عَادَاتِهَا، يَا مَنْ لَا يَنْقُصُهُ الْإِحْسَانُ وَ

سؤال می کند روان نمودن آنرا بر نیکنوی عاداتهای آن ای کسی که کم نمی کند او را نیکنوی کردن با طلب کنندگان و

لَا يَزِيدُهُ الْحِرْمَانُ.

زیاد نمی گرداند او را محروم نمودن سؤال کنندگان.



دعای دیگر سید بن طاووس



اَللّٰهُمَّ اِنَّ يَدَ لِسَانِ حَالِ التُّرَابِ الَّذِي شَرَّفْتَهُ بِنُورِ الْاَلْبَابِ، وَ

خداوند! به درستی که دست زبان حال آن خاکس که شریف و عزیز گردانیده ای آنرا به سبب روشنی ادراکها و عقلا و

تَوَلَّيْتَ حِفْظَهُ فِي الْأَصْلَابِ وَ الْبُطُونِ عَلَى اخْتِلَافِ الْأَعْقَابِ وَ

منزلی شده ای نگاهداشتن او را در پشتهای پدران و شکمهای مادران بر تفاوت و اختلاف عقبها و

الْأَحْقَابِ، مَمْدُودَةً إِلَى أَفْقِ ذَلِكَ الْجُودِ، وَ فَقَرُّهَا وَارِدٌ مَعَ الْوُفُودِ،

زمانهای دراز و کشیده شده است به سوی کنار آسمان این بخشش تو و احتیاج آن دست وارد است

تَسْتَعِيدُ مِنَ الْوَعِيدِ وَ تَسْتَجِرُ مَا سَبَقَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ الْكَرَمِ وَ

با نازل شدن آن پناه می جوید آن دست از وعده های عذاب و طلب می نماید بر آوردن آنچه را پیشی گرفته است از رحمت و بخشش و

الْوُعُودِ، فِي أَنْ تَأْذَنَ فِي اسْتِخْرَاجِ كُلِّ مَا يَحْتَاجُ مَمْلُوكُكَ إِلَيْهِ

و وعده های آن که اذن دهی در بیرون آوردن هر چیزی را که احتیاج داشته باشد بنده تو به آن برای

لِنَفْسِهِ، وَ لِمَنْ يَعِزُّ عَلَيْهِ مِنْ خَزَائِنِ إِحْاطَةِ عِلْمِكَ، وَ حَمَلِ تِلْكَ

نفس خود و برای کسی که عزیز باشد بر او از خزینه های احاطه کرده علمت و در بار کردن این

الْحَوَائِجِ عَلَى مَطَايَا رَحْمَتِكَ وَ حِلْمِكَ، وَ تَرْوِيدهَا مِنْ ذَخَائِرِ

ماینحتاج را بر شتران رحمت تو و بردباریت و در توشه برداشتن آن دست از جمع شده ها و ذخیره کرده شده های

صِيَانَةِ فَضْلِكَ وَ أَمَانِ ظِلِّكَ، أَنْ يَلْقَاهُ أَحَدٌ بِالْإِيَّاسِ مِنْهُ أَوْ

نگاهداشتنی زیادتی احسان تو و از امان دهنده سایه مرحمت تو از آن که برسد به آن شخص به مایوس شدن از آن یا

بِالْقُنُوطِ الَّذِي صُنَّتْهُ عَنْهُ، وَ أَنْ تُورِدَهَا عَلَى مَنَاهِلِ الْعَفْوِ وَ

به ناامیدی آنچنانی که نگاهداشته تو آن شخص را از ناامیدی و طلب می کند آن دست آن که وارد سازیت آنرا بر حوضها و آب انبار عفو و

الْكَرَمِ، وَ مَنَازِلِ الْحِلْمِ وَ النِّعَمِ، وَ تَسْمِيهَا مَمْلُوكُكَ نَجَاتَهُ

بخشش خود و بر منزلهای بردباری و نعمتهای خود و آن که به نامی او را بنده خود که باشد خلاصی او به بازگشت تو

بِالْإِنَابَةِ، وَ تَظْفِرُهَا بِتَعْجِيلِ الْجَابَةِ، وَ أَنْ تَكُونَ ضَيْفَانًا وَ

و رستگار گردانی آنرا به سبب شتاب کردن در بر آوردن حاجت او و آن که باشد آن دست مهمانها و پناه آورنده های به تو و

دعاهای عافیت از ائمه

جِيرَانًا، وَ تَسْتَشْهِدُ عِلْمَكَ بِفَقْرِهَا إِلَى الضِّيَافَةِ، وَ ضَرُورَتِهَا إِلَى

گواهی می طلبد آن دست علم تو را به احتیاج آن به سوی مهمانیت آنرا و به ناچار بودن آن به سوی

الْأَجَارَةِ الْآمِنَةِ مِنَ الْمَخَافَةِ، وَ تَلُوذُ بِوَضَائِكَ بِقَرَى الضُّيُوفِ، وَ

پناه دادن تو آنرا که امان دهنده ای است از ترس و ملجی می شود به سفارشهایت به ضیافت کردن مهمانها و

تَعُوذُ بِحِمَاكَ الَّذِي بِذَلِكَ لِمُسْتَجِيرِ الْمَلْهُوفِ، يَا أَرْحَمَ

پناه می آورد به قورق تو که بخشیدهای آنرا برای پناه آورنده به تو و ستم رسیده های رحم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ.

رحم کنندگان.

❁ دعای دیگر که بخاطر شخصی رسیده ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: این دعا را از کتاب کهنه ای نقل می کنم که در بعضی از

مصیبتها به خاطر صاحب کتاب رسیده بود:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْشَأْتَ هَذِهِ الْمِلَّةَ النَّبَوِيَّةَ الْمُحَمَّدِيَّةَ بِغَيْرِ ذَخِيْرَةٍ

خداوند! به درستی که تو احداث کرده ای این دین پیغمبری محمدی را بدون ذخیره ای که باشد

كَانَتْ مِنَ الْاَمْوَالِ وَ الرِّجَالِ، وَ قَطَعْتَ بِهَا وَ لَهَا عَقَبَاتِ الْاَهْوَالِ وَ

ترا از مالها و مردان مددکار و قطع نمودی به سبب این دین و برای این دین عقبه های ترسها را و

الْاَمَالِ، ثُمَّ اَنْتَظَمَ اَمْرُ هَذِهِ الدُّوَلِ الْاِسْلَامِيَّةِ بِغَيْرِ ذَخِيْرَةٍ مِنْ

آرزوها را پس سرانجام یافت کار این دولتهای اسلام بدون ذخیره ای از

الْعُدَدِ، وَ لَا كَثْرَةِ مِنَ الْعَدَدِ، حَتَّى مَضَى حُكْمُهَا عَلَى مَنْ عِنْدَ اَوْ

تیمها و نه بسیاری از شماره تا آن که جاری شد حکم این دین بر هر کسی که دشمنی نمود یا آن که

عَبَدَ، وَ قَدْ عَرَفْتَنَا مِنْ قُوَّتِكَ، وَ اَرَيْتَنَا مِنْ قُدْرَتِكَ اَنْ سُلْطَانَكَ

بندگی کرد و شناساندی به ما از توانایی خود و نمودی به ما از قدرت خود آن که پادشاهی تو

يَتَّبِتُ اَسَاسُهُ، وَ يَتِمُّ حِفْظُهُ وَ اَنْجِرَاسُهُ، بِاَنْفِرَادِ مُرَادِكَ، وَ بِغَيْرِ

ثابت است پی و بنیاد آن و تمام است نگاهداشتن آن و پاسبانی آن به تنهایی مقمود تو و بدون

جِهَادٍ اَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ، فَاَقَمْتَ لِمَنْ نَصَرْتَ مِنْ اَنْبِيَائِكَ عَلَى

جهاد کردن کسی از بندگان تو به پای داشتهای برای کسی که یاری کرده ای او را از پیغمبران خود بر

اَعْدَائِكَ مِنَ الْمَاءِ اللَّطِيفِ جَسَداً كَثِيفاً وَ عِرْقاً اَلِيماً، وَ مِنَ الْهَوَاءِ

دشمنان خود از آب پاکیزه بدن کثیفی را و عرق به اگره آورنده (یا آن که به درد آورنده) را و از هوای

دعاهای عافیت از انقه

الضَّعِيفَ رِيحاً عَقِيماً. اَللّٰهُمَّ فَاجِرْنَا عَلٰى مَا عَوَّدْتَنَا مِنْ نَضْرِكَ

ضعیف و ناتوان باد تند هلاک کننده را خداوند! پس بپناه ده مارا به آنچه مکرر داده‌ای به ما از یاری کردن تو

وَ نَضْرِ الْاِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ، وَ دَفْعِ خَطَرِ الْبَاغِيْنَ وَ الْمُشْرِكِيْنَ،

و یاری نمودن دین اسلام را و مسلمانان را و منع نمودن ضرر خروج کنندگان و شرک ورزندگان را

وَ لَا تُشْمِتْ بِنَا الْاَعْدَاءَ، وَ تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ، وَ اَمْدُدْنَا

و خوشحال مگردان به ماردشمنان را و مگردان مارا با گروه ستمکاران و مدد کن مارا

بِمَا مَدَدْتَ بِهِ الْمُتَوَكِّلِيْنَ وَ الْمُسْتَغِيثِيْنَ مِنْ جُنُودِكَ الْغَالِبِيْنَ،

به آنچه مدد کرده‌ای به آن جماعت توکل کنندگان را و طلب فریادرس کنندگان را از سپاه‌های خود که غلبه کنندگانند به سبب

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

رحمت تو ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان.



دعای عبرات



سید بن طاووس رحمته الله گوید: این دعائی است که آن را دوست من و برادر من محمد بن قاضی آوی روایت نموده است (که خدای تعالی نیکبختی او را زیاد گرداند و خاتمه او را نیکو گرداند) و او حکایت عجیبی و سبب غریبی را ذکر نموده است و آن حکایت این است: آنگاه بر جناب آقای آوی حادثه‌ای و بلائی وارد شده بوده، این دعا را میان اوراقی چند یافته است که این دعا را در میان آنها نگذاشته بوده. چون این دعا را در کتابی نوشته است. نسخه اصل مفقود گشته است.

سید بن طاووس رحمته الله گوید: بعد از آن من این دعا را در نسخه کهنه‌ای دیدم که به آن آب رسیده بوده و در این دعا زیادتیه‌ها و نقصانها بود با آنچه محمد بن آوی روایت نموده بود و این نسخه را ابن وزیر و راق به من داد و گفت که من این را برای ولد احمد مقری أعرج به یک درهم و نیم خریدم و این دعا به «دعای عبرات» نامیده شده است و بعد از این دعا مذکور می‌نمایم به نحوی که در آن نسخه بود و این دعای عبرات به روایت محمد بن محمد قاضی آوی است.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ، وَ يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ، اَنْتَ

خداوند! من سؤال می‌کنم تو را ای رحیم کننده اشکهای چشم و ای برطرف کننده اندوهها تسوئی

الَّذِیْ تَقْشَعُ سَحَابَ الْمَحْنِ وَ قَدْ اَمْسَتْ ثِقَالاً، وَ تَجْلُوْ ضَبَابَ

آن که برانکنده می‌کنی ابرهای محنتها را و گردیده‌اتد آنها گران و می‌شکافی ابرهای

دعاهای عافیت از انقه

الْأَحْنِ وَ قَدْ سَحَبَتْ أَذْيَالاً، وَ تَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشِيمًا وَ عِظَامَهَا

سُيَاهٍ كَيْنَهُ هَارًا، وَ يَوْشَاتِيدهاست دامنه های آسمان را و می گردانی زراعت آن را گیاه خشک شده و استخوانهای آن را

رَمِيمًا، وَ تَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِبًا وَ الْمَطْلُوبَ طَالِبًا وَ الْمَقْهُورَ قَاهِرًا

پسوسیده، و بر می گردانی مغلوب را غلبه کننده، و مطلوب را طلب کننده و مورد خشم را خشم کننده.

وَ الْمَقْدُورَ قَادِرًا. إِلَهِي فَكَمْ مِنْ عَبْدٍ نَادَاكَ ابْنِي مَغْلُوبٌ فَاَنْتَصِرُ،

و عاجز را قدر تمند. ای خدای من پس بسا از بندمای که خوانده است تو را به آن که من غلبه کرده شدم پس انتقام کش

فَفَتَحْتَ لَهُ مِنْ نَصْرِكَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ، وَ فَجَّرْتَ لَهُ مِنْ

پس گشودهای برای او از یاریت درهای آسمان را به آبی به غایت ریزان، و گشودی برای او از

عَوْنِكَ عُيُونًا فَالْتَقَى مَاءُ فُرْجِهِ عَلَى أَمْرِ قَدْ قَدِرَ، وَ حَمَلَتْهُ مِنْ

یاریت چشمه هارا، پس رسید آب نجات و خلاصی او بر نهی که مقدر شده بود، و سوار کردی او را از

كِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَ دُسْرٍ، يَا رَبِّ ابْنِي مَغْلُوبٌ فَاَنْتَصِرُ، يَا

جهت محافظت او را بر کشتی صاحب تخته ها و میخ ها، ای پروردگار من مغلوب شده ام پس یاری کن مرا، ای

رَبِّ ابْنِي مَغْلُوبٌ فَاَنْتَصِرُ، يَا رَبِّ ابْنِي مَغْلُوبٌ فَاَنْتَصِرُ، يَا رَبِّ

پروردگار من به درستی که مغلوب گشته ام پس یاری کن مرا، ای پروردگار من مغلوب شدم

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْتَحْ لِي مِنْ نَصْرِكَ أَبْوَابَ

پس بکش انتقام مرا ای پروردگار من پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگشای برای من از یاری خود درهای

السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ، وَ فَجَّرْ لِي مِنْ عَوْنِكَ عُيُونًا لِيَلْتَقَى مَاءُ

آسمان را به آبی بسیار ریزان و روان کن برای من از مدد خود چشمه هارا تا آن که برسد آب

فُرْجِي عَلَى أَمْرِ قَدْ قَدِرَ، وَ احْمِلْنِي يَا رَبِّ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ

خلاصی من بر نهی که تقدیر کرده شد است و سوار کن مرا ای پروردگار من از نگاهداشتن تو مرا بر

الْوَاحِ وَ دُسْرٍ، يَا مَنْ إِذَا وَلَجَ الْعَبْدُ فِي لَيْلٍ مِنْ حَيْرَتِهِ، بِهِمْ، وَ لَمْ

کشتی نجات صاحب تخته ها و میخ ها ای کسی که هرگاه داخل شود بنده تو در شبی که از حیرانی خود متحیر و سرگردان باشد و نباید

يَجِدُ لَهُ صَرِيخًا يَصْرُخُهُ مِنْ وَلِيِّ حَمِيمٍ، وَ جَدَّ يَا رَبِّ مِنْ

برای خود فریادری را که برسد به فریاد او از دوستی نزدیک می یابد آن بنده ای پروردگار من از

مَعُونَتِكَ صَرِيخًا مُغِيثًا، وَ وَلِيًّا يَطْلُبُهُ حَثِيثًا يُنْجِيهِ مِنْ ضَبِيقِ

اعانتت تو فریادری را و غور رسی را و دوستی را که طلب نماید آن بنده را شتابان و نجات دهد او را از تنگی

أَمْرِهِ وَ حَرَجِهِ، وَ يُظْهِرُ لَهُ الْمُهِمَّ مِنْ أَعْلَامِ فُرْجِهِ. اَللَّهُمَّ فَيَا مَنْ

امر او و از دلگیری او و ظاهر سازد برای او مراد او را مراد او را از نشانه های نجات او. خداوند! پس ای کسی که قدرت

قُدْرَتُهُ قَاهِرَةٌ، وَ آيَاتُهُ بَاهِرَةٌ، وَ نَقَمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ جَبَّارٍ، ذَامِغَةٌ

و توانائی او قهر کننده است (و علامتهای او ظاهر است) و عقوبتهای او شکننده است پشت هر صاحب جبروتی را و هلاک کننده است

دعاهای عافیت از انقه

لِكُلِّ كُفُورٍ خِتَارٌ، صَلِّ يَا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْظِرْ إِلَيَّ يَا

هر کافر معیلى را رحمت فرست ای پروردگار من بر محمد و بر آل محمد و نظر کن به سوى من ای

رَبِّ نَظْرَةً مِنْ نَظَرَاتِكَ رَحِيمَةً تَجْلُو بِهَا عَنِّي ظُلْمَةٌ وَاقِفَةٌ مُقِيمَةٌ

پروردگار من نظری از نظرهاى رحمت را که برطرف کنی به آن نظر از من تاریکی ثابت باینده را که آن عبارت است

مِنْ غَاهَةٍ جَفَّتْ مِنْهَا الضَّرْوَعُ، وَ تَلِفَتْ مِنْهُ الزُّرُوعُ، وَ اشْتَمَلَ بِهَا

از آفتی که خشک شده است از جهت آن بوتههای حیوانات و تلف شده است از آن جهت زراعتها و شامل گشته است

عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ، وَ جَرَتْ بِسَبَبِهَا الْأَنْفَاسُ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى

به سبب آن آفت بر دلها ناامیدی و روان شده است به سبب آن خونها. خداوند! رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، حِفْظًا حِفْظًا لِغَرَائِيسَ غَرَسَتْهَا يَدُ الرَّحْمَنِ، وَ

محمد و بر آل محمد و طلب می کنم از تو نگهداشتنی و حفظ را برای درختانی که کاشته است آنها را دست قدرت خدا و

شَرِبَهَا مِنْ مَاءِ الْحَيَوَانِ، أَنْ تَكُونَ بِيَدِ الشَّيْطَانِ تُجَزُّ، وَ بِفَأْسِهِ

آب داده است آنها از آب حیات از آن که باشند آنها آن که به دست شیطان قطع شوند و به تیر او

تُقَطَّعُ وَ تُحَزُّ. إِلَهِي مَنْ أَوْلَى مِنْكَ أَنْ يَكُونَ عَنْ حَرِيمِكَ دَافِعًا، وَ

بریده و از بیخ شکسته شوند ای خدای من کیست بهتر از تو اینکه باشد از حرام تو منع کننده و

مَنْ أَجْدَرُ مِنْكَ أَنْ يَكُونَ عَنْ حِمَاكَ حَارِسًا وَ مَانِعًا. إِلَهِي إِنَّ الْأَمْرَ

کیست سزاوارتر از تو به ای که باشد از قورق تو پاسبان و منع کننده ای خدای من به درستی که امر من

قَدْ هَالَ فَهَوْنُهُ، وَ خَشِنَ فَأَلِنُهُ، فَإِنَّ الْقُلُوبَ كَاعَتْ فَطَمَنُهَا، وَ

به هول انداخته مرا، پس آسان کن آنرا و سخت است آن پس نرم گردان آن را. به درستی که دلها ترسیده اند پس تسلی ده آنها را

النَّفُوسَ ارْتَاعَتْ فَسَكَّنَهَا. إِلَهِي تَدَارَكَ أَقْدَامًا زَلَّتْ، وَ أَفْهَامًا فِي

و نفسها خوف و اضطراب نموده اند پس ساکن گردان آنها را ای خدای من تلاقی کن قدمهایی را که لغزیده اند و عقلهایی را که در

مَهَامِهِ الْحَيْرَةِ ضَلَّتْ، أَجْحَفَ الضَّرُّ بِالْمَضْرُورِ، وَ لَبَّى فِي دَاعِيَةِ

بیابانهای حیرت گمراه شدند زیان رسانیده است ضرر و بلا به شخص ضرر رسیده شده و اجابت کرده است

الْوَيْلِ وَ الثُّبُورِ، فَهَلْ يَحْسُنُ مِنْ فَضْلِكَ أَنْ تَجْعَلَهُ فَرِيَسَةً

خواتنده او را به عذاب و هلاکت پس آیا نیکوست از زیادتی احسان تو آن که بگردانی آن مضرور را طعمه ای از برای

الْبَلَاءِ وَ هُوَ لَكَ رَاجٍ، أَمْ هَلْ يَجْمُلُ مِنْ عَذْلِكَ أَنْ يَخُوضَ لُجَّةَ

بلا و حال آن که او از تو امیدوار است یا آن که آیا نیکوست از عدالت تو آن که فرو رود او به دریای بزرگی

النَّقِمَاتِ وَ هُوَ إِلَيْكَ لَاجٍ. مَوْلَايَ لَئِنْ كُنْتُ لَا أَشُقُّ عَلَى نَفْسِي فِي

عقوبتها و حال آن که او به سویت پناه آورنده است ای مولای من هر آینه اگر چه هستم که تعب قرار نمی دهم بر نفس خود در

التَّقَى، وَ لَا أَبْلُغُ فِي حَمْلِ أَغْبَاءِ الطَّاعَةِ مَبْلَغَ الرِّضَا، وَ لَا أَنْتَظِمُ

برهیزکاری و نمی رسم در بار کردن بارهای فرمانبرداری را به مرتبه خوشنودیت و نیستم داخل

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

فِي سَبِيلِكَ قَوْمٌ رَفَضُوا الدُّنْيَا، فَهُمْ خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الطَّوَى،

در میان جماعتی که ترک کردند دنیا را پس ایشان خشکیده شکم‌هایند از گرسنگی

عُمُشُّ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكَاءِ، بَلْ أَتَيْتُكَ يَا رَبِّ بِضَعْفٍ مِنَ الْعَمَلِ، وَ

و ضعیف چشم‌اند از جهت گریه کردن بسیار بلکه هستم که آمدم تو را ای پروردگار من در حالی که متلسم به سستی از کردار و

ظَهَرَ ثَقِيلٌ بِالْخَطَايَا وَالزَّلَلِ، وَ نَفْسٌ لِلرَّاحَةِ مُعْتَادَةٍ، وَ لِذَوَاعِي

به پشت گرانی به سبب گناهان و لغزشها و به نفسی که مر را راحت عادت کرده شده است و مر خواننده‌های

التَّسْوِيفِ مُنْقَادَةً، أَمَا يَكْفِيكَ يَا رَبِّ وَ سَبِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ ذَرِيعَةً لَدَيْكَ

پس افکندن عبادت را اطاعت کننده است پس آیا نیست کافی تو را ای پروردگار من از جهت وسیله بودن به سویت و دست آویز در نزد

أَبْنَى لِأَوْلِيَايِكَ مُوَالٍ، وَ فِي مَحَبَّتِهِمْ مُغَالٍ، أَمَا يَكْفِينِي أَنْ أُرُوِّحَ

آن که من برای دوستان دوستدارم و در دوستی ایشان از حد تجاوز کننده ام آیا نیست کافی آن که روز را شب می‌کنم در میان ایشان

فِيهِمْ مَظْلُومًا، وَ أَغْدُو مَكْظُومًا، وَ أَقْضَى بَعْدَ هُمُومٍ هُمُومًا، وَ بَعْدَ

در حالی که ستم رسیده ام و شب را به صبح می‌آورم در حالی که خشم فرو برده ام و می‌گذرانم بعد از اندوهها اندوههای دیگر را

وُجُومٍ وَ جُومًا، أَمَا عِنْدَكَ يَا رَبِّ بِهَذِهِ حُرْمَةٌ لَا تَضْبِغُ، وَ ذِمَّةٌ

و بعد از دلگیری دلگیری دیگر را آیا نیست نزد تو ای پروردگار من به سبب اینها احترامی که ضایع و بی‌اجر نیابد

بِأَذْنَاهَا يُقْتَنَعُ، فَلِمَ تَمْنَحُنِي نَصْرَكَ يَا رَبِّ، وَ هَا أَنَا ذَا غَرِيقٍ وَ

و حق که به یست‌تر از آن قناعت کرده می‌شود پس چرا منع می‌کنی از من یاری خود را ای پروردگار من و حال آن که اینک من غرق شده ام و

تَدْعُنِي بِنَارِ عَدُوِّكَ حَرِيقًا، أَتَجْعَلُ أَوْلِيَايَاكَ لِأَعْدَائِكَ طَرَائِدَ، وَ

و می‌گذاری مرا در آتش دشمن تو در حالی که سوخته شده ام آیا می‌گردانی دوستان را برای دشمنان خود دور گردانیده شدگان و

لِمَكْرِهِمْ مَصَائِدَ، وَ تُقْلِدُهُمْ مِنْ خَسْفِهِمْ قَلَائِدَ، وَ أَنْتَ مُالِكٌ

از برای حیل ایشان صید گردیده، و آیا می‌اندازی بر گردنشان طوق‌ها را، و حال آن که تویی صاحب

نَفُوسِهِمْ لَوْ قَبَضْتَهَا جَمْدُوا، وَ فِي قَبْضَتِكَ مَوَادُّ أَنْفَاسِهِمْ لَوْ

نفسهای ایشان اگر می‌ستانی آنها را می‌گردند جماد بی‌شعور و در دست قدرت تو است اصلهای نفسهای ایشان اگر

قَطَعْتَهَا خَمْدُوا، وَ مَا يَمْنَعُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَكْفَ بِأَسْهَمٍ، وَ تَنْزِعَ عَنْهُمْ

قطع کنی آنها را هلاک می‌شوند ایشان و چه چیز منع می‌کند تو را ای پروردگار من از آن که باز داری و منع کنی بدی ایشان را

مِنْ حِفْظِكَ لِإِبَاسِهِمْ، وَ تُعَرِّيَهُمْ مِنْ سَلَامَةٍ بِهَا فِي أَرْضِكَ

از من و بیرون می‌آوری از ایشان از حفظ خود جامه ایشان را و از آن که برهنه کنی ایشان را از سلامتی که به سبب آن در زمین تو

يَفْرَحُونَ، وَ فِي مَيْدَانِ الْبَغْيِ عَلَى عِبَادِكَ يَمْرَحُونَ. اَللَّهُمَّ صَلِّ

خوشحالی می‌کنند و در میدان ستم کردن بر بندگان تو نشاط و جولان می‌کنند. خداوند! رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَدْرِ كُنِّي وَ لَمَّا يُدْرِكُنِي الْغَرَقُ، وَ

بر محمد و بر آل محمد و دریاب مرا و هنوز در نیافتن باشد مرا غرق شدن و

دعاهای عافیت از انمه

تَدَارَكْنِي وَ لَمَّا غَيَّبَ شَفِيسِي الشَّفَقُ. إِلَهِي كَمْ مِنْ خَائِفٍ إِنْتَجَا

تلافی کن مرا و هنوز پنهان نکرده باشد آفتاب عمر مرا شفق مرگ ای خدای من بسا از ترسندم‌ای که پناه برده باشد

إِلَى سُلْطَانٍ، قَابَ عَنْهُ مَخْضُوفاً بِأَمْنٍ وَ أَمَانٍ، أَفَأَقْصَدُ يَا رَبِّ

بسوی پادشاهی پس برگشته‌است از نزد او در حالی که فرو گرفته شده‌است به امنیت و امان از ترس آیا پس اراده می‌توانم نمود ای پروردگار من

أَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَاناً، أَمْ أَوْسَعَ مِنْ إِحْسَانِكَ إِحْسَاناً، أَمْ

بزرگتر از پادشاهیت پادشاهی یا فراخ‌تر از نیکی‌ت نیکی‌ت را یا

أَكْثَرَ مِنْ اقْتِدَارِكَ اقْتِدَاراً، أَمْ أَكْرَمَ مِنْ انْتِصَارِكَ انْتِصَاراً. اَللّهُمَّ

بیشتر از توانایت توانائی را یا بخشنده‌تر از انتقام کشیدن تو انتقام کشیدنی را. خداوند!

أَيْنَ أَيْنَ كِفَايَتُكَ الَّتِي هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَغِيثِينَ مِنَ الْأَنَامِ، وَ أَيْنَ

کجاست کجاست کارگذاری که آن یاری کردن فریادرس طلبان است از خلائق و کجاست

أَيْنَ عِنَايَتُكَ الَّتِي هِيَ جُنَّةُ الْمُسْتَغِيثِينَ لِجَوْرِ الْأَيَّامِ، إِلَيَّ إِلَيَّ

کجاست توجه و شفقت تو که آن سپر نشانه گردیده‌شدگان است برای ظلم روزگار. توجه کنای

بِهَا يَا رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، إِنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَ أَنْتَ

به سوی من توجه کنای به سوی من به سبب آن از پروردگار من خلاص کن مرا از گروه ستمکاران به درستی که رسیده‌است به من آزار و تعب تو

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. مَوْلَايَ تَرَى تَحْيِرِي فِي أَمْرِي، وَ تَقْلِبِي فِي

رحم کننده‌ترین رحم کنندگانی ای مولای من می‌بینی حیرت مراد کار من و تغیر و برگردیدن حال مراد

ضُرِّي، وَ انْطَوَايَ عَلَى حُرْقَةِ قَلْبِي، وَ حَرَارَةِ صَدْرِي، يَا فَصْلَ يَا

آزار و تعب من و مشتعل بودم مرا بر سوختگی دل من و بر گرمی سینه من پس رحمت فرست ای

رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَ جُدْ لِي يَا رَبِّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرجاً وَ مَخْرَجاً، وَ

پروردگار من بر محمد و بر آل محمد و ببخش به من ای پروردگار من به حق آنچه تو سزاوار آنی گشادگی و بیرون آمدن از بلایا و

يَسِّرْ لِي يَا رَبِّ نَحْوِي الْبُشْرَى مِنْهَا، وَ اجْعَلْ يَا رَبِّ مَنْ نَصَبَ

آسان گردان برای من ای پروردگار من به جانب خیر و خوی راهی را و بگردان ای پروردگار من کسی را که نصب کرده باشد

حِبَالاً لِي، لِيَضْرَعَنِي بِهَا صَرِيحَ مَا مَكَّرَهُ مَنْ حَفَرَ لِي الْبُيْرَ

دامی را برای من تا آن که بیندازد مراد آن دام افتاده در آنچه مکر کرده‌است آنرا و کسی که کنده باشد برای من چاهی را

لِيُوقِعَنِي فِيهَا وَاقِعاً فِيمَا حَفَرَهُ، وَ اصْرِفِ اللَّهُمَّ عَنِّي مِنْ شَرِّهِ

تا آن که بیندازد مراد آن چاه بگردان تو او را واقع و افتاده در آنچه کنده‌است آنرا و برگردان خداوند از من از بدی آن شخص

وَ مَكْرِهِ وَ فُسَادِهِ وَ ضُرِّهِ، مَا تَصْرِفُهُ عَمَّنْ قَادَ نَفْسَهُ لِذَيْنِ الدِّيَانِ،

و از حیل او و از فساد او و از آزار او آنچه برمی گردانی آنرا از کسی که کشیده‌است نفس خود را برای اطاعت کردن جزا دهند

وَ مُنَادٍ يُنَادِي لِإِيْمَانٍ. إِلَهِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ، وَ

و ندا کننده که می‌خواند مردمان را به ایمان ای خدای من این است بنده تو این است بنده تو برآور مطلب او را و این است بنده

دعاهای عافیت از ائمه

ضَعِيفُكَ ضَعِيفُكَ فَرَجُ غَمِّهِ، فَقَدْ انْقَطَعَ بِهِ كُلُّ حَبْلٍ إِلَّا حَبْلُكَ، وَ

ضعیف تو و این است بنده ضعیف تو بر طرف کن غم او را که بریده شده است از او هر وسیله ای مگر وسیله تو

تَقْلَصْ عَنْهُ كُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلَّكَ.

کو تا نه شده است از او هر سایه ای مگر سایه مرحمت تو.

إِلَهِي إِنَّ وَجْهًا إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ، وَ الرَّاعِبُ خَلِيقٌ بِأَنْ تُجِيبَهُ، وَ

ای خدای من به درستی که رونی که به سویت به رغبت خود آورده است و رغبته دلرنده سزاوار است به آن که اجابت کنی او را و

إِنَّ جَبِينًا لَكَ بِابْتِهَالِهِ سَجَدَ، حَقِيقٌ أَنْ يَبْلُغَ مَا قَصَدَ، وَإِنَّ خَدًّا

به درستی پیشانی ای که از برای به زاری خود سجد کرده باشد لایق است آن که برسد او به آنچه اراده نموده است و آن که گونه ای که

إِلَيْكَ بِمَسْأَلَتِهِ تَعَفَّرَ جَدِيرٌ بِأَنْ يَفُوزَ بِمُرَادِهِ وَ يَظْفَرَ، وَ هَا أَنَا ذَا

به سویت به سؤال خود به خاک مالیده باشد سزاوار است به آن که برسد به مقصود خود و رستگار شود و اینک من حاضرم

يَا إِلَهِي قَدْ تَرَى تَعْفِيرَ خَدِّي وَ ابْتِهَالِي وَ اجْتِهَادِي فِي مَسْئَلَتِكَ

ای خدای من که می بینی خاک مالیدن گونه مرا و زاری کردن مرا و سعی مرا در سؤال کردن از تو

وَ جِدِّي، فَتَلَقَّ يَا رَبِّ رَغَبَاتِي بِرَأْفَتِكَ قَبُولًا، وَ سَهْلَ إِلَيَّ طَلِبَاتِي

و مبالغه مرا پس برسان ای پروردگار من سؤالهای مرا به حق شفقت خود به درجه قبول و آسان گردان به سوی خواهشهای من به حق

بِعِزَّتِكَ وَ صُؤْلًا، وَ ذَلِّلْ لِي قُطُوفَ ثَمَرَةِ إِجَابَتِكَ تَذَلِيلًا. إِلَهِي لَا

عزت خود رسیدن را و میسر کن برای من چیدن میوه اجابت کردنت را میسر گردنی آسان ای خدای من نیست

رُكْنٌ أَشَدُّ مِنْكَ فَأَوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ، وَ قَدْ أَوَيْتُ إِلَيْكَ، وَ عَوَّلْتُ

جانب قوی سخت تر و قوی تر از تو تا آن که میل کنم به سوی جانب قوی بسیار محکم و میل کرده ام به سویت و اعتماد نموده ام

فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي عَلَيْكَ، وَ لَا قَوْلَ أَسَدٍ مِنْ دُعَائِكَ، فَأَسْتَظْهِرُ

در برآوردن حاجت های من بر تو و نیست گفتاری محکم تر و درست تر از خواندن تو تا آن که طلب اعانت نمایم

بِقَوْلٍ شَدِيدٍ، وَ قَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَ، فَاسْتَجِبْ لِي بِفَضْلِكَ كَمَا

به گفتار محکم و درست و خوانده ام تو را همچنان که فرمودهای پس اجابت کن برای من به احسان خود همچنان که

وَعَدْتَ، فَهَلْ بَقِيَ يَا رَبِّ إِلَّا أَنْ تُجِيبَ وَ تَرْحَمَ مِنِّي الْبُكَاءَ وَ

و عده نموده ای پس آیا باقی مانده است چیزی ای پروردگار من مگر آن که اجابت کنی برای من و رحم کنی از من گریه و

النَّجِيبَ. يَا مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاهُ، يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ، رَبِّ

ناله را ای کسی که نیست خدائی به غیر از او و ای کسی که اجابت می کند بیچاره ای را هرگاه بخواند او را ای پروردگار من

انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَ افْتَحْ لِي وَ أَنْتَ خَيْرُ

یار من ده مرا بر گروه ستمکاران و بگشای برای من در پست ترا و تو بهترین

الْفَاتِحِينَ، وَ الطُّفْ بِی يَا رَبِّ وَ بِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ،

گشایندگانی و مهربانی کن به من ای پروردگار من و به همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه

دعاهای عافیت از ائمه

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به رحمت خود ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان.

سید ما و مولای ما عالم عامل فقیه علامه فاضل صالح، زاهد ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس علوی فاطمی علیه السلام (که خدای تعالی او را در دنیا و آخرت نیکبخت گرداند و به او هر آن چیزی را عطا نماید که او را خوشحال سازد به حق محمد و آل او که پاکان و پاکیزگان هستند) می گوید: چون من این دعای عبرات را بعد از وفات برادر دینی خود قاضی رضی الدین آوی (که خدا او را بیامرزد و قبر او را پر نور گرداند) در جمله یک مجلد کتاب کهنه ای یافتیم که آن را برادر دینی من علی (مشهور به ابن وزیر و راق) حاضر نموده بود که در اول آن کتاب این دعای عبرات مکتوب بود و در آن زیادتیه ها و کمی ها و اختلاف بسیار بود با آنچه سابقاً به روایت قاضی رضی الدین ذکر نموده بودم. لهذا اراده نمودم که این دعا را به نحوی ذکر کنم که یافتیم.



دعای عبرات به روایتی دیگر



اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ یَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ، وَ یَا کَاشِفَ الْکُرْبَاتِ، اَنْتَ

خداوند! من سوال می کنم تو را ای رحیم کننده اشکهای چشم و ای برطرف کننده اندوه ها تونی

الَّذِی تَقْشَعُ سَحَابَ الْمَحَنِ، وَ قَدْ اُمْسَتْ ثِقَالاً وَ تَجْلُوْ ضَبَابَ

آن که برآکنده می کنی ابرهای محنتها و رنجها را و گردیده اند گران و می شکافی ابرهای سیاه

الْفِتَنِ، وَ قَدْ سَحَبَتْ اُذْیَالاً وَ تَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشَبِیْمًا وَ بُنْیَانَهَا

کینه ها را و پوشانیده اند دامن های آسمان را و می گردانی زراعت آن کینه ها را گیاه خشکیده و بناهای آنها را

هَدِیْمًا وَ عِظَامَهَا رَمِیْمًا، وَ تَرُدُّ الْمَغْلُوْبَ غَالِبًا وَ الْمَطْلُوْبَ طَالِبًا

خراب و استخوانهای آنها را پوسیده و بر می گردانی مغلوب را غلبه کننده و طلب کرده شد مرا طلب کننده

وَ الْمَقْهُوْرَ قَاهِرًا وَ الْمَقْدُوْرَ عَلَیْهِ قَادِرًا، فَکُمْ یَا اِلٰهَی مِنْ عَبْدٍ

و خشم کرده شده بر او را قهر کننده و قدرت داشته شده بر او را صاحب قدرت پس بسا ای خداوند من از بنده ای که

نَاذَاکَ رَبِّ اِنِّیْ مَغْلُوْبٌ فَاَنْتَصِرُ، فَفَتَحْتَ لَهُ مِنْ نَّصْرِكَ لَهُ اَبْوَابَ

خوانده است تو را ای پروردگار من به آن که من مغلوبم پس انتقام کن پس گشوده ای برای او از یاریت درهای

السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ، وَ فَجَّرْتَ لَهُ مِنْ عَوْنِكَ عُیُوْنًا فَالْتَقَى الْمَاءُ

آسمان را به آبی به غایت ریزان و روان ساخته ای برای او از مددکاری خود چشمه ها را پس رسیدن آن آب

عَلَى اَمْرِ قَدْ قَدِرَ، وَ حَمَلَتْهُ مِنْ کِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَ دُسْرِ، یَا

بر نهی که مقدر شده بود و سوار کردی او را از جهت محافظت کردن تو او را بر کشتی صاحب نخته ها و میخ های

دعاهای عافیت از ائمه

مَنْ إِذَا وَلَجَ الْعَبْدُ فِي لَيْلٍ مِنْ حَيْرَتِهِ يَهْيِهِمْ، وَلَمْ يَجِدْ لَهُ صَرِيحاً

کسی که هرگاه داخل شود بنده تو در شبی که از حیرانی خود منتحیر و سرگردان باشد و نیابد برای خود فریادسرا

يَصْرُخُهُ مِنْ وَلِيِّ حَمِيمٍ، وَجَدَ مِنْ مَعُونَتِكَ صَرِيحاً مُغِيثاً وَوَلِيّاً

که برسد به فریاد او از دوستی نزدیک می یابد آن بنده از اعانت تو فریادرسی را و غوررسی را و دوستی را

يَطْلُبُهُ حَثِيثاً، يُنْجِيهِ مِنْ ضَبَقِ أَمْرِهِ وَحَرَجِهِ، وَ يُظْهِرُ لَهُ أَعْلَامَ

که طلب نماید آن بنده را شتابان نجات می دهد او را از تنگی امر او و از دلگیری او و ظاهر می سازد برای او نشانه های

فَرَجِهِ. اَللّٰهُمَّ فَيَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَةٌ وَ نَقْمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ جَبَّارٍ،

نجات او را. خداوند! پس ای کسی که قدرت و توانایی او قهر کننده است و عقوبتهای او شکننده پشت است برای هر صاحب جبروتی

دَامِغَةً لِكُلِّ كُفُورٍ خَتَّارٍ، أَسْأَلُكَ نَظْرَةً مِنْ نَظَرَاتِكَ رَحِيمَةً تُجَلِّيَ

هلاک کننده است هر هر کافر محیل را. سؤال می کنم از تو نگاهی را از نگاهان تو که باشد رحم کننده و بر طرف شود

بِهَا ظُلْمَةٌ عَاكِفَةٌ مُقِيمَةٌ فِي عَاهَةٍ، جَفَّتْ مِنْهَا الضُّرُوعُ وَ تَلِفَتْ

به سبب آن نظر توجّه تاریکی ثابت پاینده در آفتی و بلانی که خشک شده است از جهت آن پستانهای حیوانات و ریزان شده است

مِنْهَا الزُّرُوعُ، وَ انْهَلَتْ مِنْ أَجْلِهَا الدُّمُوعُ، وَ اشْتَمَلَ لَهَا عَلَى

از جهت آن کشتزارها، و خشک و بی آب شده از جهت آن اشکهای چشمها، و شامل شده است از جهت آن بر دلها

الْقُلُوبِ الْيَاسُ، وَ جَرَتْ بِسَبَبِهَا الْأَنْفَاسُ. إِلَهِي فَحِفْظاً حِفْظاً

نامیدی و روان شده است به سبب آن خونها. خداوند! پس طلب می کنم محافظت را و نگاهداشتی را

لِغَرَائِيسَ غَرَسُهَا وَ شَرَبُهَا بِيَدِ الرَّحْمَنِ، وَ نَجَاتُهَا بِدُخُولِ

برای نهالهایی که کاشتن آنها و آب دادن آنها به دست قدرت خداست و خلاصی آنها به داخل شدن

الْجَنَانِ أَنْ تَكُونَ بِيَدِ الشَّيْطَانِ تَحَرُّ، وَ بِفَاسِهِ تَقْطَعُ وَ تُجَزُّ.

در بهشت است از آن که باشند آنها که به دست شیطان قطع شوند و به تیر او بریده و از بیخ شکسته شوند

إِلَهِي فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حَرِيمِكَ دَافِعاً، وَ مَنْ أَجْدَرُ

ای خدای من پس کیست بهتر از تو به آن که باشد از حرام تو منع کننده و کیست سزاوارتر از تو به اینکه باشد

مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حِمَاكَ مَانِعاً. إِلَهِي إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوْنُهُ وَ

از قوریت دور کننده. ای خداوند من به درستی که امر من به هول انداخته است مرا پس آسان گردان آنرا و

خَشْنُ فَالِنُهُ، وَ إِنَّ الْقُلُوبَ قَدْ كَاعَتْ فَطَمِنْنَهَا، وَ النَّفُوسَ ارْتَاعَتْ

درشت است آن پس نرم گردان آنرا به درستی که دلها ترسیده اند پس تسلی کن آنها را و نفسها خون و اضطراب نموده اند

فَسَكِّنْنَهَا. إِلَهِي إِلَهِي تَذَارِكُ أَقْدَاماً زَلَّتْ، وَ أَفْكَاراً فِي مَهَامِهِ

پس آرام ده آنها را ای خدای من ای خدای من تلافی کن قدمهایی را که لغزیده اند و عقلهایی را که در بیابانهای

الْحَيَرَةِ ضَلَّتْ، إِنَّ رَأْتَ جَبْرُكَ عَلَى كَسْبِيرِهَا، وَ إِطْلَاقَكَ لِأَسْبِيرِهَا

حیرت همراه شده اند اگر پس افتد و تاخیر شود درست کردن تو شکسته های آنها را و دیر شود رها کردن تو گرفتار شده آنها را

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

وَإِجَارَتُكَ لِمُسْتَجِيرِهَا، أَجْحَفَ الضَّرِّ بِالْمَضْرُورِ وَ لَبَّى دَاعِيَهُ

و پناه دادن تو پناه آورندگان آنها را، زیان می رساند ضرر و بلا به شخصی ضرر رسیده شده و اجابت می کند خواننده او را

بِالْوَيْلِ وَ الثُّبُورِ، فَهَلْ تَدْعُهُ يَا مَوْلَايَ فَرِيَسَةً لِلْبَلَاءِ، وَ هُوَ لَكَ

به عذاب و هلاکت پس آیا او می گذاری آن مضرور را ای مولای من آن که بگردد شکار و طعمه ای از برای بلا و حال آن که او از تو

رَاجٍ، أَمْ هَلْ يَخُوضُ الْجَّةَ الْعَمَاءِ وَ هُوَ إِلَيْكَ لَاجٍ. مَوْلَايَ لَئِنْ كُنْتُ

امیدوار هستم یا آن که فرو می رود در دریای آتدوها و حال آن که او به سویت پناه آورنده است ای مولای من هر آینه اگر چه هستم

لَا أَشَقُّ عَلَى نَفْسِي فِي التَّقَى وَ لَا أَبْلُغُ فِي حَمَلِ أَعْبَاءِ الطَّاعَةِ

من که تعب قرار نمی دهم بر نفس خود در پرهیزگاری و نمی رسم من در بار کردن بارهای فرمانبرداری بر نفس خود

مَبْلَغَ الرِّضَا وَ لَا أَنْتَظِمُ فِي سَبَلِكِ قَوْمَ رَفَضُوا الدُّنْيَا، فَهُمْ خَمُصُ

به مرتبه خوشنودیت و نیستم داخل در میان گروهی که ترک کردند دنیا را پس ایشان خشکیده شکمها باند

الْبُطُونِ مِنَ الطَّوَى، ذُبُلُ الشِّفَاهِ مِنَ الظَّمَاءِ عُمَشُ الْعُيُونِ مِنَ

از گرسنگی خشکیده لبها اند از تشنگی ضعیف چشمانند از جهت گریه بسیار

الْبُكَاءِ، بَلْ أَتَيْتَكَ بِضَعْفٍ مِنَ الْعَمَلِ، وَ ظَهَرَ ثَقِيلٍ بِالْخَطَايَا وَ

بلکه هستم که آمدم تو را در حالی که متلبسم به سستی از کردار و به پستی گران به سبب گناهان و

الزَّلَلِ، وَ نَفْسٍ لِلرَّاحَةِ مُعْتَادَةٍ وَ لِذَوَاعِي الشَّرِّ مُنْقَادَةٍ، أَفَمَا

از گزاشها و به نفسی که مر راحت را عادت کرده شده است و مر خواننده های بدی را اطاعت کننده است آیا پس

يَكْفِينِي يَا رَبِّ وَ سَبِيلَةَ إِلَيْكَ وَ ذَرِيعَةً لَدَيْكَ، أَنْبَى لِأَوْلِيَاءِ

کافی نیست برای من ای پروردگار من از جهت وسیله بودن به سویت و از برای دست آویز در نزد تو آن که من مر دوستانان

بَيْنِكَ مُوَالٍ وَ فِي مَحَبَّتِهِمْ مُغَالٍ وَ لِحَلْبَابِ الْبَلَاءِ فِيهِمْ لَابِسٌ، وَ

دین تو را دوستدارم و در دوستی ایشان از حد تجاوز کننده ام و مر حاکم بلا واقع در میان ایشان را پوشیده ام و مر

لِكِتَابٍ يُحْمَلُ الْعَنَاءُ بِهِمْ ذَارِسٌ، أَمَا يَكْفِينِي أَنْ أُرْوَحَ فِيهِمْ

کتاب بار برداشتن رنج و تعب ایشان را درس خوانم آیا کافی نیست مرا آن که روز را به شب می کنم در میان ایشان در حالی که

مَظْلُومًا وَ أَغْدُو مَظْطُومًا وَ أَقْضِي بَعْدَ هُمُومٍ هُمُومًا وَ بَعْدَ

ستم رسیده ام و شیرا به صباح می آورم در حالی که خشمم فرو خورده ام و می گذرانم بعد از

وَجُومٍ وَ جُومًا، أَمَا عِنْدَكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذِهِ حُرْمَةٌ لَا تَضِيعُ، وَ ذِمَّةٌ

و ده ها آندو دانی دیگر را و بعد از دیگری دلگیری دیگر را آیا نیست در نزد تو ای مولای من به سبب آنها که مذکور شد احترامی که

بِأَدْنَاهَا يُقْتَنَعُ، فَلِمَ تَمْنَعُنِي يَا رَبِّ وَ هَا أَنَا ذَا غَرِيقٍ، وَ تَدْعُنِي

ناچیز نگردد و قناعت کرده شود، پس چرا منع نمی کنی از من ای پروردگار من شر ایشان را و اینکه من غرق شده ام و او می گذاری مرا

هَكَذَا وَ أَنَا بِنَارِ عَدُوِّي حَرِيقٌ. مَوْلَايَ أَتَجْعَلُ أَوْلِيَاءَكَ لِأَعْدَائِكَ

همچنین و حال آن که من به آتش دشمن خود سوخته ام ای مولای من آیا می گردانی دوستان را از برای دشمنان خود

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

طَرَّائِدٌ وَ لِمَكْرِهِمْ مَصَائِدٌ، وَ تُقْلَدُهُمْ مِنْ خَسْفِهِمْ قَلَائِدٌ، وَ أَنْتَ

دور انداخته شده و برای مکرشان صیدگردیده و آيا قلاده می‌کنی به طوقها و قلاده‌ها، و حال آن که توئی

مَالِكٌ نَفُوسِهِمْ لَوْ قَبَضْتَهَا جَمْدُوا، وَ فِي قَبْضَتِكَ مَوَادُّ أَنْفَاسِهِمْ

صاحب نفسهای ایشان اگر بستانی آنها را می‌گردند جماد بی‌شعور و در قبضه اختیار توست اصلهای نفسهای ایشان

لَوْ قَطَعْتَهَا خَمْدُوا، فَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَكْشِفَ بَأْسَهُمْ، وَ تَنْزِعَ

اگر قطع کنی آنها را هلاک می‌شوند ایشان پس چه چیز باز می‌درد تو را ای پروردگار من از آن که برطرف کنی

عَنْهُمْ فِي حِفْظِكَ لِبَاسَهُمْ، وَ تُعَرِّيَهُمْ مِنْ سَلَامَةٍ بِهَا فِي أَرْضِكَ

بدی ایشان را از من و بیرون کنی از ایشان در محافظت خود جامعه ایشان را و برهنه کنی ایشان را از سلامتی که به سبب آن در زمین تو

يَسْرَحُونَ، وَ فِي مَيْدَانِ الْبَغْيِ عَلَى عِبَادِكَ يَمْرَحُونَ. إِلَهِي

چرا می‌کنند و در میدان ستمکاری بر بندگان تو نشاط و جولان می‌کنند ای خدای من

أَذْرِكْنِي وَ لَمَّا يُذْرِكْنِي الْغَرَقُ، وَ تَذَارِكْنِي وَ لَمَّا غَيَّبَ شَمْسِي

دریاب مرا و هنوز نرسیده باشد به من غرق شدن و تلافی کن مرا تلافی کن مرا و هنوز پنهان نکرده باشد آفتاب

الشَّفَقُ. إِلَهِي كَمْ مِنْ خَائِفٍ إِلْتَجَأَ إِلَى سُلْطَانٍ فَأَبَ عَنْهُ

عمر مرا تاریکی اول شب مرا ای خدای من بسا از ترسندگی که پناه برده باشد به سوی پادشاهی پس برگشته باشد از نزد او در حالی که

مَحْفُوظًا بِأَمْنٍ وَ أَمَانٍ، أَفَأَقْصَدُ أَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَانًا، أَمْ

نگاهداشته شده‌است به امنیت و امان از ترس آیا پس اراده می‌توانم نمود من بزرگتر از پادشاهیت پادشاهی را یا

أَوْسَعَ مِنْ إِحْسَانِكَ إِحْسَانًا، أَمْ أَكْثَرَ مِنْ اقْتِدَارِكَ اقْتِدَارًا، أَمْ

فراخ تر از نیکویتی نیکوئی را یا بیشتر از توانانیت توانائی را یا

أَكْرَمَ مِنْ انْتِصَارِكَ انْتِصَارًا، مَا عُذْرِي يَا إِلَهِي إِذَا حُرِمْتُ فِي

بخشنده تر از انتقام کشیدن تو انتقام کشیدنی را چه چیز خواهد بود عذر من ای خدای من هرگاه محروم شوم در

حُسْنِ الْكَفَايَةِ نَائِلَكَ، وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُخَيَّبُ أَمْلَكَ، وَ لَا يُرَدُّ سَائِلُكَ.

نیکوئی نگاهداشتی تو عطیه خود را و حال آن که توئی آن کسی که نالامید نمی‌شود امیدوار از تو و بر گردیده نمی‌شود مسئلت سؤال

إِلَهِي إِلَهِي، أَيْنَ رَحْمَتُكَ الَّتِي هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنْ

ای خدای من ای خدای من کجاست رحمت تو آن رحمتی که آن یاری کننده ضعیفان است از

الْأَنَامِ، وَ أَيْنَ أَيْنَ، كِفَايَتُكَ الَّتِي هِيَ جُنَّةُ الْمُسْتَهْدِفِينَ لِجَوْرِ

خلایق و کجاست نگاهداشتن تو که آن پر نیست برای نشانه گردیده شدگان از برای ستم

الْأَيَّامِ، إِلَيَّ إِلَيَّ، بِهَا يَا رَبِّ نَجِّبِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، إِنِّي مَسْنِي

روزگار بفرست به سوی من به سوی من آن نگاهداشتی را ای پروردگار من نجات ده مرا از گروه ستمکاران به درستی که به من رسیده‌است

الضَّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. مَوْلَايَ تَرَى تَحْيِرِي فِي أَمْرِي، وَ

آزار و بلا و تویی رحم کننده ترین رحم کنندگان ای مولای من می‌بینی حیرت مرا در کار من و

دعاهای عافیت از ائمه

انطوای علی حُرْقَةٍ قَلْبِي وَ حَرَارَةِ صَدْرِي، فَجُدْ لِي يَا رَبِّ بِمَا

منشعل بودن مرا بر سوختگی دل من و گرمی سینه من پس بخش به من ای پروردگار من به حق آنچه

أَنْتَ أَهْلُهُ فَرَجاً وَ مَخْرَجاً، وَ يَسِّرْ لِي نَحْوَ الْيُسْرِ مِنْهَا، وَ اجْعَلْ

تو سزاوار آئی و گشادگی و بیرون آمدن از بلاها را و آسان گردان برای من به جانب میسر شدن کارها را همی را و بگردان کسی را که

مَنْ يَنْصِبُ الْحَبَالَ لِي لِيَضْرَعَ عَنِّي بِهَا صَرِيحاً فِيمَا مَكَّرَ، وَ مَنْ

نصب کند دامی را برای من از جهت آن که بیندازد مرا در آن دام افتاده در آنچه حيله کرده است و شخصی را که می کند برای من

يَخْفِرُ لِي الْبِئْرَ لِيُوقِعَنِي فِيهَا وَاقِعاً فِيمَا حَفَرَ، وَ اضْرِفْ عَنِّي

چاهی را از جهت آن که واقع سازد مرا در آن چاه بگردان او را واقع در آنچه کننده آنرا و برگردان از من

شَرَّهُ وَ مَكْرَهُ وَ فُسَادَهُ وَ ضَرَّهُ مَا تَصْرِفُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ.

شر او را و مکر او را و فتنه او را و ضرر او را آنچه را که برمی گردانی آنرا از گروه پرهیزکاران

إِلَهِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ، وَ ضَعِيفُكَ ضَعِيفُكَ فَرَجْ غَمَّتَهُ،

ای خدای من این است بنده تو این است بنده تو برآور حاجت او را و این است بنده ضعیف تو بنده ضعیف تو برطرف کن اندوه او را

فَقَدْ انْقَطَعَ بِهِ كُلُّ حَبْلٍ إِلَّا حَبْلَكَ، وَ تَقَلَّصَ عَنْهُ كُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلُّكَ.

بریده شده است از او هر وسیله ای مگر وسیله تو و کوتاه شده است از او هر سایه ای مگر سایه رحمت تو

مَوْلَايَ دَعْوَتِي هَذِهِ إِنْ رَدَدْتَهَا أَتَيْنَ تُضَافُ مَوْضِعَ الْأَجَابَةِ، وَ

ای مولای من دعای من این دعا اگر رد کنی آنرا کجا می رسد به محل برآمدن آن حاجت و

مَخِيلَتِي هَذِهِ إِنْ كَذَّبْتَهَا أَتَيْنَ تُلَاقِي مَوْضِعَ الْأَضَابَةِ، فَلَا تُرَدُّ عَنْ

گمان و اعتقاد من بر این است اگر درست نگردانی آنرا کجا می رسد به محل درست بودن پس دور مگردان از

بَابِكَ مَنْ لَا يَعْرِفُ غَيْرَهُ بَاباً، وَ لَا تَمْنَعُ دُونَ جَنَابِكَ مَنْ لَا يَعْرِفُ

در رحمت خود کسی را که نمی شناسد به غیر از آن دری را و منع مکن از نزد پناه خود کسی را که نشناسد

سِوَاهُ جَنَاباً. إِلَهِي بِنِّ وَجْهاً إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ، فَالْزَاغِبُ خَلِيقُ

سوی آن پناهی را ای خدای من به درستی که رونی که به سویت به رغبت خود روی آورده باشد پس رغبت کننده سزاوار است

بِأَنْ تُخَيِّبَهُ، وَ إِنْ جَبِينَا لَدَيْكَ بِابْتِهَالِهِ سَجَدَ، حَقِيقٌ أَنْ يَبْلُغَ

به آن که ناامید نگردانی او را و به درستی پشانی که نزد تو به زاری و خواری سجده کرده باشد لایق است آنکه

الْمُبْتَهَلُ مَا قَصَدَ، وَ إِنْ خَدَا لَدَيْكَ بِمَسْأَلَتِهِ تَعَفَّرَ، جَدِيرٌ أَنْ يَفُوزَ

برسد آن زاری کننده که اراده نموده، به گونه ای که نزد تو به سؤال خود به خاک مالیده شده سزاوار است آن که برسد

السَّائِلُ بِمُرَادِهِ وَ يَظْفَرُ، وَ هَذَا إِلَهِي تَعْفِيرُ خَدَيَّ وَ ابْتِهَالِي فِي

آن سؤال کننده به مرادش و رستگار شود، و اینک ای خدای من به خاک مالیدن گونه من و زاری نمودن من است در

مَسْئَلَتِكَ وَ جِدِّي، فَلَقِ رَغْبَاتِي بِرَحْمَتِكَ قَبُولاً، وَ سَهْلٌ إِلَيَّ

سؤال کردن از تو و سعی من است پس برسان مطلوبات مرا به حق رحمت خود به قبول و آسان گردان به سوی

دعاهای عافیت از ائمه

طَلِبَاتِي بِرَأْفَتِكَ وَصَوْلًا، وَ ذَلَّلْ لِي قُطُوفَ ثَمَرَةِ إِجَابَتِكَ تَذَلِيلًا.

من حاجتهای مرا به شفقت و مهربانی خود از روی وصول و میسر گردان برای من چیدن میوه اجابت کردنترا میسر کردنی

إِلَهِي وَ إِذَا أَقَامَ ذُو حَاجَةٍ فِي حَاجَتِهِ شَفِيعًا فَوَجَدْتُهُ مُفْتَنِعَ

ای خدای من هرگاه به پای دارد صاحب حاجتی در روا شدن حاجتش شفاعت کننده‌ای را پس می‌یابم آنرا در حال منع

النَّجَاحِ مُطِيعًا، فَإِنِّي أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ بِكَرَامَتِكَ، وَ الصَّفْوَةِ مِنْ

و اطاعت شده، من شایسته می‌گردانم به سویت بخشنشهای تو را و برگزیدگان از

أَنَامِكَ الَّذِينَ لَهُمْ أَنْشَاءُ مَا يَقْلُ وَ يَظَلُّ، وَ بَرَأْتُ مَا يَدِّقُ وَ يَجِلُّ،

خلافت را که از برای ایشان آفریده‌ای آنچه را که گمراهی کند و سایه افکند و خلق کرده‌ای آنچه را که بسیار کوچک و بزرگ است

أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِأَوَّلِ مَنْ تَوَجَّهَتْ تَاجَ الْجَلَالَةِ، وَ أَخْلَقَتْهُ مِنَ الْفِطْرَةِ

نزدیک می‌جویم به سویت به وسیله اول کسی که تاج دادی به او تاج بزرگی را و فرود آورده‌ای او را از اول خلقت در

مَحَلِّ السُّلَالَةِ، حُجَّتِكَ فِي خَلْقِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَى عِبَادِكَ، مُحَمَّدٍ

محل نطفه خالص که آن دلیل توست در آفریدگان تو و معتمد توست بر بندگان تو که محمد

رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ لِنُورِهِ مُغْرِبًا، وَ عَنْ

فرستاده توست رحمتها را بر او و بر خاندانش و به کسی که گردانیده‌ای او را برای روشنی علم آن حضرت سفید و ظاهر کننده و از

مَكْنُونِ سِرِّهِ مُغْرِبًا، سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، وَ إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ، يَغْسُوبِ

پنهان راز او بیان کننده که ستوده و برگزیده وصی هاست و پیشوای پرهیزگاران است پادشاه و سید است

الدِّينِ، وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَ أَبِ الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ، عَلِيٍّ أَمِيرِ

در دین و خواننده جماعتی است که سفید است دستها و پاها و پسر امامان راه نایندگان است که علی امیر و پادشاه

الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِخَيْرَةِ الْأَخْيَارِ، وَ أُمِّ الْأَنْوَارِ، وَ الْأَنْسِيَّةِ

مؤمنان است و نزدیکی می‌جویم به سویت به وسیله بهترین خوبان و مادر نورها (یعنی ائمه علیهم السلام) و انسان صورت،

الْحَوْرَاءِ الْبَتُولِ الْعَذْرَاءِ، فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ بَقَرَّتِي عَيْنِ الرَّسُولِ،

حوری سیرت مقطوع از دنیا بریده شده‌از حیض که فاطمه زهراست و به دو نور چشم رسول

وَ ثَمَرَتِي فُؤَادِ الْبَتُولِ، أَلَسَيِّدَيْنِ الْأَمَامَيْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَ

و به دو میوه دل بتول سیدان پیشوایان حضرت ابی محمد امام حسن و حضرت

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، وَ بِالسَّجَّادِ زَيْنِ الْعَبَّادِ ذِي الثَّقَنَاتِ، زَاهِبِ

ابی عبدالله امام حسین و به بسیار سجده کننده زینت عبادت کنندگان که صاحب پینه‌ها از دنیا گذشته در میان عمریان که

الْعَرَبِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ بِالْإِمَامِ الْعَالِمِ وَ السَّيِّدِ الْحَاكِمِ وَ

علی بن الحسین است و به پیشوای دانایان و سید حکام کننده و

النَّجْمِ الزَّاهِرِ وَ الْقَمَرِ الْبَاهِرِ، مَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ، وَ

ستاره پر نور و ماه تابان مولای من امام محمد پسر امام علی که جامع همه علوم است و به آن

دعاهای عافیت از ائمه

بِالْإِمَامِ الصَّادِقِ مُبَيِّنِ الْمَشْكِلاتِ، مُظْهِرِ الْحَقَائِقِ الْمُفْجِمِ

پیشوای راستگویان حل کننده مشکلات و ظاهر کننده حقیقتها ساکت کننده به دلیل خود

بِحُجَّتِهِ كُلِّ نَاطِقٍ، مُخْرِسِ أَلْسِنَةِ أَهْلِ الْجِدَالِ، مُسَكِّنِ الشَّقَاشِقِ،

مهر سخنگوئی را گنگ سازنده زبانهای اهل گفتگورا فرو نشاندۀ نزاع و جدل را

مَوْلَايَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، وَبِالْإِمَامِ التَّقِيِّ وَالمُخْلِصِ

مولای من امام جعفر پسر امام محمد که راستگوست و به آن پیشوای پرهیزکار و اخلاص دارنده

الصَّفِيِّ، وَالنُّورِ الْأَحْمَدِيِّ، وَالنُّورِ الْأَنْوَرِ، وَالضِّيَاءِ الْأَزْهَرِ،

برگزیده و نور منسوب به احمد آن نوری که نورانی تر است از همه نورها و روشنی که روشنتر است از همه روشنی ها مولای من

مَوْلَايَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَبِالْإِمَامِ الْمُرتَضَى وَالسَّيْفِ

امام موسی پسر امام جعفر و به آن پیشوای راضی گردیده شده از او و شمشیر

الْمُنْتَضَى مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، وَبِالْإِمَامِ الْأَمجدِ وَ

برهنه مولای من امام علی پسر امام موسی که خشنود است و به آن پیشوای صاحب مجد و

الْبَابِ الْأَقْصَدِ، وَالطَّرِيقِ الْأَرْشَدِ، وَالعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ، يَنْبُوعِ الْحِكْمِ،

بزرگمی و ذر قمد کرده شده تر و راه راست تر و دانای قوت داده شده (از جانب خدا) چشمه حکمتها و

وَ مِصْبَاحِ الظُّلَمِ سَيِّدِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ، أَلْهَادِي إِلَى الْحَقِّ وَ الرَّشَادِ

چراغ تاریکی ها ستوده عرب و عجم راهنمای مردمان به سوی حق و راه راست

وَ الْمُوَفَّقِ بِالتَّأْيِيدِ وَ السَّنَادِ، مَوْلَانَا مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ، وَ

و توفیق یافته شده به قوت و راستی مولای ما امام محمد پسر امام علی که بخشنده است و به آن

بِالْإِمَامِ مَنَحَةِ الْجَبَّارِ، وَ وَالِدِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهَارِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

پیشوای عطیه خدای صاحب جبروت و فرزند امامان پاکان امام علی پسر محمد

الْمَوْلُودِ بِالْعَسْكَرِ، الَّذِي حَذَرَ بِمَوَاعِظِهِ وَ أَنْذَرَ، وَبِالْإِمَامِ الْمُتَزَّهِ

زائیده شده به بلد عسکر آن امامی که ترسانیده اند مردمان را به موعظه های خود و تخویف نمودن آنها و به آن امام پاکیزه

عَنِ الْمَآثِمِ الْمُطَهَّرِ مِنَ الْمَظَالِمِ الْحَبْرِ الْعَالِمِ، بِذَرِ الظَّلَامِ، وَ رَبِّيعِ

از گناهان که پاک گردانیده شده از مظالم هاست و فاضل و داناست و ماه شب چهارده است برای تاریکی و نهر جاری است

الْأَنَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ، مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ

برای خلائق پرهیزکار پاکیزه پاک خالص است که مولای من ابی محمد امام حسن پسر

عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْحَفِيفِ الْعَلِيمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ

علی عسکری است و نزدیکی می جویم به سویت به نگاه دارنده دین بسیار داناکه گردانیده ای او را مصلحت

عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ، وَ الْأَبِ الرَّجِيمِ الَّذِي مَلَكَتْهُ أَرْمَةٌ الْبَسْطِ وَ

بر خزانه های پنهان در زمین و به پدر مهربان که مالک گردانیده ای او را به اختیار داشتن کرم کردن و

دعاهای عافیت از ائمه

وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و تو بهترین گشایندگانی ای صاحب قوت که شدید است حکم او ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

سید ما سید رضی الدین، رکن اسلام و مسلمین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد طاووس علوی فاطمی می گوید: (که خدای تعالی او را در دنیا و آخرت برساند به آنچه آن را آرزو دارد و دشمنان او را ذلیل و خوار گرداند) که این است آخر آنچه به خاطر در این وقت رسید آن که از دعاها در این کتاب «منهج الدعوات و منهج العنايةات» ایراد نمایم و اگر می خواستم که نقل کنم چندین برابر این را که ذکر کرده ام و همه آنچه را که دانسته و مطلع بر آنها گشته ام هر آینه برای من ممکن و میسر بود. زیرا که در این اوقات در کتابخانه من، بیش از هفتاد جلد کتاب راجع به دعا هست ولیکن چون ایراد زیاد بر این قدر که ذکر نموده ام، سبب می شد که بیرون روم از آنچه قصدم اختصار بوده است.

لهذا اکتفا نمودم به ذکر آنچه را که لایق به این کتاب می دانستم و از خدای تعالی و پروردگار همه عالمیان، امیدوارم که به سبب این کتاب، در رحمت خود را میان بندگانش بگشاید و این کتاب به منزله گنجی باشد که به آن در حاجتهای من و اولاد من و خویشان و دوستانم و هر کسی از مؤمنین که خدای تعالی خواهد، رجوع کند و همه آنان که در زمان حیات من و بعد از مماتم از این کتاب استفاده کنند. «وَ إِلَيْهِ الْمَرْجِعُ وَ الْمَأْبُ».

دعای سید بن طاووس

دعای سید بن طاووس در حق کسانی که از دعاهای این کتاب استفاده کنند.

اَللّٰهُمَّ اِنَّا قَدْ دَعَوْنَا فِيْهِ عِبَادَكَ اِلَى الْوِفَادَةِ اِلَيْكَ، وَ الْحُضُوْرِ بَيْنَ

خداوند! به درستی که ما خوانده ایم در این تألیف بندگان تو را به سوی فرود آمدن به سویت و حاضر شدن در نزد

يَدِيْكَ، وَ طَلَبِ حَاجَاتِهِمْ مِنْ جُودِكَ، فَادْكُرْنِيْ جَلَّ جَلَالُكَ بِمَا اَنْتَ

تو و به سوی طلب کردن حاجتهای خود را از بخشش تو پس یادآوری کن مرا که بزرگ است بزرگیت به آنچه

اَهْلُهُ عِنْدَ دُعَاءٍ مَنْ يَدْعُوْ بِشَيْءٍ مِنْهُ مِنْ عِبِيْدِكَ وَ وُفُوْدِكَ، وَ

تو سزاواری به آن در وقت دعا کردن کسی که دعا کند تو را به چیزی از این کتاب از بندگان تو و از نازل شوندگان به تو و

اَوْصِلْ اِلَيَّ ثَمْرَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ، وَ اَنَا سَاكِنٌ حَيْثُ اُسْكَنْتَنِيْ مِنْ

برسان به من میوه این درخت را و حال آن که من ساکن باشم هر کجا که ساکن نموده باشی مرا از

دعاهای عافیت از انقه

دِيَارِ مَرَا حِمِكَ وَ مَكَارِمِكَ النَّصِيرَةِ، وَ وَفِّقْ مَنْ يَنْظُرُ فِي هَذِهِ

خاسته‌های مـرحمتها و بخششهای شاداب تو و توفیق ده کسی را که نگاه کنند در این
الأسرار أن يخافَكَ خَوْفَ الْأَبْرَارِ، وَ أَنْ يُؤَدِّيَ الْأَمَانَةَ فِيمَا يَقِفُ
سرّها آن که بنرسد از تو ترسیدن جماعت نیکوکاران و آن که ادا نماید امانت ایمان و اعتقاد را در آنچه مطلع گردد

عَلَيْهِ، وَ أَنْ يَكُونَ قَصْدُهُ الْعَمَلُ بِمَا تَهْدِيهِ إِلَيْهِ.

بر آن، و باشد اراده او عمل کردن به آنچه که هدیه فرستاده از دعاهای این کتاب.



دعای دیگر سید بن طاووس



سید بن طاووس گوید: اینک ختم می‌کنم آنچه در این کتاب اختیار کرده‌ام از
دعاهای ذخیره شده و سرهای پنهانی، به دعائی که آن را خدای تعالی به خاطر
انداخته است:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ ابْتَدَأْتَ بِالْاِحْسَانِ قَبْلَ مَنْطِقِ اللِّسَانِ، وَ فَتَحْتَ اَبْوَابَ

خداوند! به درستی که تو آغاز نمودهای به نیکنی کردن پیش از گویاشدن زبان و گشوده‌ای درهای

الْاَمَالِ، وَ تَفَضَّلْتَ بِالنِّوَالِ قَبْلَ السُّؤَالِ، وَ دَلَلْتَ عَلَى عَفْوِكَ ذَوِي

آرزوها را و زیاده احسان نمودهای به بخشش پیش از سؤال کردن و راهنمایی کرده‌ای بر درگذشتن خود (از گناهان)

الْاَلْبَابِ، وَ اَذِنْتَ لَهُمْ فِي مُحْكَمِ الْكِتَابِ بِالْخِطَابِ، ثُمَّ اَمَرْتَهُمْ

مباحبان عقیله‌ها را و رخصت داده‌ای ایشان را در آیه ظاهر از قرآن به خطاب کردن پس امر فرمودهای ایشان را

بِالدُّعَاءِ، وَ وَعَدْتَهُمْ بِنُجْحِ الطَّلَابِ، وَ هَدَدْتَهُمْ اِنْ لَمْ يَسْئَلُوكَ

به دعا کردن و وعده داده‌ای ایشان را به برآمدن طلبها و ترسانیده‌ای ایشان را که اگر سؤال نکنند ترا

وَنَقَّيْتَهُمْ مِنَ الْجَوَابِ، وَهَا اَنَا ذَا اُمْتِثِلُ مُقَدَّسَ مَرَا سِمِكَ فِي

باز می‌داری ایشان را از جواب و اینک من فرمان بردارم پاکیزهای از طریقه‌های تو را در

التَّعَرُّضِ لِمَا وَعَدْتَ مِنْ مَرَا حِمِكَ، وَ اِثْقَا بِشَهَادَةِ الْعُقُولِ اَنْ

مرتکب شدن مر آنچه را که وعده نمودهای از مـرحمتهاى خود در حالى که اعتماد کنندهم به شهادت دادن عقیله آنکه

الْكَرِيمِ الْجَوَادِ اِذَا اُذِنَ فِي السُّؤَالِ وَ وَعَدَ بِالْقَبُولِ، فَاِنَّهُ تَنْزَعُ

بخشش کننده و عطا نماینده هرگاه اذن دهد در سؤال کردن و وعده نماید به قبول کردن به درستی که منزّه است

كَمَالُهُ عَنِ التَّوَقُّفِ فِي الْمَسْئُولِ بِهِ، وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى بُلُوغِ

کمال او از توقف نمودن در سؤال کرده شده و حال آن که او تواناست بر رسانیدن

الْمَأْمُولِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِكُلِّ مَا اَمْلَكَ بِهِ اَمِلٌ، وَ سَأَلْتُكَ بِهِ

بندگان به امیدهای ایشان، خداوند! من روی می‌آورم به سویت به هر چیزی که امید داشته‌است تو را به

دعاهای عافیت از انمه

سَائِلْ بَلَّغْتَهُ آمَالَهُ، وَ أَجَبْتَ سُؤَالَهُ، وَ بِكُلِّ مَا يُؤَمِّلُكَ بِهِ آمِلٌ، وَ

آنچه امید دارنده و سؤال کرده است از تو آن چیز را سؤال کنندم که رسائیدم او را به آرزوهای او و

يَسْئَلُكَ بِهِ سَائِلٌ، تُبَلِّغُهُ آمَالَهُ وَ تُجِيبُ سُؤَالَهُ، وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ

برآوردم او را و به هر چیزی که آرزو کند از تو آنرا امیدواری و سؤال کند بعد از این سؤال کنندم که برستی به او آرزوهای او را و

الْمَكَارِمِ الَّتِي اقْتَضَتْ الْاِبْتِدَاءَ بِالنُّوَالِ قَبْلَ السُّؤَالِ، وَ عِنْدَ

برآوری سؤال او را و به مهربانیه و بخششهایی که لازم دارد آغاز کردن به بخشش را پیش از طلب کردن و در هنگام

السُّؤَالِ وَ بَعْدَ السُّؤَالِ، وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي أَنْكَرْتَ بِهَا

طلب و بعد از خواستن، و به شفقته و بخششهایی که ندادم آنها را بر منکران و

عَلَى الْاَيْسِبِينَ، فَقُلْتُ عَلَى لِسَانِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ فِيمَا تَضَمَّنَهُ

بر نالامیدان، پس گفته تو بر زبان بهترین پیغمبران در آنچه مشتمل است به آن

الْقُرْآنُ الْمَصُونُ: وَ لَا تَيَاسُّوْا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رَوْحِ

قرآن محفوظ: که و نالامید مشوید از رحمت خدا به درستی که نالامید نمی باشد از رحمت

اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ. وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي أَنْكَرْتَ بِهَا

خدا مکر گروه کافران. و به مرحمتها و مکرمتهایی که حرام نمودم آنها را

عَلَى الْقَانِطِينَ فَقُلْتُ جَلَّ جَلَالُكَ: وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ اِلَّا

بر گروه نالامیدان پس گفته ای که بزرگ است بزرگیت: و کیست که نالامید شود از رحمت پروردگار خود غیر از

الضَّالُّونَ. وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي أَخَّرْتَ بِهَا عُقُوبَةَ

مغمران و به شفقته و بخششهایی که پس افکندم به برکت آنها عقوبت

الْكَافِرِينَ، وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُتَمَرِّدِينَ وَ الْمُتَشَرِّدِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ

کافران و شرک و ورزیدگان و سرکشان و سربلز زدگان و منافقان

وَ الْفَاسِقِينَ وَ الْاَبْقِيَاءَ، وَ اَمَهَلْتَهُمْ اِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ

و ظالمان و گریختگان را و مهلت دادم ایشان را تا به روز قیامت و به مرحمتها و

الْمَكَارِمِ الَّتِي ابْتَدَأَتْ بِهَا سَحَرَةُ فِرْعَوْنَ وَ مَا عَرَفُوكَ وَ لَا

مکرمتهایی که دادی آنها را به ساحران فرعون و حال آن که نشناخته بودند تو را و نه

طَلَبُوكَ، وَ لَا تَعَرَّضُوا لِرَحْمَتِكَ، وَ لَا تَعَرَّضُوا لِاجَابَتِكَ، وَ

طلبیده بودند از تو و متعرض نشده بودند رحمت تو را و درخواست نکردند اجابت تو را و

بِالْمَرَّاحِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي ابْتَدَأَتْ بِهَا أُمَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أُمَّةٌ مُحَمِّدٍ

به مرحمتها و مکرمتهایی که بخشیدی آنها را به امتهای پیغمبران و به امت محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ قَدْ كَانُوا عَلَى عَظِيمٍ مِنَ الْكُفْرِ وَ

که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش و حال آن که بودند ایشان بر بزرگ از کفر و

دعاهای عافیت از انقه

الطُّغْيَانِ وَالْعُصْيَانِ، وَاسْتِحْقَاقِ الْعَذَابِ وَالْهَوَانِ، فَابْتَدَأَتْهُمْ

سرکشی و نافرمانی و بر مستحق بودن عقوبت و خوارگی پس بخشیدی به ایشان

فِي حَالِ غَضَبِكَ عَلَيْهِمْ بِمَا لَمْ يَكُنْ فِي حِسَابِهِمْ مِنْ إِحْسَانِكَ

در حالت خشم خود بر ایشان چیزی را که نبود در گمان ایشان از نیکنوی کردن تو

إِلَيْهِمْ، وَبَعَثْتَ لَهُمْ رَسُولًا يَهْدُونَهُمْ إِلَيْكَ، وَيَدُلُّونَهُمْ عَلَيْكَ، وَ

به سوی ایشان و فرستادی از برای ایشان پیغمبران را که راهنمایی کنند ایشان را به سویت و

يَحْمِلُونَ سَفَهُهُمْ وَجَنَائِهِمْ، حَتَّى اسْتَنْقَذُوا مِنْهُمْ خَلْقًا كَثِيرًا مِنْ

دلاوت کنند ایشان را بر تو و متحمل شوند بی عقلیهای ایشان را و آزارهای ایشان را تا آن که نجات یافتند از ایشان خلق بسیاری از

ضَلَالَاتِهِمْ، وَشَرَّفُوهُمْ بِهِدَايَاتِهِمْ، وَأُظْفِرُوهُمْ بِسَعَادَاتِهِمْ، وَ

گمراهیهای خود و مشرف شدند به هدایتهای خود و رستگار گشتند به نیکیبختیهای خود و

بِالْمَزَاحِمِ وَالْمَكَارِمِ الَّتِي أَجَبْتَ بِهَا قَوْمَ إِدْرِيسَ وَقَوْمَ يُونُسَ، وَ

بر مکرمتها و مکرمتهایی که اجابت کردی آنها را برای گروه ادريس و قوم یونس و

مَنْ كَانَ عَلَى نَحْوِ سَوْءِ أَعْمَالِهِمْ، وَقَدْ غَضِبَ عَلَيْهِمْ أَنْبِيَاؤُهُمْ وَ

کسی که باشد بر نحو بدی کردار ایشان و حال آن که خشم نموده بود بر ایشان پیغمبران ایشان و

تَوَعَّدُوهُمْ بِمَا يَسْتَحِقُّونَهُ مِنْ نَكَالِهِمْ، وَأَشْرَفُوا عَلَى الْهَلَاكِ وَ

تهدید کرده بودند ایشان را به چیزی که سزاوار بودند آن را از عقوبتها و رسواییهای ایشان و مشرف شده بودند بر هلاکت و

عَجَزُوا عَنِ الْاِسْتِذْرَاكِ، فَرَحِمْتَ شَكْوَاهُمْ وَكَشَفَ بَلْوَاهُمْ، وَ

عاجز و ناتوان بودند از تلافی پس رحم کردی شکوه ایشان را و برطرف نمودی آزار و بلای ایشان را و

بِالْمَزَاحِمِ وَالْمَكَارِمِ الَّتِي جَمَعْتَ بِهَا شَمْلَ يُوسُفَ وَيَعْقُوبَ. وَ

به مکرمتها و مکرمتهایی که جمع کردی به برکت آنها جدایی یوسف و یعقوب را و

بِالْمَزَاحِمِ وَالْمَكَارِمِ الَّتِي كَشَفْتَ بِهَا كُرْبَاتِ أَيُّوبَ. وَ بِالْمَزَاحِمِ

به مکرمتها و مکرمتهایی که برطرف کردی به سبب آنها اندوهها و آزارهای ایوب را و به مکرمتها

وَالْمَكَارِمِ الَّتِي خَلَّصْتَ بِهَا يُونُسَ بْنِ مَتَّى مِنْ بَطْنِ حُوتِهِ وَ

و مکرمتهایی که خلاصی دادی به آنها یونس بن متى را از شکم ماهی او و

يَمِّهِ. وَ بِالْمَزَاحِمِ وَالْمَكَارِمِ الَّتِي جَمَعْتَ بِهَا شَمْلَ مُوسَى بِأُمِّهِ.

از دریای او و به مکرمتها و مکرمتهایی که جمع نمودی به سبب آنها جدایی موسی را از مادرش

و بِالْمَزَاحِمِ وَالْمَكَارِمِ الَّتِي نَصَرْتَ بِهَا عِيسَى عَلَى قَوْمِهِ. وَ

و به مکرمتها و مکرمتهایی که یاری دادی به برکت آنها عیسی را بر قوم او و

بِالْمَزَاحِمِ وَالْمَكَارِمِ الَّتِي نَصَرْتَ بِهَا مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا عَلَى أَحْزَابِ

به مکرمتها و مکرمتهایی که یاری دادی به برکت آنها محمد و علی را بر گروه

دعاهای عافیت از انکه

الْكُفَّارِ، وَ وَقَيْتَهُمَا مِنَ الْأَخْطَارِ، وَ جَعَلْتَهُمَا عَلِمًا لَكَ إِلَى ذَارِ

و طایفه کافران و نگاهداشتی ایشان را از خطرهای و بلاها و گردآوری ایشان را نشان برای به سوی خاتمه

الْقَرَارِ. وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي ذَكَرْتَنِي بِهَا فِي الْأَزَلِ وَ لَمْ

آخرت و به مروتها و مکرمتهایی که ثابت کردی مرا در علم خود به سبب آنها در ازل و نبودم

أَكْ شَيْئًا مَذْكُورًا، وَ أَخْرَجْتَنِي إِلَى الْوُجُودِ مِنْ بَابِ الْجُودِ، وَ قَدْ

من چیزی ثابت و موجود و بیرون آوردی مرا از عدم به سوی هستی از در بخشش خود و حال آنکه

عَلِمْتَ أُنْبَى أَغْصَبِكَ فِيمَا لَا يَزَالُ صَغِيرًا وَ كَبِيرًا، ظَاهِرًا وَ

می دانستی آن که من نافرمانی خواهم کرد تو را در آنچه همیشه است او در حالی که کوچک باشم و بزرگ باشم آشکار باشم و

مَسْتُورًا. وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي نَقَلْتَنِي بِهَا مِنْ ظُهُورِ

پنهان باشم و به مروتها و مکرمتهایی که نقل کرده ای مرا به آنها از پشتهای

الْآبَاءِ إِلَى بُطُونِ الْأُمَّهَاتِ، مِنْ لَدُنِ آدَمَ إِلَى هَذِهِ الْغَايَاتِ، وَ

پدران من به سوی شکمهای مادران من از پشت آدم تا به این نهایت که رسیدم و

وَقَيْتَنِي وَ سَلَفِي مِمَّا جَرَى عَلَى الْأُمَمِ الْهَالِكَةِ مِنَ الْهَلَكَاتِ وَ

نگاه داشتی مرا و گذشته های از پدران مرا از آنچه جاری شده است بر امتهای هلاک شدگان از هلاک کنندگان و

النَّكَبَاتِ وَ الْعُقُوبَاتِ. وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي دَلَلْتَنِي بِهَا

بلاها و عقوبتها و به مروتها و مکرمتهایی که راهنمایی کرده ای مرا به سبب

عَلَيْكَ. وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي شَرَفْتَنِي بِهَا بِالْمَعْرِفَةِ بِكَ وَ

آنها بر راه خود و به مروتها و مکرمتهایی که مشرف ساختی مرا به سبب آنها به شناختن تو و

الْخِدْمَةِ لَكَ وَ الْعُبُودِيَّةَ لَدَيْكَ. وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي حَلَمْتَ

خدمت کردن برای تو و بندگی کردن در نزد تو و به مروتها و مکرمتهایی که بردباری نمودی مرا به

بِهَا عَنِّي عِنْدَ جُرْأَتِي عَلَيْكَ، وَ سُوءِ أَدَبِي بَيْنَ يَدَيْكَ. وَ بِالْمَرَّاحِمِ

به سبب آنها از من نزد جرأت کردن من بر نافرمانیت و بی ادبی کردن من در نزد تو و به مروتها

وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي أَطْلَقْتَ بِهَا لِسَانِي بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ. وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ

و مکرمتهایی که گویا ساختی به سبب آنها زبانم را به ستایش کردن بر تو و به مروتها و

الْمَكَارِمِ الَّتِي عَلَّقْتَ آمَالِي فِيهَا بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ. وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ

مکرمتهایی که بستهای امیدهای مرا در آنها به خواهش کردن من به سوی تو و به مروتها و

الْمَكَارِمِ الَّتِي أَعْنَتَنِي بِهَا بِالْوَفَادَةِ عَلَيْكَ. وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ الْمَكَارِمِ

مکرمتهایی که یاری نمودی مرا به آنها در فرود آمدن من بر تو و به مروتها و مکرمتهایی که

الَّتِي أَذْكَرْتَنِي بِهَا جُرْأَتِي عَلَيْكَ. وَ بِالْمَرَّاحِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي

به یادداشتی مرا به سبب آنها جرأت نمودن مرا بر نافرمانیت و به مروتها و مکرمتهایی که

دعاهای عافیت از انقه

رَفَعْتُ بِهَا يَدِي إِلَيْكَ. وَ بِالْمَزَاجِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي عَرَفْتَنِي بِهَا

بلند کردم به آنها دست خود را به سوی تو و به مکرمتها و مکرمتهایی که شناساندهای به سبب آنها

شَرَفَ الْأَلْحَاحَ عَلَيْكَ. وَ بِالْمَزَاجِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي وَصَلْتَ إِلَيَّ

شرف زیادی در سؤال از تو را و به مکرمتها و مکرمتهایی که رساندهای آنها را به سوی

إِبْلِيسَ وَ فِرْعَوْنَ وَ مَنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ مُصِرٌّ عَلَى مَا يُسَخِّطُكَ عَلَيْهِ،

شیطان و فرعون و کسی که دانسته‌ای آن که او ایستادگی دارد بر آنچه به خشم می آورد ترا

إِلَى أَنْ يَخْضُرَ فِي الْقِيَامَةِ بَيْنَ يَدَيْكَ. وَ بِالْمَزَاجِمِ وَ الْمَكَارِمِ

بر آن که مهلت داده‌ای آنرا تا آن که حاضر شود در روز قیامت در نزد تو و به مکرمتها و مکرمتهایی که

الَّتِي أَدْرَكْتَ إِبْلِيسَ فِي السَّاعَةِ الَّتِي بَسَطَ بِهَا كَفَّ سُؤَالِهِ، وَ

رسانیده‌ای آنها را به شیطان در وقتی که دراز کرده به آنها دست سؤال خود را و

قَصَدَكَ بِأَمَالِهِ فِي حَالِ غَضَبِكَ عَلَيْهِ، وَ بُعْدِهِ مِنْكَ وَ إِعْرَاضِكَ

اراده نموده تو را به امیدهای خود در حالت خشم بر او و دوری او از رحمت تو و روی گرداندن تو

عَنْهُ وَ إِعْرَاضِهِ عَنْكَ، وَ قَالَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ، فَوَسِعَتْهُ

از او و سبزی جستن او از تو و گفت که بگردان مرا از جمله مهلت داده شدگان پس شامل شد او را

رَحْمَتُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ قُلْتُ: إِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ إِلَى يَوْمِ

رحمت تو ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان و گفتم: به او که تو ای شیطان هستی از مهلت داده شدگان تا به روز

الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. وَ فَرَجَتْ مَا كَانَ يُحَازِرُ الْأَسْتِيصَالَ مِنَ الْهُمُومِ.

وقت معین و خلاص کردی تو او را از چیزی که می ترسید از آن که هلاک شدن از جهت غمها

وَ بِالْمَزَاجِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي أَنْتَ أَصْلُهَا. وَ بِالْمَزَاجِمِ وَ الْمَكَارِمِ

و به مکرمتها و مکرمتهایی که تو اصل آنها و به مکرمتها و مکرمتهایی که

الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا. وَ بِالْمَزَاجِمِ وَ الْمَكَارِمِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ غَيْرُكَ

تو سزاوار آنها و به مکرمتها و مکرمتهایی که نمی داند غیر از تو

مَحَلَّهَا، وَ لَا يُدْرِكُ الْمُحِقُّونَ فَضْلَهَا، وَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ بِكَ وَ بِمَنْ

مکان آنها را و نمی رسند تحقیق کنندگان به فضل آنها و به آنچه تو سزاواری به آن و به وسیله ذات تو و به کسی که

يَعِزُّ عَلَيْكَ، وَ بِجَمِيعِ الْوَسَائِلِ إِلَيْكَ، يَا أَلَلَّهُ يَا أَلَلَّهُ يَا أَلَلَّهُ

عزیز است بر تو و به همه وسیله های به سوی تو ای خدا، ای خدا، ای خدا،

يَا أَلَلَّهُ يَا أَلَلَّهُ يَا أَلَلَّهُ يَا أَلَلَّهُ يَا أَلَلَّهُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا

ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای

رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا غَوْثَ

پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای فریادرس

دعاهای عافیت از انقه

الْمُسْتَغِيثِينَ، وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

طلبان و ای برآورنده حاجت بیچارگان ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان،

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا أَرْحَمَ

ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان، ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان، ای رحیم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

رحیم کنندگان سوال می کنم تا آن که رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُعَجِّلَ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ لِمَنْ يُرِيدُ تَقْدِيمَ

محمد و آل محمد و آن که شتاب نمانی در برآوردن هر حاجتی که باشد از برای کسی که اراده نماید آن کس مقدم داشتن

حَاجَاتِهِ قَبْلَ حَاجَاتِنَا، وَ ذَكَرَ مُهِمَّاتِهِ قَبْلَ مُهِمَّاتِنَا، وَ أَنْ تُجْعَلَ

حاجتهای او را پیش از حاجتهای ما و خواهد برآوردی مطلبهای او را پیش از مطلبهای ما و آن که بگردانی

خَوَائِجِنَا تَابِعَةً لِارَادَتِهِ وَ إِرَادَتِكَ، وَ مِنْ جُمْلَةِ خَوَائِجِهِ

حاجتهای ما را تابع برای اراده آن حضرت و اراده خودت و بگردانی حاجت ما را از جمله حاجتهای

الْمُخْتَصَّةِ بِإِجَابَتِكَ، وَ أَنْ تُعَجِّلَ قَضَاءَ جَمِيعِ مَا أَذْكُرُهُ مِنْ

آن حضرت که مخصوص است و برآوردن تو آن را و آن که شتاب نمانی در برآوردن همه آنچه ذکر کرده ام آنرا

الْحَاجَاتِ الَّتِي أَحَاطَ عَلَيْكَ، إِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَيْهَا مَعَ دَوَامِ بِقَائِكَ

و ذکر می کنم که فراگرفته است علمت به آن که محتاجیم به سوی آنها با همیشه بودن تو

قَبْلَ الْمَمَاتِ وَ بَعْدَ الْمَمَاتِ، بِجُمْلَتِهَا وَ تَفْصِيلِهَا، وَ أَنْ تُجْعَلَ هَذِهِ

پیش از مردن و بعد از مردن به محمل آنها و تفصیل آنها و آن که بگردانی این

التَّوَسُّلَاتِ مِنْ أَسْبَابِ تَكْمِيلِهَا وَ تَسْهِيلِهَا وَ تَعْجِيلِهَا، وَ أَنْ تَمْلَأَ

وسایلهارا از سببهای تمام کردن تو آن حاجتها را آسان کردن آنها و شتاب نمودن در آنها و آن که بگردانی

قُلُوبَنَا مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَ هَيْبَتِكَ وَ عَظَمَتِكَ وَ حُرْمَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَ

دلهای ما را از شناخت خود و از ترس عقوبت خود و از بزرگواری خود و از احترام خود و از رحمت خود و

تَسْتَعْمِلُ عُقُولَنَا وَ جَوَارِحَنَا فِي طَاعَتِكَ وَ مُرَاقَبَتِكَ، وَ أَنْ تُجْعَلَ

آن که کارفرمایی عقلهای ما را و اعضای ما را در فرمان برداریت و در توقع داشتن احسان تو و آن که بگردانی

كُلِّ مَا نَتَقَلَّبُ فِيهِ شَاغِلًا لَنَا بِكَ وَ مُقَرَّبًا مِنْكَ، وَ لَا تُجْعَلَ شَيْئًا

هر آنچه را که حرکت و سعی می کنم در آن مشغول کننده ما را به تو و نزدیک سازنده به رحمت از جانب تو و مگردان چیزی را

مِنْهُ شَاغِلًا لَنَا عَنْكَ، وَ أَنْ تُلْهِمَنَا كُلَّ مَا تُرِيدُ مِنَّا وَ تَرْضَى بِهِ

از آن مشغول سازنده ما را از تو و آن که بیندازی در دل ما هر آنچه را که اراده نمانی از ما و خشنود گردی به سبب آن

عَنَّا، وَ أَنْ تُكَاشِفَنَا بِجَلَالِكَ، وَ تُشَرِّفَنَا بِإِقْبَالِكَ، وَ تَصِلَ حِبَالَنَا

از ما و آن که ظاهر سازی امور حق را برای ما به بزرگی خود و مشرف گردانی ما را به توجه خود و وصل کنی وسیله ما را

دعاهای عافیت از ائمه

بِحَبَالِكَ، وَ أَنْ تُدَبِّرَنَا فِي الْكَثِيرِ وَ الْقَلِيلِ بِتَدْبِيرِكَ الْحَسَنِ
 به وسیله خود و آن که تدبیر کسی برای ما در بسیار و کم به تدبیر تو که خوب
 الْجَمِيلِ، وَ أَنْ تَحْفَظَنَا وَ مَا يَعْنِينَا أَمْرُهُ بِمَا حَفِظْتَ كُلَّ مَنْ حَفِظْتَهُ،
 و نیکوست و آن که نگهداری ما را و آنچه را که می خواهد ما را امر او به آنچه نگهداشته ای تو
 وَ تُسَعِدَنَا بِكُلِّ مَا أَسْعَدْتَهُ، وَ أَنْ تَمُدَّنَا مِنَ الْأَعْمَارِ بِأَطْوَلِهَا، وَ مِنْ
 هر کسی را که نگهداشته ای آن را و آن که نیکبخت گردانی ما را به هر چیزی که نیکبخت نموده ای آن را و آن که بدمی به ما از
 الْأَعْمَالِ بِأَفْضَلِهَا، وَ أَنْ تَنْصُرَنَا عَلَى كُلِّ مَنْ يُؤْذِينَا، أَوْ يُفَكِّنُ أَنْ
 عمرها درازترین آنها را و از کردارها نیکوترین آنها را و آن که یاری کنی ما را در ظفر یافتن بر هر کسی که آزار کند ما را یا ممکن باشد آنکه
 يُؤْذِينَا نَصْرًا أَهْلُهُ، وَ أَنْ تُذِلَّهُمْ لَنَا ذُلًّا هُمْ أَهْلُهُ، وَ أَنْ تُدِيلَنَا مِنْهُمْ
 آزار رساند به ما یاری گردنی را که تو سزاوار آنی و آنک خوار گردانی ایشان را برای ما خواری که ایشان قابل آنند و آن که صاحب دولت گردانی ما را
 إِذَالَةً أَنْتَ أَهْلُهَا، وَ أَنْ تُرِيحَهُمْ بِإِنْتِصَارِنَا عَلَيْهِمْ مِنَ الْآثَامِ الَّتِي
 از جانب ایشان دولتی را که تو اهل آنی و آن که هلاک گردانی ایشان را به سبب انتقام و غلبه ما را بر ایشان از جهت گناہاتی که
 فَضَحَهُمْ عِنْدَكَ جَهْلُهَا وَ ذُلُّهَا، وَ تُزِيحَنَا أَنْ يَشْغَلُونَا عَنْ
 رسوا نموده است ایشان را در نزد تو جهل آنها و خوار دانستن آنها و آن که دور گردانی ما را از آن که غافل شویم ما
 الْأَشْتِغَالِ بِمُرَاقَبَتِكَ الَّتِي جَهَلُوا أَمْرَهَا وَ صَغُرُوا قَدْرَهَا، وَ أَنْ
 از مشغول شدن به اطاعت و توقع احسان تو که ندانستند شان آن را و کوچک شمردند قدر آن را و آنکه
 تَلْمِحَ أَهْلِ الْأَسَاءَةِ إِلَى مَنْ تُرِيدُ ذِكْرَهُ قَبْلَ ذِكْرِنَا، وَ تَعْظِيمَ قَدْرِهِ
 اشاره نمائی اهل بدی رساندن را به سوی کسی که اراده نموده ای ذکر او را پیش از ذکر ما و بزرگ نمودن قدر او را
 عَلَى قَدْرِنَا، وَ أَهْلِ الْأَسَاءَةِ إِلَيْنَا، وَ الْبُغَاءِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْنَا، وَ ذَوِي
 بر قدر ما و آن که اشاره کنی اهل بدی کردن به سوی ما را و خروج کنندگان بر آن کس و بر ما را و صاحبان
 التَّخِيلِ فِي ضَرَرِهِ وَ ضَرَرِنَا، وَ التَّوَصُّلِ وَ كَدْرِهِ وَ
 خیال داشتن در ضرر او و ضرر ما را و مساحبان وسیله برانگیختن را در آزار او و
 كَدْرِنَا لَمَحَّةٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ تَرْفَعُ بِهَا حِلْمَكَ عَنْهُمْ، وَ تُعَجِّلُ
 آزار ما اشاره گردنی در این ساعت که برطرف نمایی به سبب آن اشاره حلم خود را از ایشان و شتاب کنی
 النِّقْمَةَ مِنْهُمْ، وَ تَسْتَأْصِلُ شَافَتَهُمْ، وَ تَقْطَعُ مُدَّتَهُمْ، وَ تُسْرِعُ
 انتقام کشیدن از ایشان را و از بیخ قطع نمایی عقب پای ایشان را و ببری مدت عمر ایشان را و به زودی وارد سازی
 نَكْبَتَهُمْ وَ مُصِيبَتَهُمْ، وَ أَذْنُ فِي هَذِهِ اللَّمْحَةِ فِي قَطْعِ أَعْمَارِهِمْ، وَ
 عقوبت ایشان را و مصیبت ایشان را و اذن ده تو در این لمحہ در قطع شدن عمرهای ایشان و
 خَرَابِ دِيَارِهِمْ، وَ تَعْفِيَةِ آثَارِهِمْ، وَ تَعْجِيلِ بَوَارِهِمْ وَ دِمَارِهِمْ، وَ
 در خراب گردیدن شهرهای ایشان و در برطرف شدن اثرهای ایشان و در شتاب کردن هلاک ایشان و برطرف شدن

دعاهای عافیت از انقه

أَخْذِهِمْ بِالْمَثَلَاتِ وَ النَّكَبَاتِ وَ الْآفَاتِ وَ الْعَاهَاتِ، وَ الْمُصِيبَاتِ

ایشان و در گرفتن ایشان به عقوبتها و عذابه‌ها و آفتها و بلاها و مصیبت‌های

الْهَائِلَاتِ الدَّاهِلَاتِ الْقَاتِلَاتِ الْمُسْتَأْصِلَاتِ الْمُحِيطَاتِ بِهِمْ مِنْ

مولناک به دهشت اندازهای کشنده‌های از بیخ براندازنده‌های فروگیرنده‌های ایشان را از

سَائِرِ الْجِهَاتِ، حَتَّى تَجْعَلَ تَعْجِيلَ دِمَارِهِمْ، وَ قَطْعَ أَعْمَارِهِمْ، وَ

همه اطراف تا آن که بگردانی شتاب نمودن در هلاک ایشان را و بریدن عمرهای ایشان را و

خَبِيَّةَ أَمْوَالِهِمْ، وَ هَذْمَ آجَالِهِمْ، عِظَةً لِلْمُتَعَبِّينَ وَ عِبْرَةً لِلْمُعْتَبِرِينَ،

نامیدی از آرزوهای ایشان را و خراب گردان عمرهای ایشان را پندی برای پندگیران و عبرتی برای عبرت گیران

وَ آيَةً بَاقِيَةً عَلَى الشُّهُورِ وَ السِّنِينَ، وَ عَجَلَ سَلْبِهِمُ اللَّهُمَّ كُلَّ

و علامتی که باقی ماند بر ماهها و سالها و تعمیل کن در برطرف کردن از ایشان خداوند! هر

نِعْمَةٍ يَسْتَعِينُونَ بِهَا عَلَى مَعْصِيَتِكَ، وَ كُلَّ قُوَّةٍ يَضَعُونَ بِهَا مِنْ

نعمتی را که اعانت می جویند به آن بر نافرمانی‌داریت و هر توانایی که پست شدند به سبب آن از

رَحْمَتِكَ، وَ كُلُّهُمْ إِلَى حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ، وَ أَبْرَأُهُمْ مِنْ حَوْلِكَ وَ

رحمت تو و اگذار ایشان را و اگذار ایشان را به سوی قدرت خودشان و قوت خودشان و خالی گردان ایشان را از قدرت و

قُوَّتِكَ، وَ خِذْهُمْ بَيَاتًا وَ هُمْ نَائِمُونَ، أَوْ ضَحَى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ، وَ

آهوت خود و فروگیر ایشان را به عذاب در شب و حال آن که باشند ایشان در خواب یا در وقت چاشت و

عَاجِلُهُمْ بِبِأْسِكَ الَّذِي تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَ بِالْقُدْرَةِ

حال آن که باشند ایشان لهو کنندگان و زود برسان به ایشان عذاب خود را که بر نمی گردانی آن را از گروه گناهکاران به آن قدرتی که

الَّتِي تَقُولُ بِهَا لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ. اللَّهُمَّ وَ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْهُمْ بَقِيَّةٌ

می گویی به سبب آن قدرت به چیزی که موجود باشد پس موجود می شود آن چیز خداوند! و کسی که باشد برای او از دشمنان باقی مانده‌ای

مِنْ أَمَلٍ، أَوْ فُسْحَةٍ فِي أَجَلٍ لَا بُدَّ أَنْ تُبَلِّغَهُمْ إِلَيْهَا، وَ تَقِفْ بِهِمْ عَلَيْهَا،

از امید او یا فراخی و مدتی در عمر او که ناچار باشد آن که برسانی و ایشان را به آن مدت و بازداري ایشان را بر آن مدت

فَاصْحُ اللَّهُمَّ مَعْرِفَتَكَ مِنْ عُقُولِهِمْ بِظُلْمِ الشُّكُوكِ وَ الْجَهَالَاتِ، وَ

پس برطرف کن خداوند! شناخت خود را از عقولهای ایشان به سبب تاریکی شکها و نادانیها و

أَمِتْ قُلُوبَهُمْ بِالْغَفَلَاتِ، وَ اشْغَلْ جَوَارِحَهُمْ بِالشَّهَوَاتِ عَنِ

بمیران دلهای ایشان را به غفلتها و مشغول گردان اعضای ایشان را به خواستههای دنیوی از

الْعِبَادَاتِ وَ الطَّاعَاتِ، وَ مِتْ قُلُوبَهُمْ أَجَلَ مَا يُمَاتُ الْمِلْحُ فِي

عبادتها و فرمان برداریها و بگذرد دلهای ایشان را زودتر از آنچه آب شود نمک در

الْمَاءِ، وَ اضْرِبْهُمْ بِتَكَرُّرِ أخطارِ الْبَلَاءِ وَ الْإِبْتِلَاءِ، حَتَّى يَقْدَمُوا

آب و بسزن ایشان را به مکرر وارد ساختن خطرهای بلا و امتحان را تا آن که وارد شوند

دعاهای عافیت از انمه

عَلَيْكَ، وَقَدْ خَسِرُوا سَعَادَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاتَّلَفُوا مَا ظَفَرَ بِهِ

بر تو و حال آن که زیاتمند باشند از نیکی‌های دنیا و آخرت و تلف کرده باشند آنچه را که ظفر یافته‌اند به آن

السُّعْدَاءُ مِنَ النِّعَمِ الْبَاطِنَةِ وَالظَّاهِرَةِ، وَسَدَّتْ أَعْمَالُهُمْ بَيْنَ

نیکی‌بخشان از نعمتهای پنهان و آشکار و بسته باشند کردارهای ایشان در نزد

أَيْدِيهِمْ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَأَظْلَمَتْ عَلَيْهِمْ طُرُقَ حِلْمِكَ وَغَاطَفَتِكَ،

خودشان درهای رحمت تو را و تاریک نموده باشی بر ایشان راههای بردباری خود را و شفت خود را

و شَهَرْتَهُمْ فِي الْقِيَامَةِ بِفَضَائِحِ مَعْصِيَتِكَ، وَ سَمَتَ جَبَاهَهُمْ

و مشهور کرده باشی ایشان را در روز قیامت به رسوائی‌های نافرمان برداریت و داغ کرده باشی پیشانی‌های ایشان را

بِغَضَبِكَ وَ نِقْمَتِكَ. اَللّٰهُمَّ وَ اِنَّكَ قَدْ نَسَبْتَنَا اِلَيْكَ، وَ سَمَتْنَا بِكَ، وَ

به غضب خود و عقوبت خود خداوند را به درستی که تو منسوب ساختی ما را به سوی خود و علامت گذاردی ما را به خودت و

عَلَّقْتَنَا عَلَيْكَ، وَ وَجَدْنَا عُقُولَنَا الدَّالَّةَ لَنَا بِكَ عَلَيْكَ، وَ قُلُوبَنَا

مستعلق گردانیدی ما را بر خودت و یافتیم ما عقولهای خود را که دلالت کنند ما را برای ما به سبب تو بر تو و دلهای خود را

الْهَادِيَةَ لَنَا بِكَ اِلَيْكَ، شَاهِدَةً اَنَّ مِنْ كَمَالِ صِفَاتِ الْمُلُوكِ اَنَّ

که راه نمایند برای ما به سبب تو به سبب تو گواهی دهند ما را بر آن که از تمام بودن صفات‌های پادشاهان آن است که

يَغَارُوا عَلَى مَنْ وَسَمُوهُ بِأَبْوَابِهِمْ، وَ نَسَبُوهُ اِلَى جَنَابِهِمْ، وَ

حمیت نمایند بر کسی که نشان کرده باشند او را به ملازمت درهای خانه خود و منسوب ساخته باشند او را به جناب خودشان و

عَلَّقُوهُ عَلَيْهِمْ، وَ اِنْ لَمْ يَكُنْ مَرْضِيًّا لَدَيْهِمْ، وَ اَنْتَ يَا رَبِّ اَحَقُّ

بسته باشند او را بر خودشان و هر چند نباشد آن‌کس پسندیده در نزد ایشان و تو ای پروردگار من سزاوارتری

بِأَكْمَلِ صِفَاتِ الْمُؤَصِّفِينَ، وَ اَحَقُّ بِالْغِيَرَةِ مِنَ الْمُلُوكِ

به تمامترین صفتهای دانستگان و سزاوارتری به غیرت داشتن از پادشاهان

الْمُسْتَضَعْفِينَ، وَ اَنْتَ عَلَّمْتَهُمُ الْغِيَرَةَ الْمُوَافِقَةَ لِمُرَادِكَ يَا اَقْدَرَ

که ضعیف و ناتوانند و تو تعلیم کرده‌ای به ایشان غیرت داشتن را که موافق است با مراد تو ای قدرتمندترین

الْقَادِرِينَ، وَ قَدْ عَرَفْتَ يَا رَبِّ اَنَّ الَّذِينَ تَعَادُونَا ظُلْمًا اَعْدَاءُ لَكَ وَ

قدرت‌دارندگان و دانسته‌ای ای پروردگار من آن که آن جماعتی که دشمنی کرده‌اند با ما از روی ظلم و ستم دشمنانند برای تو

لِعِزَّتِكَ، وَ مُهَوِّنُونَ بِكَ وَ بِخَاصَّتِكَ، فَاِمَا تَغْضَبُ وَ تَنْتَقِمُ

برای حمیت تو و خفت رساننده‌اند به دین تو و به دوست مخصوص تو پس این است که یا غضب می‌نمائی و انتقام می‌گیری

لِعِزَّتِكَ وَ جَلَالَتِكَ، اَوْ لِخَاصَّتِكَ وَ اَهْلِ حِمَايَتِكَ، اَوْ لِمَنْ عُلِّقَتْهُ

از جهت عزت خود و بزرگی خود یا از جهت دوست و مخصوص خود و اهل حمایت خود یا از جهت کسی که بسته‌ای او را

عَلَى أَبْوَابِ رَحْمَتِكَ وَ هَيْبَتِكَ، وَ تَفْتَحُ عَلَيْهِمْ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ مَا

بر درهای رحمت خود و هیبت و ترس خود و می‌گشایی بر روی ایشان در این ساعت آنچه را که

دعاهای عافیت از ائمه

فَتَحَوُّهُ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْإِضَاعَةِ لِلطَّاعَةِ مِنْ اسْتِحْقَاقِ الْمَصَائِبِ

خودگشودند آنرا بر نفسهای خودشان به سبب ضایع کردن ایشان مر فرما تمبردار را از سزاوار بودن ایشان مر معصیت های

الْهَائِلَةِ، وَ النَّوَائِبِ الدَّاهِلَةِ مَا يَشْغَلُهُمْ عَنْ أَذِيَّةٍ مَنْ هُوَ أَهَمُّ مِنَّا

ترسناکرا و بلاهای به غفلت اندازهای مدحوش کننده آنقدر که مشغول گرداند ایشان را از آزار رسانیدن به کسی که او بهتر است از ما

عِنْدَ سُلْطَانِكَ وَ عَنْ أَذِيَّتِنَا، وَ تَقْوُدُهُمْ طَوْعاً وَ كَرْهاً إِلَى

نزد پادشاهیت و از آزار رسانیدن به ما و می کشی ایشان را از روی اطاعت و از روی ناخوشی به سوی

مَصْلَحَتِهِ وَ مَصْلَحَتِنَا، وَاجِمِينَ نَادِمِينَ مَغْلُولِينَ مَخْذُولِينَ

مصلحت آن کس و به سوی مصلحت مادر حالی که باشند ایشان اندوهناکان و بشیماتان و غل کرده شدگان خوار و ذلیل

مَكْسُورِينَ مَقْهُورِينَ، وَ عَرَفْنَا قَدْرَ النِّعْمَةِ عَلَيْنَا بِتَعْجِيلِ

و باشند شکسته شدگان و مغلوب گردیده شدگان و بشناسان به ما قدر نعمت خود را بر ما به شتاب نمودن در

إِجَابَتِكَ وَ تَكْمِيلِ رَحْمَتِكَ، وَ أَوْزَعْنَا شُكْرَ ذَلِكَ بِحَوْلِكَ وَ

اجابت و تمام کردن رحمت خود را و الهام کن به ما الهام کن به ما شکر گذاری این را به قدرت تو و

قُوَّتِكَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ، وَ يَا صَاحِبَ الْوَعْدِ بِإِجَابَةِ الدَّاعِينَ،

قوت تو ای بهترین یاری کنندگان و ای صاحب وعده ها به بر آوردن حاجت دعا کنندگان

وَ مَنْ مَدَحَ نَفْسَهُ الْمُقَدَّسَةَ بِصَرْفِ السُّوَاءِ عَنِ الْمَظْلُومِينَ، وَ

و ای بهترین کسی که ستایش کرده است نفس پاکیزه خود را به بر طرف کردن بدی و مکر و همار ستم رسیدگان و

اخْفَظْ فِينَا وَصِيَّتَكَ وَ وَصِيَّةَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ عِثْرَتِهِ

نگاه دار در ما سفارش خود را و وصیت بهترین پیغمبران و ذریعه او را

الطَّاهِرِينَ، وَ اخْفَظْنَا بِمَا حَفِظْتَ بِهِ كَنْزَ أَصْحَابِ الْجِدَارِ لِأَجْلِ

که پاکتند و نگاه دار ما را به آنچه نگاه داشته ای به آن گنج صاحبان دیوار را از جهت کسی که

مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ مِنْ سَلَفِهِمُ الصَّالِحِينَ، فَقَدْ عَرَضْنَا حَاجَتَنَا عَلَى

نگاه داشته ای آن را به سبب او از جماعت پیشینیان که صالح بودند که عرض کرده ایم حاجتهای خود را بر

أَبْوَابِكَ بِيَدِ نَوَائِبِكَ، وَ نَحْنُ الضُّعَفَاءُ الْمُتَرَقِّبُونَ لِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنْ

درهای رحمت تو به دست نایبان و جانشینان تو و ما نایم ناتوانان امیدواران مر آنچه را که تو سزاواری به آن از

جَوَابِكَ، وَ أَنْتَ أَزَحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا

به جواب رسانیدن تو آنها را و تو رحم کننده ترین رحم کنندگان و بخشنده ترین بخشندگانی و همه ستایش برای خداست تو

أَنْتَ أَهْلُهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

سزاوار آنی ای پروردگار عالمان.

علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد بن طاووس رحمه الله مصنف این کتاب «مهج

الدعوات و منهج العنايةات» می گوید: من به سوی کسی متوسل هستم که مشکل و

دعاهای عافیت از ائمه

عظیم نیست نزد او بخشیدن گناهانم و پوشیدن عیبهایم و گذشتن از لغزشهایم و چشمپوشی از خطاهایم و برطرف کردن اندوههایم، به سبب همه آنچه در این کتاب ذکر کردم از وسیله‌هایی که مطلبها را برآورند.

امیدوارم خدای تعالی من قبول کند از من آنچه را که از او سؤال نموده‌ام و از زبان حال من بگرداند کسی را که خدا او را مناجات کند به چیزی که از او طلب کرده‌ام، با وجود آن که جود و کرم خدا همیشه و باقی است. و ستایش می‌کنیم همه حمد کنندگان خدا را به آنچه سزاوار ستایش اوست و طلب رحمت می‌کنیم از خدا بر بهترین بندگان او که محمد ﷺ است و بر اولاد او ﷺ که راهنمایان دین خدا و احکام آن هستند.

خواص آب نیشان

سید بن طاووس ﷺ گوید: من حدیثی را در کتاب «زادالعابدین» تألیف حسین بن ابی الحسن بن خلف کاشغری ملقب به فضل، درباره آب نیشان دیدم و آن این است: مروی از ابوالفتح است که گفت: به ما خبر داد ابوبکر محمد بن عبدالله خشابی بلخی از ابونصر محمد بن احمد بن محمد حریری و او گفت که روایت نموده به ما ابونصر عبدالله بن عباس بلخی، از احمد بن اجید و او گفته: به ما حدیث نمود عیسی بن هارون، از محمد بن جعفر، از عبدالله بن عمر و او گفت: به ما حدیث نمود نافع از، ابن عمر که گفت: روزی نشسته بودیم که بر ما حضرت رسول خدا ﷺ داخل شدند و بر ما سلام کردند. چون جواب سلام دادیم، فرمودند: آیا می‌خواهید که شمارا دوائی تعلیم کنم که آن را به من جبرئیل ﷺ تعلیم کرده است که دیگر به دوائی طبیبان احتیاج نشود؟ حضرت امیرالمؤمنین علی ﷺ و سلمان ﷺ و جمعی دیگر از اصحاب گفتند: یا رسول الله آن دوا کدام است؟

آن حضرت روی به جانب امیرالمؤمنین ﷺ کردند و فرمودند: قدری از آب باران نیشان را جمع کن و بر آن سوره «فاتحه الكتاب» و «آیه الكرسي» و سوره «توحید» و سوره «فلق» و سوره «ناس» و سوره «کافرون» هر یک را هفتاد مرتبه بخوان.

در روایتی دیگر از پیغمبر اکرم ﷺ منقول است که در آن این زیادتى است: بر آب باران نیشان سوره «قدر» را هفتاد مرتبه و «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و «اللهم صل على محمد و آل محمد» هر یک را هفتاد مرتبه بخوان.

به روایت اول رجوع می‌کنیم و می‌گوییم: رسول ﷺ فرمودند: از آن آب در هر صبح و شام تا هفت روز پی در پی بنوش، قسم به کسی که مرا به راستی فرستاده آن که

دعاهای عافیت از انقه

جبرئیل علیه السلام گفت: به درستی که خدای تعالی برطرف می‌کند از کسی که از این آب بیاشامد، تمام مرض‌ها را که در جسد او باشد و او را از همه دردها به سلامت می‌دارد و از رگهای او و استخوان او و از همه اعضای او، مرض را بیرون می‌آورد و از لوح محفوظ بیماری او را محو می‌کند.

و سوگند به کسی که مرا به راستی به پیغمبری فرستاده آن که هر کس که او را فرزندی نبوده باشد و دوست داشته باشد آن که برای او فرزندی به هم رسد، از این آب بیاشامد، خدای تعالی برای او فرزندی عطامی‌کند.

و اگر زنی عقیم باشد و از برای او فرزندی نشود و از این آب بنوشد، خدای تعالی به او فرزندی عطا کند.

و اگر مرد عینین باشد و قادر بر مقاربت کردن با زنان نباشد و از این آب بخورد، خدای تعالی از او این سستی و مرض را برطرف می‌کند و بر مجامعت قادر می‌شود.

و اگر زنی خواهد به پسری آبستن شود و این آب را بیاشامد، به آن حامله می‌شود. و همچنین اگر دختری را خواهد و به آن آبستن می‌شود و تصدیق این معنی در قرآن مجید واقع شده: «يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ أُنثًا، وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكُورَ، وَ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ أُنثَاءً، وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا».

«و می‌بخشد خدای تعالی برای کسی که می‌خواهد دختر را و می‌بخشد به هر کس که می‌خواهد پسر را و تزویج می‌کند آنها را به پسران و دختران و می‌گرداند هر شخصی که خواهد عقیم و بی‌فرزند».

و اگر شخصی درد سر «میگرن» داشته باشد و از این آب بخورد، درد سر او به اذن خدا ساکن می‌گردد.

و اگر درد چشم داشته باشد و قطره‌ای از این آب در چشم خود بچکاند و قدری از این بخورد و بیرون چشم خود را بشوید، مرض آن به اذن خدا برطرف می‌شود.

و این آب نیشان بیخ دندان‌ها را محکم می‌کند و دهان را خوشبوی می‌کند و ریزش آب دهان و بلغم را برطرف می‌کند و او را باد ناخوش آزار نمی‌رساند و مفلوج نگردد و درد شکم و درد کمر به او نرسد و مرض زکام و درد دندان نبیند و مرض معده و کرم روده و قولنج به او نرسد و محتاج به حجامت نشود و مرض بواسیر و خوارش بدن نبیند و از آبله و دیوانگی و مرض خوره و پیسی نجات می‌یابد و به او بیماری خون آمدن از بینی و برگردانیدن طعام هضم نشده نرسد، و نه کوری و نه گنگی و نه لکنت زبان و نه زمین‌گیری و آب سیاه در چشم او ظاهر نگردد و به او هیچ دردی نرسد و او را شکی عارض نشود که نماز و روزه او باطل شود و از وسوسه شیطان و جن ایمن گردد به برکت

دعاهای عافیت از انفعه

آشامیدن این آب.

آنگاه پیغمبر ﷺ فرمودند: جبرئیل علیه السلام گفت: هر کس از این آب بیاشامد و او را همه دردها و آزاری که به انسان می‌رسد، باشد، از همه آنها شفا می‌یابد.

من گفتم: ای جبرئیل، آیا این آب نفع می‌کند در غیر این آزارهایی که تو آنها را گفتی؟ جبرئیل گفت: به حق آن کسی که تو را به راستی به پیغمبری فرستاده، هر کس این آیات را به این آب بخواند، خدای تعالی دل او را از نور و روشنی پر می‌گرداند و الهام را در دل او می‌اندازد و حکمت را به زبان او ظاهر می‌سازد و دل او را از فهم و دانش پر می‌کند به آنچه مثل آن را به هیچ احدی از مردم نداده باشد و خدای تعالی برای او هزار آمرزش و هزار رحمت می‌فرستد و از دل او غش و خیانت را و غیبت و حسد را و ظلم و تکبر را و بخل و حرص را و خشم و دشمنی را و سخن چینی و فساد کردن در میان مردم را بیرون می‌کند و این آب، شفا از هر درد و مرض است.

شرایط استجابت دعا

سید بن طاووس رحمه الله گوید: بدان و آگاه باش که اسباب و شرائط استجابت دعا، بسیار است و بعضی از آنها را ما در جزو اول از کتاب «مهمات» ذکر کرده‌ایم و تنبیه بر آنها به دلایل عقلی و نقلی نموده‌ایم، باید در تحصیل و به جای آوردن آن شرائط سهل انگاری نشود، از جهت آن که مبادا هرگاه دعائی بخوانی و در اجابت تأخیری شود، شیطان تو را وسوسه کند و به خیالت اندازد که نعوذ بالله خدای تعالی وعده خود را خلاف کرده است و ما در این کتاب نیز قدری از شرائط دعا را یاد آوری می‌کنیم.

● از جمله شرائط دعا آن است که باید در وقت دعا خواندن، دل خواننده دعا متوجه به خدای عز و جل باشد. و در خواستن حاجتهای خود همچنان که در طلب خواهشهای دنیوی که اکثر آنها ضرر دنیوی و اخروی است، کمال توجه و اهتمام دارد، باید در وقت خواندن دعا نیز کمال توجه را داشته باشد.

● ● چون جهت درخواست مطلبی دست به دعا بر می‌داری، باید که امید و تعظیم تو خدای تعالی را زیاده‌تر باشد از آن که دست به سوی خوردن طعامی یا آشامیدن آبی دراز می‌کنی. زیرا که دست دراز کردن به سوی پروردگار جهت خواستن نعمتها و ثوابهای اخروی، اهم و عظیم‌تر و پرفایده‌تر است از دست دراز کردن به سوی طعامها و نعمتهای دنیوی. باید که عقل خود را و دل خود را حاضر سازی از برای دراز نمودن دست خود، به قدر تعظیم آن کسی که تو دست خود را به نزد او بلند نموده‌ای و هر

دعاهای عافیت از ائمه

آنگاه که در تعظیم و اجلال خدای تعالی نقصان نمائی، به خدا قسم امید استجابت دعا نخواهی داشت و حال آن که تو در کردار و گفتارت سهل انگاری نموده‌ای. آیا شخصی را دیده‌ای که به سبب نافرمانی، مقرب پادشاهی شود؟! آیا سؤال کننده‌ای را دیده‌ای که به خاطر بی ادبی، نزدیک شود به کسی که از او سؤال می‌کند؟!

❁ اوقات استجابت دعا ❁

سیدبن طاووس رحمه الله گوید: به سندهای معتبر منقول است: از جمله اوقات استجابت دعا، وقت زوال آفتاب از دائرة نصف النهار است. از جمله اوقات استجابت دعا، هنگام شنیدن صدای اذان برای نماز است. از جمله اوقات استجابت دعا، ساعت اول از روز جمعه، و ساعت آخر روز جمعه است. از جمله اوقات استجابت دعا، ثلث آخر شب که آن را سهر گویند. از جمله اوقات استجابت دعا، تمام شب جمعه است. از جمله اوقات استجابت دعا، هنگام آمدن باران است. از جمله اوقات استجابت دعا، بعد از هر نماز واجب است. از جمله اوقات استجابت دعا، بعد از نماز عشا است، آنگاه که به سجده رود. از جمله اوقات استجابت دعا، هنگام گریه و تضرع و زاری است. از جمله اوقات استجابت دعا، وقتی که آفتاب به قدر یک نیزه مانده تا به ظهر برسد. سیدبن طاووس رحمه الله گوید: لازم به تذکر است که بعضی از این اوقات، روایت دارد و بعضی از اینها به تجربه ثابت شده است.

❁ استجابت دعا و نفرین در ماههای عربی ❁

سیدبن طاووس رحمه الله گوید: چهار ماه است که آنها را ماههای حرام گویند: «ذی قعدة الحرام و ذی حجة الحرام و محرم الحرام و رجب المرجب» که در آنها دعا و نفرین بر ظالم بزودی به اجابت می‌رسد. سیدبن طاووس رحمه الله گوید: روایتی در کتاب تألیف محمدبن حبیب دیدم که ظاهر می‌شد که از جمله این چهار ماه دو ماه «ذی قعدة و رجب المرجب» سزاوارتر است از برای استجابت نفرین بر ظالم از دو ماه دیگر.

دعاهای عافیت از ائمه

به این مضمون چندین روایت دیگر دیده‌ام که در زمان جاهلیت و در زمان صدر اسلام جهت دفع دشمن، در این دو ماه دعا و نفرین می‌کردند.

❁ اوقات استجابت دعا در طول سال ❁

یکی از اوقات استجابت دعا در هر سال، شب قدر است که عبارت است از: شب نوزدهم و شب بیست و یکم و شب بیست و سوم ماه رمضان المبارک. خصوصاً اگر چنانچه کسی به شب قدر به عینه علم و یقین داشته باشد و اگر علم و یقین نداشته باشد، از نظر احادیث فضیلت شب بیست و سوم بیشتر است و از برای اجابت دعاها این شب راجحتر است.

از جمله استجابت دعا، روزهای این شب هاست. یعنی روز نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان.

از جمله استجابت دعا، روز مولود پیغمبر ﷺ است که هفدهم ماه ربیع الاول است. از جمله استجابت دعا، شب مبعث پیغمبر اکرم ﷺ که شب بیست و هفتم ماه رجب است.

از جمله استجابت دعا، در شب و روز سه عید بسیار بزرگ است: «عید غدیر، عید رمضان و عید قربان».

از جمله استجابت دعا، شب اول ماه مبارک رجب، و به روایتی دیگر تمام شبهای ماه رجب است.

از جمله استجابت دعا، روز نیمه رجب و شب آن و روز نیمه شعبان و شب آن است. و باقی اوقات را در چند موضع از کتاب «مهمات» در صلاح متعبد و تتمات از برای مصباح متعبد ذکر نموده‌ایم.

❁ اوصاف دعاکنندگان ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: بعضی از صفات دعاکنندگان را در جزو اول از کتاب «مهمات» که از ائمه علیهم السلام منقول است، به روایتهای مختلف ذکر کرده‌ام. و صفت‌هایی در این کتاب نیز بر سبیل اجمال ذکر می‌کنیم.

هرگاه دعاکننده چیزی را از خدای تعالی اراده داشته باشد، باید که در وقت دعا خواندن دو دست خود را بگشاید و کف دستهای خود را به جانب آسمان بلند کند.

دعاهای عافیت از انقه

و هرگاه خواهد که از جهت ترس از عذاب آخرت، دعائی بخواند، کف دست خود را به جانب زمین بگرداند و پشت دستهای خود را به طرف آسمان کند.
و اگر دعا جهت تضرع و زاری باشد، انگشتان خود را به چپ و راست حرکت دهد و کف دستهای خود را به جانب آسمان کند.
و هرگاه خواهد دعای انقطاع از خلاق و توسل به جناب اقدس الهی را بخواند، انگشتان خود را بلند کند و مرتبه دیگر ببندد.
و اگر خواهد که دعا بر دشمنان کند و ایشان را نفرین و لعن کند، دستهای خود را برابر روی خود بلند کند و گریه کند، آن گاه دعا خواند و اظهار عجز و ناتوانی خود نماید، و سپس دست راست خود را بر دوش چپ و دست چپ را بر دوش راست خود، بعنوان عجز و ناتوانی بگذارد.

❁ شرائط دعا کردن ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از جمله شرایط دعا کردن آن است که، اول ابتدا به حمد و ستایش خدای تعالی و صلوات بر محمد و بر خاندانش علیهم السلام کند سپس حاجت خود را نام برده، از جانب اقدس الهی درخواست نماید.
دیگر آن که دعا کننده باید که بداند که دعا کردن و زاری نمودن در خلوت و پنهانی بهتر از دعا با صدای بلند و آشکار و در میان مردم است.
از جمله صفات دعا کننده آن است که دل دعا کننده از یاد خدای تعالی و نعمتهای دنیوی و اخروی او و ترس عقوبتها و عذابهای دنیوی و اخروی، غافل نباشد و به فکرها و خیالات نامشروع و وسوسه های شیطانی مشغول نگردد.
از جمله صفات دعا کننده آن است که خوراک و پوشاک او از حلال باشد نه از حرام.
از جمله صفات دعا کننده آن است که بریء الذمه و پاک از حقوق الناس و از ظلم و ستم بر بندگان خدای تعالی، باشد.
از جمله صفات دعا کننده آن است که راضی به ظلم ظالم نباشد، هرچند او را در آن ظلم دخلی نباشد.
از جمله صفات دعا کننده آن است که متکبر نباشد، بلکه پرهیزگار و با نیت صادق و درستکار باشد.
از جمله صفات دعا کننده آن است که، دعا جهت رفع ظلم نکند در حالیکه خود به دیگری ظلم کرده باشد.

دعاهای عافیت از انقه

از جمله صفات دعا کننده آن است که، بعد از دعا مرتکب گناه نشود، تا دعای او مستجاب شود.

از جمله شرایط استجاب دعا آن است که، اولاً از همه گناهان توبه و استغفار نماید و در کمال صلاح و سداد و راستگو باشد.

از جمله صفات دعا کننده آن است که، دعا در قطع صله رحم نکند.

از جمله شرائط استجاب دعا آن است که، دعا در حق دوست خود به حسب دوستی دنیا نباشد. زیرا در حدیث وارد شده که پیغمبر خدا ﷺ از خدای خود مسئلت نموده اند که دعای دوستی را که دوستی ایشان از جهت غرض دنیوی باشد، در حق دوستی دیگر مستجاب نگرداند.

از جمله شرائط استجاب دعا آن است که، نفرین بر اهل عراق نکند.

سید بن طاووس رحمته الله علیه گوید: در کتاب «تحمیل» در ترجمه محمد بن احمد بن حاتم، روایتی مذکور است که خدای تعالی حضرت ابراهیم علیه السلام را از نفرین کردن بر اهل عراق نهی فرمودند و سبب آن در آن روایت مذکور است ولیکن از جهت اختصار ترک نمودیم.

از جمله شرائط دعا کننده آن است که، دعا کننده طعام خود را از حرام و از مال شبهه به حرام پاک سازد، هرگاه خواهد که دعایش مستجاب گردد.

از جمله شرایط استجاب دعا آن است که، دعا کننده انگشتی در دست داشته باشد که نگین آن فیروزه باشد.

زیرا که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرمودند: از پیغمبر خدا ﷺ مروی است که خدای تعالی فرموده اند: من حیا می کنم از بنده ای که دست خود را به سوی من بلند کند و حال آن که در دست او انگشتی باشد که نگین آن فیروزه باشد، آن دست را ناامید برگرداند.

دیگر از شرایط دعا کننده آن است که، در دست او انگشتی باشد که نگین آن عقیق باشد.

زیرا از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرمودند: دستی به خدای عز و جل برداشته و بلند نمی شود که دوست تر باشد از دستی که در آن انگشتی باشد که نگین آن عقیق باشد.

سید بن طاووس رحمته الله علیه گوید: آنچه ما در این کتاب از شرائط دعا و اوصاف دعا کننده ذکر کردیم، امید هست که او را از زیاده بر این غنی سازد و این است آخر آنچه اراده داشتیم که در کتاب «مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ وَ مِنْهَجُ الْعَنایَاتِ» گفته آید.

دعاهای عافیت از انقہ ﷺ

سپاس خدای یکتارا است در اوّل و آخر و ظاهر و باطن، و درود خدا بر سید ما محمّد پیامبر اکرم ﷺ و خاندان پاکش ﷺ باد. کتاب به یاری خدای وهاب پایان یافت.

❁ یاد آوری مهم ❁

سید بن طاووس رحمۃ اللہ علیہ گوید: در وقت تألیف این کتاب، خودم نسخه برداری نکردم و آنرا ننوشتیم، بلکه دعاها را از کتابها دیگر علامت گزاری کردم و به کاتب دادم که آنها را به حسب فهم و قابلیت خود بنویسد و این از بسیاری عجله بود که داشتم. اگر در دعاها غلطی یا سهوی بسیار یا اندک بوده باشد از زیادتی سرعت و تعجیل خواهد بود.

حمد از برای خداست که بندگان خود را راهنمایی کرده و ایشان را به مراد خود رسانده و به نعمتهای خود انعام کرده و نیکبخت گردانیده است. رحمت خدا بر بهترین بندگان که محمّد رسول اوست باد و بر پاکیزگان از اولاد او و ذریه او، خدا ما را کافی است و او نیکو و کیلی است.

پایان متن کتاب

دعاهای مصنف

دعاهای مصنف در پشت کتاب

صورت خط مصنف کتاب، سیدبن طاووس را، که در آخر کتاب نوشته: از تألیف این کتاب سیدبن طاووس (که خدای تعالی روح او را پاکیزه گرداند) در روز جمعه هفتم جمادی الاولی از سنه ششصد و شصت و دو (۶۶۲) فارغ شد. منقول است که فوت او در بغداد در سحر شب دوشنبه پنجم ماه ذیقعدة الحرام سنه ششصد و شصت و چهار (۶۶۴) از هجرت بوده است.

دعای شخص نابینا

مروی است که شخصی هر دو چشمش نابینا شده بود. در خواب شخصی را دید که به او می گوید: این کلمات را بخوان تا خداوند نور چشمانت را برگرداند:

يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، يَا لَطِيفاً لِّمَا يَشَاءُ، رُدُّ إِلَيَّ

ای نزدیک ای برآورنده حاجتها ای شنونده دعاها ای دانا و کننده مر آنچه را که خواهد برگردان به سوی من نور

بَصْرِي.

چشم مرا.

دعای ادای دین

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، اقْضِ عَنِّي دَيْنِي.

ای صاحب بزرگی و بزرگوئی به حرمت ذات بخشنده خود ادا کن از من قرض مرا.

دعای هلاکت دشمن

اَللّٰهُمَّ بِالشَّرِّ عَمَّا، وَلِئَمَّه بِالْشَّرِّ لَمَّا، وَطُمَّه بِالْشَّرِّ طَمَّا، وَقُمَّه

خداوند! بیوشان او را به شر خودش پوشانیدنی و عقوبت کن او را به بدی عقوبت کردنی و هلاک کن او را به سبب شر هلاک کردنی و بر سر او بزن

بِالشَّرِّ قَمًّا، وَأَطْرِقَهُ بِلَيْلَةٍ لِأُخْتٍ لَهَا، وَسَاعَةٍ لَا مَنَجَ لَهُ مِنْهَا.

شر از دنی و هلاک کن او را در شبی که نباشد مثلی برای آن شب و در ساعتی که نباشد خلاصی برای او در این ساعت.

دعاهای مصنف

دعای حضرت یوسف

مروی است چون حضرت یوسف را برادرانش داخل چاه گذاشته و رفتند، چون از حیات خود مأیوس شد، این دعا را خواند و نجات یافت:

اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ الذُّنُوبُ وَالْخَطَايَا اَخْلَفَتْ وَجْهِيْ عِنْدَكَ، فَلَنْ يَرْفَعَ
 خداوند! اگر چه هستند گناهان من و معصیتهای من آن که کهنه گرداند روی مرا در نزد تو پس بایست که بلند نشود
 لِيْ اِلَيْكَ صَوْتًا وَلَنْ يَسْتَجِيْبَ لِيْ دَعْوَةٌ، فَاِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِكَ لَيْسَ
 برای من به سبوت آوازی و برآورده نشود برای من دعائی. من سؤال می‌کنم ترا
 كَمِثْلِكَ شَيْءٌ، وَ اَتَوَجَّهُ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، اَنْ
 نیست مثل تو چیزی و روی می‌آورم به محمد که بنده تو و پیغمبر توست پیغمبر رحمت است آنکه
 تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.
 رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد.

دعای حضرت یعقوب

دعای حضرت یعقوب: مروی است که جبرئیل بر حضرت یعقوب نازل شد و گفت می‌خواهی که خدای تعالی به تو پسر تورا برگرداند؟ حضرت یعقوب گفت: بلی. جبرئیل گفت: بعد از هر نماز، دست خود را به دعا بردار و این کلمات را بگو:

يَا ذَا الْمَعْرِوْفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ اَبَدًا، وَيَا ذَا النِّعْمَاءِ الَّتِي لَا تُخْصِي
 ای صاحب احسان که بریده نمی‌شود احسان تو هرگز و ای صاحب نعمتهایی که شمرده نمی‌شود
 عَدَدًا، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.
 به شمارهای رحمت فرست بر محمد و آل محمد.

سپس حاجت خود را مسئلت نمای.

دعای حضرت علی قبل از خواب

مروی است که حضرت امیرالمؤمنین در هر شب قبل از خوابیدن، بیرون می‌آمدند و در زیر آسمان، سه مرتبه این دعا را می‌خواندند:

دعاهای مصنف علیه السلام

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ قَدْ اِکْتَفَيْتُ بِعِلْمِکَ مِنَ الْمَقَالِ، وَ بِکَرَمِکَ عَنِ السُّؤَالِ،

خداوند! به درستی که اکتفا کردم به علمت از گفتار و به کرم تو از سؤال کردن

اَنْتَ ثِقَتِیْ وَ رَجَائِیْ وَ عَلَیْکَ مُعَوَّلِی، اِفْعَلْ بِیْ مَا تَشَاءُ. اَللّٰهُمَّ

توئی اعتماد من و امید من و بر توست تکیه من بکن به من آنچه را که می خواهی. خداوند!

اَتَيْتُکَ زَائِراً مُّتَعَرِّضاً لِمَعْرُوفِکَ، فَاتِنِیْ مِنْ مَّعْرُوفِکَ مَعْرُوفاً

آمدم تو را در حالی که زیارت کنندم در حالی که خواهاتم احسان تو را پس بده از احسانت احسانی را که

تُغْنِیْنِیْ عَنْ مَّعْرُوفٍ مِنْ سِوَاکَ، یَا مَعْرُوفاً بِالْمَعْرُوفِ. اَللّٰهُمَّ

غنی منی گردانید مرا از احسان دیگران، ای شناخته شده به نیکی. خداوند!

عَافِنِیْ اَبَدًا مَا اُبْقِیْتُنِیْ، وَ اغْفِرْ لِیْ اِذَا تَوَفَّیْتُنِیْ، بِمَنْکَ

به سلامت دار همیشه مادام که باقی گذاری. و ببامرز مرا هرگاه بمیرانی، به منت خود

یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ.

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.



دعای حضرت علی علیه السلام



حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به پسر خود حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: پسر ما این

چهار کلمه را زیاد بخوان، در این چهار کلمه، مفاهیم اکثر دعاها مندرج است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُحْمَدُکَ عَلٰی کُلِّ نِعْمَةٍ، وَ اَسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ، وَ

خداوند! ستایش می کنم تو را بر هر نعمتی، و طلب آمرزش می کنم تو را از هر گناهی، و

اَسْئَلُکَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ، وَ اَسْتَعِیْذُ بِکَ مِنْ کُلِّ بَلَاءٍ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ

سؤال می کنم تو را از هر نیکی، و پناه می برم به تو از هر بلایی، و نیست قدرتی و نه توانایی

اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ.

مگر به خدا که او بلند مرتبه و بزرگ است.

سخن مترجم کتاب

سخن مترجم کتاب

کتابت و ترجمه و تصحیح کتاب «مهج الدعوات و منهج العنايات» بر يد حقير بى بضاعت و گم گشته وادى حيرت و ضلالت، به اتمام انجاميد.

الفقير المحتاج إلى ربه الغني، ابن علي بن علقمقي، «محمد تقي طبسي»، عفى الله تعالى عن جرأئيمها، بحق النبي المطلق، والولي المطلق، والحمد لله رب العالمين، والصلوة على خير خليقة محمد وآله أجمعين الطاهرين.

في يوم الجمعة، ١١ شهر رجب المرجب، سنة (١١١٧).

ستبقى خطوطى بزهة بعد موتى ألا أنها تبقى و تفتنى أنا ملى

البته باقى مى ماند نوشته هايم بعد از مرگم آگاه باشى كه آنها باقى مى ماند و فتنى مى شود انگشترانم.

پایان کتاب شریف «مهج الدعوات و منهج العنايات»

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
حرزهای پیغمبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام	
حرزهای پیغمبر اکرم ﷺ.....	۹
حرز اول پیغمبر اکرم ﷺ.....	۹
حرز دوم پیغمبر اکرم ﷺ.....	۹
حرز سوم پیغمبر اکرم ﷺ.....	۱۰
حرز بالا به روایتی دیگر.....	۱۱
حرز حضرت خدیجه علیها السلام.....	۱۲
حرزهای حضرت فاطمه علیها السلام.....	۱۲
حرز اول حضرت فاطمه علیها السلام.....	۱۲
حرز دوم حضرت فاطمه علیها السلام.....	۱۳
حرزهای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام.....	۱۶
حرز اول حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام.....	۱۶
حرز دوم حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام.....	۱۷
حرز سوم حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام.....	۱۸
حرز امام حسن و امام حسین علیهم السلام.....	۱۹
حرز حضرت امام حسن علیهما السلام.....	۲۰
حرز حضرت امام حسین علیهما السلام.....	۲۱
حرزهای حضرت زین العابدین علیهما السلام.....	۲۱
حرز اول حضرت زین العابدین علیهما السلام.....	۲۱
حرز دوم حضرت زین العابدین علیهما السلام.....	۲۹
حرز سوم حضرت زین العابدین علیهما السلام.....	۳۱

فهرست مطالب

۳۲	حرزهای امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۳۲	حرز اول امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۳۴	حرز دوم امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۳۵	حرزهای امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۳۵	حرز اول حضرت امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۴۴	حرز دوم حضرت امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۴۵	حرزهای امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
۴۵	حرز اول حضرت امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
۵۲	حرز دوم حضرت امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
۵۵	حرز سوم حضرت امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
۵۵	حرز چهارم حضرت امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
۶۲	حرز پنجم حضرت امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
۶۳	حرزهای حضرت امام رضا <small>علیه السلام</small>
۶۳	حرز اول حضرت امام رضا <small>علیه السلام</small>
۶۵	حرز بالا به روایتی دیگر
۶۷	حرز دوم حضرت امام رضا <small>علیه السلام</small>
۶۸	حرزهای امام جواد <small>علیه السلام</small>
۶۸	حرز اول حضرت امام جواد <small>علیه السلام</small>
۷۸	حرز دوم حضرت امام جواد <small>علیه السلام</small>
۷۸	حرزهای امام علی النقی <small>علیه السلام</small>
۷۸	حرز اول حضرت امام علی النقی <small>علیه السلام</small>
۸۲	حرز دوم حضرت امام علی النقی <small>علیه السلام</small>
۸۲	حرزهای امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۸۲	حرز اول حضرت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۸۳	حرز دوم حضرت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۸۴	حرز مولای ما حضرت قائم <small>علیه السلام</small>

قنوت‌های ائمه اطهار علیهم السلام

۸۶	سندهای قنوت‌های ائمه <small>علیهم السلام</small>
----	-------	--

فهرست مطالب

۸۷	قنوت‌های حضرت امام حسن <small>علیه السلام</small>
۸۷	قنوت اول حضرت امام حسن <small>علیه السلام</small>
۸۹	قنوت دوم حضرت امام حسن <small>علیه السلام</small>
۹۰	قنوت‌های حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small>
۹۰	قنوت اول حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small>
۹۱	قنوت دوم حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small>
۹۲	قنوت‌های امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>
۹۲	قنوت اول حضرت امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>
۹۴	قنوت دوم حضرت امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>
۹۵	قنوت‌های امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۹۵	قنوت اول حضرت امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۹۶	قنوت دوم حضرت امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۹۸	قنوت‌های امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۹۸	قنوت اول حضرت امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۱۰۰	قنوت دوم حضرت امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۱۰۱	قنوت‌های امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
۱۰۱	قنوت اول حضرت امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
۱۰۳	قنوت دوم حضرت امام موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
۱۰۹	قنوت حضرت امام رضا <small>علیه السلام</small>
۱۱۰	قنوت‌های حضرت امام جواد <small>علیه السلام</small>
۱۱۰	قنوت اول حضرت امام جواد <small>علیه السلام</small>
۱۱۱	قنوت دوم حضرت امام جواد <small>علیه السلام</small>
۱۱۴	قنوت‌های امام علی النقی <small>علیه السلام</small>
۱۱۴	قنوت اول حضرت امام علی النقی <small>علیه السلام</small>
۱۱۵	قنوت دوم حضرت امام علی النقی <small>علیه السلام</small>
۱۱۸	قنوت‌های امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۱۱۸	قنوت اول حضرت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۱۱۹	قنوت دوم حضرت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۱۲۸	قنوت‌های حضرت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۲۸	قنوت اول حضرت صاحب الامر <small>علیه السلام</small>

فهرست مطالب

قنوت دوم حضرت صاحب الامر <small>علیه السلام</small>	۱۲۹
دعاها و تعویذهای ارزشمند از رسول اکرم و اهلیت نبوت <small>صلی الله علیه و آله</small>	
دعاهای حضرت رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۳۴
دعای پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در روز جنگ بدر	۱۳۴
دعای پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در جنگ احد	۱۳۴
دعای پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در شب جنگ احزاب	۱۳۵
دعای دیگر پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در جنگ احزاب	۱۳۵
دعای دیگر پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در جنگ احزاب	۱۳۷
دعای دیگر پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در جنگ احزاب	۱۳۸
دعای پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در جنگ حنین	۱۳۸
دعای پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در امان از شر جن و انس	۱۳۹
دعای پیغمبر هنگام دیدن عفریت	۱۳۹
دعای دیگر پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> هنگام دیدن عفریت	۱۴۰
دعای پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در جنگ خیبر	۱۴۱
دعای پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در جنگ وادی القری	۱۴۲
دعای پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> برای محافظت	۱۴۵
دعای پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> برای نجات از بلا	۱۴۶
دعای اسماء حسنا خداوند	۱۴۷
تعویذی از پیغمبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۵۰
دعای کرامت امت مسلمان	۱۵۱
اجر و ثواب دعا از بیان حضرت علی <small>علیه السلام</small>	۱۵۳
دعای مبارک کنز العرش شامل اسم اعظم	۱۵۹
دعائی که جبرئیل به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> آموخت	۱۶۹
دعای قدح	۱۶۹
دعای فرج رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۷۲
دعای جلیل القدر اسماء الله	۱۷۶
دعاهای حضرت علی <small>علیه السلام</small>	۱۷۹
دعای حضرت علی <small>علیه السلام</small> هنگام رفتن به یمن	۱۷۹

فهرست مطالب

دعای حضرت علی <small>علیه السلام</small> در جنگ جمل.....	۱۸۰
دعای حضرت علی <small>علیه السلام</small> در جنگ صفین.....	۱۸۳
دعای حضرت علی <small>علیه السلام</small> در تمام جنگها.....	۱۸۴
دعای دفع بیماری.....	۱۸۴
دعای جنگ هریر در صفین.....	۱۸۵
دعای دفع شر.....	۱۸۷
دعای دیگر امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در صفین.....	۱۹۳
دعای دفع ترس از حضرت امیر <small>علیه السلام</small>	۱۹۴
دعای پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small> شبیه به دعای بالا.....	۱۹۵
دعای اویس قرنی <small>رضی الله عنه</small>	۱۹۵
دعای دیگر اویس قرنی <small>رضی الله عنه</small>	۱۹۷
دعای حرز یمانی.....	۲۰۰
دعایی دیگر از حضرت علی <small>علیه السلام</small>	۲۰۹
دعای حرز یمانی به روایت دیگر.....	۲۱۴
دعای با فضیلت حضرت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۲۲۴
دعای یستشیر.....	۲۲۸
دعای توسعه رزق.....	۲۳۳
دعای سریع الاجابه.....	۲۳۴
دعای اعتصام و تهلیل و سؤال.....	۲۴۶
دعای جامع.....	۲۴۹
دعای جامع دیگر.....	۲۵۳
دعای دیگر امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۲۵۶
دعاهای حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>	۲۵۶
دعای رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> به حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>	۲۵۶
دعای دیگر حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>	۲۵۹
دعای دیگر حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>	۲۵۹
دعای دیگر حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>	۲۶۰
دعای حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> در خلاصی از حبس.....	۲۶۰
دعاهای امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>	۲۶۱
دعای امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small> نزد معاویه.....	۲۶۱

فهرست مطالب

۲۶۲	دعایی دیگر از امام حسن <small>علیه السلام</small>
۲۶۳	دعایی دیگر از امام حسن <small>علیه السلام</small>
۲۶۴	دعای دیگر امام حسن <small>علیه السلام</small>
۲۶۵	دعای دیگر امام حسن <small>علیه السلام</small>
۲۶۶	دعاهای حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۶۶	دعای عظیم الشان عشرات
۲۷۳	دعای عشرات به روایتی دیگر
۲۷۷	دعای مشلول
۲۸۸	دعای دیگر امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۸۹	دعای هر صبح و شام امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۹۰	دعاهای حضرت امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>
۲۹۰	دعای آن حضرت در امور بسیار مهم
۲۹۱	دعای آن حضرت در مهمات
۲۹۸	دعای آن حضرت در اجتناب از دشمنان
۳۰۲	دعای دیگر حضرت امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>
۳۰۸	دعاهای حضرت امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۳۰۸	دعای اول حضرت امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۳۱۴	دعای دوم از حضرت امام باقر <small>علیه السلام</small>
۳۱۵	دعای جامع از حضرت امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۳۱۸	دعای دیگر از امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۳۱۸	دعای ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۳۱۹	دعای ضد غم و اندوه از امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۳۱۹	دعاهای حضرت امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۳۱۹	دعای اول حضرت امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۳۳۴	دعای دوم حضرت امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۳۳۷	تعویذی از حضرت امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۴۳۸	توسل به قرائت سورة مبارکه قدر
۳۳۹	دعای سوم حضرت امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۳۴۲	دعای چهارم از حضرت امام صادق <small>علیه السلام</small>
۳۴۹	دعائی پنجم از امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>

فهرست مطالب

۳۵۷	دعای ششم امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۳۶۱	دعای هفتم از امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۳۸۲	دعای نهم حضرت امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۳۸۴	دعای تضرع هنگام مشکلات
۳۸۸	دعاهای حضرت امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small>
۳۸۸	دعای جوشن صغیر
۴۰۵	دعای اعتقاد
۴۰۹	دعای مستجاب
۴۲۰	حرز امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small>
۴۲۶	دعای نجات از حبس
۴۲۸	دعاهای حضرت امام رضا <small>علیه السلام</small>
۴۲۸	تعویذ حضرت امام رضا <small>علیه السلام</small>
۴۳۰	دعای امان از جانوران درنده
۴۳۹	دعای حضرت امام رضا <small>علیه السلام</small> هنگام سختیها
۴۴۳	دعای مظلوم علیه ظالم
۴۴۴	دعای یوشع بن نون وصی حضرت موسی <small>علیه السلام</small>
۴۴۵	دعای حضرت امام رضا <small>علیه السلام</small> در سجده شکر
۴۴۷	دعاهای امام محمد تقی <small>علیه السلام</small>
۴۴۷	دعاهای الوسائل الى المسائل
۴۴۸	مناجات جهت استخاره در کارها
۴۴۹	مناجات طلب گذشت از گناهان
۴۵۱	مناجات جهت مسافرت
۴۵۲	مناجات جهت طلب رزق
۴۵۴	مناجات جهت پناه به خدای تعالی
۴۵۵	مناجات جهت قبول توبه
۴۵۶	مناجات جهت طلب حج
۴۵۷	مناجات جهت نابودی ظلم
۴۵۸	مناجات جهت شکر خدای تعالی
۴۵۹	مناجات جهت طلب حاجتها
۴۶۰	دعاهای حضرت امام علی نقی <small>علیه السلام</small>

فهرست مطالب

۴۶۰ دعای مظلوم جهت دفع ظلمِ ظالم
۴۶۹ دعائی که رد نشود
۴۷۰ دعا جهت دفع ظلم و نجات از فقر
۴۷۲ دعاهاى حضرت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۷۳ هلاک شدن مستعین خلیفه عباسی
۴۷۳ هلاک شدن معتز خلیفه عباسی
۴۷۴ هلاک شدن مهتدی خلیفه عباسی
۴۷۶ دعای صبح حضرت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۸۱ دعاهاى حضرت صاحب الزمان <small>علیه السلام</small>
۴۸۱ دعای علوی مصری
۵۰۷ نماز حضرت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۵۰۹ دعای مستجاب

حجابهای پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام

۵۱۱ حجاب حضرت رسول <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۵۱۲ حجاب حضرت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۵۱۳ حجاب حضرت امام حسن <small>علیه السلام</small>
۵۱۴ حجاب حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small>
۵۱۵ حجاب حضرت امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>
۵۱۶ حجاب حضرت امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۵۱۷ حجاب حضرت امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>
۵۱۸ حجاب حضرت امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small>
۵۱۸ حجاب حضرت امام رضا <small>علیه السلام</small>
۵۱۹ حجاب حضرت امام محمد تقی <small>علیه السلام</small>
۵۲۰ حجاب حضرت امام علی نقی <small>علیه السلام</small>
۵۲۱ حجاب حضرت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۵۲۲ حجاب حضرت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۵۲۳ دعاهاى که به خاطر مرسیده
۵۲۳ دعائی دیگر که به خاطر مرسیده

فهرست مطالب

دعای دیگر که به خاطر رسیدن ۵۲۴

ادعیه متفرقه از انبیاء و اولیاء علیهم السلام

۵۲۶	دعای حضرت آدم علیهِ السلام
۵۲۸	دعای حضرت نوح علیهِ السلام
۵۲۸	دعای حضرت ادریس علیهِ السلام
۵۳۱	دعای حضرت ابراهیم علیهِ السلام
۵۳۲	دعای حضرت یوسف علیهِ السلام
۵۳۳	دعای دوم حضرت یوسف علیهِ السلام
۵۳۴	دعای حضرت یوسف علیهِ السلام هنگام ابتلا
۵۳۵	دعای حضرت یوسف علیهِ السلام هنگام تهمت زلیخا
۵۳۵	دعای حضرت یعقوب علیهِ السلام
۵۳۶	دعای حضرت ایوب علیهِ السلام
۵۳۶	دعای حضرت موسی علیهِ السلام
۵۳۷	دعای دیگر حضرت موسی علیهِ السلام
۵۳۷	دعای حضرت یوشع علیهِ السلام
۵۳۸	دعای حضرت خضر و حضرت الیاس علیهِ السلام
۵۳۹	دعای حضرت خضر علیهِ السلام
۵۴۰	دعای حضرت یونس علیهِ السلام
۵۴۰	دعای دیگر حضرت یونس علیهِ السلام
۵۴۱	دعای حضرت داوود علیهِ السلام
۵۴۱	دعای حضرت آصف بن برخیا علیهِ السلام
۵۴۲	دعای حضرت عیسی علیهِ السلام
۵۴۳	دعای حضرت عیسی علیهِ السلام به سند دیگر
۵۴۴	دعای دیگر حضرت عیسی علیهِ السلام
۵۴۴	دعای حضرت سلمان فارسی علیهِ السلام
۵۴۸	دعای شخص اسیر

فهرست مطالب

دعاهای اسم اعظم از ائمه علیهم السلام

۵۵۰	دعای اول
۵۵۰	دعای دوم
۵۵۰	دعای سوم
۵۵۰	دعای چهارم
۵۵۱	دعای پنجم
۵۵۱	دعای ششم
۵۵۱	دعای هفتم
۵۵۲	دعای هشتم
۵۵۲	دعای نهم
۵۵۳	دعای دهم
۵۵۳	دعای یازدهم
۵۵۳	دعای دوازدهم
۵۵۴	دعای سیزدهم
۵۵۴	دعای چهاردهم
۵۵۵	دعای پانزدهم
۵۵۵	دعای شانزدهم
۵۵۶	دعای هفدهم
۵۵۶	دعای هیجدهم
۵۵۶	دعای نوزدهم
۵۵۶	دعای بیستم
۵۵۷	دعای بیست و یکم
۵۵۷	دعای بیست و دوم
۵۵۸	دعای بیست و سوم
۵۵۸	دعای بیست و چهارم
۵۵۹	دعای بیست و پنجم
۵۵۹	دعای بیست و ششم
۵۶۱	دعای بیست و هفتم

فهرست مطالب

۵۶۲	دعای بیست و هشتم
۵۶۲	دعای بیست و نهم

دعاهای عافیت از ائمه علیهم السلام

۵۶۵	دعای فلج و سایر امراض
۵۶۷	دعای زیاد شدن نور چشم
۵۶۷	دعای دیگر جهت نور چشم
۵۶۸	دعای دیگر جهت نور چشم
۵۶۸	دعای یساری
۵۷۹	دعای فرج و دفع اندوه
۵۸۰	دعای دفع غم و اندوه
۵۸۰	دعا در زمان غیبت
۵۸۱	دعای غریق در زمان غیبت
۵۸۱	دعا در زمان غیبت
۵۸۲	دعای دفع شدت و سختی
۵۸۲	دعا در زمان غیبت
۵۸۳	دعای شیعیان بعد از هر نماز
۵۸۴	دعای عهدنامه

دعای سیدبن طاووس رحمته الله علیه

۵۸۷	دعای دیگر سیدبن طاووس <small>رحمته الله علیه</small>
۵۸۸	دعای دیگر سیدبن طاووس <small>رحمته الله علیه</small>
۵۸۸	دعای دیگر سیدبن طاووس <small>رحمته الله علیه</small>
۵۸۹	دعای دیگر سیدبن طاووس <small>رحمته الله علیه</small>
۵۹۰	دعای دیگر سیدبن طاووس <small>رحمته الله علیه</small>
۵۹۱	دعای دیگر که بخاطر شخصی رسیده
۵۹۲	دعای عبرات
۵۹۸	دعای عبرات به روایتی دیگر

فهرست مطالب

۶۰۶	دعای سیدبن طاووس <small>رحمه الله</small>
۶۰۷	دعای دیگر سیدبن طاووس <small>رحمه الله</small>
۶۱۷	خواص آب نیسان
۶۱۹	شرایط استجاب دعا
۶۲۰	اوقات استجاب دعا
۶۲۰	استجاب دعا و نفرین در ماههای عربی
۶۲۱	اوقات استجاب دعا در طول سال
۶۲۱	اوصاف دعاکنندگان
۶۲۲	شرائط دعا کردن
۶۲۴	یاد آوری مهم
۶۲۵	دعاهای مصنف <small>رحمه الله</small> در پشت کتاب
۶۲۵	دعای شخص نابینا
۶۲۵	دعای ادای دین
۶۲۵	دعای هلاکت دشمن
۶۲۶	دعای حضرت یوسف <small>عليه السلام</small>
۶۲۶	دعای حضرت یعقوب <small>عليه السلام</small>
۶۲۶	دعا حضرت علی <small>عليه السلام</small> قبل از خواب
۶۲۷	دعای حضرت علی <small>عليه السلام</small>
۶۲۸	سخن مترجم کتاب <small>رحمه الله</small>

این کتاب را به نیت خیر و برکت